



مقایسه تطبیقی سیر تحول صنایع نساجی و پوشاک در ایران و ترکیه



تهیه شده در دفتر مطالعات آماری و راهبردی

انجمن صنایع نساجی ایران

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
اطلاعات عمومی.....	۲
اطلاعات اقتصادی.....	۶
تولید ناخالص داخلی (GDP).....	۶
درآمد سرانه.....	۱۶
سهم بخشهای مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی.....	۲۰
بهره‌وری نیروی انسانی در بخش‌های مختلف اقتصادی.....	۳۷
نرخ تورم.....	۴۰
نرخ تبدیل ارز.....	۴۷
نرخ بیکاری.....	۵۹
نرخ مالیات.....	۶۴
نرخ سود تسهیلات بانکی.....	۷۸
جمع بندی بخش اقتصادی.....	۸۱
اطلاعات تجاری.....	۸۳
ایران.....	۸۳
روند تغییرات صادرات ایران.....	۸۳
سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی.....	۸۶
صادرات عمده ایران با توجه به نوع فعالیت اقتصادی.....	۸۷
روند تغییرات واردات ایران.....	۸۸
ترکیب واردات کالا به ایران در سالهای مختلف.....	۹۰
نرخ تعرفه.....	۹۱
تراز تجاری ایران.....	۹۵

۹۶	شرکای عمده تجاری ایران
۹۹	ترکیه
۹۹	روند تغییرات صادرات ترکیه
۱۰۰	سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی
۱۰۰	صادرات عمده ترکیه با توجه به نوع فعالیت اقتصادی
۱۰۱	روند تغییرات واردات ترکیه
۱۰۲	ترکیب واردات کالا به ترکیه در سالهای مختلف
۱۰۳	نرخ تعرفه
۱۰۴	تراز تجاری ترکیه
۱۰۵	شرکای عمده تجاری ترکیه
۱۰۷	جمع‌بندی بخش تجاری
۱۰۸	بخش صنعت
۱۱۰	صنعت ایران
۱۱۳	سهم صنایع از اشتغال ایران
۱۱۵	صنعت توریسم ایران
۱۱۶	بهره‌وری کل عوامل تولید در زیربخشهای صنایع
۱۱۸	صنعت ترکیه
۱۲۵	صنعت توریسم
۱۲۸	بهره‌وری کل عوامل تولید در زیربخشهای صنایع
۱۲۹	جمع‌بندی بخش صنعت
۱۳۰	صنعت نساجی و پوشاک
۱۳۱	معرفی صنعت نساجی، پوشاک و چرم
۱۳۲	تعداد کارگاههای صنعتی بزرگ
۱۳۵	میزان اشتغال

۱۳۶	ارزش افزوده صنعت نساجی، پوشاک و چرم
۱۳۸	سهم صنعت نساجی، پوشاک و چرم در ارزش افزوده ساخت
۱۳۹	اقدام عمده تولیدی در صنعت نساجی، پوشاک و چرم
۱۴۲	حجم سرمایه گذاری در بخش نساجی و پوشاک ایران و ترکیه
۱۴۶	حجم صادرات و واردات در صنایع نساجی و پوشاک
۱۴۹	تجارت میان ایران و ترکیه
۱۵۲	جمع بندی بخش صنایع نساجی و پوشاک
۱۵۳	مشکلات صنعت نساجی ایران
۱۵۵	نقاط قوت و ضعف در صنعت نساجی کشور
۱۵۸	ارائه راهکارهای پیشنهادی اجرایی برای بهبود صنعت نساجی کشور
۱۵۹	جمع بندی
۱۶۳	منابع

مقدمه

ترکیه یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده‌است و کارشناسان، آینده درخشانی را طی سال‌های آتی برای آن پیش‌بینی می‌کنند.

این کشور در خاورمیانه و قسمتی از آن در اروپا واقع است با این حال چندی است که در حال تلاش جهت پیوستن به اتحادیه اروپا می‌باشد.

این کشور طی ۱۰ سال اخیر با تغییر نگرش اقتصادی از نیمه دولتی به اقتصاد باز و ایجاد تعامل با کشورهای دیگر توانسته تحولی را در مسیر توسعه اقتصادی ایجاد کند. پیمودن این راه سخت پیامدهای مثبتی برای این کشور به همراه داشته است. مهار تورم بالا، چندین برابر شدن رقم صادرات، افزایش درآمد سرانه و اشتغال نشانگر انتخاب راه درست در توسعه اقتصادی این کشور است. دولت ترکیه با انتشار سندی راهبردی هدف صادراتی خود را برای سال ۲۰۲۳ حدود ۵۴۵ میلیارد دلار تعیین کرده است، که ۱۰۰ میلیارد دلار آن در حوزه نساجی و پوشاک می‌باشد، و با برنامه‌ریزی‌هایی که برای توسعه زیر ساخت‌های خود انجام داده دستیابی به این اهداف دور از انتظار نیست. این شرایط در حالی است که ترکیه مهم‌ترین رقیب ایران در منطقه برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴ است و از این رو شناخت وضعیت اقتصادی ترکیه و مسیری که در سال‌های اخیر طی نموده و در آینده طی خواهد کرد، خالی از لطف نیست. در این راستا با مقایسه ایران و ترکیه و با در نظر گرفتن سند چشم‌انداز که مطابق آن تا ۱۴ سال آینده ایران باید کشور اول منطقه باشد، این سوال مطرح است که مزیت‌های نسبی ترکیه نسبت به ایران چیست؟

از سوی دیگر صنعت نساجی ایران و همتای ترک آن تا همین چند دهه پیش وضعیتی تقریباً مشابه یکدیگر داشتند و حتی در دوره‌ای صنعت نساجی ایران بسیار جلوتر از رقیب خود در کشور همسایه بود. اما چه شد که طی دوره‌ای چند ساله صنعت نساجی ترکیه ضمن پیشی گرفتن از رقیب ایرانی خود به یکی از غولهای دنیا تبدیل شد، سوالی است که در طول این نوشتار درصدد پاسخ به آن برخواهیم آمد.

در این تحقیق ضمن بررسی وضعیت اقتصادی ایران و ترکیه طی ۳۰ سال اخیر و سیر تحول صنعت نساجی و پوشاک این دو کشور طی این مدت، دلایل پیشی گرفتن ترکیه از ایران در این صنعت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اطلاعات عمومی

ایران^۱



مساحت: ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع

زمین قابل کشت: ۹/۷۸٪

شهرهای مهم: تهران (پایتخت)، اصفهان، مشهد، کرج، تبریز، شیراز، یزد.

ملیت مردم: ایرانی

^۱. www.cia.gov

جمعیت (۲۰۱۰):^۱ ۷۶/۲۰۱ میلیون نفر

نرخ رشد جمعیت (سال ۲۰۱۱): ۱/۲۴۸٪ (رتبه در بین ۲۳۰ کشور جهان: ۹۴)

جمعیت شهری (سال ۲۰۱۰): ۷۱٪ کل جمعیت

نرخ افزایش سالیانه جمعیت شهری (پیش‌بینی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵): ۱/۹٪

گروه‌های قومی: فارس، آذری، گیلکی و مازندرانی، کرد، عرب، لر، بلوچ، ترکمن، سایر

ادیان موجود: مسلمان شیعه ۸۹٪، مسلمان سنی ۹٪، زرتشتی، یهودی و مسیحی ۲٪.

گروه‌های سنی افراد جامعه (سال ۲۰۱۱):

۱۴-۰ سال: ۲۴/۱٪ (۹.۶۰۸.۳۴۲ مذکر، ۹.۱۲۸.۴۲۷ مؤنث)

۱۵-۶۴ سال: ۷۰/۹٪ (۲۸.۰۸۳.۱۹۳ مذکر، ۲۷.۱۷۰.۴۴۵ مؤنث)

۶۵ سال به بالا: ۵٪ (۱.۸۴۴.۹۶۷ مذکر، ۲.۰۵۵.۸۴۶ مؤنث)

میانگین سنی افراد جامعه (سال ۲۰۱۱):

کل: ۲۶/۸ سال

مذکر: ۲۶/۶ سال

مؤنث: ۲۷/۱ سال

هزینه بهداشت و درمان (سال ۲۰۰۹): ۳/۹٪ تولید ناخالص داخلی (رتبه در بین ۱۸۹ کشور جهان: ۱۶۶)

^۱. مرکز آمار ایران



مساحت: ۷۸۳.۵۶۲ کیلومتر مربع

زمین قابل کشت: ۲۹/۸۱٪

شهرهای مهم: استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا، آدانا

ملیت مردم: ترک

جمعیت (سال ۲۰۱۰)^۲: ۷۲/۷۵ میلیون نفر

نرخ رشد جمعیت (سال ۲۰۱۱): ۱/۲۳۵٪ (رتبه در بین ۲۳۰ کشور جهان: ۹۵)

^۱. www.cia.gov

^۲. World Bank

جمعیت شهری (سال ۲۰۱۰): ۷۰٪ کل جمعیت

نرخ افزایش سالیانه جمعیت شهری (پیش‌بینی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵): ۱/۷٪

گروه‌های قومی: ترک، کرد و سایر

ادیان موجود: مسلمان ۹۹/۸٪ (بیشتر سنی)، سایر ۰/۲٪ (بیشتر مسیحی و یهودی)

گروه‌های سنی افراد جامعه (سال ۲۰۱۱):

۰-۱۴ سال: ۲۶/۶٪ (۱۰.۷۰۷.۷۹۳ مذکر، ۱۰.۲۲۶.۹۹۹ مؤنث)

۱۵-۶۴ سال: ۶۷/۱٪ (۲۶.۷۴۱.۳۳۲ مذکر، ۲۶.۱۶۲.۷۵۷ مؤنث)

۶۵ سال به بالا: ۶/۳٪ (۲.۲۵۹.۴۲۲ مذکر، ۲.۶۸۷.۲۴۵ مؤنث)

میانگین سنی افراد جامعه (سال ۲۰۱۱):

کل: ۲۸/۵ سال

مذکر: ۲۸/۱ سال

مؤنث: ۲۸/۸ سال

هزینه بهداشت و درمان (سال ۲۰۰۹): ۶/۷٪ تولید ناخالص داخلی (رتبه در بین ۱۸۹ کشور جهان: ۸۸)

اطلاعات اقتصادی

بدون شک تغییرات اقتصادی هر کشور بر روی صنایع مختلف آن تأثیرگذار خواهد بود. لذا به منظور مقایسه‌ی صنایع نساجی و پوشاک دو کشور ایران و ترکیه، ابتدا تحولات اقتصادی این دو کشور را بررسی خواهیم نمود. در این بخش به منظور بررسی تحولات اقتصادی کشورهای ایران و ترکیه، شاخص‌های اقتصادی عمده این دو کشور مانند تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، نرخ تورم، نرخ مالیات، نرخ بیکاری و نرخ تبدیل ارز طی ۳۰ سال اخیر مورد بررسی و مقایسه قرار خواهد گرفت.



تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی یا GDP یکی از مقیاس‌های اندازه اقتصاد است که ارزش کل کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در یک بازه زمانی معین را با توجه به واحد پول جاری اندازه‌گیری می‌کند. در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته‌اند و خود آنها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

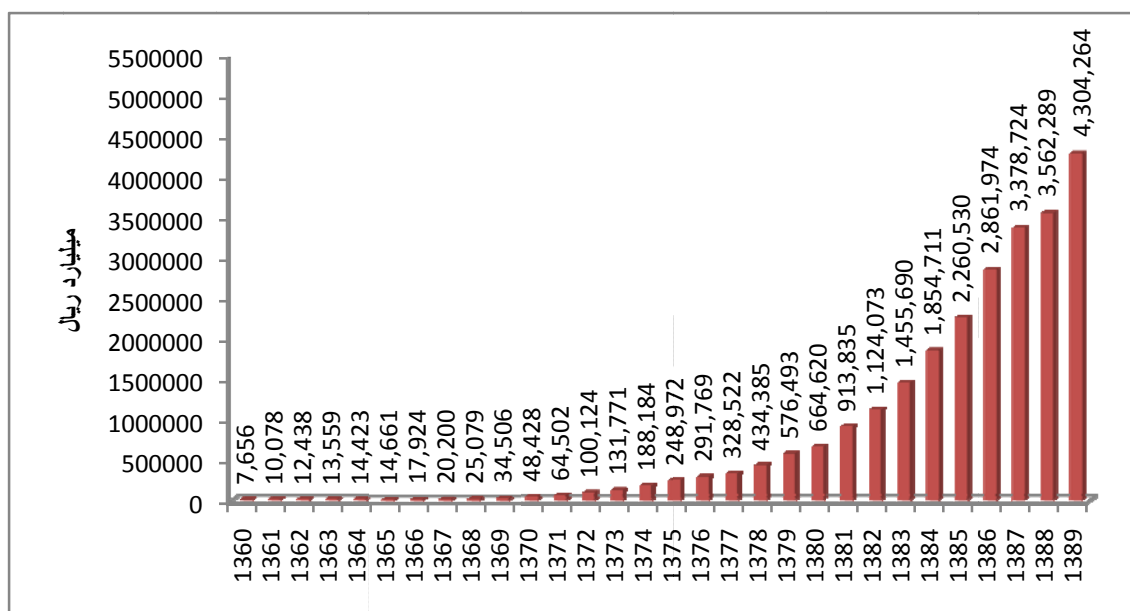
هر چیز تولید شده در کشور بدون توجه به ملیت یا کارگران درگیر یا مالکیت شرکت‌های تولید کالا برای محاسبه تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود - به طور خلاصه، اگر در درون مرزهای کشور تولید شده باشد، به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. به طور کلی، افزایش در تولید ناخالص داخلی در سال جاری در مقایسه با سال قبل به عنوان یک شاخص مثبت ارزیابی می‌شود.

در این قسمت میزان تولید ناخالص داخلی دو کشور ایران و ترکیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ایران

روند تغییر تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری طی ۳۰ سال اخیر در نمودار زیر آورده شده است.

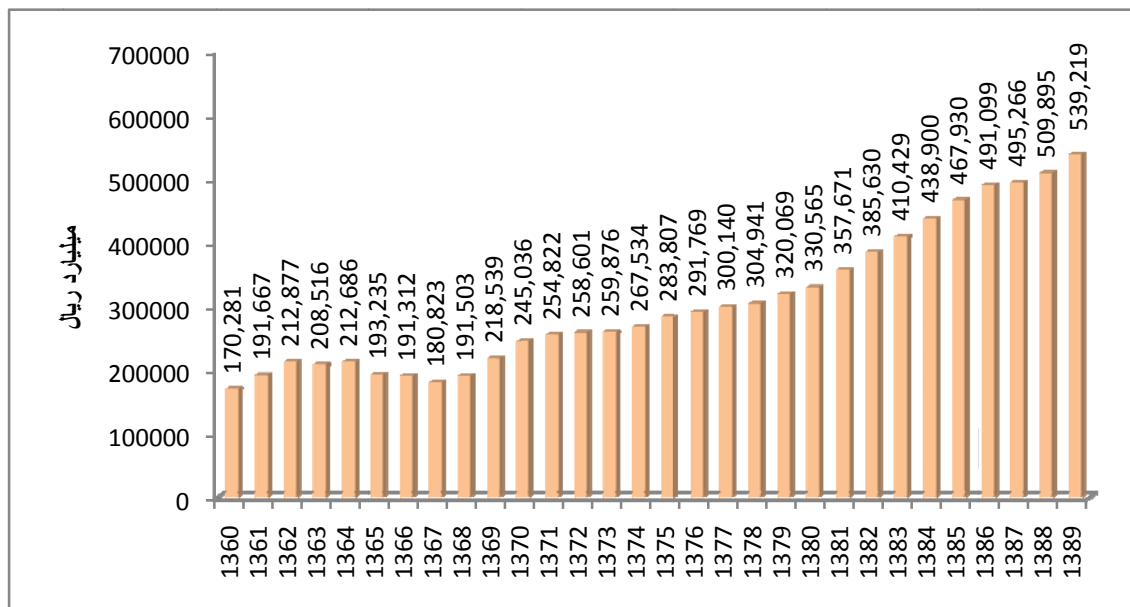
تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

برای بررسی تولید ناخالص داخلی، دوره ۳۰ ساله به پنج قسمت تقسیم می‌شود و این روند در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ و سال‌های اجرای ۴ برنامه توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتایج مورد مقایسه قرار می‌گیرند. بدین منظور در ادامه تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ آورده شده است تا با استفاده از داده‌های آن به بررسی تغییرات واقعی تولید ناخالص داخلی کشور بپردازیم.

تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷، تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۱/۱۴ درصد رشد داشته است. باید توجه داشت که درآمد نفتی ایران در سال ۶۷، ۲۳ درصد نسبت به سال ۶۰ کاهش و درآمد مالیاتی و سایر درآمدها به ترتیب ۷ و ۸۱ درصد افزایش داشته‌اند.

برنامه اول توسعه در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ بوده است. تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۲، به میزان ۳۵٪ نسبت به سال آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (سال ۶۸) رشد داشته است. در طول سال‌های این برنامه، متوسط رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۷۶، برابر ۷/۵ درصد بوده است.

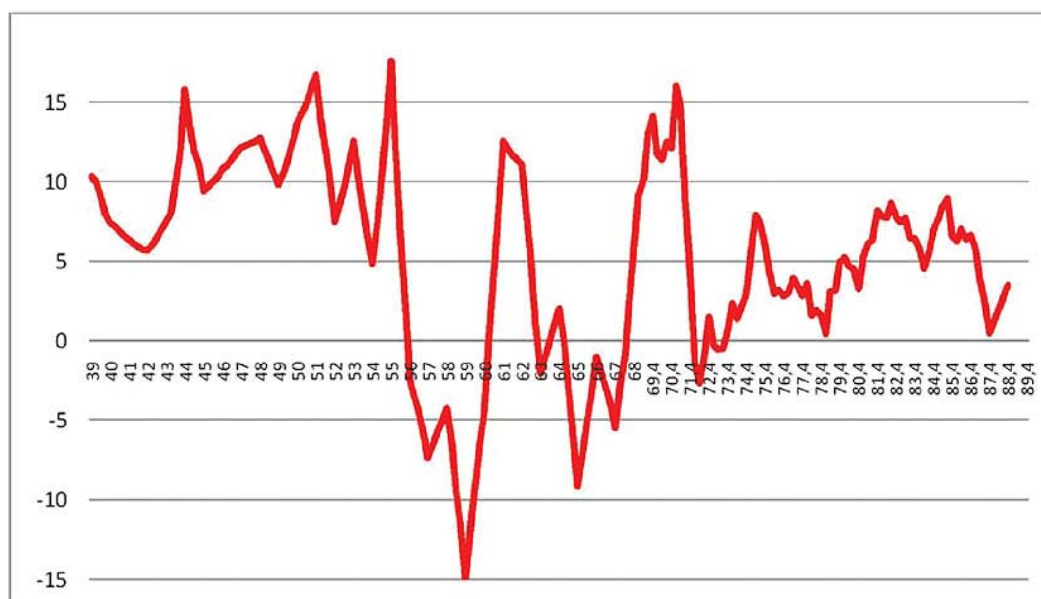
برنامه دوم توسعه در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۸ اجرا شده است. در طی این سال‌ها تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالیانه ۳/۲۶٪ افزایش یافته است، به طوری که در سال ۷۸ با رشد ۱۴٪ نسبت به سال ۷۴ مواجه بوده‌ایم.

برنامه سوم توسعه در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ اجرا شده است. در طی این سال‌ها تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالیانه ۶/۱۳٪ افزایش یافته است، این مقدار رشد از رشد در برنامه اول کمتر و از میزان رشد در برنامه

دوم بیشتر است. در سال ۱۳۸۳، تولید ناخالص داخلی کشور نسبت به سال ابتدای برنامه (سال ۷۹) ۲۸٪ رشد داشته است.

برنامه چهارم توسعه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ اجرا شده است. در طی این سال‌ها میزان رشد سالیانه به طور متوسط ۴/۷٪ بوده است.^۱

در کنار میزان تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد اقتصادی، از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است. در حالی که میزان تولید و درآمد سرانه، بیانگر میزان رفاه است، نرخ رشد اقتصادی، سرعت افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن سرعت بهبود یا کاهش سطح رفاه و برخورداری مردم را نشان می‌دهد. نرخ رشد اقتصاد ایران، در این دوره تاریخی افت و خیزهای بسیار زیادی را تجربه نموده است. روند تاریخی نرخ رشد اقتصاد ایران در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۳: نرخ رشد اقتصادی در ایران (درصد)

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی

توضیحات: داده‌های فصلی تا سال ۱۳۶۷ در دسترس نبوده است.

از سال ۱۳۳۹ تا اواسط سال ۱۳۵۶، اقتصاد ایران نرخ‌های رشد اقتصادی بالایی را تجربه نموده است. در این دوره نرخ رشد اقتصادی بین ۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده است. در مجموع در این دوره ۱۷ ساله، میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران حدود ۱۰/۵ درصد بوده است که نرخ رشد بسیار مناسبی است. با آغاز شرایط انقلابی در

^۱ وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، تیرماه ۱۳۸۸

سال ۱۳۵۶ و پس از آن آغاز جنگ، نرخ رشد اقتصادی به شدت کاهش می‌یابد و به جز سال‌های ۶۱، ۶۲ و ۶۴، نرخ رشد اقتصادی تا پایان جنگ ارقام منفی را تجربه نموده است. میانگین نرخ رشد اقتصادی در این دوره ۲/۳- درصد در سال بوده است. در دوران پس از جنگ نیز، نرخ رشد اقتصادی بسیار پرنوسان ظاهر شده و از ۲/۵- درصد تا ۱۶ درصد را تجربه نموده است، اما میانگین نرخ رشد اقتصادی در دوره پس از جنگ تا سال ۱۳۸۸، ۵ درصد بوده است. در دوره سازندگی نرخ رشد اقتصادی نوسانات زیادی را تجربه می‌نماید. نرخ رشد اقتصادی ابتدا طی یک روند صعودی تا پایان سال ۶۹ به محدوده ۱۵ درصد می‌رسد، اما در سال ۷۱ نرخ رشد اقتصادی با افت شدید مواجه شده و تا پایان سال ۷۳ در محدوده صفر یا حتی ارقام منفی نوسان می‌نماید. پس از آن با افزایش مجدد به محدوده ۸ درصد در سال ۷۵ نیز می‌رسد، اما دوباره با کاهش مواجه می‌شود. نرخ رشد اقتصادی در مجموع در دوره هشت ساله سازندگی به طور میانگین برابر ۵/۵ درصد بوده است. در دوره اول اصلاحات نرخ رشد اقتصادی در محدوده کمتر از ۵ درصد و در دوره دوم در محدوده بالاتر از ۵ درصد حفظ شده است و در مجموع نرخ رشد اقتصادی در دوره هشت ساله اصلاحات به طور میانگین برابر ۴/۹ درصد بوده است. در دوره پس از اصلاحات، ابتدا نرخ رشد اقتصادی تا ۹ درصد در سال ۸۵ افزایش می‌یابد، اما پس از آن روند نزولی به خود می‌گیرد. در سال ۱۳۸۸ نرخ رشد مجدداً افزایش یافته و به ۳/۵ درصد می‌رسد. نرخ رشد اقتصادی در این دوره تا پایان سال ۸۸، به طور میانگین برابر ۵/۱ درصد بوده است.^۱

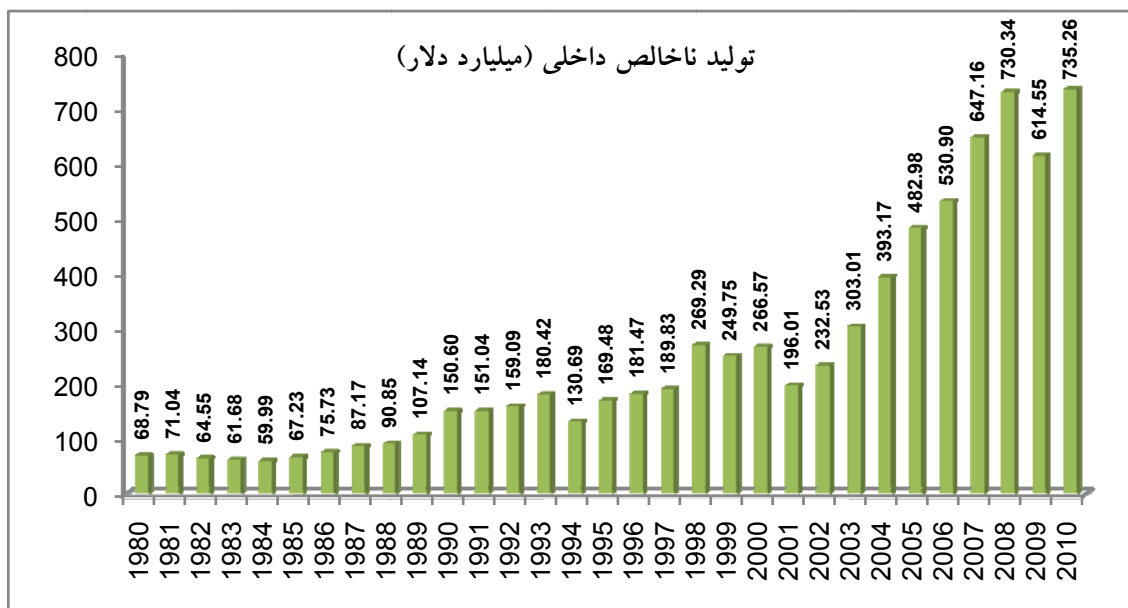
ترکیه

ترکیه در میان کشورهای خاورمیانه یک استثنای تمام عیار است. تردیدی نیست که این کشور در ادوار اخیر تحولات قابل ملاحظه‌ای را در رشد و توسعه اقتصادی تجربه کرده است.

تولید ناخالص ملی ترکیه، متکی بر اقتصاد تک محصولی و یا ناشی از درآمد فروش مواد اولیه نیست؛ بلکه ترک-ها بر پایه‌ی سیاست تشویق صادرات و مهار تورم، به افزایش رشد اقتصادی اولویت داده‌اند. از این رو، تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۲۰۰۱ به بعد روند صعودی داشته و بر اساس آمار WorldBank در سال ۲۰۱۰، تولید ناخالص داخلی ترکیه به قیمت جاری در بین ۱۷۳ کشور، رتبه ۱۶ را به خود اختصاص داد.

تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۰ در نمودار صفحه بعد نشان داده شده است.

^۱ پنج دهه عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران، حمید زمان‌دار، دنیای اقتصاد، خرداد ۹۰

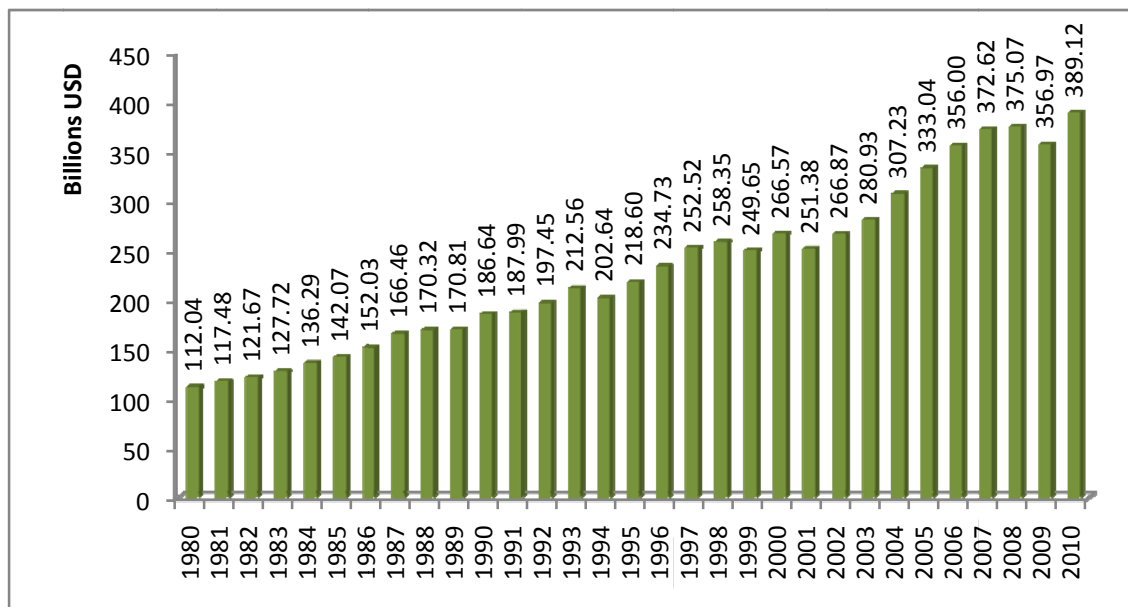


منبع: World Bank

همانگونه که از نمودار فوق به خوبی مشخص می‌گردد، تولید ناخالص داخلی ترکیه طی ۳۰ سال گذشته توانسته به خوبی رشد نموده و از ۶۸/۷۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۷۳۵/۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یابد.

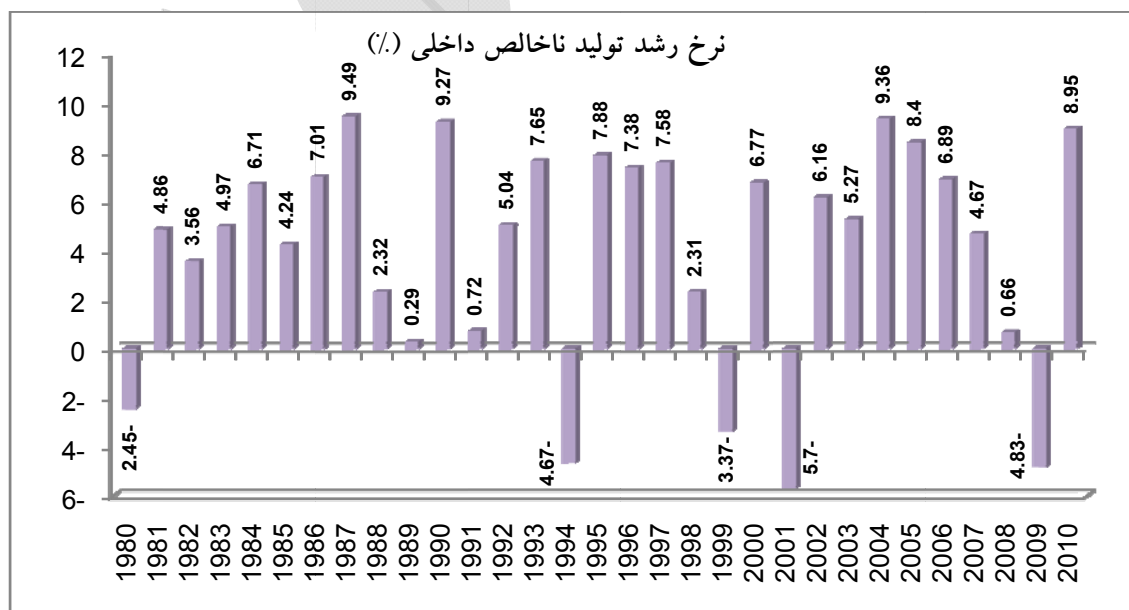
به منظور مقایسه هرچه بهتر روند افزایش تولید ناخالص داخلی کشور ترکیه، این شاخص بر اساس قیمت های ثابت سال ۲۰۰۰ برای این کشور گردآوری شده و نمودار زیر خلاصه شده است.

تولید ناخالص داخلی ترکیه به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰



منبع: World Bank

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در نمودار زیر قابل ملاحظه می‌باشد.



منبع: World Bank

همانطور که نمودار فوق نشان می‌دهد میزان تولید ناخالص داخلی ترکیه در سال ۱۹۸۰ با کاهش ۲/۴۵ درصدی مواجه شد. در سال ۱۹۸۰ سلیمان دمیرل، نخست وزیر وقت ترکیه اصلاحات اقتصادی که توسط تورگوت اوزال

جانشین وی طراحی شده بود را به اجرا گذاشت که هدف نهایی این طرح حرکت ترکیه به سمت یک اقتصاد صادراتی بود.

این برنامه حرکت به سوی افزایش رشد اقتصادی و کاهش تورم بود و طراحان این طرح امیدوار بودند که ترکیه در درازمدت به این مهم دست یابد. دولت ترکیه نیز با اتخاذ تصمیماتی به دنبال تحقق آن بود.

مهم‌ترین این تصمیمات عبارت بودند از:

- ۱ - تلاش برای انعطاف پذیر کردن نرخ ارز در این کشور.
- ۲ - مثبت نگه‌داشتن نرخ بهره واقعی (بالا نگه داشتن نرخ بهره اسمی از نرخ تورم) و کنترل میزان نقدینگی و اعتبارات.
- ۳ - حذف اغلب یارانه ها و آزادسازی قیمت‌های شرکت‌های دولتی .
- ۴ - اصلاح نظام مالیاتی.
- ۵ - تشویق سرمایه گذاری خارجی.

با اجرای این برنامه حرکت ترکیه به سوی افزایش رشد اقتصادی آغاز شد که منجر به افزایش ۴/۸۶ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۱۹۸۱ گردید. در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ به دلیل رشد فعالیت‌های صنعتی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه، شاهد افزایش ۵ درصدی بود. لازم به ذکر است که اقتصاد ترکیه از جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) بهره‌های فراوانی برد. با توجه به این‌که هر دو کشور درگیر در جنگ از مهم‌ترین شرکای تجاری ترکیه بودند، دولت این کشور در این مدت اعتبارات ویژه‌ای را برای تشویق به صادرات اختصاص داده بود. همچنین با ایجاد محدودیت صادرات نفت عراق از طریق خلیج فارس، دو خط از داخل خاک ترکیه برای صادرات نفت عراق در بندرهای شمالی ترکیه به نام‌های اسکندرون و جهان توسط عراق ایجاد شد که ظرفیت انتقال نفت خام در این خطوط ۱۰۱ میلیون بشکه در روز بود. ترکیه از دریافت حق ترانزیت این لوله‌ها رقمی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار درآمد کسب کرد.

جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱) موجب قطع خطوط انتقال نفت عراق در ترکیه شد و به علاوه ۳ میلیارد دلار صادرات ترکیه به عراق نیز از میان رفت ولی از سال ۱۹۹۲ اقتصاد ترکیه دوباره شروع به رشد کرد.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه در سال ۱۹۹۲ به ۵/۰۴ درصد و در سال ۱۹۹۳ به ۷/۶۵ درصد رسید ولی در میانه سال ۱۹۹۳ نرخ تورم افزایش یافت و به رشد واردات و کاهش صادرات دامن زد.^۱

تورم بالا و کاهش ارزش لیره ترکیه در سال ۱۹۹۴ منجر به اوضاع دشواری گردید و باعث کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۴/۶۷ درصد در این سال گردید. دسته ای از تحولات منفی مانند افزایش نرخ بهره، رکود در بازارهای اعتباری و آسیب پذیری نرخ مبادله ارز، رشد نامنظم و کاهش تقاضاهای داخلی موجب شد تا دولت ترکیه در ۱۹۹۴ مجموعه ای از تمهیدات ثبات بخش و ساختاری را در پیش گیرد. در این رابطه مهم ترین اهداف دولت در بخش عمومی اقتصاد کاهش کسری تجاری بود که به طور عمده فشارهای تورمی را کم می نمود. رشد اقتصادی برخلاف کاهش عمده در ۱۹۹۴ بیشتر از آنچه که برنامه ریزی شده بود حرکت خود را در پیش گرفت و در سال ۱۹۹۵ به ۸ درصد رسید که این رشد بیشتر ناشی از خیزش تقاضای داخلی بود.

اقتصاد ترکیه در ۱۹۹۶ بسیار بیشتر از حد مورد انتظار رشد یافت. در این سال نرخ رشد تقریباً ۲ برابر میزان تعیین شده که ۴/۵ درصد بود شد و به ۷/۴ درصد رسید. پائین بودن نرخ رشد تعیین شده به ۲ علت بود: اول آن که فکر می شد ایجاد اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا موجب کاهش نرخ رشد به دلیل افزایش واردات کالاهای رقیب تولیدات ترکیه شود و عامل دوم و مهم تر هم این بود که انتخابات سراسری سال ۱۹۹۵ موجب شد احتمال اجرایی شدن سیاست های ثبات بخشی که مدت زیادی به تعویق انداخته شده بودند توسط دولتی جدید افزایش یابد. ولی واردات کالا به خصوص کالاهای مصرفی به دلیل تقاضای زیاد داخلی فزونی یافت و همراه با سیاست های گسترش اقتصادی نرخ رشد واقعی را در حد بالانگه داشت.

در ۱۹۹۷ تولید ناخالص داخلی ۷/۵۸ درصد افزایش یافت. اقتصاد کلان ترکیه در دوره ۱۹۹۵-۹۷ شاهد یکی از بهترین مراحل رشد اقتصادی این کشور به دلیل تقاضای قوی داخلی بوده است.

در سال ۱۹۹۸ به دلیل کاهش مصرف و سرمایه گذاری خصوصی در نتیجه بحران مالی روسیه^۲، رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه به ۲/۳۱ درصد تنزل یافت. در اواخر دهه ۱۹۹۰ اقتصاد ترکیه دچار دو شوک مهم و اساسی شد. اول، بحران اقتصادی آسیا در سال ۱۹۹۷-۹۸ و نیز بحران روسیه ۹۹-۱۹۹۸ که اثرات منفی در تمام قسمت های اقتصادی این کشور به خصوص بخش صادرات داشته و دوم زمین لرزه ای که مرکز آن در کجایلی بود در ۱۷ آگوست ۱۹۹۹، رشد اقتصادی این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد. لذا با وجود نشانه-

^۱. روزنامه دنیای اقتصاد- شماره ۹۳۲- بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۸۵

^۲. در ۱۷ ماه اوت سال ۱۹۹۸ (۲۶ مرداد ۱۳۷۷) یکی از بحران های مالی جهان در روسیه اتفاق افتاد. این بحران که تحت عنوان بحران روبل نیز نامیده می شود، با توجه به اینکه روسیه یکی از شرکای صادراتی ترکیه به شمار می رود، تأثیر منفی خود را بر رشد اقتصادی ترکیه به جا گذاشت.

های مثبت ناشی از فائق آمدن بر آثار بحران روسیه در آغاز سال ۱۹۹۹ و زمین لرزه‌ی رخ داده در این سال، تداوم نرخ بالای بهره و افزایش مالیات‌های داخلی موجب جدی‌تر شدن کاهش رشد تولید ناخالص داخلی این کشور شد. و منجر به کاهش ۳/۳۷ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه در این سال گردید که از جمله بزرگترین افول‌های تولید ناخالص داخلی این کشور در طول سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی بود.

تا پایان این سال دولت ترکیه با توجه به آثار تورم بالا و نرخ بهره بر عملکرد اقتصادی ترکیه در ۲۵ سال گذشته، تمرکز خود را متوجه برنامه اقتصادی با هدف آزادسازی کشور از تورم و ایجاد افق‌های رشد و شرایط بهتر زندگی برای بخشی از مردم ترکیه نمود و به اصلاح ساختار اقتصادی خود پرداخت. تحت تأثیر این برنامه رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه در سال ۲۰۰۰ به ۶/۷۷ درصد رسید. با این حال با وجود موفقیت‌های چشمگیر این برنامه، بحران مالی سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آسیب‌پذیری اقتصاد ترکیه و به ویژه بخش بانکداری را افزایش داده و موجب بی‌ثباتی‌های جدی در بازارهای مالی شد و با وجود اجرای برنامه‌های جدید برای تقویت اقتصاد، در سال ۲۰۰۱ تولید ناخالص داخلی ۵/۷ درصد کاهش یافت.

در سال ۲۰۰۱ اگرچه ترکیه طرح‌های متعددی برای ثبات بخشیدن به اوضاع مالی و اقتصادی خود در پیش گرفت ولی این کشور همچنان با چالش‌های کلان و ساختاری از جمله بدهی‌های زیاد دولتی، تورم بالا، دشواری‌های بخش دولتی و دخالت گسترده دولت در اقتصاد روبه‌رو بود. برای فائق آمدن به این مشکلات، دولت ترکیه تصمیم به در پیش گرفتن یک برنامه اقتصادی تقویت شده و میان مدت گرفت و به خاطر تعهد دولت به اصلاحات ساختاری و برنامه اقتصادی در سال ۲۰۰۴ اقتصاد این کشور از جای خود برخاست و تولید ناخالص داخلی آن شاهد افزایش ۹/۳۶ درصدی نسبت به سال قبل بود که یکی از بیشترین رکوردهای رشد اقتصادی این کشور در ۳۰ سال گذشته محسوب می‌گردد. این افزایش عمدتاً به دلیل رشد تقاضا برای تولیدات ساخت ترکیه در بازارهای جهانی بود. در سال مذکور درصد زیادی از رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه، در نتیجه‌ی افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی بود. در این سال مورد بحث بخش خدمات با سهم ۶۱ درصدی در اقتصاد ترکیه مهم‌ترین بخش بوده است. لازم به ذکر است سهم بخش صنعت و کشاورزی در اقتصاد ترکیه طبق آمار سال ۲۰۰۴ به ترتیب ۲۸ و ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است.

در سال ۲۰۰۵ رشد تولید ناخالص داخلی در حدی کمتر از سال گذشته آن به ۸/۴ درصد رسید ولی در مقایسه با سال‌های قبل از ۲۰۰۴ نرخ بالایی محسوب می‌شد. تحولات عرصه پولی ترکیه نیز در سال ۲۰۰۵ با معرفی لیره جدید ترکیه که با کاهش صفرهای واحد پول این کشور همراه بود قابل توجه است و ارزش قوی آن هنوز

ادامه دارد^۱ و تنها در سال ۲۰۰۹ به دلیل بحران مالی جهانی رشد اقتصادی این کشور کاهش یافته که مجدداً در سال ۲۰۱۰ احیا گردید.



درآمد سرانه

میزان رفاه و برخورداری مردم یک کشور، صرفاً به واسطه تولید ناخالص داخلی تعیین نمی‌شود، بلکه شاخص بهتر تولید ناخالص داخلی سرانه است که میزان تولید به وسیله هر نفر را به صورت سرانه نشان می‌دهد. در واقع رفاه مردم یک کشور متأثر از تولید ناخالص داخلی و میزان جمعیت آن کشور است که در تولید ناخالص داخلی سرانه منعکس می‌شود. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود.

برای محاسبه درآمد سرانه دو فرمول وجود دارد. روش اول برای محاسبه درآمد سرانه تولید ناخالص ملی کشور را بر جمعیت تقسیم کرده عدد به دست آمده درآمد سرانه کشور است.

روش دوم برابری قدرت خرید است که سازمان‌های بین‌المللی آمار خود را براساس آن محاسبه می‌کنند.

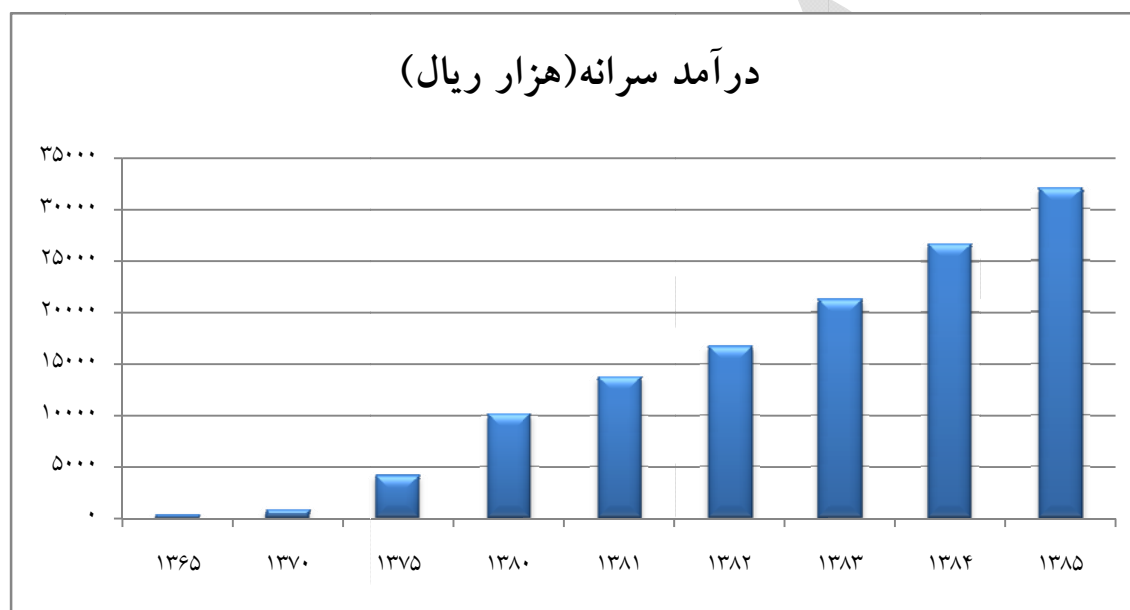
معنی آمار براساس قدرت خرید این است که چه مقدار درآمد به قیمت کشور الف قدرت خریدی به اندازه همان مقدار در دیگر کشورها دارد و در واقع هم همه کشورها قدرت درآمد را با قدرت خرید مقایسه می‌کنند.

بر این اساس در ادامه به بررسی درآمد سرانه کشورهای ایران و ترکیه طبق دو روش فوق پرداخته می‌شود.

^۱ روزنامه ایران - شماره ۳۷۷۳ - هفتم آبان ماه ۱۳۸۶

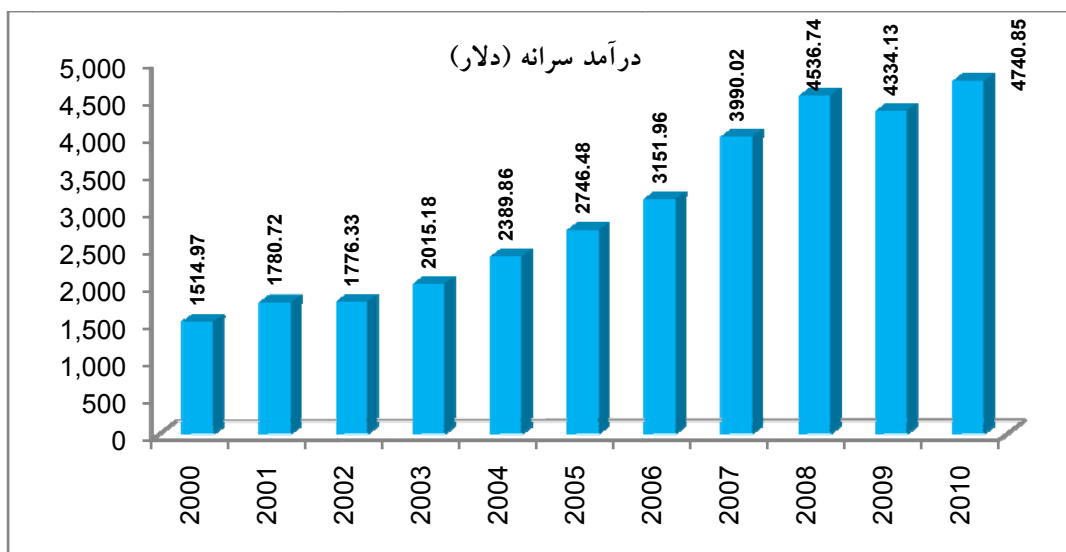
ایران

درآمد سرانه ایران بر اساس برابری نرخ ارز طی سال‌های گذشته در نمودار زیر نشان داده شده است. ارقام نمودار زیر از تقسیم تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری (بر اساس آمار منتشره از بانک مرکزی) بر جمعیت محاسبه شده است.^۱



همچنین جهت محاسبه درآمد سرانه ایران در دهه اخیر از آمار سایت‌های بین‌المللی استفاده گردیده و به صورت نمودار زیر نشان داده شده است.

۱. جمعیت سالهای ۸۱ تا ۸۴ از وبسایت www.sabteahval.ir و جمعیت کشور در سایر سالها از وبسایت مرکز آمار ایران استخراج شده است.

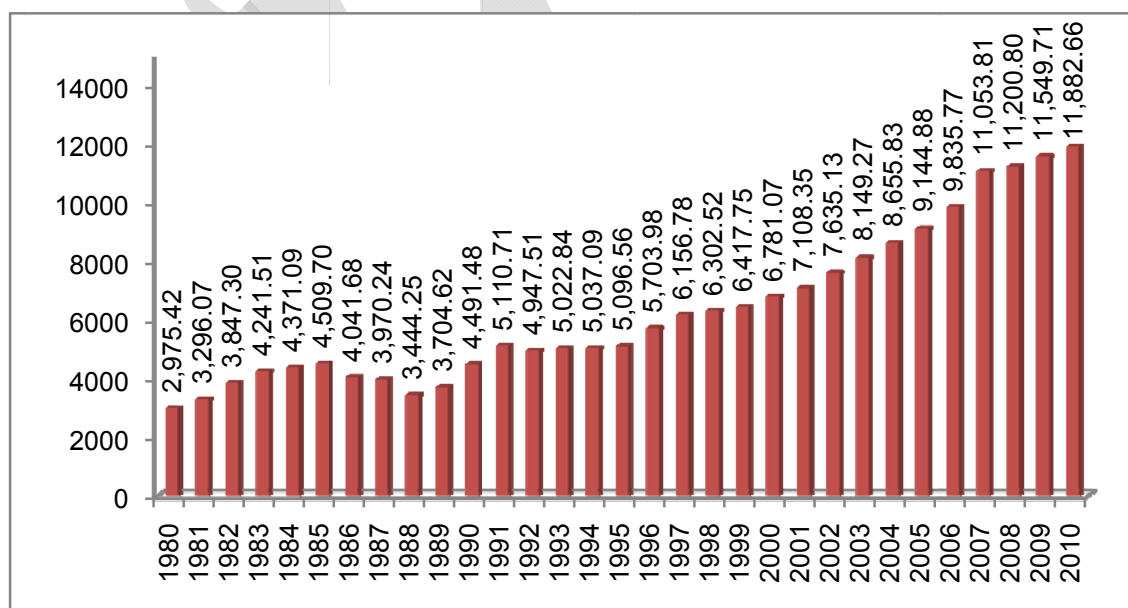


منبع: World Bank

همانگونه که ملاحظه می‌گردد، درآمد سرانه ایران طی ۳۰ سال گذشته روندی صعودی داشته است. توجه به این نکته ضروری است که باتوجه به عدم دسترسی به آمار جمعیت ایران در تمامی سال‌ها، به ویژه سال‌های پیش از دهه ۸۰، این امکان وجود دارد که درآمد سرانه در مدت فی‌مابین سال‌های نشان داده شده از نوسانات کاهشی نیز برخوردار شده باشد. لذا اطلاعات درآمد سرانه ایران بر اساس برابری قدرت خرید واقعیات بیشتری را در خصوص سطح رفاه مردم طی ۳۰ سال اخیر بازگو خواهد نمود.

درآمد سرانه ایران بر اساس برابری قدرت خرید در نمودار زیر مشخص شده است.

(دلار)

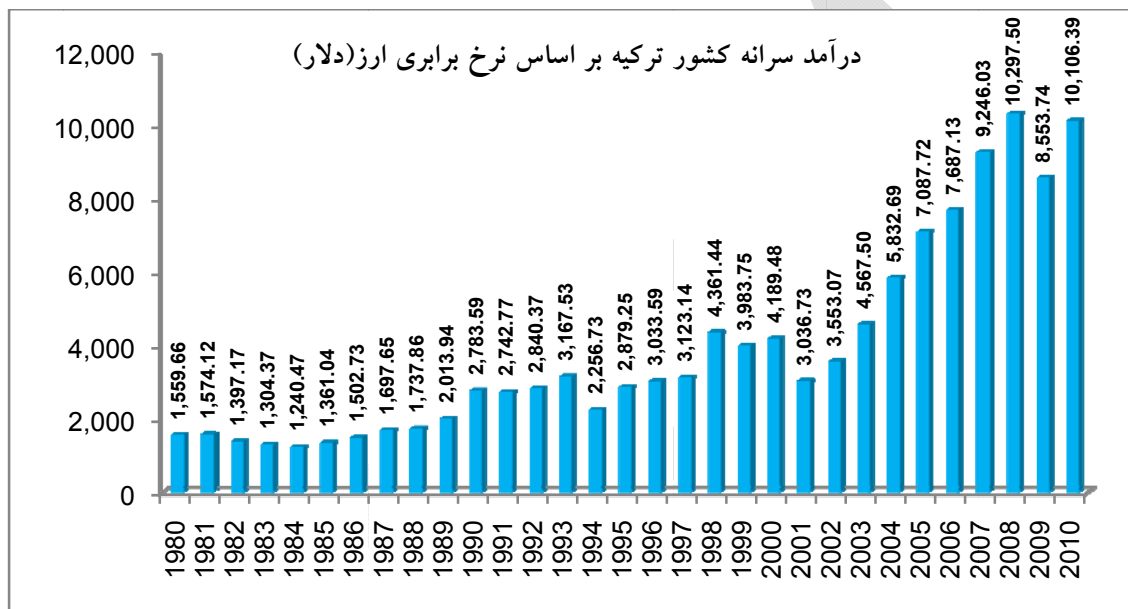


منبع: World Bank

براین اساس همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، به طور کلی می‌توان گفت درآمد سرانه ایران و قدرت خرید آن طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، به جز سال‌های پایانی جنگ، عمدتاً به دلیل ویرانی‌های جنگ و افزایش رشد جمعیت، روند صعودی داشته است.

ترکیه

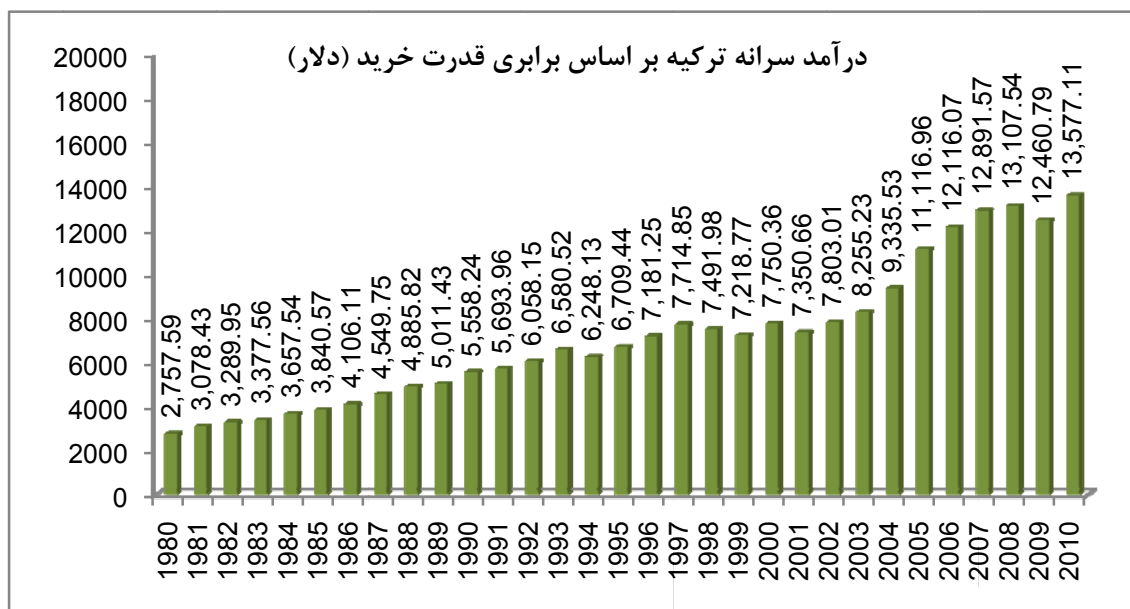
نمودار زیر نشان دهنده درآمد سرانه کشور ترکیه بر اساس برابری نرخ ارز در ۳۰ سال اخیر می‌باشد.



منبع: World bank

همان‌گونه که نمودار فوق نشان می‌دهد، درآمد سرانه ترکیه به دنبال افزایش قابل ملاحظه تولید ناخالص داخلی، رشد خوبی را تجربه کرده است و از رقم ۱,۵۶۰ دلار در سال ۱۹۸۰، به رقم ۱۰,۱۰۶ دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. این امر ناشی از افزایش تولید ناخالص داخلی از رقم ۶۹ میلیارد دلار به ۷۳۵ میلیارد دلار در این فاصله زمانی بوده است.

در حال حاضر درآمد سرانه ترکیه در حد کشورهای همچون بلغارستان و یا رومانی است و این یک چهارم میانگین درآمد سرانه کشورهای اروپایی به حساب می‌آید. طبق ارزیابی‌های کمیسیون اتحادیه اروپا ظرف ۱۰ سال آینده درآمد سرانه کشور ترکیه تا حدودی افزایش یافته و به یک سوم میانگین درآمد سرانه در اروپا خواهد رسید. اما دولت ترکیه برنامه جامعی را در برابر خویش قرار داده است. ترکیه بر آن است تا درآمد سرانه کشور را ظرف مدت ۳ سال دو برابر کند.



در ادامه نمودار مربوط به درآمد سرانه ترکیه بر اساس برابری قدرت خرید آورده شده است.

با توجه به تشابه روند تغییرات در آمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید و برابری نرخ ارز می توان به این نتیجه رسید که تغییرات نمودار فوق نیز متأثر از دلایل اشاره شده در بخش درآمد سرانه بر اساس برابری نرخ ارز می- باشد.



سهم بخش های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص

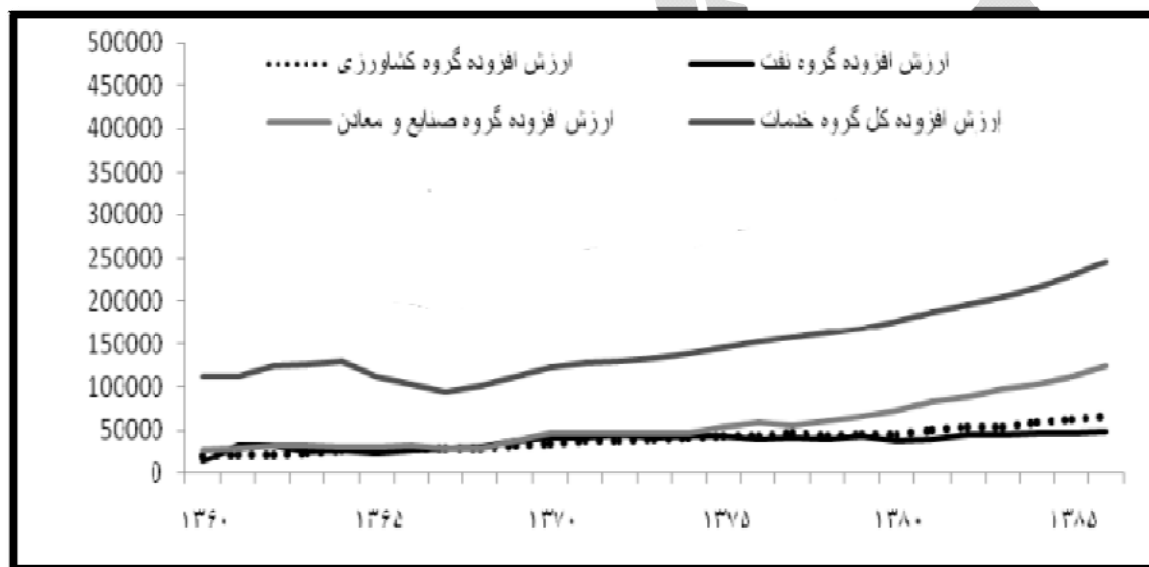
داخلی

همان گونه که بیان شد تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش افزوده کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای یک کشور است. به طور کلی می توان گفت اقتصاد یک کشور را مجموع فعالیتهای انجام شده در بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات تشکیل می دهد. بدین منظور سهم هر یک از این بخش ها در تولید ناخالص داخلی کشورهای ایران و ترکیه در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد.

ایران

جهت تعیین نقش هر یک از بخش‌های اقتصادی در اقتصاد ملی، روند ارزش افزوده هر یک از بخش‌های اقتصادی شامل بخش‌های صنایع و معادن، نفت، کشاورزی و خدمات مورد بررسی قرار می‌گیرد. در شکل بعد، ارزش افزوده هر یک از بخش‌ها در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۶ آورده شده است.

ارزش افزوده هر یک از بخش‌ها به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)



منبع: داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در طی این سال‌ها، متوسط رشد ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب برابر ۴/۵، ۶/۷، ۵/۸ و ۲/۷ بوده است. بنابراین بیشترین رشد مربوط به ارزش افزوده نفت بوده است.

برای بررسی دقیق‌تر ارزش افزوده بخش‌های مختلف، دوره ۳۰ ساله به پنج قسمت تقسیم می‌شود و این روند در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ و سال‌های اجرای ۴ برنامه توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتایج مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ متوسط رشد ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب ۴/۸، ۱۰/۴، ۱۷/۳ و ۲/۱۴ بوده است و هر یک از بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات در سال ۶۷ به ترتیب ۳۸، ۱۰۲، ۵ و ۱۶- درصد نسبت به سال ۶۰ رشد داشته‌اند. جدول زیر این روند را نشان می‌دهد.

رشد افزوده سالانه بخش های اقتصادی ۱۳۶۰-۱۳۶۷ (درصد)

	بخش کشاورزی	بخش نفت	بخش صنایع و معادن	بخش خدمات	تولید ناخالص داخلی
۱۳۶۰	۱,۹٪	۶,۹٪	-۴,۱٪	-۸,۷٪	-۴,۴٪
۱۳۶۱	۷,۱٪	۱۲۸,۲٪	۲,۸٪	-۰,۷٪	۱۲,۶٪
۱۳۶۲	۴,۶٪	۲,۰٪	۱۶,۰٪	۱۱,۹٪	۱۱,۱٪
۱۳۶۳	۷,۳٪	-۲۰,۵٪	-۱,۶٪	۱,۳٪	-۲,۰٪
۱۳۶۴	۷,۹٪	۱,۸٪	-۳,۹٪	۱,۹٪	۲,۰٪
۱۳۶۵	۴,۸٪	-۱۳,۷٪	۰,۷٪	-۱۳,۷٪	-۹,۱٪
۱۳۶۶	۲,۵٪	۱۴,۴٪	۴,۵٪	-۷,۱٪	-۱,۰٪
۱۳۶۷	-۰,۶٪	۸,۸٪	-۱۱,۳٪	-۸,۷٪	-۵,۵٪

منبع: بر اساس اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سهم هر یک از این بخش ها از تولید ناخالص داخلی در جدول زیر آورده شده است. اعداد آورده شده بر حسب درصد می باشند.

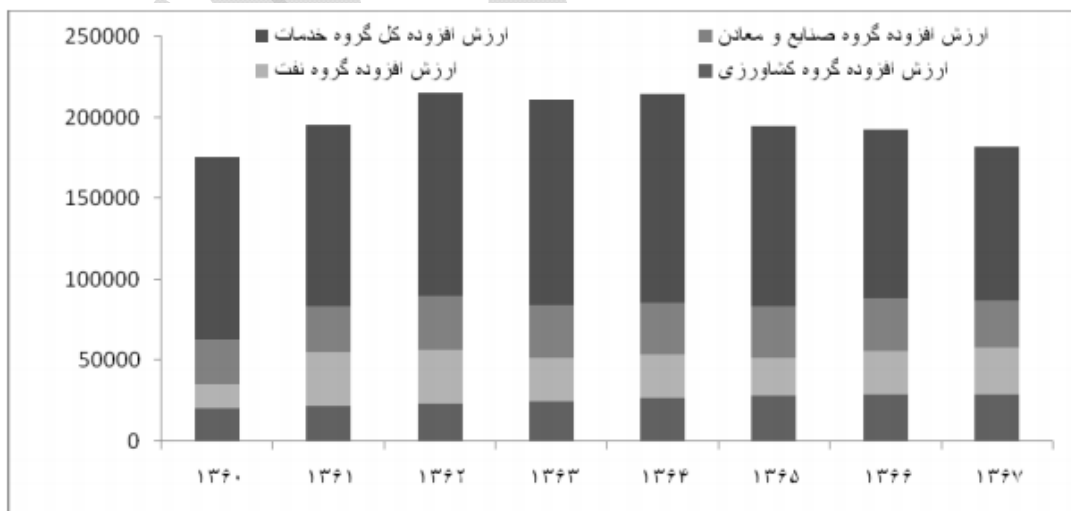
سهم ارزش افزوده هر یک از بخش ها از تولید ناخالص داخلی (درصد)

ارزش افزوده بخش کشاورزی	ارزش افزوده بخش نفت	ارزش افزوده بخش صنایع و معادن	ارزش افزوده بخش خدمات	
۱۲	۸	۱۶	۶۴	۱۳۶۰
۱۱	۱۷	۱۵	۵۷	۱۳۶۱
۱۱	۱۶	۱۵	۵۸	۱۳۶۲
۱۲	۱۳	۱۶	۶۰	۱۳۶۳
۱۳	۱۳	۱۵	۶۰	۱۳۶۴
۱۴	۱۲	۱۶	۵۷	۱۳۶۵
۱۵	۱۴	۱۷	۵۴	۱۳۶۶
۱۶	۱۶	۱۶	۵۲	۱۳۶۷

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

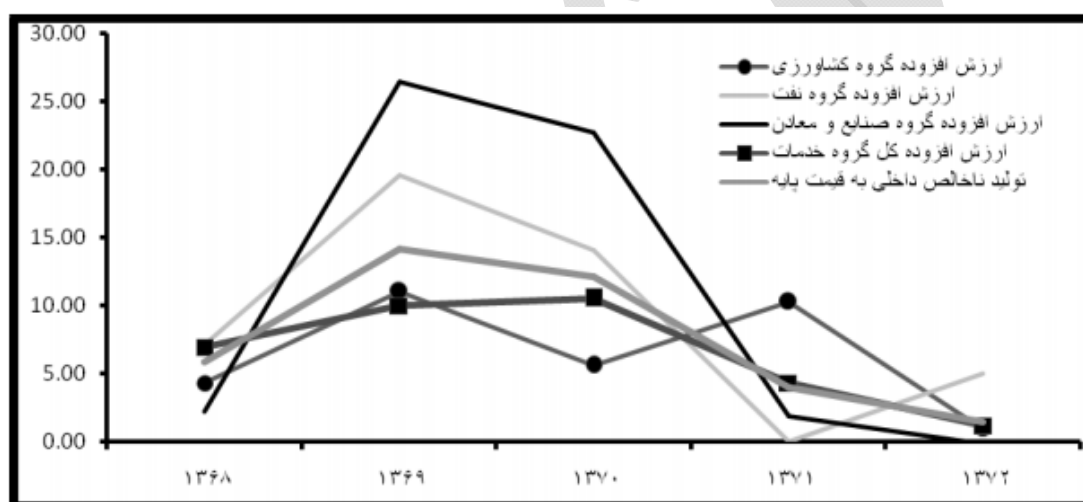
نمودار زیر روند ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی کشور را طی این سال ها نشان می دهد.

روند ارزش افزوده هر یک از بخش های اقتصادی و تولید ناخالص داخلی در سال های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ (میلیارد ریال)



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲، متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب برابر ۶/۵، ۹/۱۶، ۱۰/۶ و ۶/۶ درصد بوده است. بنابراین تمام قسمت‌ها به جز بخش نفت، رشد بیشتری را تجربه کرده‌اند. در سال پایانی برنامه اول، ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب ۳۱، ۴۳، ۵۸ و ۲۸ درصد نسبت به سال ۶۸ رشد داشته‌اند، البته در سال‌های آخر این برنامه از درجه رشد اقتصادی این بخش‌ها کاسته شده که موجب کاهش رشد تولید ناخالص داخلی هم شده است. نمودار مربوطه در زیر آورده شده است.



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

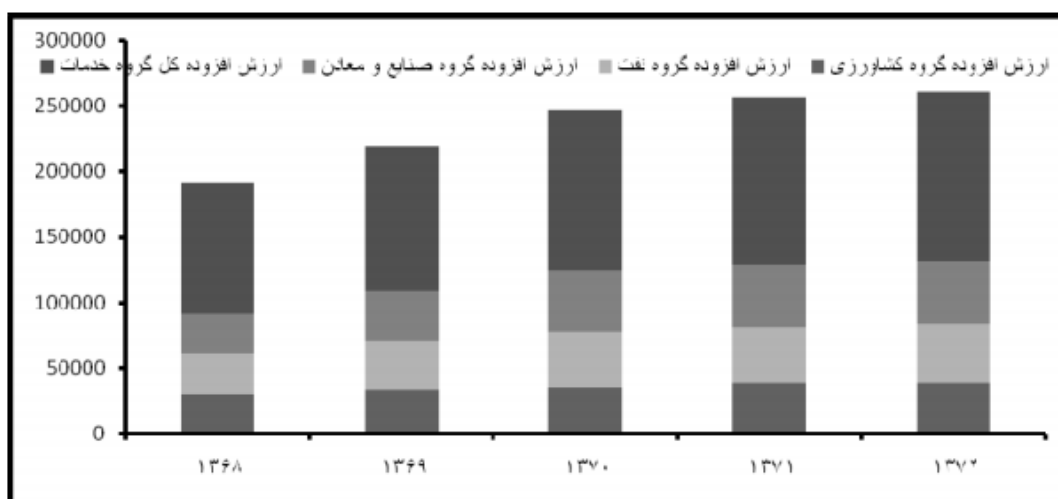
سهم هر یک از این بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی در جدول بعد آورده شده است.

۱۳۶۸	۱۶٪	۱۶٪	۱۶٪	۵۳٪
۱۳۶۹	۱۵٪	۱۷٪	۱۷٪	۵۱٪
۱۳۷۰	۱۴٪	۱۷٪	۱۹٪	۵۰٪
۱۳۷۱	۱۵٪	۱۷٪	۱۸٪	۵۰٪
۱۳۷۲	۱۵٪	۱۷٪	۱۸٪	۵۰٪
	ارزش افزوده بخش کشاورزی	ارزش افزوده بخش نفت	ارزش افزوده بخش صنعت	ارزش افزوده بخش خدمات

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

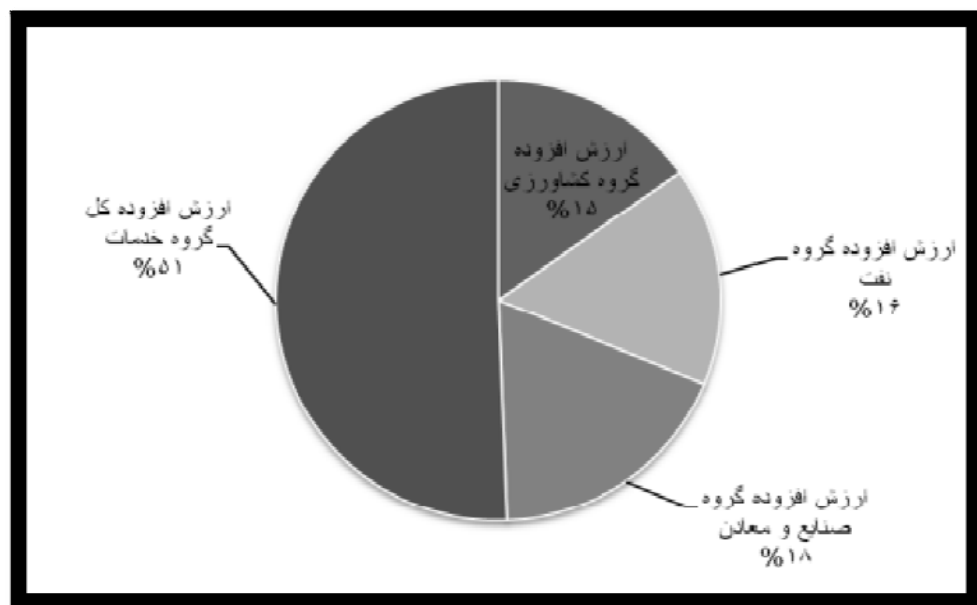
با مقایسه این نسبت‌ها با دوره قبل مشاهده می‌شود که در این دوره سهم بخش خدمات کاهش یافته سهم سایر بخش‌ها نسبت به سال ۶۷ تقریباً ثابت است. در نمودار زیر روند ارزش افزوده هر یک از بخش‌ها و تولید ناخالص داخلی آورده شده است.

روند ارزش افزوده هر یک از بخش‌ها و تولید ناخالص داخلی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) (میلیارد ریال)



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در سال ۱۳۷۳، ارزش افزوده بخش نفت، ۶٪ کاهش یافت ارزش افزوده سایر بخش‌های کشاورزی، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب ۲، ۸/۰ و ۵/۱ درصد افزایش یافته است. در شکل زیر سهم هر یک از بخش‌ها آورده شده است که نشان می‌دهد تغییر چندانی نسبت به دوره قبل نداشته است.



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در طی برنامه دوم توسعه در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۸، ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات به ترتیب سالانه به طور متوسط ۲، ۱-، ۵ و ۴ درصد افزایش داشته است. در سال ۷۸ ارزش افزوده بخش صنایع و معادن، بیشترین رشد را نسبت به آغاز دوره داشته است و ارزش افزوده بخش نفت، ۸٪ نسبت به آغاز دوره کاهش داشته است. در جدول زیر رشد ارزش افزوده بخش‌های مختلف آورده شده است.

۱۳۷۴	۴٪	۱٪	-۱٪	۴٪	۳٪
۱۳۷۵	۳٪	۱٪	۱۶٪	۶٪	۶٪
۱۳۷۶	۱٪	-۵٪	۷٪	۵٪	۳٪
۱۳۷۷	۱۱٪	۲٪	-۴٪	۳٪	۳٪
۱۳۷۸	-۷٪	-۵٪	۹٪	۴٪	۲٪
بخش کشاورزی	ارزش افزوده	ارزش افزوده	ارزش افزوده	ارزش افزوده	تولید ناخالص داخلی
بخش نفت	بخش صنایع	بخش خدمات	به قیمت پایه		

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

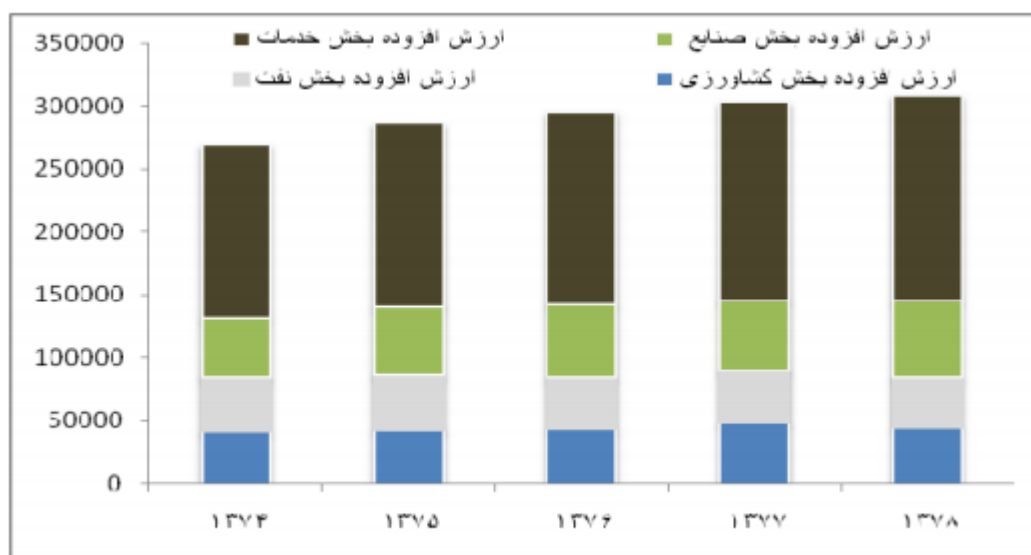
با مقایسه این دوره با دوره قبل می‌توان نتیجه گرفت که رشد سالیانه ارزش افزوده طی این سال‌ها از دوره اول کمتر بوده است. سهم هر یک از این بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی در جدول زیر آورده شده است.

۱۳۷۴	۱۵%	۱۶%	۱۷%	۵۱%
۱۳۷۵	۱۵%	۱۵%	۱۹%	۵۱%
۱۳۷۶	۱۵%	۱۴%	۲۰%	۵۲%
۱۳۷۷	۱۶%	۱۴%	۱۹%	۵۲%
۱۳۷۸	۱۴%	۱۳%	۲۰%	۵۳%
بخش کشاورزی	بخش نفت	بخش صنایع	بخش خدمات	

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار زیر روند تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش‌های مختلف را نشان می‌دهد.

روند تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش‌ها طی سال‌های برنامه دوم (میلیارد ریال)



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در طی برنامه سوم توسعه در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳، ارزش افزوده بخش‌های مختلف مطابق جدول زیر رشد داشته‌اند.

ارزش افزوده بخش کشاورزی	ارزش افزوده بخش نفت	ارزش افزوده بخش صنایع	ارزش افزوده بخش خدمات	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	
۳,۴۷	۸,۳۰	۹,۴۷	۲,۸۶	۴,۹۶	۱۳۷۹
-۲,۳۶	-۱۱,۰۸	۱۰,۱۹	۵,۶۸	۳,۲۸	۱۳۸۰
۱۱,۳۶	۳,۵۵	۱۲,۶۲	۵,۳۹	۷,۵۶	۱۳۸۱
۷,۱۱	۱۳,۴۲	۷,۷۷	۴,۷۰	۶,۸۳	۱۳۸۲
۲,۱۷	۲,۶۳	۸,۴۳	۴,۶۰	۴,۸۴	۱۳۸۳

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سهم هر یک از بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی در جدول زیر آورده شده است.

ارزش افزوده بخش کشاورزی	ارزش افزوده بخش نفت	ارزش افزوده بخش صنایع	ارزش افزوده بخش خدمات	
۱۴%	۱۳%	۲۱%	۵۲%	۱۳۷۹
۱۳%	۱۱%	۲۲%	۵۳%	۱۳۸۰
۱۴%	۱۱%	۲۳%	۵۲%	۱۳۸۱
۱۴%	۱۳%	۲۳%	۵۱%	۱۳۸۲
۱۴%	۱۱%	۲۴%	۵۱%	۱۳۸۳

منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

روند این سهم‌ها نیز در نمودار زیر آورده شده است.

تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده هر یک از بخش های اجرای برنامه سوم (میلیارد ریال)



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

برنامه چهارم توسعه که در سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ اجرا شده است، نیز دارای نتایجی است که جدول مربوط تا

تولید ناخالص داخلی	ارزش افزوده بخش خدمات	ارزش افزوده بخش صنایع	ارزش افزوده بخش نفت	ارزش افزوده بخش کشاورزی	
۶٪	۶٪	۷٪	۱٪	۹٪	۱۳۸۴
۶٪	۷٪	۹٪	۳٪	۵٪	۱۳۸۵
۷٪	۷٪	۱۱٪	۱٪	۶٪	۱۳۸۶

سال ۱۳۸۶ در زیر آورده شده است.

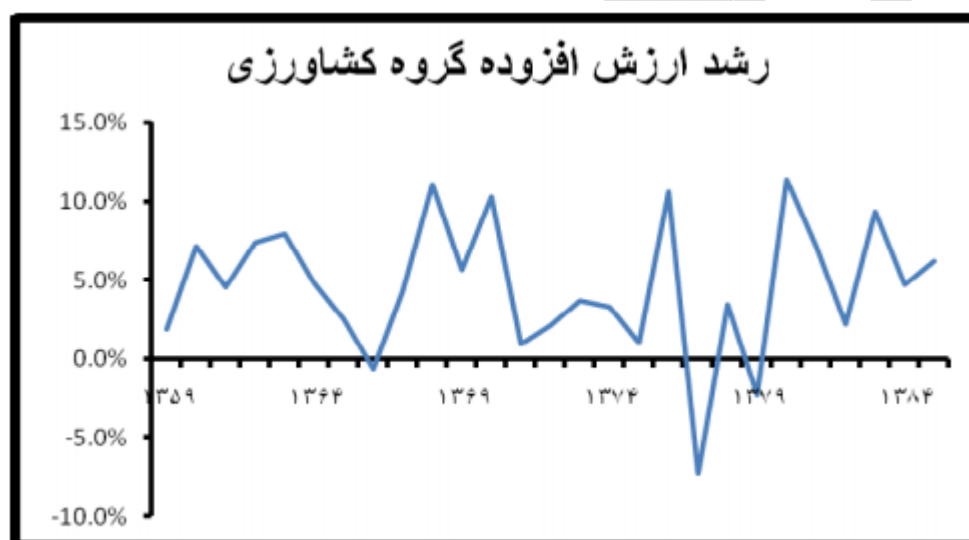
منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سهم هر یک از بخش ها نیز در جدول زیر آورده شده است.

بخش کشاورزی	ارزش افزوده	بخش نفت	ارزش افزوده	بخش صنایع	ارزش افزوده	بخش خدمات	ارزش افزوده
۱۳۸۴	۱۴٪	۱۱٪	۲۴٪	۵۱٪			
۱۳۸۵	۱۴٪	۱۰٪	۲۵٪	۵۱٪			
۱۳۸۶	۱۴٪	۱۰٪	۲۶٪	۵۱٪			

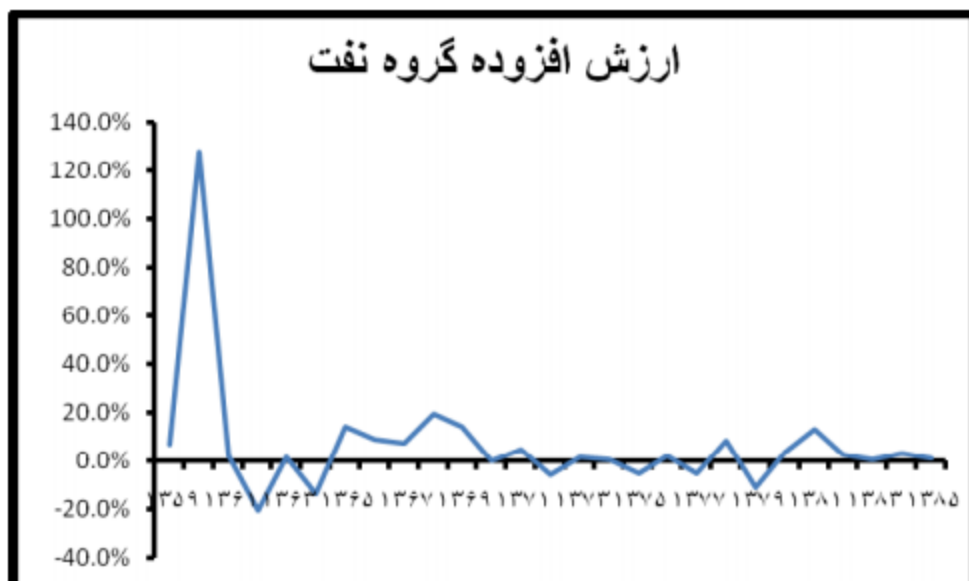
منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مطابق نتایج به دست آمده از این بررسی، بیشترین رشد سالانه در ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۸۱ و برابر ۱۱/۴٪ و کمترین آن مربوط به سال ۷۸ است که نسبت به سال قبل ۷/۸٪ کاهش یافته است. رشد ارزش افزوده طی سال‌های مورد بررسی به صورت نمودار زیر است.



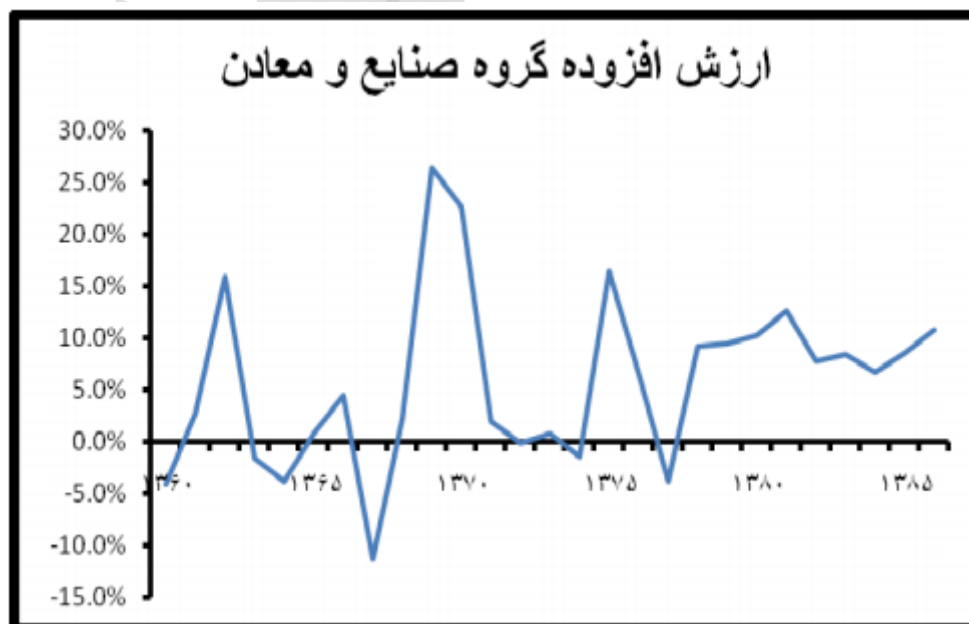
منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مطابق نتایج به دست آمده از این بررسی، بیشترین رشد سالانه در ارزش افزوده بخش نفت در سال ۶۱ و برابر ۱۲۸/۲٪ و کمترین آن مربوط به سال ۶۳ است که نسبت به سال قبل ۲۰/۵٪ کاهش یافته است. رشد ارزش افزوده طی سال‌های مورد بررسی به صورت نمودار زیر است.



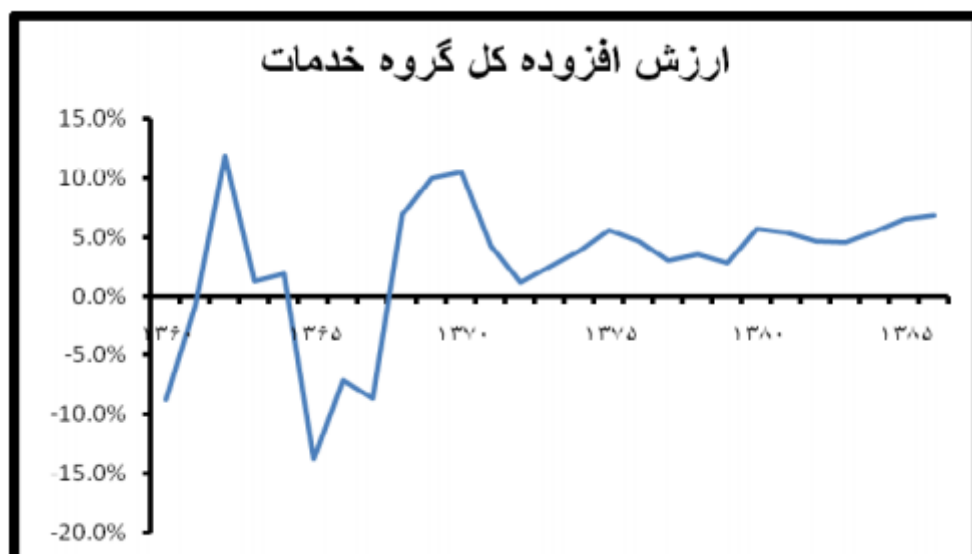
منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مطابق نتایج به دست آمده از این بررسی، بیشترین رشد سالانه در ارزش افزوده بخش صنایع و معادن در سال ۶۹ و برابر ۲۶/۴٪ و کمترین آن مربوط به سال ۶۷ است که نسبت به سال قبل ۱۱/۳٪ کاهش یافته است. رشد ارزش افزوده طی سالهای مورد بررسی به صورت نمودار زیر است.



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مطابق نتایج به دست آمده از این بررسی، بیشترین رشد سالانه در ارزش افزوده بخش خدمات در سال ۶۹ و برابر ۱۱/۹٪ و کمترین آن مربوط به سال ۶۵ است که نسبت به سال قبل ۱۳/۷٪ کاهش یافته است. رشد ارزش افزوده طی سال‌های مورد بررسی به صورت نمودار زیر است.



منبع: اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به طور متوسط سهم بخش‌های کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات از کل تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۶۰-۸۶ به ترتیب برابر ۱۴، ۱۹ و ۵۳٪ می‌باشد.^۱

ترکیه

در این بخش به بررسی ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در ترکیه خواهیم پرداخت.

کشاورزی

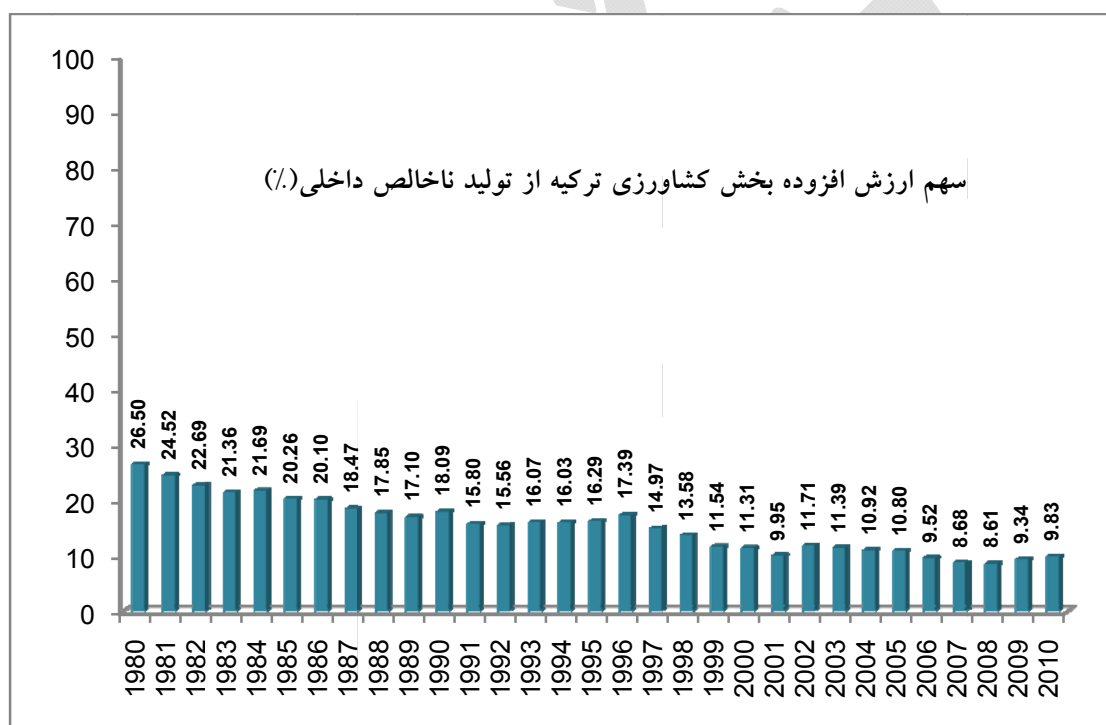
علی‌رغم کاهش سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ترکیه، بخش عمده‌ای از نرخ رشد بالای تولید ناخالص داخلی این کشور مرهون توسعه این بخش بوده است. این توسعه حاصل اصلاحاتی اساسی است که دولت ترکیه با حمایت بانک جهانی از سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز کرده است. خصوصی‌کردن بسیاری از سازمان‌های دولتی در بخش کشاورزی، از جمله مهم‌ترین این اصلاحات بود. فعالیت‌های کشاورزی ترکیه در

^۱ اطلاعات سهم هریک از بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی ایران برگرفته از مقاله «بررسی روند تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۶»، دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، تیرماه ۱۳۸۸ می‌باشد.

چند منطقه متمرکز شده است که عبارتند از: کناره‌های دریای مرمره، اورتپه در سواحل غربی، مثلث آدنا، مرسین و اسکندرون در طول مدیترانه و نواحی اطراف آنکارا.

عمده‌ترین محصولات کشاورزی ترکیه عبارتند از: توتون و تنباکو، پنبه، غلات و گندم، زیتون، فندق، چغندر قند، حبوبات، مرکبات، دام و طیور.

نمودار زیر سهم این بخش را از تولید ناخالص داخلی ترکیه طی سالهای گذشته نشان می‌دهد.



منبع: World bank

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ترکیه طی ۳۰ سال اخیر روند نزولی داشته و از ۲۷ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافته است.

از نقطه نظر تاریخی، بخش کشاورزی ترکیه دارای بیشترین تعداد نیروی کار، عمده‌ترین بخش سهم در GDP، در صادرات و در رشد صنعتی این کشور بوده است. اما با توسعه این کشور در سایه رشد سریع صنعتی و بخش خدمات تا حد بسیاری از اهمیت این بخش کاسته شده است.

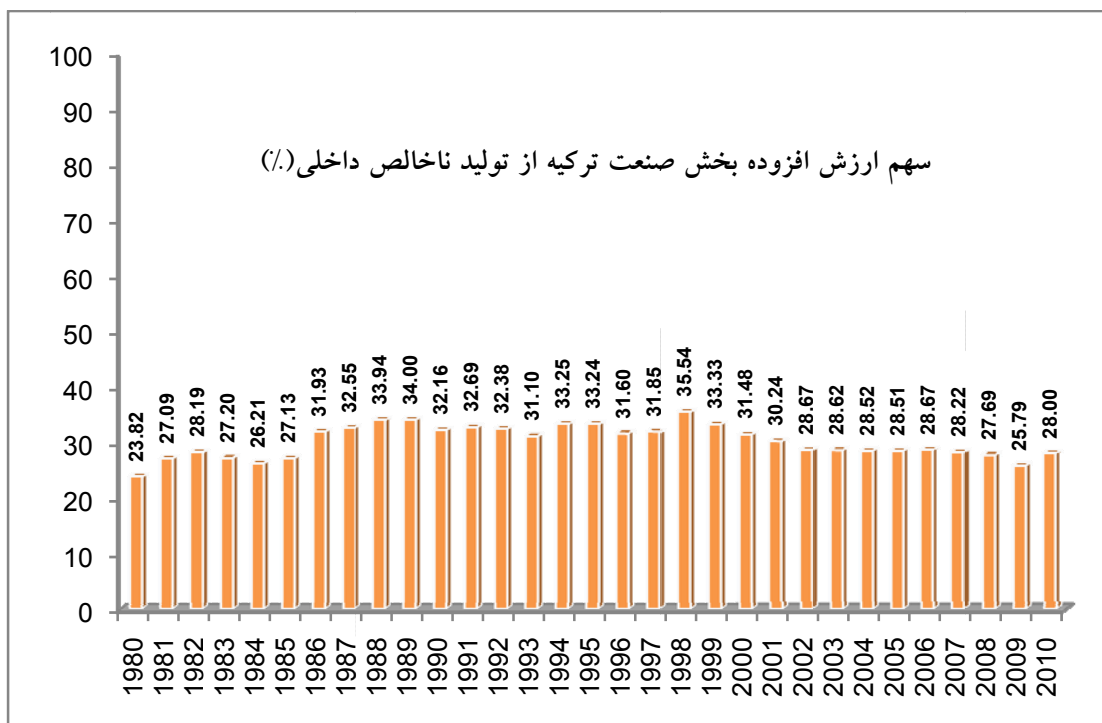
صنعت

ترکیه در سال ۲۰۰۵ در میان یکی از ۲۰ کشور برتر جهان از لحاظ تولیدات صنعتی جای گرفت. بزرگترین صنعت

ترکیه نساجی است. پس از نساجی پالایش نفت، صنایع غذایی، صنایع شیمیایی، صنایع فولاد و ذوب آهن،

خودروسازی و ماشین سازی بیشترین سهم در صنعت ترکیه را دارند.

نمودار زیر سهم ارزش افزوده صنعت ترکیه از تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد.

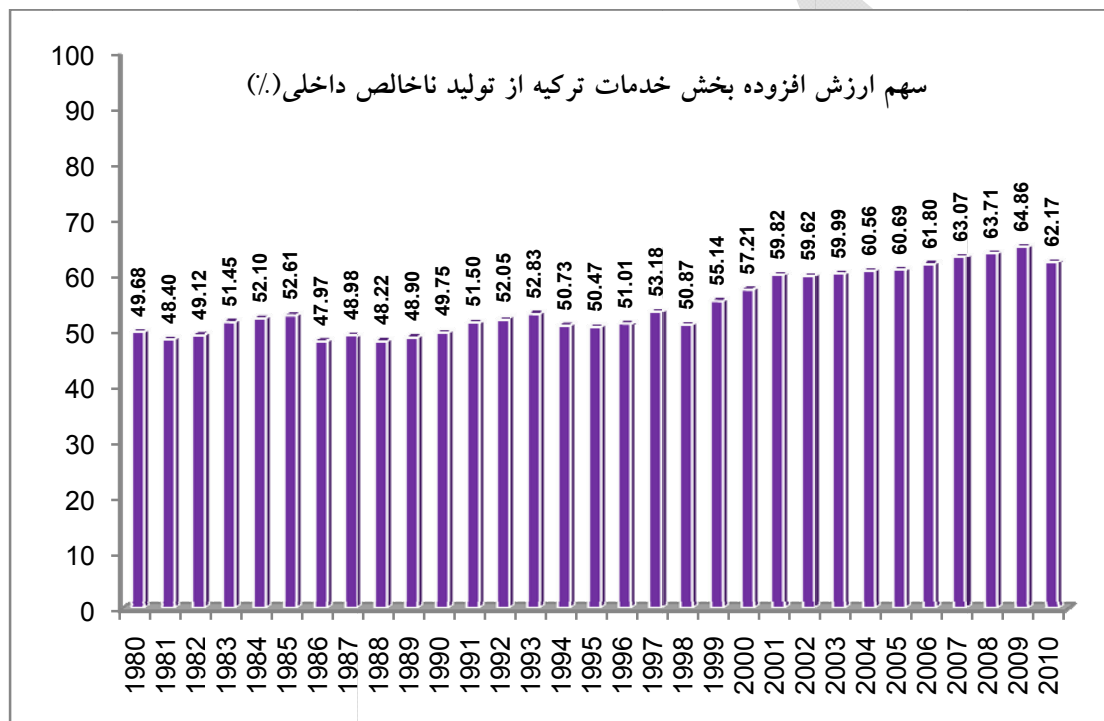


منبع: World bank

نمودار فوق نشان می‌دهد که سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ترکیه از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۸، سیر صعودی داشته و از آن پس تا سال ۲۰۰۲ با شیب ملایمی کاهش یافته است. شاید بتوان علت این امر را وجود رقابت خارجی قوی در صنایع مهم ترکیه همچون نساجی و پوشاک و صنایع غذایی دانست. در نتیجه این امر بسیاری از این صنایع به اصلاح ساختارهای تولیدی خود پرداخته و مسیر خود را در جهت ایجاد ارزش افزوده بالاتر تغییر دادند. پس از آن ارزش افزوده این بخش تا پیش از بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۹ ثابت بوده اما در سال ۲۰۰۹ به ۲۵/۷۹ درصد کاهش یافته است. و پس از آن نیز مجدداً روند صعودی خود را باز یافته است.

یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی ترکیه، بخش خدمات آن می‌باشد که طی سالهای اخیر از رشد مناسبی برخوردار بوده است. به طور کلی می‌توان گفت که **اقتصاد ترکیه اقتصادی خدمات محور است و در حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور از درآمد بخش خدمات تأمین می‌شود.**

نمودار زیر نشان دهنده سهم خدمات از تولید ناخالص داخلی این کشور می‌باشد.



منبع: World bank

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از سال ۱۹۸۰ تا کنون بخش خدمات بیش از ۵۰ درصد ارزش افزوده تولید شده در کشور ترکیه را به خود اختصاص داده و به طور کلی طی این سال‌ها روند صعودی داشته است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های خدماتی کشور ترکیه، شرکت‌های پیمانکاری آن بوده که قادر به رقابت با شرکت‌های بزرگ پیمانکاری در سطح جهانی هستند. شرکت‌های ترک در چهار قاره و در ۵۶ کشور جهان با استفاده از استانداردهای جهانی، مدیریتی، مالی و فناوری پروژه‌های مهمی را در دست اجرا دارند.

سهم فعالیت‌های پیمانکاری ترکیه ۲٪ از کل خدمات پیمانکاری جهان است. می‌توان گفت طی سی سال گذشته ارزش فعالیت‌های خدماتی این کشور حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده است.

از دیگر بخش‌های مهم خدماتی این کشور مخابرات آن می‌باشد. خدمات مخابراتی ترکیه از آوریل ۱۹۹۵ توسط شرکت TURK TELEKOM که به دنبال جداسازی فعالیت‌های پستی و مخابراتی که برای بیش از یک قرن و نیم در ترکیه توسط یک سازمان انجام می‌شد موجودیت یافت.

TURK TELEKOM کاملاً دولتی است اگرچه تمهیدات بسیاری برای خصوصی سازی و رقابتی ساختن این بخش صورت پذیرفته است. این شرکت تنها ارائه دهنده خدمات مخابراتی در تمام زمینه‌ها بجز سیستم GSM (موبایل) است ترکیه با درک اهمیت لزوم وجود اینترنت برای ساختار اطلاعاتی این کشور، توسعه ظرفیت این شبکه را در سرلوحه برنامه‌ها قرار داده است.

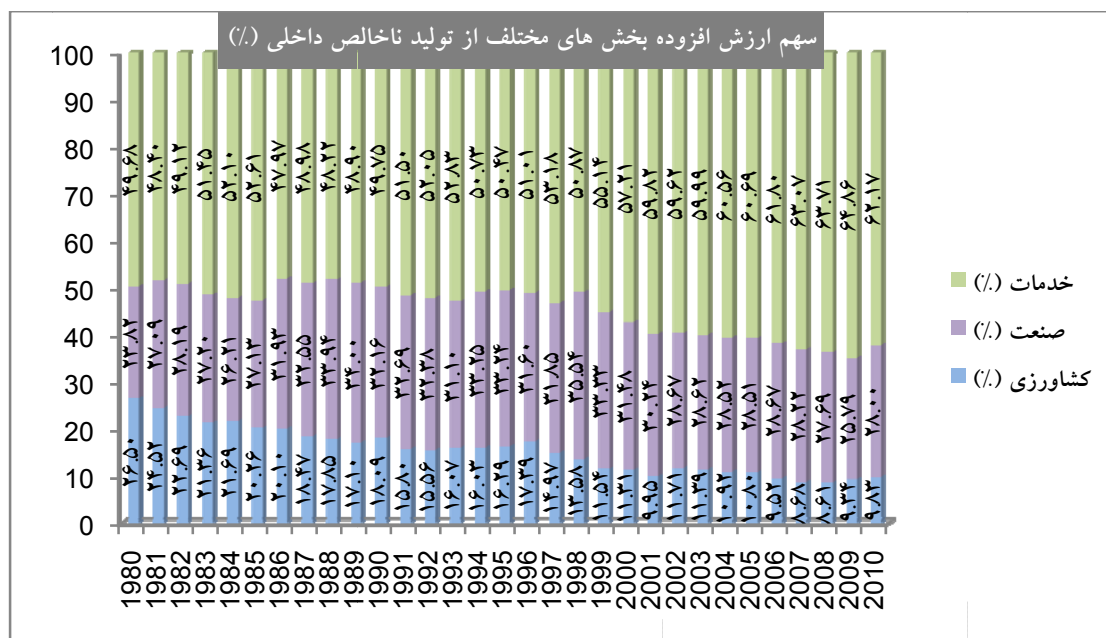
در این زمینه TURK TELEKOM برای گسترش اینترنت از ظرفیت پیشرفته دیگری بنام TTNET استفاده می‌کند که بر پایه فناوری جدید بنیان نهاده شده و شبکه اینترنتی است که کل کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف از ایجاد این شبکه دسترسی کاربران به شبکه جهانی اینترنت با سرعتی بالاتر است. همچنین با داشتن دانش ماهواره‌ای و پرتاب چندین ماهواره فضایی و نیز عضویت در سازمان ماهواره مخابراتی اروپا این کشور توانسته است در این زمینه فعالیت‌های بزرگی انجام دهد.

باتوجه به این‌که ترکیه از سه طرف به دریا متصل است TELEKOM در زمینه سیستم‌های کابل دریایی نیز از بالاترین دانش و ظرفیت برخوردار و دومین عضو بزرگ نخستین سیستم کابل دریایی فیبر نوری در منطقه مدیترانه شرقی است.

سرمایه‌گذاری‌های وسیع طی سالیان اخیر ترکیه را به بزرگترین قطب مخابراتی در منطقه تبدیل کرده که در موازات با جایگاه جغرافیایی آن است. ترکیه در مسیر تبدیل شدن به پل مخابراتی جنوب (خاورمیانه و آفریقا) تا شمال (کشورهای مشترک المنافع) و شرق (خاورمیانه و جمهوری‌های آسیای مرکزی) تا غرب (اروپا) فعالیت می‌نماید.^۱

به طور کلی سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات از تولید ناخالص داخلی کشور ترکیه طی ۳۰ سال اخیر در نمودار زیر نشان داده شده است.

^۱ . سازمان توسعه تجارت- گزارش کشوری ترکیه- تیرماه ۱۳۸۸



منبع: World bank

همان گونه که ملاحظه می گردد طی این مدت سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی کاهش یافته و در مقابل سهم بخش خدمات سیر صعودی داشته است.

بهره‌وری نیروی انسانی در بخش‌های مختلف اقتصادی



امروزه نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرآیند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل مشخص شده است. شکی نیست که عامل انسانی مهم‌ترین بخش تحول و توسعه جوامع است. امروزه این حقیقت مسلم گشته است که تزریق مقادیر متنابهی از سرمایه‌های فیزیکی و مادی به کشورها لزوماً موجب تسریع روند توسعه آنها نشده است بلکه صرفاً کشورهایی که از یک سازمان کارآمد و در عین حال از سرمایه‌های انسانی متخصص برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند سرمایه فیزیکی و مادی را به نحو مناسب جذب و در تسریع روند رشد به کار گیرند.

بخش‌های اقتصادی در سربلوه فعالیت‌های خود توجه زیادی به کیفیت و کارایی نیروی کار به دلیل آثار و نتایج سودمند آن دارند. در بررسی‌های اقتصادی می‌توان گفت که سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً «اقتصادی» است.

در واقع خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه است، چرا که این خصوصیات می‌تواند موجب بهره‌وری و تولید بیشتر و درآمد و رفاه بیشتر گردد.

در این بخش به بررسی بهره‌وری نیروی کار در بخشهای مختلف اقتصادی کشورهای ایران و تکیه خواهیم پرداخت.

ایران

شاخص بهره‌وری نیروی کار بخش‌های مختلف اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۸۶ در جدول زیر نشان داده شده است. در این محاسبات سال ۱۳۷۶ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است.

شاخص بهره‌وری نیروی کار ایران (۱۳۷۶=۱۰۰)

کلی اقتصاد	سایر خدمات	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	ساختمان	آب، برق و گاز	صنعت	گروه معدن (شامل نفت و گاز)	کشاورزی	
۷۸/۹	۸۰/۹	۷۴/۱	۸۲/۵	۷۳/۷	۷۵/۴	۹۵/۳	۷۱/۱	۱۳۶۷
۸۱/۳	۸۳/۰	۷۹/۷	۸۰/۶	۷۳/۰	۷۴/۶	۸۴/۰	۷۴/۱	۱۳۶۸
۸۸/۲	۸۶/۰	۸۱/۱	۹۵/۶	۶۹/۹	۸۶/۰	۱۰۰/۷	۸۱/۸	۱۳۶۹
۹۴/۸	۹۱/۳	۷۷/۵	۱۱۰/۶	۷۳/۵	۹۸/۷	۱۲۳/۴	۸۵/۸	۱۳۷۰
۹۷/۵	۹۴/۵	۷۹/۲	۱۲۰/۱	۷۴/۹	۹۵/۶	۱۱۸/۷	۹۴/۵	۱۳۷۱
۹۸/۲	۹۵/۳	۸۶/۳	۱۲۴/۰	۸۱/۱	۸۸/۸	۱۲۳/۰	۹۴/۹	۱۳۷۲
۹۶/۶	۹۵/۵	۹۰/۹	۱۰۹/۰	۸۸/۴	۸۷/۰	۱۰۶/۱	۹۵/۹	۱۳۷۳
۹۶/۸	۹۷/۰	۹۵/۹	۱۰۱/۰	۹۲/۹	۸۲/۸	۱۱۰/۶	۹۸/۰	۱۳۷۴
۹۹/۱	۹۸/۳	۱۰۲/۱	۱۱۰/۷	۹۶/۰	۸۹/۶	۱۰۵/۸	۱۰۰/۱	۱۳۷۵
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۳۷۶
۱۰۰/۸	۹۹/۶	۱۰۰/۸	۹۴/۸	۱۰۳/۲	۹۵/۲	۱۰۰/۷	۱۰۹/۴	۱۳۷۷
۹۹/۷	۹۷/۲	۱۰۵/۵	۱۰۴/۷	۱۰۶/۲	۱۰۲/۳	۹۳/۹	۱۰۲/۱	۱۳۷۸
۱۰۰/۶	۹۵/۷	۱۰۱/۰	۱۰۹/۲	۱۰۸/۵	۱۰۶/۵	۹۹/۰	۱۰۵/۰	۱۳۷۹
۱۰۰/۲	۹۶/۳	۱۰۰/۴	۱۰۹/۸	۱۱۰/۱	۱۱۵/۲	۸۵/۲	۱۰۳/۴	۱۳۸۰
۱۰۳/۴	۹۷/۱	۱۰۲/۵	۱۱۴/۷	۱۱۲/۶	۱۲۴/۶	۸۶/۹	۱۱۴/۵	۱۳۸۱
۱۰۸/۱	۹۹/۰	۱۰۲/۵	۱۱۲/۷	۱۱۴/۹	۱۳۷/۰	۹۸/۳	۱۱۹/۲	۱۳۸۲
۱۱۰/۸	۱۰۲/۴	۱۰۶/۵	۱۰۴/۸	۱۱۸/۰	۱۴۶/۷	۱۰۱/۲	۱۱۸/۱	۱۳۸۳
۱۱۴/۷	۱۰۴/۳	۱۰۹/۴	۱۰۲/۰	۱۲۲/۰	۱۶۳/۴	۱۰۰/۶	۱۲۶/۶	۱۳۸۴
۱۱۷/۶	۱۰۴/۴	۱۱۶/۶	۹۸/۶	۱۲۹/۰	۱۷۵/۶	۹۸/۲	۱۲۹/۸	۱۳۸۵
۱۲۱/۱	۱۰۵/۴	۱۲۳/۴	۱۰۷/۱	۱۳۲/۶	۱۸۴/۴	۹۷/۵	۱۳۷/۲	۱۳۸۶

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۱

^۱. گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران ۱۳۶۷ - ۱۳۸۶، فروردین ۱۳۸۹

با توجه به نتایج، مشاهده می شود روند تغییرات شاخص بهره‌وری نیروی کار طی دوره مورد بررسی نوسان بسیاری داشته است. هرچندکه در سال های اخیر از شدت این نوسانات کاسته شده است. میانگین بهره‌وری کار طی سال‌های مذکور حدود ۲/۳ درصد رشد یافته است. بهره‌وری نیروی کار در گروه صنعت بیشترین و گروه معدن (شامل نفت و گاز) کمترین رشد را داشته است.

ترکیه

شاخص بهره‌وری نیروی کار ترکیه طی سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ در جدول زیر گردآوری شده است. این ارقام با توجه به تولید ناخالص داخلی این کشور به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ و اشتغال موجود در هریک از بخش‌های اقتصادی آن محاسبه شده است. در این محاسبه سال ۲۰۰۰ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است.

سال	بخش خدمات	بخش صنعت	بخش کشاورزی
۱۹۸۰	۸۰.۴	۵۵.۳	۹۷.۵
۱۹۸۵	۷۰.۷	۶۹.۵	۹۶.۷
۱۹۸۸	۷۷.۷	۹۲.۶	۹۲.۶
۱۹۸۹	۷۹	۸۹.۳	۸۲.۶
۱۹۹۰	۸۲.۵	۹۶.۲	۹۷.۳
۱۹۹۱	۸۷.۴	۹۷.۹	۸۳.۶
۱۹۹۲	۸۵.۵	۹۰	۹۳
۱۹۹۳	۹۵.۴	۹۳.۷	۱۱۱.۹
۱۹۹۴	۸۴.۱	۹۲.۷	۹۵
۱۹۹۵	۸۷.۷	۹۸.۶	۱۰۱.۱
۱۹۹۶	۹۴.۳	۹۶.۵	۱۱۵.۹
۱۹۹۷	۱۰۲.۲	۹۹.۳	۱۱۵.۱
۱۹۹۸	۹۸	۱۱۶.۱	۱۰۴.۵
۱۹۹۹	۹۷.۱	۱۰۰.۶	۸۶.۸
۲۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۰۰۱	۸۴.۶	۱۱۹.۳	۸۴
۲۰۰۲	۹۶.۹	۹۴.۴	۱۰۸.۵
۲۰۰۳	۱۰۰.۳	۱۰۰	۱۰۸.۵
۲۰۰۴	۱۰۸.۲	۱۰۶.۱	۱۱۵.۱
۲۰۰۵	۱۰۸.۲	۱۰۴.۴	۱۴۴.۴
۲۰۰۶	۱۱۳.۳	۱۱۲.۳	۱۵۱.۵
۲۰۰۹	۱۰۵.۳	۹۶.۷	۱۵۳.۸

همانگونه که ملاحظه می‌شود، بهره‌وری نیروی کار این کشور نیز طی سال دهه‌های گذشته دچار نوسان بوده ولی بطور کلی و از سال ۲۰۰۲ روند رو به رشد مناسب و پایداری داشته است که البته در سال ۲۰۰۹ با توجه به کاهش ارزش افزوده در این سال، به دلیل بحران مالی جهانی، بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های خدمات و صنعت کاهش یافته است.

نرخ تورم



تورم از نظر علم اقتصاد به معنی افزایش سطح عمومی قیمت ها در طول یک زمان مشخص است. نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) است. در ادامه نرخ تورم ایران و ترکیه در سال‌های اخیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ایران

کارشناسان افزایش بیش از حد و نامناسب نقدینگی نسبت به رشد اقتصادی را عامل اصلی افزایش نرخ تورم در ایران می‌دانند. مواردی همچون، تسهیلات بانکی، کم‌شدن جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای پول و سرمایه، اعتبارات و تسهیلات کم‌بهره خارجی، افزایش نقدینگی ناشی از تخصیص تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، نقش موسسات مالی اعتباری، تشخیص اعتبارات موردی و خارج از نظام بودجه، عوامل روانی و نگرانی‌های عمومی و نیز آسان بودن کسب درآمد از طریق نفت از جمله دلایلی هستند که برای افزایش نامناسب نقدینگی در کشور ذکر می‌شوند.

بر اساس تعریف بانک مرکزی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) معیار سنجش تغییرات قیمت تعداد ثابت و معینی از کالاها و خدمات است که توسط خانوارهای شهرنشین ایرانی به مصرف می‌رسد. برای محاسبه این شاخص نیز بهای کالاها و خدمات مصرفی در ۳۰ استان به صورت مستقل محاسبه و از ترکیب استان‌های مختلف شاخص کل مناطق شهری کشور کسب می‌شود.

در سال ۸۳ پس از انتخاب شهرها، حدود ۱۲ هزار خانوار به طریق علمی از بین خانوارهای ساکن در ۷۵ شهر (که ۷۰ درصد جمعیت کل مناطق شهری را شامل می‌شود) انتخاب شده است که متوسط هزینه آنها نماینده متوسط

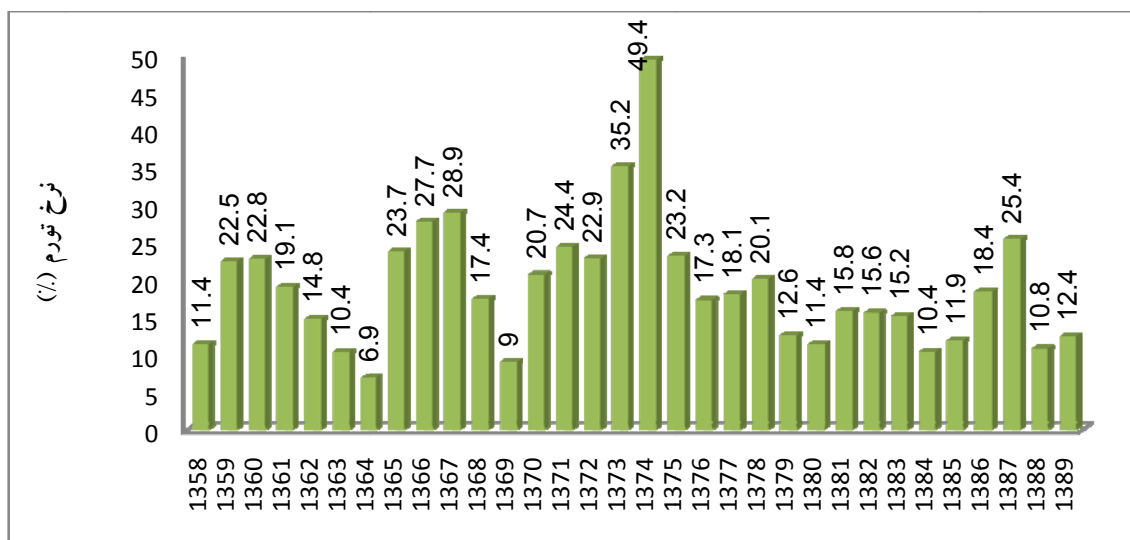
هزینه کلیه خانوارهای ساکن در شهرهای ایران است. با توجه به تغییرات در الگوی مصرف خانوارها، در سال ۸۳ با استفاده از نتایج بررسی بودجه خانوارهای شهری تجدید نظری در انتخاب کالاها و خدمات صورت گرفت و از بین کالاها و خدماتی که خانوارهای ساکن در شهرها مصرف می کنند تعداد ۳۵۹ قلم کالا و خدمت (۲۷۲ قلم کالا و ۸۷ قلم خدمت) با توجه به اهمیت آنها به طریق علمی انتخاب شده است که هزینه این اقلام بیش از ۸۵ درصد کل هزینه اقلام مصرفی خانوارها را شامل می شود.

این ۳۵۹ قلم کالا و خدمت به ۱۲ گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها با ضریب ۲۸/۴۹ درصد، دخانیات ۰/۵۲ درصد، پوشاک و کفش ۶/۲۲ درصد، مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها ۲۸/۶۰ درصد، اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه ۶/۲۶ درصد، بهداشت و درمان ۵/۵۴ درصد، حمل و نقل ۱۱/۹۷ درصد، ارتباطات ۱/۶۳ درصد، تفریح و امور فرهنگی ۳/۸۰ درصد، تحصیل ۲/۰۷ درصد، رستوران و هتل ۱/۷۲ درصد، کالاها و خدمات متفرقه ۳/۱۸ درصد تقسیم بندی شده است. همچنین گروه های اصلی هزینه دارای زیر گروه هایی هستند که چندین کالا و خدمات با خصوصیات مشابه را با ضرایب مختلف دربرمی گیرند. بر اساس این آمارها گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها با ضریب اهمیت ۲۸/۶۰ درصد و خوراکی ها و آشامیدنی ها با ۲۸/۴۹ درصد دارای بالاترین ضرایب در بررسی نرخ تورم هستند. اهمیت بخش مسکن تا حدی است که اگر رشد قیمت های بخش مسکن مهار شود و رشد آن به صفر نزدیک باشد، یک سوم تورم کنترل شده تلقی می شود. کالاهای مشمول شاخص از ۱۰۰ قلم کالای گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها و ۲۵۹ قلم کالای غیرخوراکی و خدمت تشکیل می شود^۱.

در ادامه روند نرخ تورم به صورت نمودار نشان داده شده است. مقدار نشان داده شده، میانگین نرخ تورم طی سال مورد بررسی است^۲.

^۱ تابناک، دی ماه ۱۳۹۰

^۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



نرخ تورم در سال آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ۱۰ درصد بود که با رشد ۲۲/۹۷ درصدی نقدینگی همراه بود، طی سال ۱۳۵۸ این نرخ با ۱/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۱/۴ درصد رسید و در عین حال نقدینگی در این سال ۳۷/۶۷ درصد رشد داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۵۹ نرخ تورم به ۲۲/۵ درصد و رشد نقدینگی به ۲۲/۱۹ درصد افزایش یافت. اما نرخ تورم در طی سال های جنگ متغیر بوده است چنانکه در سال ۶۰ به ۲۲/۸ درصد با رشد نقدینگی ۱۷/۸ درصد رسید. سال ۶۱ کشور نرخ تورم ۱۹/۱ درصد با رشد نقدینگی ۲۰/۸ درصد را تجربه کرد. در سال ۶۲ تورم نسبت به سال قبل به ۱۴/۸ درصد کاهش یافت و این در حالی بود که رشد نقدینگی به ۳۵/۸۷ درصد رسیده بود. در سال ۶۳ سیر نزولی کاهش قیمت ها و خدمات مصرفی ادامه یافت و در این سال مردم تورم ۱۰/۴ درصدی و رشد نقدینگی ۶ درصدی را تجربه کردند و در سال ۶۴ تورم به ۶/۹ درصد و نقدینگی به ۱۲/۹۹ درصد رسید.

سال ۱۳۶۵ با کاهش شدید درآمدهای ارزی دولت رو به رو بوده است. طی این سال نرخ تورم مجدد به ۲۳/۷ درصد رسید و کشور با رشد نقدینگی ۱۹/۱۱ درصد رو به رو بود. این روند صعودی در سال ۶۶ نیز ادامه یافت چنانکه در این سال تورم به ۲۷/۷ درصد و نقدینگی به ۱۳/۱۴ درصد رسید. این گزارش حاکی سیر افزایش بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۶۷ نیز فزاینده بود چنانکه مردم با ۲۸/۹ درصد تورم و ۲۳/۸۳ درصد رشد نقدینگی مواجه بودند. اما در سال ۶۸ تورم در مقایسه با سال ۶۷ با کاهش مواجه بود و به ۱۷/۴ درصد رسید و

نقدینگی نیز رشد ۱۹/۵۴ درصدی را پشت سر گذاشت. طی سال ۶۹ نرخ تورم نسبت به سال قبل کماکان کاهنده بود و با ۹ درصد تک‌رقمی شد در عین حال نرخ رشد نقدینگی به ۲۲/۴۸ درصد رسید.

سال ۷۰ مردم بار دیگر نرخ تورم ۲۰/۷ درصدی را شاهد بودند و این رشد تا سال ۷۴ که با سیاست های تک‌نرخي کردن ارز و آزادسازی واردات همراه بود سيري فزاينده داشت. بر این اساس در سال ۷۱ تورم به ۲۴/۴ درصد افزایش یافت و رشد نقدینگی به ۲۵/۲۸ درصد رسید. سال ۷۲ نرخ تورم ۲۲/۹ درصد بود و نقدینگی ۳۴/۲۱ تجربه شد. سال ۷۳ نرخ تورم به ۳۵/۲ درصد رسید و با رشد نقدینگی ۲۸/۴۸ درصد همراه بود و سرانجام در سال ۷۴ کشور بالاترین نرخ تورم طی سال‌های گذشته یعنی ۴۹/۴ درصد که با رشد نقدینگی ۳۷/۵۶ درصد تجربه کرد. در عین حال طی سال‌های ۷۵ و ۷۶ با تثبیت مجدد نرخ ارز و کنترل اعتباردهی بانک‌ها نرخ تورم به ۲۳/۳ و ۱۷/۳ به رشد نقدینگی ۳۷ و ۱۵/۲۲ رسید. سال ۷۷ نرخ تورم ۱۸/۱ درصد و رشد نقدینگی ۱۹/۴۵ درصد بود و در سال ۷۸ نرخ تورم ۲۰/۱ درصد و رشد نقدینگی ۲۰/۱۳ درصد بر اقتصاد حاکم بود. اما در سال ۷۹ تورم نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ۱۲/۶ درصد رسید در عین حال نقدینگی رشدی فزاينده داشت و به ۲۹/۲۸ رسید. با ادامه این سیر نزولی نسبت به قبل در سال ۸۰ نرخ تورم ۱۱/۴ درصد حاصل شد. در عین حال نقدینگی کماکان رشدی فزاينده داشت و به ۲۸/۸۴ درصد رسید.

طی سال ۸۱ نرخ تورم ۱۵/۸ درصد و نقدینگی ۳۰/۹ درصد بود. در سال ۸۲ نرخ تورم تفاوت محسوسی با سال قبل نداشت و به ۱۵/۶ درصد و رشد نقدینگی به ۲۶/۱۲ درصد رسید. طی سال ۸۳ با تورم ۱۵/۲ درصدی و نقدینگی ۳۰/۲۱ درصد، کاهش غیرمحسوسی در نرخ تورم سالیانه مشاهده شد و در سال ۸۴ نرخ تورم به ۱۰/۴ درصد و رشد نقدینگی به حدود ۳۰ درصد رسید^۱.

طبق شواهد یکی از عوامل کاهش نرخ تورم در سال ۸۴ اجرای قانون تثبیت قیمت‌ها بود که موجب کاهش انتظارات تورمی شد و تورم ۱۵/۲ درصدی در سال ۸۳ را کاهش داد. در واقع انتظارات تورمی بسیار سریع‌تر از نقدینگی بر نرخ تورم تأثیرگذار خواهد بود.

در سال ۸۵ ادامه اجرای سیاست‌های مالی و پولی انبساطی نرخ رشد نقدینگی را به رکورد ۳۹/۴ درصد رساند و از طرف دیگر با افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش قیمت مواد اولیه و هزینه تولید کالا، نرخ تورم در این سال افزایش یافت.

^۱ پارس آتی‌نگر، دی ماه ۱۳۹۰

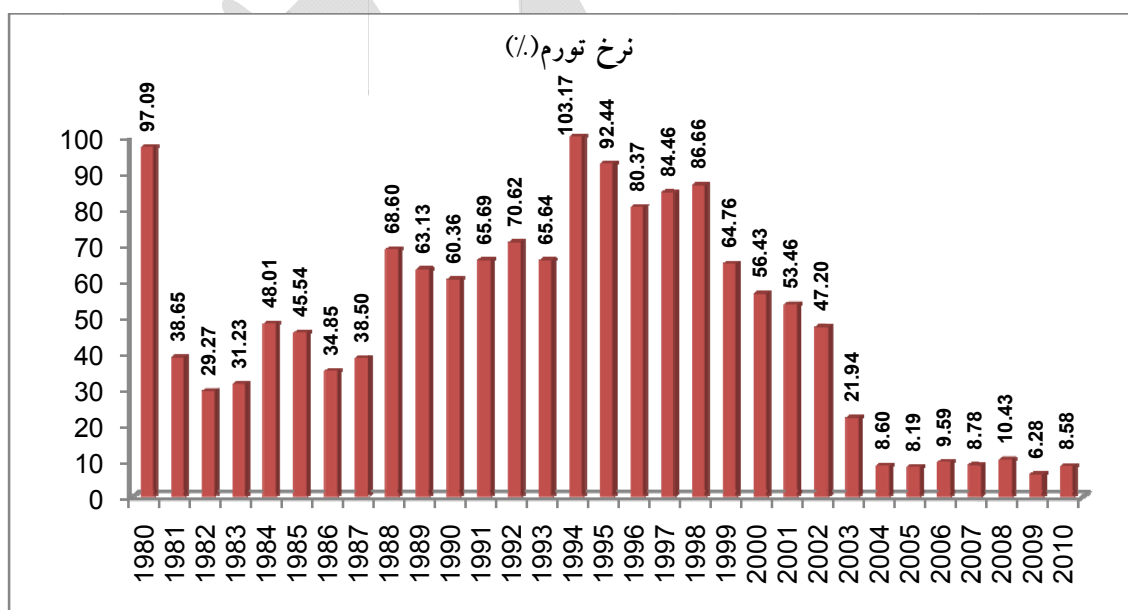
با توجه به اصل پذیرفته شده تقدم و تأخر در رابطه تورم و نقدینگی، افزایش حجم نقدینگی پس از ۱۲ تا ۱۵ ماه بر نرخ تورم اثر می‌گذارد اما تورم انتظاری در مدت بسیار کوتاهی موجب افزایش شاخص قیمت و پس از آن تورم خواهد شد. در واقع با افزایش یا کاهش رشد نقدینگی در یک سال الزاما موجب تغییر نرخ تورم در همان سال نخواهد شد، بلکه طبق این اصل تغییر در حجم پول در یک سال مورد نظر تأثیر خود را بر تورم در سال بعد آن نشان می‌دهد.

بنابراین با افزایش قیمت کالاهای جهانی به دلیل افزایش قیمت نفت به ۱۴۷ دلار و نمایان شدن اثرات سیاست‌های انبساطی پولی و مالی موجب شد تا افزایش نرخ تورم در سال‌های ۸۶ و ۸۷ ادامه یابد و نرخ مذکور را به ترتیب به ۱۸/۴ و ۲۵/۴ درصد برساند.

نرخ تورم در سال ۸۸ کاهش یافته و به ۱۰/۸ درصد رسید. دلیل این کاهش، فارغ از عامل سیاست انقباضی توسط بانک مرکزی، معلول عوامل دیگری مانند کنترل قیمت مسکن، ساماندهی موسسات فاقد مجوز، کاهش نیافتن نرخ سود بانکی و کاهش وام‌دهی و گردش پول است که بسیاری از کارشناسان برآن اتفاق نظر دارند، البته سیاست‌های انقباضی به کمبود نقدینگی در بخش تولید دامن زد.

ترکیه

ترکیه در سالیان اخیر توانسته است نرخ‌های بسیار بالای تورم را مهار کند. نمودار زیر میزان تورم این کشور را در ۳۰ سال اخیر نشان می‌دهد.



منبع: www.tradingeconomics.com

جمهوری ترکیه بر میراث اجتماعی و اقتصادی امپراطوری عثمانی بنا گردیده است. امپراطوری عثمانی در اواخر عمر خویش دچار مشکلات و مصائب اقتصادی و اجتماعی فراوانی شده بود و زمانی که جمهوری ترکیه شکل گرفت، ذخایر اقتصادی و با ارزش این امپراطوری از قلمرو حکومت ترکیه خارج شد و تنها مشکلات عدیده اقتصادی آن برای این کشور به ارث رسید. از آغاز تشکیل جمهوری ترکیه، این کشور به دلیل دیون و قروض سنگین امپراطوری عثمانی دچار مشکلات عدیده اقتصادی بود و تلاش سیاستمداران و دولتمردان این کشور برای کاهش مشکلات اقتصادی معطوف به برنامه‌ریزی اقتصادی شد. در پدیدار شناسی تورم، ترکیه به معنای واقعی در دهه ۱۹۴۰ با این معضل مواجه شد. طی سال‌های جنگ جهانی دوم این کشور با تورم دو رقمی و حتی در سال ۱۹۴۶ با تورم سه رقمی مواجه گردید. در دهه ۱۹۷۰ با گسترش آشوب‌های داخلی مجدداً تورم دو رقمی آشکار گردید. در ۱۹۸۰، زمان اوج بی‌ثباتی کشور، تورم به سطح ۹۷/۰۹ درصد به قیمت‌های خرده‌فروشی بالغ گردید. طی دهه ۱۹۸۰، به‌رغم خروج ترکیه از سیاست‌های جایگزینی واردات و گشودن درهای اقتصادی آن کشور، تورم بالا همچنان ادامه یافت. دهه ۱۹۹۰ که دوران جنگ خلیج‌فارس و نوسانات اقتصاد جهانی بود، تورم در ترکیه افزایش یافت، به طوری که در سال ۱۹۹۴ به ۱۰۳ درصد به قیمت‌های خرده‌فروشی بالغ شد.

متوسط نرخ تورم از ۲۴ درصد در طی دهه ۱۹۷۰ به ۵۰ درصد در دهه ۱۹۸۰ و ۷۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت که نمایانگر شکست همه وعده‌های مسوولان وقت سیاسی و اقتصادی این کشور در زمینه کاهش تورم بود. تورم بالا در کشور ترکیه به کاهش کیفیت تولیدات، ضعف رقابت‌پذیری اقتصاد و نیز به وخیم‌تر شدن وضعیت توزیع درآمدها و ورشکستگی مالیاتی کشور نیز منجر شد. از اواخر دهه ۱۹۹۰، توافقات صورت گرفته میان دولت ترکیه و مسوولان صندوق بین‌المللی پول و تصمیم الحاق کشور به اتحادیه اروپا و لزوم فراهم نمودن پیش‌شرط‌های الحاق، موجب شد تا اراده سیاسی نسبت به کاهش سریع نرخ تورم در دولت شکل گیرد.

یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت ترکیه در راستای مهار تورم، اجرای موفق سیاست تثبیت پولی این کشور بوده است. راهبردهای این سیاست عبارت بودند از:

* ایجاد نظام نرخ ارز شناور به منظور مهار تورم؛

* ایجاد مازاد بودجه عمومی دولت، به طوری که موجب کاهش دیون بخش دولتی شود؛

* میدان دادن به بخش خصوصی

* اصلاحات نظام بانکی؛

با انجام این اقدامات ترکیه به خوبی توانست بر مشکل تورم چندرقمی خود فائق گردد. همچنین اقدام دیگر دولت این کشور هدفگذاری تورم و شفافیت آن برای مردم بوده است. در این راستا بانک مرکزی ترکیه به منظور افزایش کارایی و اثرگذاری سیاست پولی، مقدمات لازم را برای اجرای نظام هدفگذاری تورمی فراهم نمود. هدفگذاری تورمی عبارت است از اعلام یک هدف کمی برای تورم توسط دولت و بانک مرکزی و تعهد سازمانی و نهادی برای تحقق هدف اعلام شده. از این رو، بانک مرکزی خود را متعهد به استفاده از ابزار سیاست پولی صرفاً در جهت تحقق هدف تورمی می‌داند. برای تحقق این امر نیز باید تعاملی دوسویه و تنگاتنگ میان دولت و بانک مرکزی وجود داشته باشد؛ به نحوی که دولت با انجام مذاکرات با بانک مرکزی، نرخ‌های هدف تورمی را مشخص کند و آنها را به اطلاع عموم مردم برساند و بانک مرکزی را متعهد سازد تا از ابزارهای پولی لازم برای دستیابی به اهداف مذکور استفاده کند. گزارش نحوه اجرای این برنامه نیز باید در مقاطع مختلف به اطلاع عموم برسد. بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود که شفافیت، اعتمادسازی و اعتبار لازم در رابطه میان دولت‌ها، بانک مرکزی و مردم ایجاد شده و لذا می‌توان انتظارات تورمی را مهار کرد.

پس از استقلال بانک مرکزی و با اجرای سیاست تورم هدفگذاری شده، ترکیه توانست با جلب اعتماد مردم یکی از موانع مهار تورم را از سر راه بردارد و پس از یک رقمی شدن نرخ تورم، از ابتدای ژانویه ۲۰۰۵ شش صفر آخر واحد پول ملی را حذف کند. از سال ۲۰۰۵ تاکنون نیز این کشور توانسته است به خوبی نرخ تورم را در حد کنترل شده و قابل قبولی حفظ نماید.

به طور کلی می‌توان گفت که ترکیه برای مهار تورم از سیاست‌های انقباضی (پولی و مالی) استفاده نمود. موفقیت ترکیه در جهت کاهش تورم مزمن بدون کاهش رشد تولیدات، طی شش سال اخیر عمدتاً در گرو سه عامل سیاست تثبیت پولی، انضباط مالی دولت و آزادسازی اقتصادی همزمان با توسعه خصوصی سازی می‌باشد و این در واقع چیزی جز اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول نبوده که در قالب موارد زیر خلاصه شده است:

الف) سیاست کاهش کسری بودجه از طریق کاهش بودجه عمومی دولت، توسط دولت ترکیه

ب) کمک سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول

ج) سعی در ایجاد ثبات سیاسی در ۴ سال گذشته (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ میلادی)

د) اجرای نظام هدف‌گذاری تورمی و کاهش انتظارات تورمی از طریق اعتمادسازی ناشی از شفافیت در سیاست‌های کاهش تورم و شناورکردن مدیریت شده نرخ ارز و آگاه سازی مردم برای جلب اعتماد و همراهی آنها

ه) آزادسازی از طریق مقررات‌زدایی، خصوصی سازی، کاهش تعرفه‌ها برای ورود و خروج کالاها و خدمات و افزایش رتبه کشور در تامین سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و سهولت اعتبارگیری از خارج به ویژه اعتبارات کوتاه مدت^۱.

نرخ تبدیل ارز



نرخ ارز مشخص می‌کند که ارزش هر واحد پول یک کشور به ازای پول خارجی چقدر است، یا به بیان دیگر ارزش پول خارجی بر اساس واحد پول ملی را نشان می‌دهد.

قدرت پول ملی و ارزش برابری آن از موضوعات تعیین کننده در مناسبات اقتصادی امروز جهان است.

«برابری قدرت خرید» به عنوان یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در تعیین نرخ ارز به شمار می‌رود. این مکانیسم در شرایطی به کارآیی قابل قبولی در تعیین نرخ ارز می‌رسد که قیمت‌های کالا در دو کشور واقعی بوده و کیفیت محصولات نیز یکسان باشد.

^۱. روزنامه دنیای اقتصاد- ششم اردیبهشت ماه ۱۳۸۶

پول و دارایی‌های ارزی یک کشور نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز به شمار می‌رود. افزایش ارزش دارایی‌های ارزی خود موجب تقویت پول ملی می‌شود. بنگاه‌های مالی و بانک‌های مرکزی با مدیریت ذخایر ارزی خود می‌توانند نسبت به تقویت برابری پول خود با سایر ارزها اقدام کنند.^۱

در این قسمت نرخ تبدیل ارز دو کشور ایران و ترکیه در ۳۰ سال اخیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ایران

بازار ارز خارجی یکی از بزرگترین بازارهای دنیاست. بر پایه برخی گمانه‌زنی‌ها، روزانه حدود ۲/۳ تریلیون دلار در این بازار مبادله می‌شود. ارز رسمی در ایران که دولت معاملات جهانی خود را با آن انجام می‌دهد دلار آمریکا است.

بازار ارز ایران طی سال‌های گذشته نظام چند نرخ تا یکسان‌سازی نرخ ارز و تعیین نرخ ارز براساس نظام ارزی شناور مدیریت شده را تجربه کرده است.

در ۳۳ سال گذشته نرخ دلار در بازار غیر رسمی کشور همواره روند صعودی را طی کرده، به طوریکه نرخ دلار آزاد از ۱۰ تومان در سال ۵۷ به ۲۰۰۰ تومان در حال حاضر رسیده است و این مقدار نیز به طور روزانه با تغییرات بسیار زیادی روبه‌روست.

قیمت دلار در بازار غیر رسمی در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۰ تومان، در سال ۵۸ حدود ۱۴ تومان، در سال ۵۹ معادل ۲۰ تومان، در سال ۶۰ حدود ۲۷ تومان، در سال ۶۱ حدود ۳۵ تومان و در سال ۶۲ حدود ۴۵ تومان بوده است.

همچنین نرخ دلار آزاد در سالهای ۶۳ تا ۶۷ به ترتیب ۵۸ تومان، ۶۱ تومان، ۷۴ تومان، ۹۹ تومان و ۹۶ تومان فروش می‌رفت، اما در سال ۶۸ با ادامه روند صعودی قیمت آن سه‌رقمی شد به طوریکه در این سال به ۱۲۰ تومان افزایش یافت.

این افزایش قیمت باعث رسیدن نرخ دلار در بازار آزاد به حدود ۱۴۱ تومان در سال ۶۹ شد، در سال ۷۰ نرخ دلار با حدود یک تومان افزایش به ۱۴۲ تومان رسید.

دلار آزاد در سال ۷۱ حدود ۱۴۹ تومان، در سال ۷۲ حدود ۱۸۰ تومان بود و در سال ۷۳ به بیش از ۲۶۳ تومان رسید، این روند صعودی قیمت ادامه یافت و در سال ۷۴ نرخ دلار را به یکباره طی یکسال به ۴۰۳ تومان رساند.

^۱. روزنامه دنیای اقتصاد- شماره ۱۸۰۳- ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

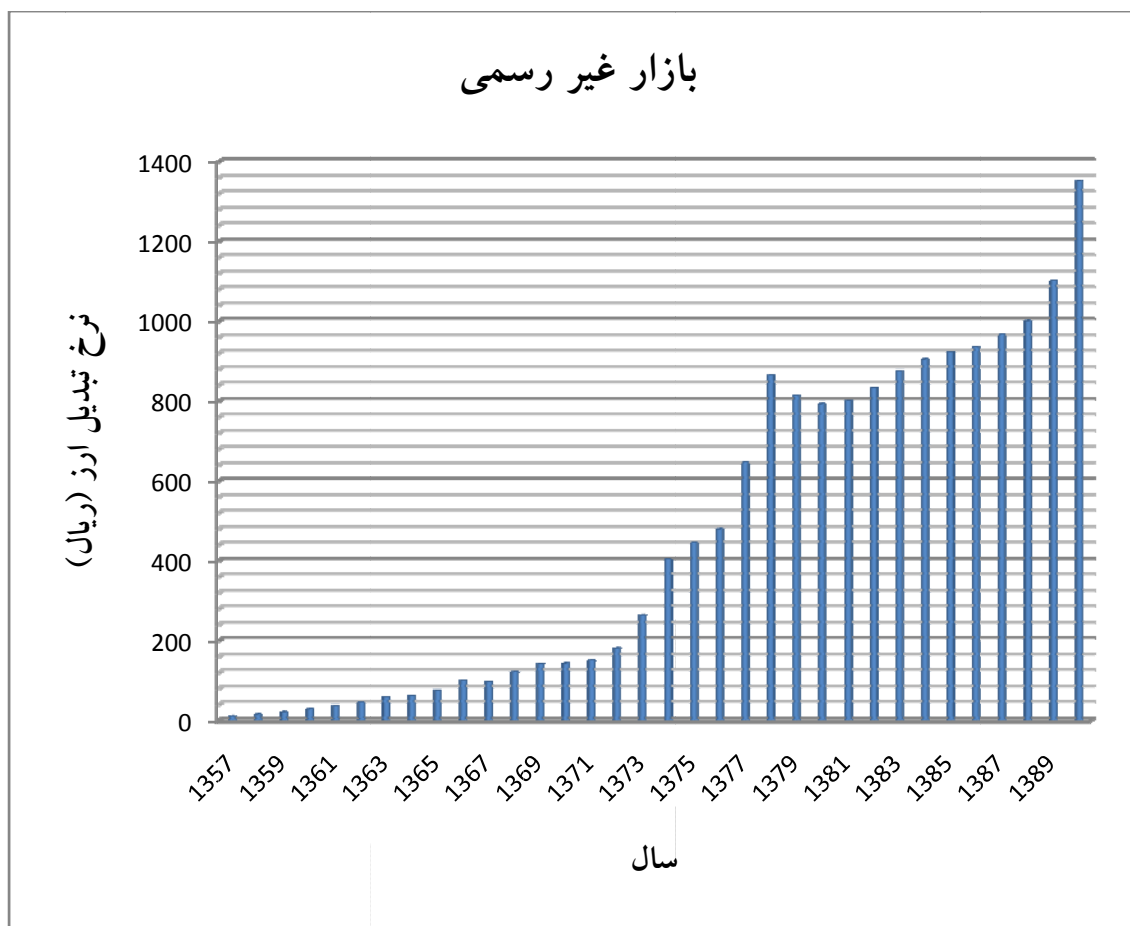
نرخ فروش دلار در بازار غیر رسمی در سال ۷۵ نیز روند افزایشی را همچنان ادامه داد تا به ۴۴۴ تومان افزایش یافت، نرخ دلار در سال ۷۶ به ۴۷۸ تومان رسید، اما دوباره در سال ۷۷ با روندی جهشی مواجه شد و به نرخ ۶۴۶ تومان صعود کرد.

قیمت دلار آزاد در سال ۷۸ از نرخ ۶۴۶ تومان سال ۷۷ به ۸۶۳ تومان افزایش یافت، اما در سال ۷۹ برای اولین بار روند نزولی را تجربه کرد و به ۸۱۳ تومان رسید، روند نزولی طی دو سال پس از آن نیز ادامه یافت به طوریکه در سال ۸۰ و ۸۱ به ترتیب نرخهایی حدود ۷۹۲ تومان و ۷۹۹ تومان را تجربه کرد.

نرخ دلار در بازار آزاد در سال ۸۲ دوباره افزایش یافت و به رقمی حدود ۸۳۲ تومان رسید، در سال ۸۳ این نرخ به ۸۷۴ رسید و در نهایت در سال ۸۴ بود که نرخ دلار به بالای ۹۰۰ تومان برای اولین بار رسید و در سالهای پس از آن نرخهایی معادل ۹۰۰ تومان را تجربه کرد.

نرخ دلار آزاد در پایان سال ۸۴ به حدود ۹۰۴ تومان، در سال ۸۵ حدود ۹۲۲ تومان، در سال ۸۶ معادل ۹۳۵ تومان و در سال ۸۷ حدود ۹۶۶ تومان شد. قیمت دلار در بازار آزاد در پایان سال ۸۸ معادل ۱۰۰۰ تومان و در پایان سال ۸۹ حدود ۱۱۰۰ تومان فروخته می شد. در حال حاضر نرخ دلار در بازار آزاد ایران در حدود ۲۰۰۰ تومان است.

قیمت دلار در بازار آزاد در ۳۳ سال گذشته مطابق نمودار زیر می باشد.



نرخ رسمی دلار

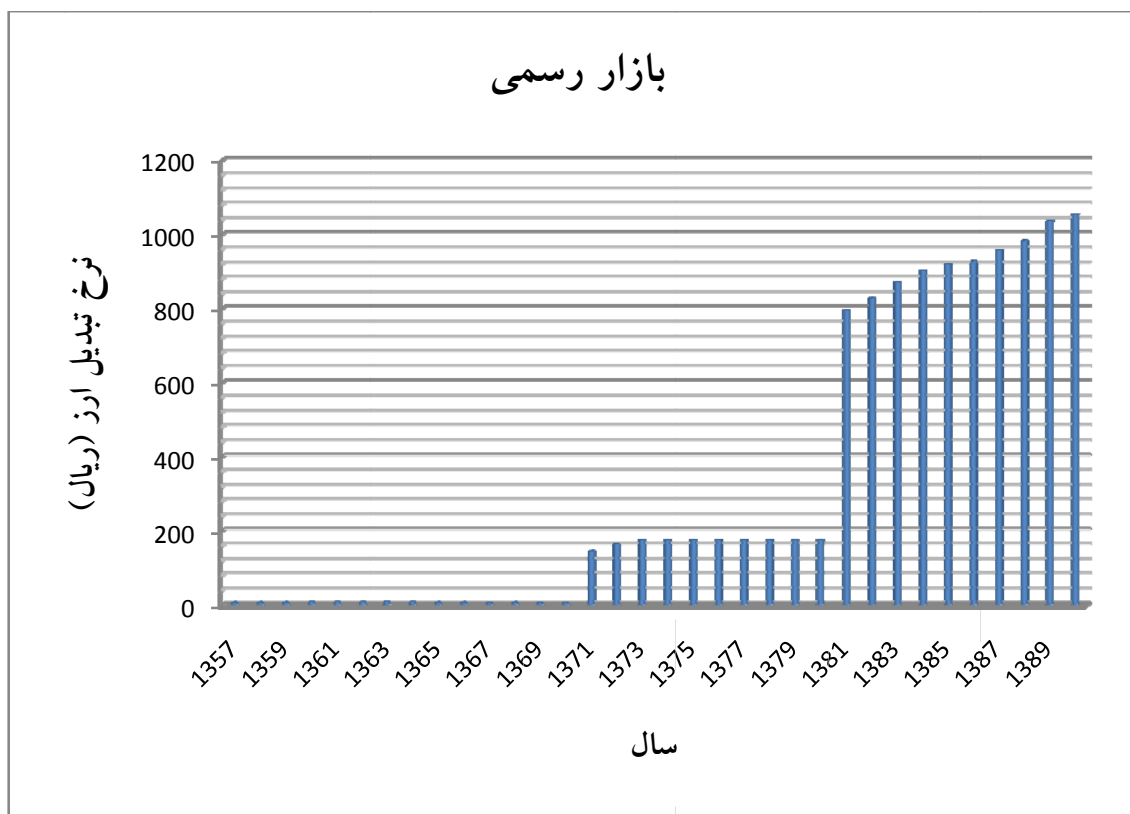
در کنار بازار آزاد، بانک مرکزی هر روز نرخ رسمی دلار را برای فروش در شعب بانکی و صرافی‌ها اعلام می‌کند، بر این اساس طی سال‌های ۵۷ تا ۵۹ نرخ دلار در بازار رسمی ۷ تومان و در سال‌های ۶۰ تا ۶۲ حدود ۸ تومان فروخته می‌شد، در سال ۶۳ نرخ دلار به ۹ تومان رسید، اما در سال پس از آن یعنی ۶۴ مجدداً با روندی کاهشی ۸ تومان تعیین شد. بانک مرکزی نرخ رسمی دلار را در سال ۶۵ مجدداً کاهش داد و به ۷ تومان رساند که این نرخ سال ۶۶ هم تثبیت شد، در سال ۶۷ نرخ دلار به روندی کاهشی خود در بازار رسمی ادامه داد، ب طوریکه هر دلار حدود ۶ تومان به فروش می‌رسید، اما در سال ۶۸ دوباره یک تومان افزایش یافت و به حدود ۷ تومان رسید. نرخ دلار در بازار رسمی طی سالهای ۶۹ دوباره کاهش یافت و به ۶ تومان رسید که این نرخ در سال ۷۰ ثابت بود، اما در سال ۷۱ به یکباره نرخ تعیین شده برای دلار توسط بانک مرکزی افزایش بسیار چشمگیری یافت و به ۱۴۵ تومان رسید. برخی از کارشناسان اقتصادی دلیل این امر را تفاوت بسیار زیاد نرخ دلار در بازار

رسمی و غیر رسمی عنوان می‌کنند، زیرا این تفاوت به تشدید دلالی و سفته‌بازی و ایجاد یک بازار سیاه کاذب در شرایطی که کشور با بحران‌های اقتصادی و جنگ مواجه بود، دامن می‌زد. در سال ۷۲ نرخ دلار ۲۰ تومان نسبت به سال قبل از خود افزایش یافت و به ۱۶۵ تومان رسید، در سال ۷۳ نرخ دلار روند افزایشی را ادامه داد و به ۱۷۵ تومان رسید و این نرخ تا ۷ سال پس از آن یعنی سال ۸۰ ثابت بود، در حالیکه نرخ دلار در بازار آزاد هر روز یک قیمت را تجربه می‌کرد و تفاوت قیمت بسیار زیادی بین نرخ دلار رسمی و غیر رسمی وجود داشت.

در سال ۸۱ به یکباره نرخ دلار رسمی به شدت افزایش قیمت پیدا کرد یعنی از نرخ ۱۷۵ تومان سال ۸۰ به ۷۹۵ تومان سال ۸۱ رسید، در سال ۸۲ قیمت دلار روند صعودی را طی کرد و ۸۲۸ تومان فروخته شد. نظام ارزی که در ایران تا سال ۸۱ اعمال می‌شد، چند نرخ بود، اما در سال مذکور به نظام یکسان‌سازی نرخ ارز تبدیل شد که این کار منجر به افزایش یکباره قیمت شد. بانک مرکزی قیمت دلار رسمی را دوباره در سال ۸۳ افزایش داد و ۸۷۱ تومان تعیین کرد، از سال ۸۴ تاکنون نیز قیمت دلار به هیچ وجه از ۹۰۰ تومان کمتر نشده است، در عین حال از سال ۸۲ به این طرف بود که تفاوت نرخ دلار در بازار رسمی و غیر رسمی کاهش یافت. بر این اساس بانک مرکزی نرخ دلار رسمی را در سال ۸۴ حدود ۸۰۲ تومان، در سال ۸۵ ۹۱۹ تومان، در سال ۸۶ حدود ۹۲۸ تومان و در سال ۸۷ حدود ۹۵۷ تومان تعیین کرد. قیمت دلار در بازار رسمی در پایان سال ۸۸ حدود ۹۸۳ تومان و در پایان سال ۸۹ حدود ۱۰۳۶ تومان بوده است، در سال ۹۰ نیز نرخ دلار اعلام شده توسط بانک مرکزی ۱۰۵۴ تومان بود. در دی ماه سال ۱۳۹۰ نیز نرخ رسمی دلار توسط بانک مرکزی به ۱۲۲۶ تومان افزایش یافته است.

قیمت رسمی دلار در ۳۳ سال گذشته در نمودار زیر نشان داده شده است.^۱

^۱ مهر پرس، دی ماه ۱۳۹۰



عددی که قیمت دلار در سال ۶۰ شاهد آن بود، با عددی که در روزهای اخیر شاهد آن هستیم، حکایت از مسیر پرفراز و نشیب دارد. قیمت دلار در ایران مانند هر کشور دیگری متأثر از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و بین‌المللی است. حال فراز و نشیب‌های کشور در این ۳۰ سال از جنگ تحمیلی گرفته تا دوران بازسازی و ثبات اقتصادی و تحریم و سرانجام امروز به وضوح تغییرات و تأثیرات این عوامل در قیمت دلار را نشان می‌دهد.

نگاهی به نقطه آغازین مقایسه قیمت دلار در ۳۰ سال گذشته با نقطه پایان آن در روزهای میانی بهمن‌ماه ۹۰ نشان می‌دهد قیمت دلار در این مدت ۲۵۰ برابر شده است. یعنی از ۸ تومان سال ۶۰ به حدود ۲۰۰۰ تومان این روزها (اگر در زمان چاپ این گزارش حدود قیمت همان ۲۰۰۰ تومان مانده باشد و بالا و پایین نشده باشد) افزایش یافته است. حال اگر بخواهیم این ۲۵۰ برابر را به درصد تبدیل کنیم، باید بگوییم قیمت ارز در این مدت حدود ۲۵ هزار درصد افزایش یافته است.

بدیهی است فراز و نشیب‌های کشور در زمینه‌های مختلف در این رشد قیمت دلار تأثیر تمام و کاملی داشته و بسیاری از این افزایش‌ها اجتناب‌ناپذیر و ضروری نیز بوده است، اما اگر با منطق اعداد و ارقام به ماجرا نگاه کنیم،

باید گفت ۲۵ هزار درصد، همان ۲۵ هزار درصد است، صرف نظر از هر علت و معلولی که بر چرایی آن تاثیرگذار بوده است.

نگاهی به سیر قیمت دلار در ۳۰ سال گذشته نشان می دهد که ما هر ۱۰ سال یکبار شاهد رشد قیمت دلار بوده ایم. با این حال اندازه افزایش قیمت ارز در هر یک از ۳ دهه‌ی که طی این مدت اتفاق افتاد، یکسان نبوده است.

در طول دهه ۶۰ با این که این دهه ۲ ماجرای بزرگ کشور یعنی اوج جنگ تحمیلی، پایان آن و آغاز دوران بازسازی اتفاق افتاد و ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و بین المللی دوران فوق العاده حساسی را تجربه کرد، اما سیاست های تعیین شده که بیشتر بر محور صرفه جویی فوق العاده در مصرف ارز و کنترل تقاضای آن می چرخید، باعث شد با وجود کمبود شدید درآمدهای ارزی، قیمت دلار افزایش نیابد.

براساس آمار رسمی منتشره، متوسط درآمد ارزی ایران در دهه ۶۰ از ۱۱ میلیارد دلار فراتر نمی رفت. چرا که در دوران جنگ و به ویژه فاصله سال های ۶۶ تا ۶۸ به علت حمله عراق به تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس و جنگ نفتکش ها، فروش نفت ایران کاهش یافته بود. حتی پایان جنگ و آغاز بازسازی در ۲ سال پایانی دهه ۷۰ نیز به فوریت نتوانست درآمد ارزی ایران را افزایش دهد. چرا که خرابی های ناشی از جنگ باز هم محدودیت های فروش نفت را پابرجا کرده بود و رفع این محدودیت ها زمان لازم داشت. با این وجود شاهد هستیم که در طول سال های دهه ۶۰ حداقل قیمت دلار ۶ تومان و حداکثر آن ۹ تومان است و این دهه قیمت دلار را در همین حد فاصل به پایان می برد.

با این حال آغاز دهه ۷۰ با ایجاد یک شوک قیمتی در نرخ دلار همراه بود. قیمت دلار در طول یک سال از ۶ تومان به ۱۴۵ تومان افزایش یافت. یعنی حدودا ۲۴ برابر شد یا ۲۳۰۰ درصد افزایش یافت. دهه ۷۰ را می توان اوج اجرای سیاست های انبساطی اقتصادی برای رونق زایی و حرکت به سوی اقتصاد آزاد ارزیابی کرد. چرا که اجرای پروژه های متعدد برای بازسازی کشور پس از جنگ در حال اجرا بود و کشور نیاز به درآمد بیشتر داشت.

آمار رسمی نشان می دهد در این سال ها استقراض خارجی به میزان حدود ۱۸ میلیارد دلار از طریق وام نقدی، فاینانس، بیع متقابل، ری فاینانس و سایر روش های تأمین مالی در دستور کار دولت قرار گرفت و روشن است که برای تبدیل هرچه بیشتر این دلارهای قرض گرفته شده به ریال، نیاز به افزایش قیمت ارز بود. اینچنین بود که در تمام سال های دهه ۷۰ رشد قیمت دلار تداوم یافت؛ به طوری که قیمت دلار از ۱۴۵ تومان در آغاز سال ۷۱ با ۳۰ تومان رشد در پایان سال ۸۰ به ۱۷۵ تومان رسید. با این وجود به جز ۳ سال اول این دهه که قیمت دلار

سالانه افزایش یافت، ۷ سال بعدی قیمت دلار در رقم ۱۷۵ تومان ثابت نگاه داشته شد تا فعالان اقتصادی امکان سرمایه‌گذاری بلندمدت و قابل مقایسه بیابند. به عبارت بهتر، دلار پس از جهش ۲۳۰۰ درصدی خود در سال ۷۱ و رسیدن به ۱۴۵ تومان، در سال ۷۲ و ۷۳ به ترتیب با ۲۰ و ۱۰ تومان افزایش روبه‌رو شد و از این سال تا سال ۸۰ ثابت باقی ماند.

با آغاز دهه ۸۰ قیمت دلار میل به رسیدن به قله‌های بالا و بالاتر کرد؛ چراکه دهه دوم به اتمام رسیده و نیاز به یک افزایش دیگر بود. این چنین بود که بلافاصله در سال ۸۱ قیمت دلار با ۶۲۰ تومان جهش از ۱۷۵ تومان به ۷۹۵ تومان رسید، یعنی قیمت دلار یک ساله ۴ برابر شد یا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت. به‌زعم سیاستگذاران اقتصادی، این افزایش قیمت پایانی بر سیاست چندنرخه دلار بود؛ چراکه دولت وقت اعلام کرد از ارائه ارز به چند قیمت مختلف که گاه به ۱۶ قیمت می‌رسید، خودداری کرده و ارز را با قیمت رسمی به هرکس به هر میزان که بخواهد، واگذار می‌کند. با این حال حکایت قیمت دلار در دهه ۸۰ با ۲ دهه قبل از آن از زمین تا آسمان متفاوت بود؛ چراکه قیمت دلار رشد آرام و موزون خود - که بعضاً بسختی قابل احساس بود - را از دست داد و رشد آن سرعت گرفت.

نگاهی به تغییرات قیمت ارز در این سال‌ها نشان می‌دهد، قیمت دلار در دهه ۸۰ یک رشد ثابت و پایدار ولی اندک را در هر سال تجربه کرده است. اگر ملاک قیمت ارز در سال جاری را متوسط بهای دلار در نیمه دوم دی‌ماه در نظر بگیریم، قیمت ارز از سال ۸۹ تا سال ۹۰ حدود ۵۵۰ تومان افزایش یافته است. نگاهی به رشد قیمت دلار در دهه ۸۰ نشان می‌دهد که قیمت دلار در طول این دهه حدود ۸۰۵ تومان افزایش یافته و از ۷۹۵ تومان سال ۸۱ به ۱۶۰۰ تومان این روزها رسیده است. به عبارت بهتر، قیمت دلار در این دهه ۲ برابر شده یا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. اگر آن را برای میانگین این ۱۰ سال حساب کنیم افزایش زیادی به نظر نمی‌رسد.

اول فروردین ۹۰، قیمت رسمی و مرجع دلار ۱۰۳۶ تومان و قیمت بازار آزاد آن نیز همین حدود بود. اما افزایش قیمت بازار آزاد ارز در ماه‌های اولیه سال به آرامی آغاز و در پایان بهار شدت گرفت. نگاهی به منحنی افزایش قیمت دلار در ۳۰ سال گذشته، یک صخره‌نوردی بزرگ را در فاصله سال‌های ۸۹ و ۹۰ را نشان می‌دهد با این نکته که منحنی قیمت دلار در سال ۹۰ خود حکایت مفصل و جداگانه دارد.

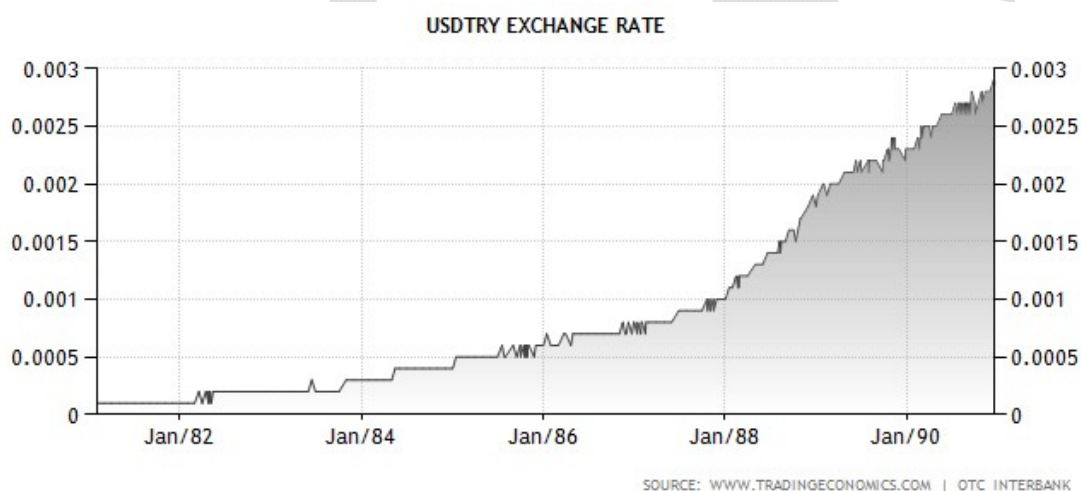
در مجموع مطالعه رفتار نرخ ارز در ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد تقریباً هر ۱۰ سال یک جهش بزرگ در قیمت ارز در کشور اتفاق افتاده است که برخی از آنها ارادی و برخی غیر ارادی بوده است. جهش امسال به

عنوان سومین جهش ۳۰ سال اخیر به نسبت کوچک تراز ۲ جهش قبلی به نظر می رسد اما این امر نمی تواند توجیهی برای کم توجهی به عواقب آن باشد^۱.

با توجه به تورم بالا در ایران و پایین آمدن ارزش پول ملی، قرار بر حذف چند صفر (پیشنهاد بانک مرکزی حذف ۴ صفر است) از پول ایران شده است. برنامه حذف چهار صفر از واحد پول ملی در ایران در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۹ هیات دولت، به تصویب رسید.

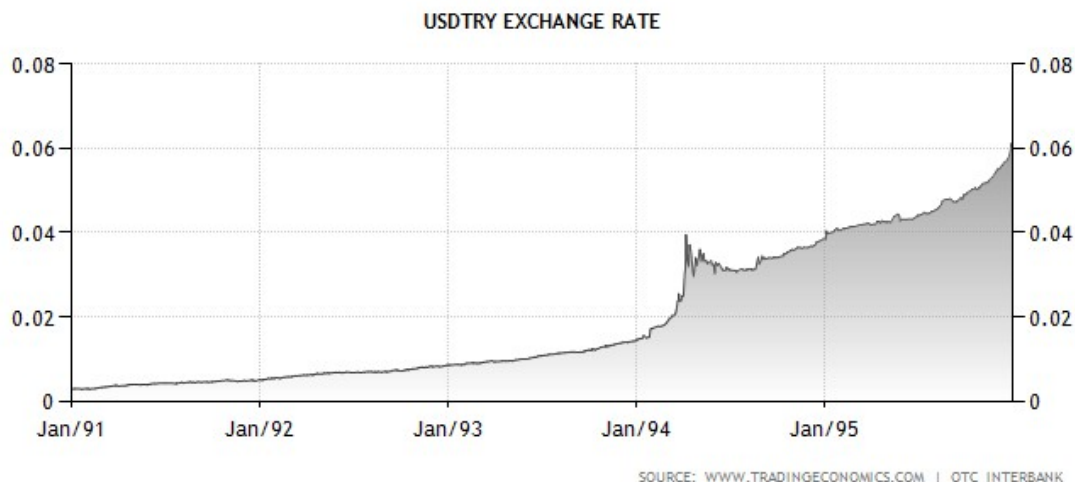
ترکیه

نمودارهای زیر نرخ تبدیل ارز کشور ترکیه را بر اساس واحد پول جدید این کشور (TRY) در سالهای گذشته نشان می دهند.

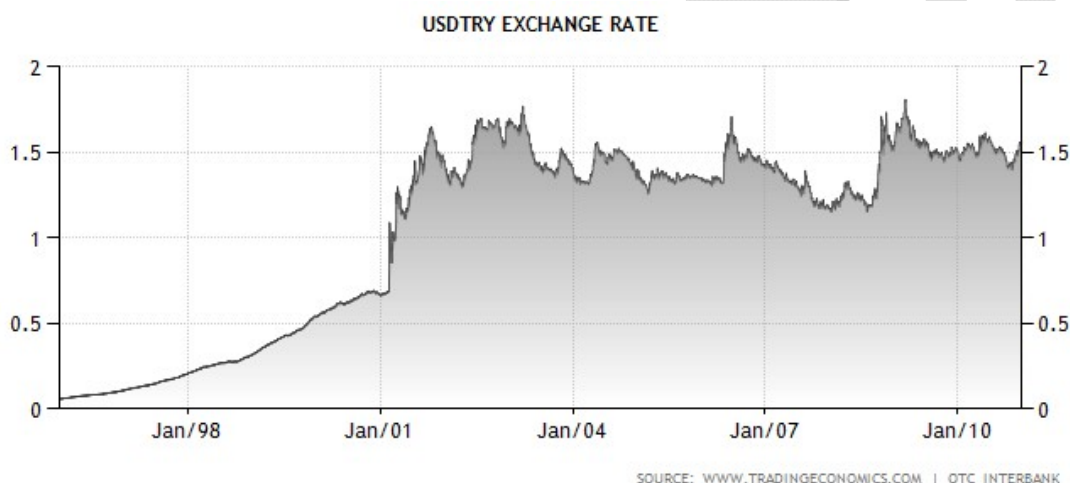


تبدیل نرخ ارز کشور ترکیه از ژانویه ۱۹۸۱ تا دسامبر ۱۹۹۰

^۱ جام جم آن لاین، دی ماه ۱۳۹۰



تبدیل نرخ ارز کشور ترکیه از ژانویه ۱۹۹۱ تا دسامبر ۱۹۹۵



تبدیل نرخ ارز کشور ترکیه از ژانویه ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۱۰

ارزش لیر ترکیه در برابر دلار آمریکا در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰ در سایه سیاست‌های حمایتی دولت با روندی کند از ۹ لیر به ۹۰ لیر رسیده بود، اما با اجرای سیاست‌های اقتصاد آزاد توسط تورگوت اوزال نخست وزیر وقت ترکیه در اوایل دهه ۸۰ ارزش پول ملی این کشور با سرعت زیاد کاهش یافت و در سال ۱۹۸۸ ارزش برابری یک دلار آمریکا به ۱۳۰۰ لیر و در سال ۲۰۰۱ به ۱۶۵۰۰۰۰ لیر رسید.

شرایط تورمی کشور ترکیه که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، سبب گردید برای بیان ارزشهای پولی از میلیارد، تریلیون (هزار میلیارد) و یا حتی کوادرلیون^۱ استفاده شود. در این فرآیند به تقاضای پول نقد جامعه از طریق

^۱ هزار هزار میلیون (Quadrillion)

چاپ اسکناس‌های درشت‌تر پاسخ داده می‌شد و از سال ۱۹۸۱ به طور متوسط هر دو سال یک بار افزایش قطع اسکناس صورت می‌گرفت. لذا ارزش پول ترکیه روز به روز کاهش می‌یافت. انتشار قطعات پولی بزرگ، اقبال عمومی مردم نسبت به پول ملی را تضعیف کرده بود. همچنین واحد پول این کشور توانایی خود در انجام موفقیت‌آمیز وظایف تعریف شده از جمله انجام محاسبات، نگهداری حساب‌ها، ثبت آمارها و تسویه نقدی معاملات را از دست داده بود.

دولت ترکیه برای اولین بار پیشنهاد تغییر واحد پول کشور را در سال ۱۹۸۰ به پارلمان ارائه کرد. همزمان با این اقدام، بسته اصلاحات اقتصادی خود را نیز با معرفی برنامه توسعه بر اساس استراتژی‌های نوین از ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰ آغاز کرد. سرفصل‌های کلی اصلاحات که در سال ۱۹۸۰ اعلام شد، شامل برنامه‌های تثبیت اقتصادی، آزادسازی تجاری، کاهش ارزش پول ملی و حذف بسیاری از اختلال‌های اقتصادی (نظیر حذف یارانه‌ها و کنترل‌های قیمتی، حذف نظام چندنرخ ارز، امکان نگهداری بخشی از درآمد صادرکنندگان به ارز، کاهش تعرفه و سهمیه) بود.

طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، اصلاحات مالی به تدریج انجام شد. مرحله اول این دسته از اقدامات، آزادسازی نرخ سود سپرده‌ها و وام‌های بانکی بود. پس از آن بانک‌ها برای جلب سپرده اقدام به رقابت در ارائه نرخ‌های بهره بالا نمودند که در نهایت منجر به بحران مالی سال ۱۹۸۲ و ورشکستگی شش بانک و تعدادی از واسطه‌های مالی گردید. لذا بانک مرکزی مجدداً کنترل نرخ بهره را تا سال ۱۹۸۸ در دست گرفت.

در سال ۱۹۸۸ بازار ارز خارجی تشکیل شد و اجازه داد که عرضه و تقاضای پول خارجی تعیین‌کننده قیمت پول داخلی باشد (نظام ارز شناور). در نتیجه این اقدام ارزش پول این کشور به شدت کاهش یافته و تورم نیز در حدود ۷۰ درصد گردید.

در سال ۱۹۸۹ چگونگی مقابله با تورم مزمن، بحث اصلی سیاست‌گذاران بود. در این راستا، بانک مرکزی و خزانه‌داری توافق نمودند تأمین مالی بانک مرکزی از هزینه‌های دولت حداکثر تا ۱۵ درصد کل بودجه باشد.

طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ بانک در اثر اجرای سیاست‌های مالی دولت، افزایش نرخ بهره واقعی و تقویت نرخ واقعی ارز، حجم ورود سرمایه و نیز سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار استانبول رونق گرفت. در نتیجه اقدامات مذکور، طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ ذخایر خارجی بانک مرکزی روند فزاینده یافت. این ذخایر روانه بانک‌ها شد و موجب افزایش سهم سپرده ارزی گردید. شایان ذکر است که در خلال دلاریزه شدن اقتصاد ترکیه، نرخ بهره واقعی بالا بود و نرخ ارز مرتب تقویت می‌شد.

از نوامبر ۱۹۹۳ مردم برای خرید ارز خارجی هجوم آوردند. بانک مرکزی برای تخفیف اوضاع در بازار ارز مداخله کرد و با فروش ذخایر خارجی خود در اواسط ژانویه ۱۹۹۴ لیره را ۱۳/۶ درصد تقویت نمود. این عمل موجب توقف تقاضا برای ارز نشد و بانک مرکزی به فروش ذخایر ادامه داد و تا مارس همان سال ۷ میلیارد دلار ارز به فروش رساند. در نتیجه، ذخایر بانک مرکزی به ۳/۳ میلیارد دلار محدود شد و برای جبران، از وام صندوق بین‌المللی پول و انتشار اوراق قرضه سه ماهه با نرخ ۵۰ درصد استفاده شد. اقدامات اصلاحی سرانجام در نیمه دوم سال ۱۹۹۴ نتیجه داد و لیره شروع به تقویت نمود و با تقویت ارزش پول در سال ۱۹۹۵، تحولات پولی و ارزی رو به بهبود گذارد.

در دسامبر سال ۱۹۹۹، ترکیه برنامه جدید اقتصادی خود را طراحی کرد که هدف آن کاهش تورم و بازگرداندن اعتماد عمومی به پول ملی بود. ترکیه برنامه کنترل تورم خود را نه تنها برای دستیابی به تثبیت اقتصادی بلکه به منظور فراهم آوردن زمینه مساعد جهت الحاق به اتحادیه اروپا دنبال می‌کرد. در نتیجه اجرای این برنامه، در سال ۲۰۰۰ تولید ناخالص داخلی آن رشد یافت. همچنین نرخ بهره کاهش یافته و جریان ورود سرمایه خارجی در اثر افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش یافت. در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ نیز برنامه تثبیت اقتصادی ترکیه با حمایت صندوق بین‌المللی پول دنبال شد. متعاقب آن در سال ۲۰۰۴ برای اولین بار از سال ۱۹۷۲ نرخ تورم در ترکیه یک رقمی شد که زمینه مساعدی برای اجرای برنامه رفهرم پولی فراهم آورد. بدین ترتیب همراه با دستاوردهای حاصل از برنامه تثبیت اقتصادی، اعتبار مالی کشور در بازارهای بین‌المللی نیز بهبود یافت.^۱

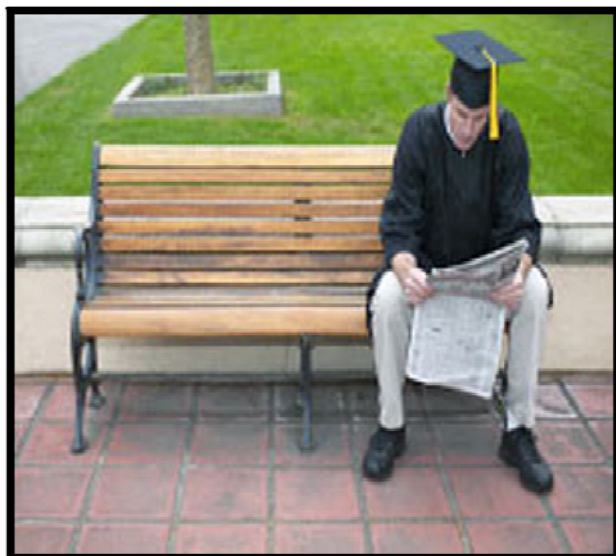
دولت ترکیه در سال ۲۰۰۵ با هدف حذف ۶ صفر از پول ملی همزمان با لیر ترک، پول جدیدی را با نام لیر جدید ترک با نام مخفف YTL وارد بازار کرد به گونه‌ای که در طول پنج سال علاوه بر لیر ترک با صفرهای متعدد، لیر جدید ترک نیز رایج بود و هر لیر جدید ترک معادل یک میلیون لیر ارزش داشت.

در سال ۲۰۱۰ دولت ترکیه پس از پنج سال لیر ترک با صفرهای متعدد را به صورت کامل از گردونه اقتصاد خارج کرد و نام لیر جدید ترک نیز به «لیر ترک» تبدیل شد.

کاهش تورم در ترکیه در نتیجه رونق اقتصادی این کشور و در سایه اجرای سیاست‌های صحیح عملی شده و حذف ۶ صفر از پول ملی نیز با کاهش هزینه‌های چاپ و نشر پول و صرفه‌جویی در زمان انجام محاسبات تأثیری مثبت بر اقتصاد داشته است به گونه‌ای که در ظاهر ارزش پول ملی ترکیه در برابری با دلار از ۱۶۵۰۰۰۰ لیر در سال ۲۰۰۱ به ۱/۴۴ لیر در سال ۲۰۱۰ رسیده است.

^۱ . تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۲۷ (www.sid.ir)

نرخ بیکاری



نرخ بیکاری از تقسیم تعداد افراد بیکار جویای کار بر مجموع افراد بیکار و شاغل حاصل می‌شود. برای بیان راحت تر این نرخ، معمولاً آن را در ۱۰۰ ضرب کرده و به درصد بیان می‌کنند.

شاغل به تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، اطلاق می‌شود. پس هنگامی که کلمه

شاغل مطرح می‌شود، منظور فردی است که دارای خصوصیات بیان شده در تعریف فوق باشد.

بیکار به فرد ۱۰ ساله یا بالاتر از ۱۰ سال که سه شرط زیر را توأمان دارا باشد اطلاق می‌گردد:

۱- در هفته ی مرجع حتی یک ساعت هم کار نکرده باشد.

۲- آمادگی برای انجام کار داشته باشد.

۳- در هفته ی مرجع و سه هفته قبل از آن، جویای کار بوده باشد. (اقدامات مشخصی را به منظور

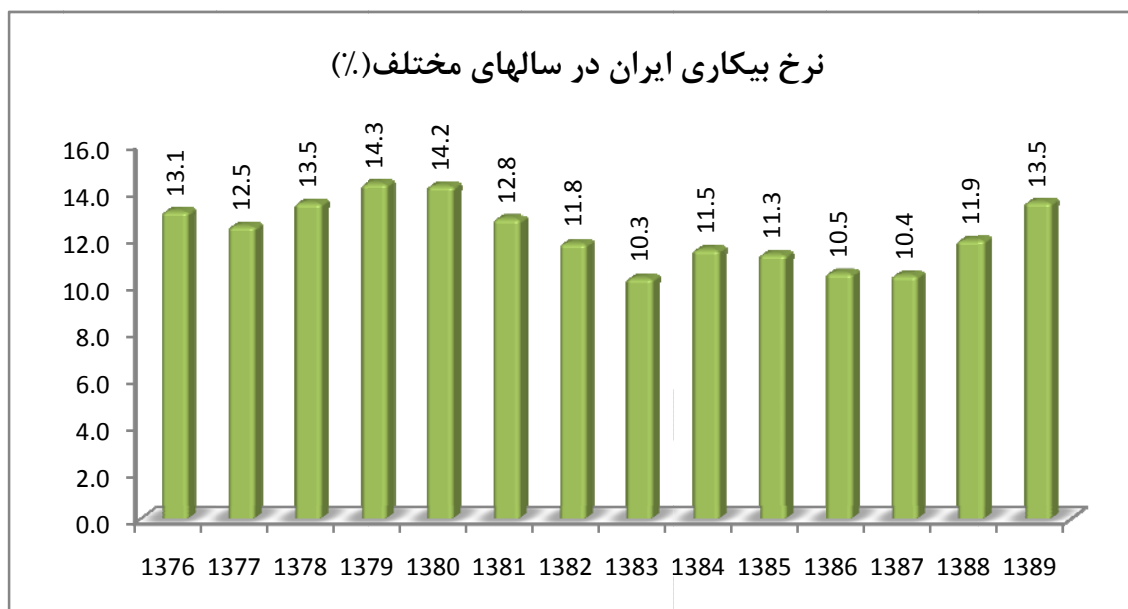
جستجوی اشتغال مزدگیری یا خوداشتغالی به عمل آورده باشد.)

به استناد تعاریف مورد استفاده، خانم های خانه‌دار، دانشجویان، افراد معلول و مریض‌احوال و افراد بدون شغلی که به دلیل ناامیدی از پیدا کردن شغل، در جست و جوی کار نبوده‌اند، متعلق به مجموعه بیکاران نخواهند بود.

بر این اساس در ادامه نرخ بیکاری کشورهای ایران و ترکیه طی ۳۰ سال اخیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ایران

بر اساس آمار موجود در سایت مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری طی سال‌های گذشته در نمودار زیر مشخص شده است.



منبع: مرکز آمار ایران

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در سال‌های اخیر دستیابی به نرخ بیکاری متناسب با وضعیت تقاضای ورود به بازار کار و یا در حالت خوشبینانه آن کاهش نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد و محقق شدن نرخ تک‌رقمی بوده است. هرچند تلاش‌ها و توجهات خوبی در این زمینه در سال‌های گذشته و دست کم دو سال ۸۹ و ۹۰ صورت گرفته، نشست‌های شورای عالی اشتغال فعال شده و وظایفی برعهده استانداران گذاشته شده، اما بزرگ بودن ابعاد بیکاری در کشور و اینکه طی حداقل ۲ دهه گذشته به عنوان یکی از بزرگترین معضلات لاینحل کشور باقی مانده باعث شده است تا این موضوع یکی از چالش‌های اصلی دولت‌ها باشد.

تعریف ۱ تا ۲ ساعت کار در هفته برای شاغل دانستن افراد و قرار دادن این مرز بین بیکار و شاغل هم در نوع خود همواره محل چالش و گفت و شنودهایی بین دولت و بازار کار بوده به نحوی که دولت معتقد به تبعیت از استانداردهای جهانی در این زمینه است و بازار کار نیز تاکید دارد ۱ تا ۲ ساعت کار در هفته به هیچ عنوان نمی‌تواند فردی را در بازار کار ایران شاغل کند.

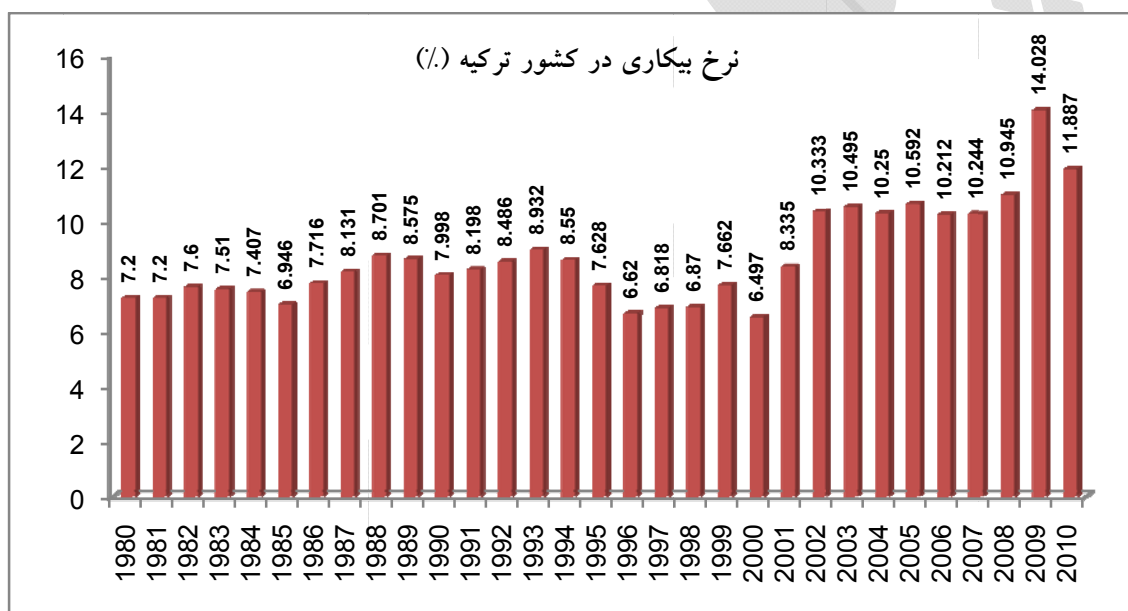
نگاهی هم به روند نرخ بیکاری سال گذشته و گزارش مرکز آمار ایران در زمینه وضعیت نرخ بیکاری نشان می‌دهد که چندان ردپایی از ایجاد فرصت‌های جدید شغلی وجود ندارد.

نرخ بیکاری در بهار ۸۹ معادل ۱۳/۵ درصد، تابستان ۸۹ معادل ۱۳/۶ درصد، پاییز ۱۲/۱ و زمستان هم ۱۴/۶ درصد بوده است. نرخ بیکاری در کل سال ۸۹ هم ۱۳/۵ درصد اعلام شد.

بررسی نرخ بیکاری سال ۸۸ نیز نشان می دهد که وضعیت بیکاری در این سال معادل ۱۱/۹ درصد و بیشتر از ۱۰/۴ درصد سال ۸۷ بوده است و در این سال وضعیت بیکاری در ۲۱ استان نسبت به ۸۷ بدتر شده است. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که همین روند با وجود ادعای ایجاد فرصت‌های شغلی در سال ۸۹ به میزان ۱/۶ میلیون نفر ادامه داشته و نرخ بیکاری سال ۸۹ به ۱۳/۵ درصد و ۱/۶ درصد بیشتر از سال ۸۸ است^۱.

ترکیه

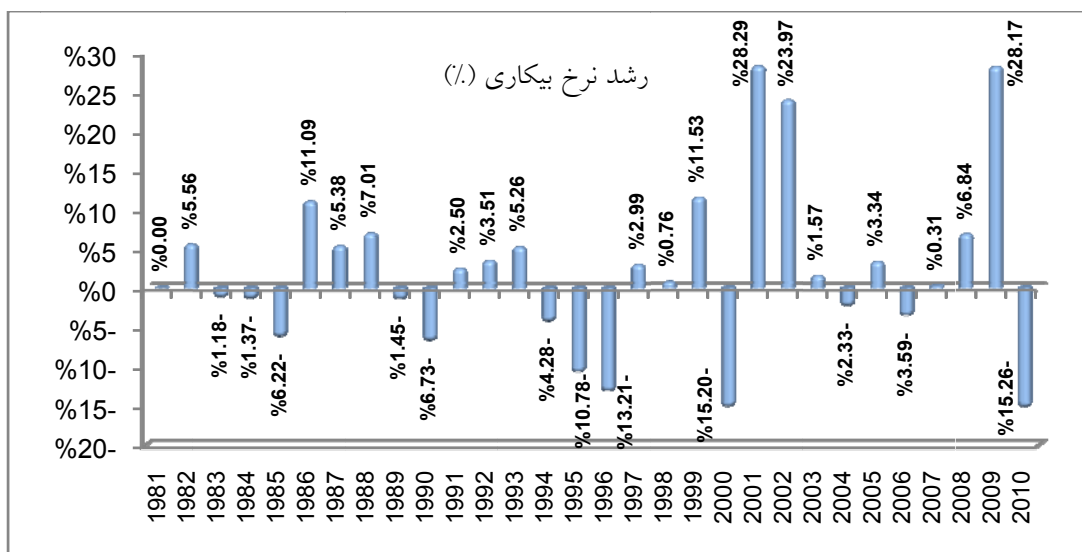
نمودار زیر نشان دهنده نرخ بیکاری ترکیه از سال ۱۹۸۰-۲۰۱۰ می باشد.



منبع: www.economywatch.com

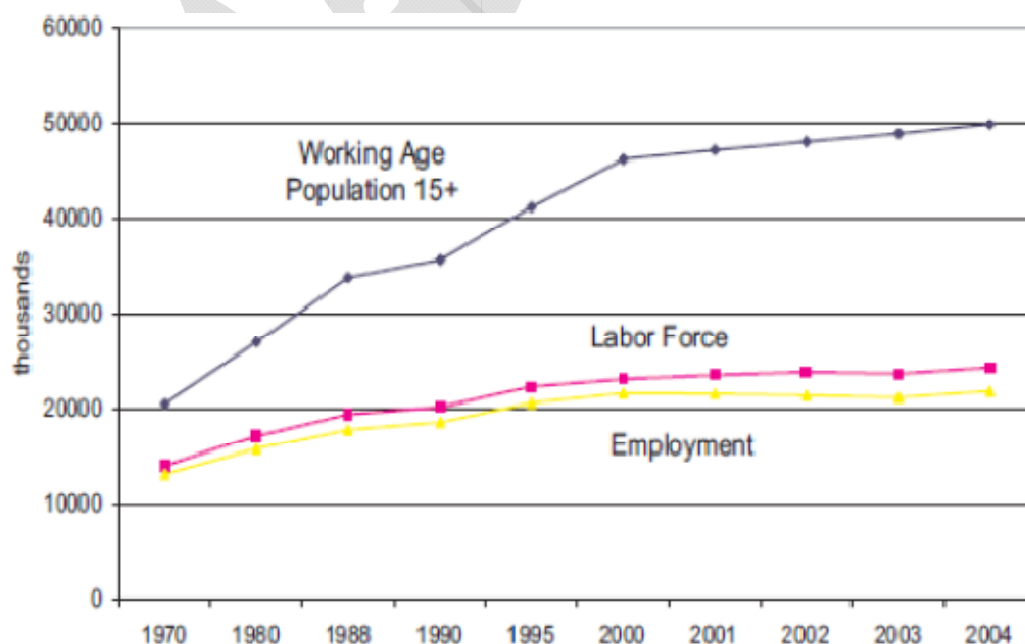
نمودار زیر نیز نشان دهنده درصد تغییرات نرخ بیکاری در طی این سالها می باشد.

^۱ بازار خبر، دی ماه ۹۰



منبع: www.economywatch.com

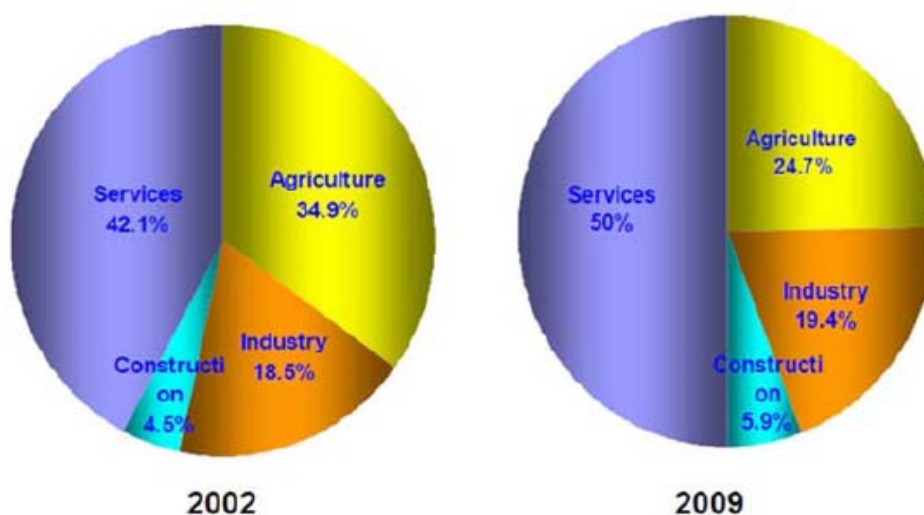
بیکاری یکی از معضلات بزرگ و رو به رشد کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته محسوب می‌شود. بیکاری در ترکیه از دهه‌ی ۱۹۷۰ یکی از بزرگترین مسائل و مشکلات جامعه بوده است. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۴ جمعیت آماده به کار ترکیه ۲۳ میلیون نفر افزایش یافته در حالی که طی این مدت تنها ۶ میلیون شغل جدید در این کشور ایجاد گردیده است.



نرخ بیکاری ترکیه در سال ۱۹۹۰ در حدود ۸ درصد بوده که علیرغم بحران اقتصادی این کشور به ۷/۶ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافت. در اثر بحران‌های مالی سال ۲۰۰۱، این نرخ به ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش

یافت. بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ اقتصاد ترکیه رو به رشد شده اما نتوانست بر مشکلات بیکاری این کشور غلبه نماید. پس از سال ۲۰۰۲ علیرغم رشد اقتصادی مناسب این کشور روند ایجاد شغل آن نسبتاً کند بوده و ترکیه نتوانست به میزان کافی شغل جدید ایجاد نموده و نرخ بیکاری را کاهش دهد. در اثر بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۹ نرخ رشد اقتصادی این کشور کاهش یافت که منجر به افزایش نرخ بیکاری به ۱۴ درصد گردید.

در خلال سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۹ نرخ اشتغال در بخش کشاورزی از ۳۴/۹ درصد (۷/۴۶ میلیون نفر) به ۲۴/۷ درصد (۵/۲۸ میلیون نفر)، در بخش خدمات از ۴۲/۱ درصد به ۵۰ درصد، در بخش صنعت از ۱۸/۵ درصد به ۱۹/۴ درصد و در بخش عمران از ۴/۵ درصد به ۵/۹ درصد تغییر یافت.

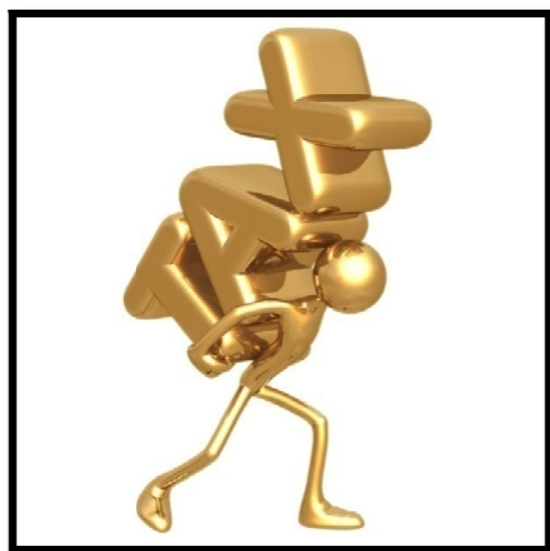


به طور کلی می‌توان گفت که تمرکز نیروی کار ترکیه از بخش کشاورزی به صنعت و خصوصاً خدمات تغییر یافته و این بخش‌ها به فضای جدید اشتغال این کشور تبدیل شده‌اند.

بیکاری به عنوان یکی از معضلات بزرگ اقتصاد ترکیه که تحت تاثیر بحران مالی جهانی و رکود شدید اقتصادی در این کشور در سال ۲۰۰۹ به شدت روبه افزایش بود، همسو با رشد اقتصادی سریع در این کشور در سال ۲۰۱۰ کاهش یافت و از ۱۴ درصد به حدود ۱۲ درصد رسید.

دولت جدید آنکارا اعلام کرده است که درصدد پائین آوردن نرخ بیکاری در ترکیه بطور پویا و مرحله‌ای تا سال ۲۰۲۳ میلادی به پنج درصد خواهد رسید.

بر اساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ترکیه نرخ بیکاری این کشور در سال ۲۰۱۱ از ۱۱/۹ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۹/۱ درصد در پایان سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است.^۱



نرخ مالیات

مالیات به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره وری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آنرا پرداخت نمایند تا توانائی‌های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد زیرا ابزار و امکانات دست یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته‌است.

انواع مالیات عبارتند از:

- ۱- مالیات بر درآمد شخصی؛ این مالیات ممکن است برانواع درآمد شخص یا برمجموع درآمد وی وضع شود. همه عواید شخص از منابع مختلف روی هم محاسبه می‌شود و معمولاً پس از کسر بخشودگی‌های مقرر در قانون با نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات قرار می‌گیرد.
- ۲- مالیات بر درآمد شرکت‌ها؛ از مجموع عواید شرکت، مخارج و هزینه‌های مختلف کسر می‌گردد و درآمد ویژه باقی می‌ماند که به نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات قرار می‌گیرد.
- ۳- مالیات بر دارایی؛ مالیات بر دارایی به انواع مختلفی مانند مالیات بر ارزش اراضی، مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض و مالیات نقل و انتقالات قطعی تقسیم می‌شود.
- ۴- مالیات بر مصرف و فروش؛ مالیات بر مصرف که نوعی مالیات غیرمستقیم است، روی قیمت کالاهای مورد مصرف عمومی افزوده می‌شود و از تولیدکننده کالاها و خدمات مزبور وصول می‌گردد. مالیات بر مصرف جزئی از قیمت کالا را تشکیل می‌دهد به نحوی که معمولاً مصرف کننده نمی‌تواند تشخیص دهد چه مقدار از قیمت کالا بابت مالیاتی است که تولید کننده و یا فروشنده به دولت می‌پردازد. مالیات بر مصرف اغلب به کالاها و خدماتی

^۱. <http://www.turkstat.gov.tr/Gosterge.do?metod=IlgiliGosterge&id=۳۵۳۶>

تعلق می‌گیرد که درمقابل تغییرات قیمت حساسیت کمی دارند و به همین جهت این نوع مالیات یکی از منابع مهم درآمد دولت را تشکیل می‌دهد.

مالیات بر فروش به کالاهایی تعلق می‌گیرد که در مرحله خرده‌فروشی به دست مصرف‌کننده می‌رسد. در این نوع مالیات فروشگاه‌ها موظف هستند که مبلغ مالیات را مجزا از قیمت کالا حساب کنند و در یک رقم جداگانه به نحوی که مصرف‌کننده از مبلغ اطلاع حاصل کند، دریافت دارند.

۵- مالیات بر ارزش افزوده (VAT): به طور خلاصه مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیرمستقیم عام بر عموم کالاها و خدمات (مگر موارد معاف) است که به صورت چند مرحله‌ای از اضافه ارزش کالاهای تولید شده (ارزشی که در هر مرحله به ارزش کالا افزوده می‌شود) یا خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع اخذ می‌شود. در ادامه به بیان نرخ انواع مالیات در کشورهای ایران و ترکیه خواهیم پرداخت.

ایران

مالیات‌ها در ایران به طور کلی به دو دسته مالیات مستقیم و مالیات‌های غیرمستقیم تقسیم می‌شود. درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۱۳۹۰ معادل ۳۹۴۵۸۹.۹ میلیارد ریال برآورد شده است، در حالی که این رقم برای سال ۸۹، ۳۴۵۸۵۰.۷ میلیارد ریال تصویب شده بود^۱. مالیات‌های مستقیم در برگیرنده مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی است. انواع مالیات مستقیم در ادامه توضیح داده شده است.

الف) مالیات بر شرکت‌ها (اشخاص حقوقی):

انواع مالیات بر شرکت‌ها عبارتند از: ۱. مالیات بر شرکت‌های دولتی، ۲. مالیات بر شرکت‌های غیر دولتی، ۳. مالیات بر مراکز تهیه و توزیع کالا.

مالیات بر درآمد شرکت‌ها به این صورت است که از مجموع عواید شرکت، مخارج و هزینه‌های مختلف آن کسر می‌شود و درآمد ویژه باقی‌مانده به نرخ‌های تصاعدی ذکر شده در قانون مالیات‌های مستقیم، مشمول مالیات می‌شود. طبق قانون مالیات‌های مستقیم ایران، نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، به جز در مواردی که طبق قانون دارای نرخ جداگانه‌ای هستند، معادل ۲۵ درصد درآمد مشمول مالیات آنها می‌باشد. در نظام مالیاتی ایران، مالیات بر شرکت‌ها، بیش‌ترین سهم را در ترکیب درآمدهای مالیاتی دولت، به ویژه مالیات‌های مستقیم داراست.

^۱. هفته‌نامه خبری تحلیلی برنامه، شماره ۴۱۸، ۱۱/تیر/۹۰

مالیات بر شرکتهای غیر دولتی در سال ۸۹، میزان ۷.۹ درصد از کل منابع بودجه دولت را به خود اختصاص دادند که پس از مالیات بر واردات دارای بیشترین سهم در ترکیب منابع عمومی بودجه بوده است.

ب) مالیات بر درآمد:

میزان مالیات بر درآمد سالانه اشخاص حقیقی بر اساس قانون مطابق جدول زیر است:

میزان درآمد (ریال)	میزان مالیات
۳۰,۰۰۰,۰۰۰-۰	٪۱۵
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰-۳۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۲۰
۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰-۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۲۵
۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰-۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۳۰
۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ و بیشتر	٪۳۵

ج) مالیات بر دارایی (ثروت):

مالیات بر دارایی یا ثروت، پنج فصل دارد. انواع مالیات بر دارایی عبارتند از: ۱. مالیات بر سالانه املاک، ۲. مالیات بر مستغلات مسکونی خالی، ۳. مالیات بر اراضی بایر، ۴. مالیات بر ارث، ۵. مالیات حق تمبر، چک، سفته و برات. دسته دوم از انواع مالیات در ایران مالیاتهای غیر مستقیم هستند. در ایران، مالیات غیرمستقیم در قالب سه بخش کلی مالیات بر واردات، مالیات بر مصرف و فروش و نیز مالیات بر ارزش افزوده دریافت می شود.

الف) مالیات بر واردات:

مالیات بر واردات، در قالب سه منبع عمده مالیاتی حقوق گمرکی، سود بازرگانی و حق ثبت سفارش کالا شکل می گیرد. سهم بیش از ۷۰ درصدی مالیات بر واردات در مالیاتهای غیر مستقیم طی سالهای ۸۴ تا ۸۷ نشان دهنده نقش پر رنگ این مالیات در سالهای گذشته بوده است.^۱

^۱. www.khabaronline.ir

ب) مالیات بر مصرف و فروش:

در ادبیات اقتصادی، هدف از وضع مالیات بر مصرف و فروش را جهت دادن به الگوی مصرف جامعه توسط تولیدات داخلی در کنار کسب درآمد بیان می‌کنند. مالیات بر مصرف و فروش، به وسیله اداره مالیات‌های غیرمستقیم کنترل می‌شود. مالیات بر مصرف و فروش شامل مالیات بر: ۱. فروش فرآورده‌های نفتی، ۲. فروش الکل صنعتی، ۳. فروش نوشابه‌های غیرالکلی، ۴. فروش خودرو، ۵. فروش سیگار، ۶. نقل و انتقال خودرو، ۷. فروش خاویار، ۸. حق اشتراک تلفن خودکار و خدمات مخابراتی، ۹. نوار ضبط صوت و تصویر و ۱۰. عوارض گذرنامه، می‌شود.

ج) مالیات بر ارزش افزوده:

مالیات بر ارزش افزوده تبلوری از انواع مالیات‌های غیر مستقیم است و به دلیل عدم دسترسی مستقیم دولت به انبوهی از مصرف‌کنندگان، بر اساس قانون مالیات از طریق فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات به حیطه‌ی وصول در می‌آید.

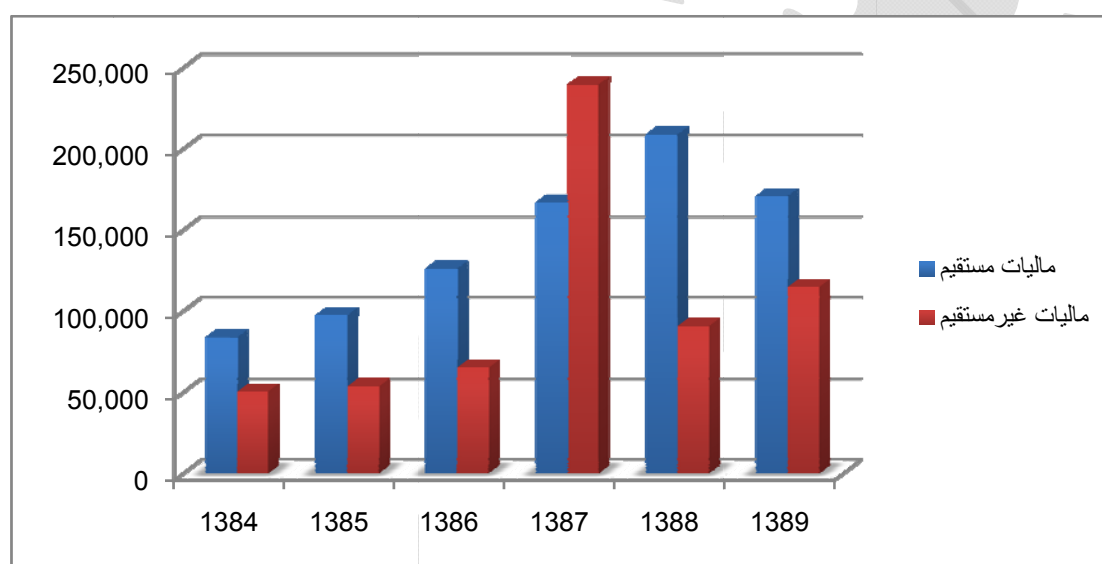
به منظور اجرای این مالیات در کشور، لایحه آن برای اولین بار در دی ماه ۱۳۶۶ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید. لایحه مزبور در کمیسیون اقتصادی مجلس مورد بررسی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات موافق و مخالف به صحن علنی مجلس ارائه گردید که پس از تصویب ۶ ماده از آن، بنا به تقاضای دولت و به دلیل اجرای سیاست "تثبیت قیمت‌ها" به دولت مسترد گردید. تصویب لایحه مالیات بر ارزش افزوده از سوی مجلس مدتها مسکوت ماند و در نهایت این لایحه در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۰۶/۲۷ هیأت دولت تصویب و در ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ جهت تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. کلیات لایحه نیز در تاریخ ۱۳۸۴/۰۱/۳۰، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. هرچند، برخی مخالفتها در ابلاغ این لایحه منجر شد تا اجرای آن به سال ۸۷ برسد^۱. سرانجام بر اساس تصویب مجلس شورای اسلامی مقرر شد این قانون از اول مهر ماه ۸۷ به مدت ۵ سال به صورت آزمایشی اجرا شود.

نرخ مالیات بر ارزش افزوده در ابتدا ۳ درصد از فروش شرکتها بود و بر اساس قانون پنجم توسعه کشور و با تصویب طرح افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده در تامین بودجه دولت در سال ۸۹، مقرر شد از سال سالانه ۱ درصد به نرخ مالیات بر ارزش افزوده اضافه گردد تا در سال ۹۴ (سال پایان برنامه پنجم توسعه) به ۸ درصد

^۱وبسایت سازمان امور مالیاتی کشور

برسد.^۱ بر این اساس نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده کالاها و خدمات عمومی در سال ۹۱ به ۵٪ خواهد رسید.^۲ مالیات بر ارزش افزوده در قانون بودجه سال ۹۰، ۲۰۷ درصد از منابع بودجه دولت را تشکیل می‌دهد که رقمی معادل ۴۱۰۱۰۱ میلیارد ریال است. این رقم در لایحه بودجه ۹۱ معادل ۵۴،۵۲۲ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است.

بر اساس دسته بندی‌های ذکر شده می‌توان در نمودارهای زیر درآمد مالیاتی دولت از هر بخش را در سال ۸۸ و ۸۹ مشاهده نمود.^۳

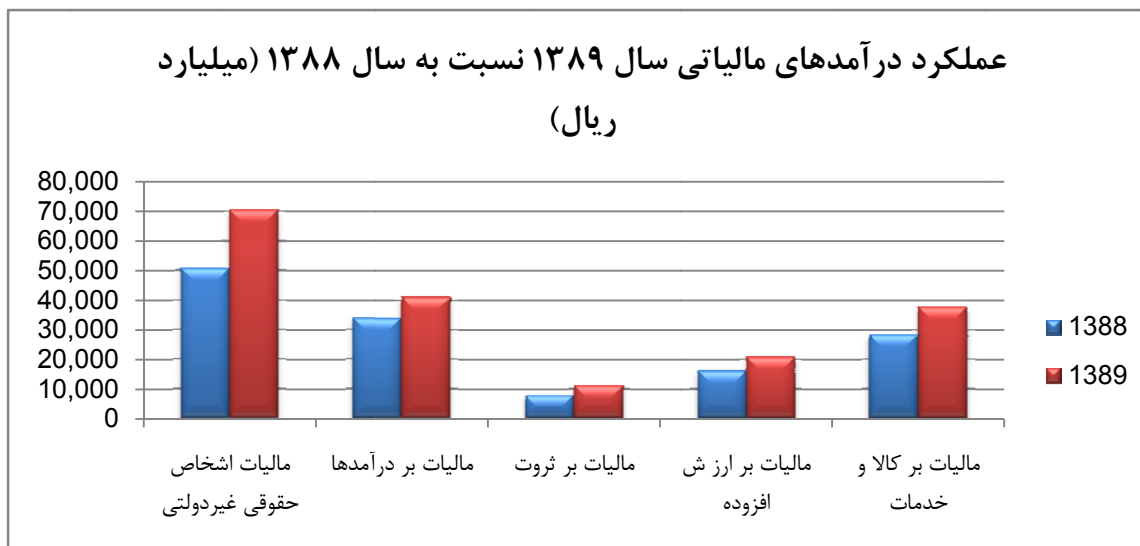


منبع: هفته نامه خبری تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۳۵۷، ۷ / شهریور / ۹۰

^۱ نشریه سازمان امور مالیاتی کشور، سامان، اسفند ۸۹

^۲ www.hamshahronline.ir

^۳ هفته نامه خبری تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۳۵۷، ۷ / شهریور / ۹۰



منبع: هفته نامه خبری تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۳۵۷، ۷ شهریور / ۹۰

همانگونه که داده‌های جدول نشان می‌دهند، مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی بیشترین سهم را در درآمد مالیاتی دولت دارا هستند.

در جدول زیر میزان مالیات در نظر گرفته‌شده در بخشهای گوناگون در قانون بودجه ۹۰ و درآمد مالیاتی سال ۸۹ و ۸۸ قابل مشاهده است.

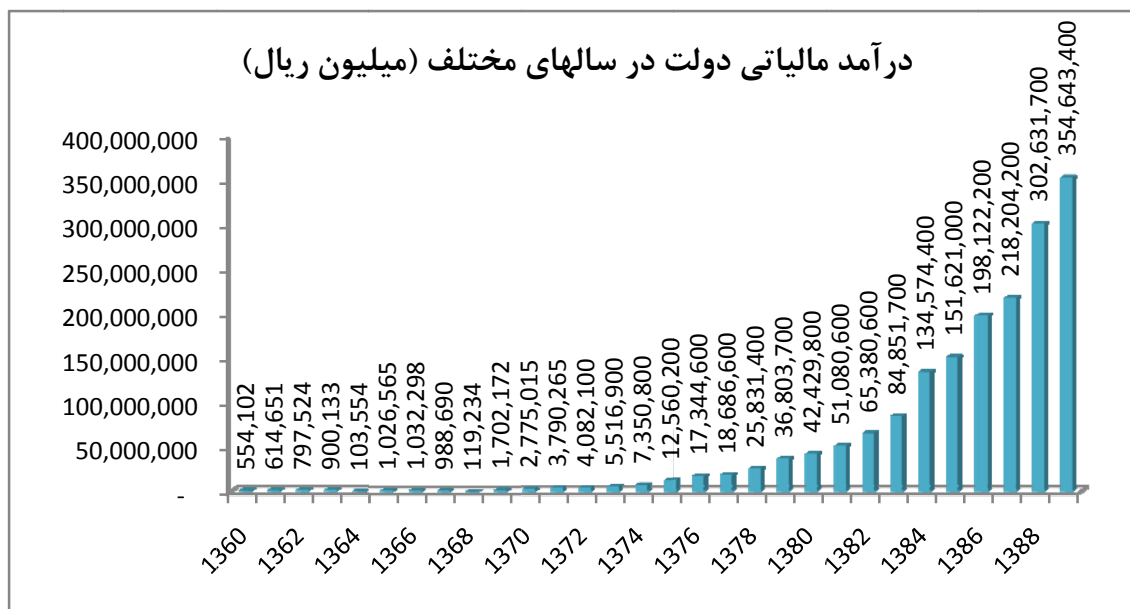
ترکیب منابع عمومی بودجه دولت (میلیارد ریال)^۱:

عنوان	۱۳۸۸	۱۳۸۹ (مصوب)	۱۳۸۹ (عملکرد)	۱۳۹۰ (برآورد)	درصد رشد ۹۰ نسبت به ۸۹	سهم سال ۸۹ از منابع بودجه (%)	سهم سال ۹۰ از منابع بودجه (%)
مالیات شرکتهای غیر دولتی	۵۰۹۵۶.۷	۷۳۰۸۲.۹	۷۶۹۷۴.۱	۱۰۷۸۰۳.۰	۴۰.۱	۷.۹	۷
مالیات علی الحساب شرکتهای دولتی	۸۶۰۶.۰	۱۴۲۶۲.۴	۸۴۴.۳	۱۸۹۸۶.۳	۱۲۴.۸	۰.۹	۱.۲
مالیات مشاغل	۱۱۶۲۲.۷	۲۰۰۸۰.۲	۱۴۰۱۶.۶	۲۰۳۲۹.۳	۴۵.۰	۱.۴	۱.۳
مالیات حقوق	۲۰۹۰۸.۳	۲۹۵۵۰.۰	۲۵۴۰۸.۷	۳۰۴۹۰.۴	۲۰.۰	۲.۶	۲.۰
مالیات واردات	۶۲۵۵۴.۴	۱۰۲۰۰۰۰	۸۱۳۰۲.۰	۹۷۹۳۱.۰	۲۰.۵	۸.۴	۶.۳
مالیات بر فروش فرآورده‌های نفتی	۵۴۲۴.۹	۱۶۷۲۴.۴	۵۳۹۵.۰	۱۶۰۰۰۰	۱۹۶.۶	۰.۶	۱.۰
مالیات بر ارزش افزوده	۱۶۱۵۴.۴	۲۸۱۰۸.۵	۲۳۳۵۰.۵	۴۱۰۱۰.۱	۷۵.۶	۲.۴	۲.۷
سایر درآمدهای مالیاتی	۸۷۰۷۶.۵	۶۲۰۴۲.۳	۴۹۶۳۲.۸	۶۲۰۳۹.۸	۲۵.۰	۵.۱	۴.۰

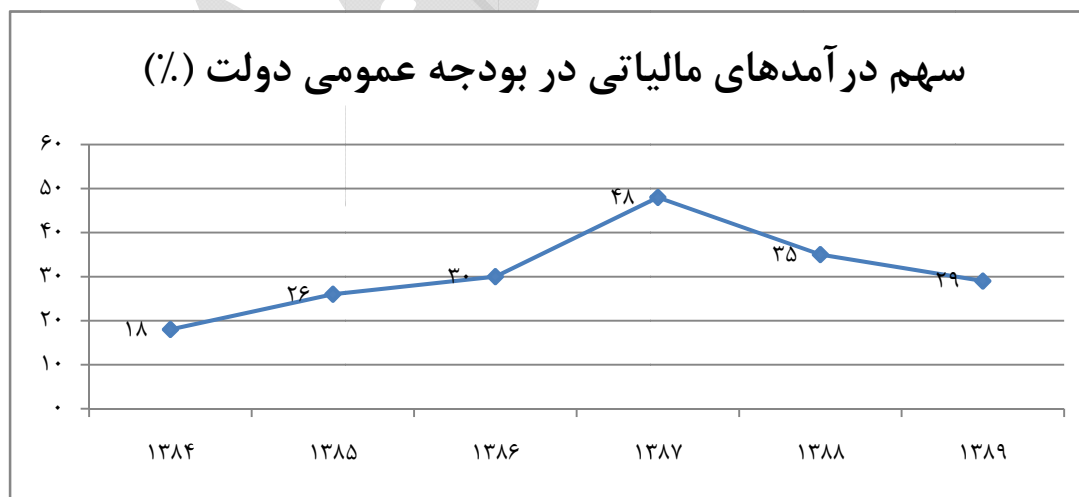
^۱ هفته‌نامه خبری تحلیلی برنامه، شماره ۴۱۸، ۱۱ تیر / ۹۰

مجموع درآمد دولت از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ در نمودار زیر خلاصه شده‌اند.^۱

در این نمودار می‌توان روند افزایشی درآمد مالیاتی دولت را به خوبی مشاهده نمود.



داده‌های نمودار زیر گویای سهم درآمد حاصل از مالیات دولت به کل بودجه عمومی دولت در کشور است.



^۱ مرکز آمار ایران (تا سال ۸۴)، و سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۸۵ تا سال ۸۸)

در حقیقت نمودار مذکور گویای این مطلب است که با وجود افزایش درآمدهای مالیاتی دولت در سالهای اخیر، سهم این منبع درآمد در بودجه عمومی دولت رو به کاهش است. به عبارتی دیگر دولت نتوانسته است به برنامه خود برای کاهش وابستگی به نفت و تأمین بودجه از منبع درآمدهای مالیاتی گامی مؤثر را بردارد. در کشورهای توسعه یافته درآمدهای مالیاتی نقش مهم و بسزایی را از درآمدهای دولت دارا هستند. به طور کلی تکیه بر درآمدهای قابل اتکای مالیاتی نشانه سلامت اقتصادی یک کشور است. بررسی سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد نشان دهنده آن است که نظام مالیاتی یک کشور تا چه حد می تواند از ظرفیت های بالقوه اقتصادی آن کشور برای کسب درآمدهای مالیاتی بهر مند شود.

از آنجایی که یکی از فروض اساسی برنامه چهارم افزایش ۸ درصدی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۸ بوده، به نظر می رسد ما همچنان با این نسبت فاصله زیادی داریم، ضمن اینکه در سالهای مذکور شاهد کاهش سهم درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی هستیم. به نظر می رسد در مواقعی که دولت برای سهم مالیات در ارزش افزوده رقمی منطقی را پیشنهاد کرده به خوبی به هدف مورد نظر دست یافته است. چنانچه در سال ۸۶ شاهد این مسئله هستیم. اما ارائه برنامه های غیر منطقی دستیابی به اهداف را دشوار نموده است.

ترکیه

مالیات بزرگترین و شاید به عنوان تنها منبع اصلی درآمد دولت در ترکیه جایگاه بسیار مهمی در کارکرد دولت و به تبع آن اقتصاد این کشور قرار دارد.

بررسی اهداف و عملکرد بودجه ترکیه در سال ۲۰۱۱ میلادی نشان می دهد درآمدهای بودجه ترکیه در این سال ۲۳۶ میلیارد و ۷۹۴ میلیون لیر ترک (حدود ۱۲۰ میلیارد یورو) هدف گذاری شده که در آن سهم درآمدهای مالیاتی برابر ۱۹۳ میلیارد و ۳۲۴ میلیون لیر ترک (حدود ۹۵ میلیارد یورو) لحاظ شده است که در حدود ۸۰ درصد کل درآمدهای بودجه این کشور می باشد.

در هشت ماه اول سال ۲۰۱۱ میلادی نیز درآمدهای بودجه ترکیه برابر ۱۶۹ میلیارد و ۴۵ میلیون لیرترک شد که برابر ۱۳۸ میلیارد و ۷۸۹ میلیون لیرترک آن را درآمدهای مالیاتی تشکیل می دهد.

ترکیه در سال های اخیر با اصلاحات جدی در ساختار اقتصادی خود و نظام بانکی و تشویق مردم برای استفاده از کارتهای اعتباری و تدوین قوانین مهم در جهت نظاممند کردن فعالیتهای بانکی و اقتصادی و به ویژه کنترل شدید حرکتهای پولی و کشیدن آن به چرخه نظام بانکی، تا حد قابل توجهی به افزایش قشر تحت پوشش نظام مالیاتی موفق شده است.

ترکیه تا حد زیادی موفق شده است استفاده از پول نقد را در استفاده های روزمره مصرف کنندگان کاهش دهد، بارهای مالیاتی روی اشتغالزایی را تا حدی کاهش داده، نظام نسبتاً قابل قبولی برای تدوین اظهارنامه های مالیاتی متناسب با وضعیت درآمدی مودیان برقرار کرده و از تنظیم اظهارنامه های مالیاتی غیرمعقول با گسترده کردن گذر به سیستم رایانه ای و دولت الکترونیک جلوگیری کند.

انواع مالیات های موجود در این کشور در این بخش مورد بررسی قرار می گیرند.

مالیات بر درآمد

محدوده نرخ مالیات بر درآمد در ترکیه، بین ۱۵ و ۴۰ درصد است. بسته به میزان درآمد سالانه، مالیات هم بین این دو میزان متفاوت خواهد بود. اشخاص حقوقی از جمله شرکتهای بزرگ، باید مالیات خود را پس از تعیین سود، باتوجه به مقررات پرداخت کنند. قوانین مالیاتی درمورد شرکتهای با دقت خاصی پیگیری می شود.

مالیات بر مصرف و فروش

فروش هر چیزی از محصولات کشاورزی گرفته تا روزنامه، وظیفه پرداخت مالیات را به همراه دارد. پایین ترین نرخ مالیات در این خصوص یک درصد است. هنگامی که شرایط خاصی به منظور توسعه صادرات در نظر گرفته می شود، مشمول معافیت مالیات بر فروش می شود.

مالیات از خدمات بانکداری و بیمه

مالیات از بانکها و شرکتهای بیمه هم، بخش مهمی از درآمد مالیاتی دولت ترکیه است. این مالیات از سال ۱۹۵۶ اجرایی شده است. بانکها، موسسه های مالی، شرکتهای بیمه که خدمات بانکی و بیمه ای انجام می دهند، مشمول پرداخت مالیات هستند. این مالیات نرخ حدود ۱۵ درصد دارد.

مالیات بر املاک و مستغلات

قانون مالیات بر املاک و مستغلات در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ مورد بازبینی قرار گرفته است و پایه‌های حقوقی آن قوی‌تر شده است. مالیات بر ساختمان در کنار مالیات بر دارایی، از مالیات‌های مهم این کشور است. درآمد حاصل از چنین مالیاتی، به شهرداری‌های ترکیه می‌رسد. خرید و فروش املاک و مستغلات هم مشمول پرداخت مالیات است. این مالیات حدود ۳ درصد است.

مالیات سوخت و خودرو

از مهم‌ترین مالیات‌های ترکیه، مالیات بر سوخت و خودرو است. اخذ مالیات از مصرف سوخت و استفاده از خودرو در ترکیه، یکی از مهم‌ترین اقلام تشکیل‌دهنده مالیات در این کشور است که بخش عظیمی از درآمدهای بودجه ترکیه را تشکیل می‌دهد.

نسبت انواع مالیات و عوارضی که تحت‌عنوانین مختلف از سوخت فسیلی در ترکیه اخذ می‌شود، به‌ویژه سوخت خودرو، در مواردی به بیش از ۷۳ درصد کل نرخ عرضه آن به مصرف‌کننده می‌رسد.^۱

مالیات بر مصارف ویژه

این مالیات در سال ۲۰۰۲ به وجود آمده و در واقع جایگزین مالیات‌های گوناگونی که در مورد محصولات نفتی، وسائل نقلیه، مشروبات الکلی و دخانیات و برخی از کالاهای لوکس مصرفی وجود داشت، گردید.

مالیات بر ارزش افزوده

فکر دریافت مالیات ارزش افزوده در ترکیه به دهه ۷۰ میلادی بازمی‌گردد، ولی به دنبال گذر به نظام اقتصادی باز در این کشور در اوایل دهه ۸۰، در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۴ میلادی با تصویب قانونی وارد نظام مالیاتی این کشور و از اول سال ۱۹۸۵ میلادی نیز اجرایی شد.

ساختار نظام مالیاتی ترکیه بطور اعم و ساختار مالیات ارزش افزوده ترکیه بطور اخص همسو با فرایند اقتصادی ترکیه و به ویژه بعد از مراجعه این کشور به اتحادیه اروپا برای عضویت در آن، سیر تحولی به خود گرفته است.

۱. گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی ایران

مالیات بر ارزش افزوده در ترکیه درآمد مالیاتی دولت را به شدت افزایش داده و بدین ترتیب یکی از سه جزء اصلی نظام مالیاتی ترکیه یعنی مالیات درآمد، مالیات موسسات و مالیات ارزش افزوده گردید.

نسبت مالیات بر ارزش افزوده در ابتدای کار ۱۰ درصد بود که با گذشت سال ها برای فعالیتهای اقتصادی مختلف و مصارف اقتصادی متفاوت نسبت های جداگانه ای اعمال و کم و زیاد شد.

نسبت عمومی مالیات بر ارزش افزوده بیش از هفت بار تغییر داده شده است. در سال ۱۹۸۵ میلادی نسبت عمومی مالیات ارزش افزوده برابر ۱۰ درصد بود که در سال ۱۹۹۳ میلادی به ۱۵ درصد افزایش یافت و سپس به ۱۸ درصد تغییر داده شد که هم اینک این نسبت اعمال می شود.

همچنین نسبت مالیات بر ارزش افزوده در سال ۹۰ در کالاهای لوکس ابتدا به ۲۰ درصد و سپس در سال ۹۳ به ۲۳ درصد افزایش داده شد. تنها نسبتی که تغییر داده نشده مالیات بر ارزش افزوده ای است که از کالاهای صادراتی اخذ می شود و آن همواره یک درصد بوده است.

نسبت این مالیات در کالاهای اساسی ابتدا صفر بود و در سال ۲۰۰۳ میلادی دستخوش تغییرات جدی شد و از اول سال ۲۰۰۴ میلادی تثبیت گردید و به هشت درصد رسید.

در محصولات کشاورزی نیز، برای آرد و نان (معمولی) یک درصد و در مراحل تولیدی نسبت به نوع فراوری یک و هشت درصد در نظر گرفته شده است.

در مواد غذایی، محصولات نساجی و فعالیتهای اقتصادی در صنعت گردشگری، مدارس خصوصی، سینما، تئاتر، نیز نسبت مالیات بر ارزش افزوده عموماً به هشت درصد تقلیل داده شده است.

این نسبت در لوازم و تجهیزات پزشکی که با مجوز وزارت بهداشت این کشور به فروش می رسند نیز برابر با هشت درصد است.

تغییر عمده ای که در سال ۲۰۰۴ میلادی داده شد، انصراف از اعمال مالیات بر ارزش افزوده برای کالاهای لوکس و الکترونیک و اعمال نسبت ۱۸ درصدی به عنوان نسبت عمومی این مالیات در ترکیه بود.

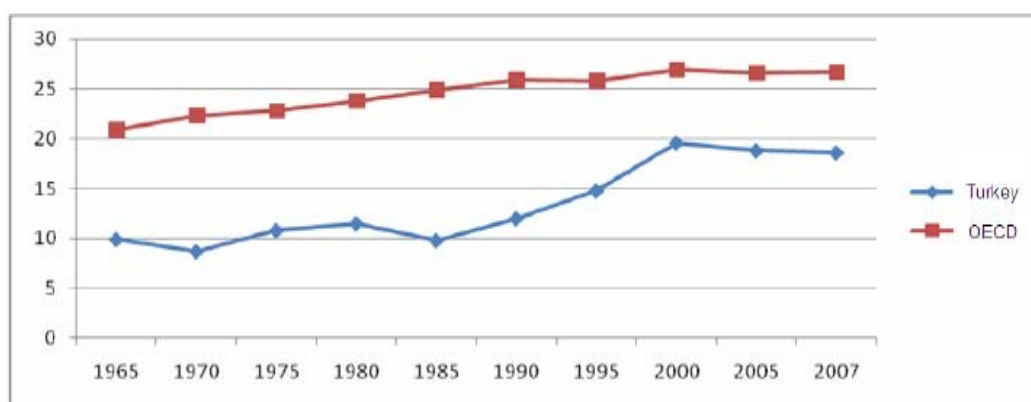
به طور خلاصه هم اینک سه نسبت یک درصدی، هشت درصدی و ۱۸ درصدی در مالیات ارزش افزوده در ترکیه اعمال می شود که صنایع نساجی مشمول مالیات ۸ درصدی می باشد.

بدون شک تجربه نزدیک به یک دهه جامعه ترکیه در این زمینه خود دست دولت آنکارا را در ساماندهی هرچه بیشتر نظام مالیاتی و در این میان مالیات بر ارزش افزوده باز می گذارد و دولت نسبت به میزان کانالیزه کردن

اقتصاد غیررسمی در اقتصاد رسمی، در نسبت مالیات‌های دریافتی از مردم تجدیدنظر کرده و با عدالت محور ساختن نظام مالیاتی به کاوش راه‌های افزایش هرچه بیشتر درآمدهای مالیاتی خود می‌کوشد.^۱

در شکل زیر سهم درآمدهای مالیاتی دولت ترکیه از تولید ناخالص داخلی آن طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۷ مشخص است.

سهم درآمد مالیاتی کشور ترکیه و کشورهای OECD از تولید ناخالص داخلی آن‌ها (درصد)

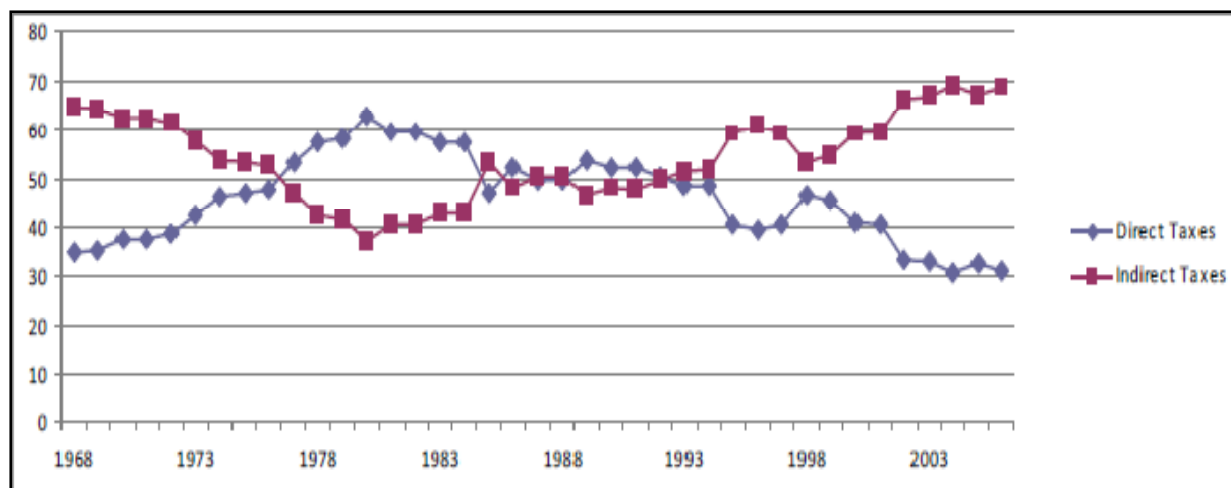


Source: OECD (2009a)

به طور کلی می‌توان گفت که طی سال‌های ۱۹۶۵ و ۲۰۰۷ سهم درآمد مالیاتی این کشور از تولید ناخالص داخلی آن روندی افزایشی داشته است. البته شیب این افزایش در سال ۱۹۸۵ بیشتر شده که دلیل آن نیز دریافت مالیات بر ارزش‌افزوده از این سال بوده است. پس از ورود این مالیات در اقتصاد ترکیه، درآمدهای مالیاتی دولت بطور پیوسته تا سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۰، سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی ترکیه به ۱۹/۶ درصد رسید. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، سهم درآمدهای مالیاتی این کشور از GDP به میزان قابل توجهی کاهش یافت و در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ به ترتیب به ۱۸/۸ و ۱۸/۶ درصد رسید.

سهم مالیات مستقیم و غیر مستقیم از درآمدهای مالیاتی ترکیه طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۷ در شکل زیر آورده شده است.

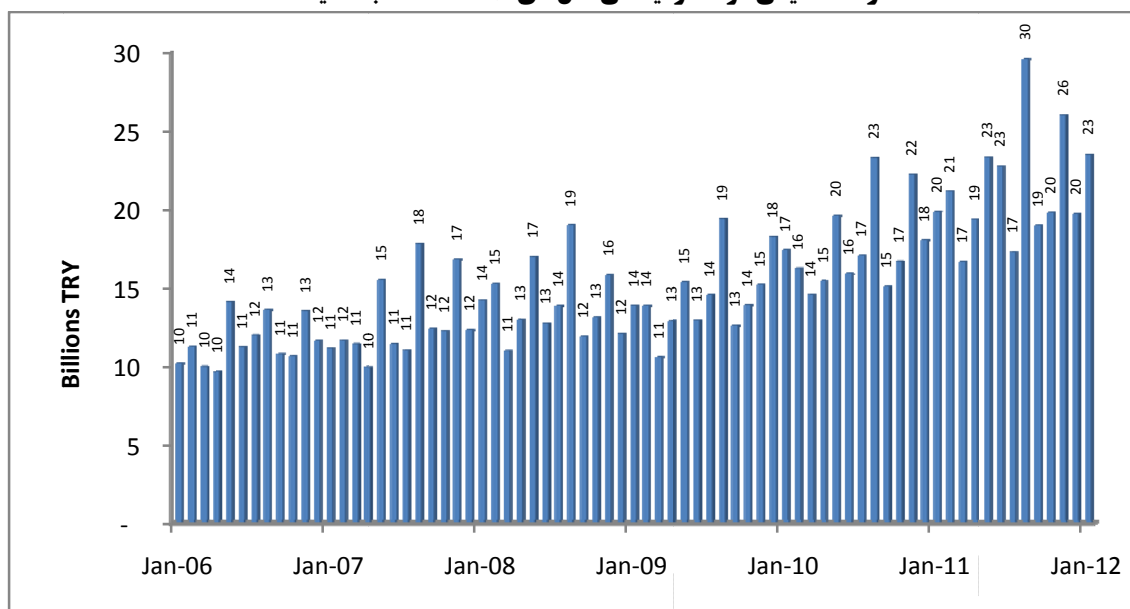
۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۸۹/۷/۲۰، کد خبر ۳۰۰۱۶۰۰۶



همانگونه که ملاحظه میشود، سهم درآمدهای مالیاتهای غیرمستقیم در ترکیه از دهه ۱۹۸۰ تاکنون افزایشی بوده و از سال ۱۹۸۵ نیز، عمدتاً به دلیل ورود مالیات بر ارزش افزوده به اقتصاد این کشور، سهم آن از درآمدهای مالیاتی مستقیم بیشتر شده و حتی در سال ۲۰۰۶ به ۶۸/۷ درصد رسیده است. دلیل عمده این تغییر جایگزین کردن مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۹۸۵، به جای ۸ نوع مالیات غیرمستقیم، و همچنین ایجاد مالیات بر مصارف ویژه بود. بدین ترتیب مالیاتهای غیرمستقیم در اقتصاد ترکیه نقشی اساسی بر عهده دارند و در حدود ۷۰ درصد از درآمدهای مالیاتی این کشور را به خود اختصاص داده اند.^۱ در نمودار بعد نیز کل درآمدهای مالیاتی کشور ترکیه طی سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ مشخص شده است.

۱. Tax Composition and Growth in Turkey: An Empirical Analysis, International Research Journal of Finance and Economics, ISSN ۱۴۵۰-۲۸۸۷ Issue ۵۹ (۲۰۱۰)

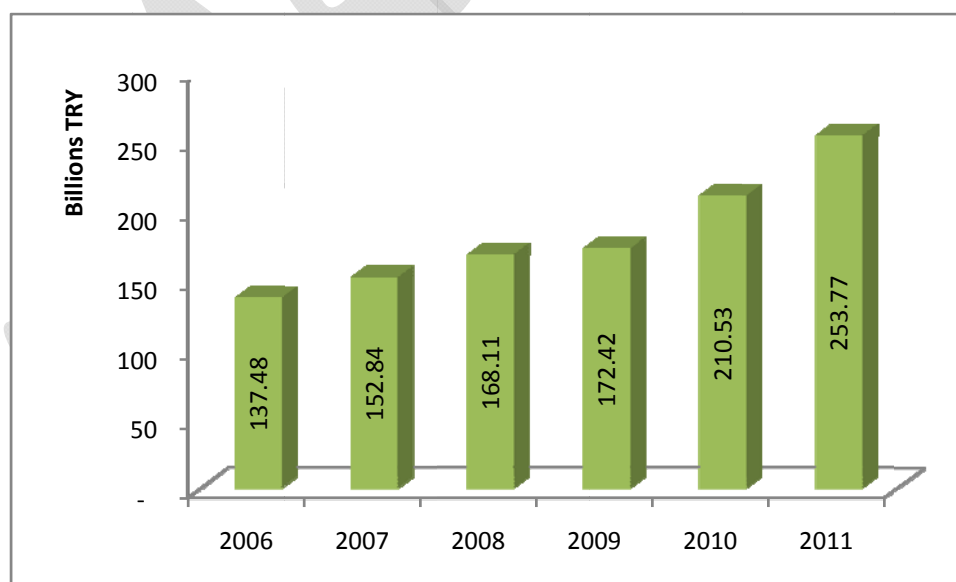
درآمد مالیاتی دولت ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ به تفکیک ماه



منبع: اطلاعات وزارت مالی ترکیه (CBRT Electronic Data Delivery System)

بر اساس ارقام ذکر شده در نمودار فوق میتوان درآمد مالیاتی این کشور را در سال‌های مذکور محاسبه نمود.

کل درآمدهای مالیاتی کشور ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱



منبع: اطلاعات وزارت مالی ترکیه (CBRT Electronic Data Delivery System)

همانگونه که از نمودار فوق ملاحظه می‌شود، درآمد مالیاتی این کشور طی سال‌های اخیر، حتی در سال ۲۰۰۹ که این کشور با بحران مالی روبرو بود، همواره افزایش قابل توجهی داشته است.



نرخ سود تسهیلات بانکی

بانک‌ها با توجه به وضعیت خاص منابع و مصارفشان به عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین بنگاه‌های اقتصادی در رشد و توسعه اقتصادی کشور، همواره زیر ذره‌بین تحلیل و نقد و بررسی صاحبان سرمایه و منابع، کارآفرینان، مصرف‌کنندگان و غیره قرار داشته‌اند.

نگاهی به تاریخچه و سیر تکامل بانکداری تجاری در جهان

به روشنی نشان می‌دهد که اعطای انواع تسهیلات بانکی توسط بانک‌ها بر پایه یک اصل کلی استوار است و آن نیز ایفای نقش واسطه‌گی وجوه، به واسطه اعتماد و اطمینانی است که صاحبان منابع مالی و سپرده‌ها به بانک‌ها ابراز نموده‌اند. به عبارت دیگر بانک‌ها تنها سازمان‌هایی هستند که قادر خواهند بود با اتکا به سرمایه‌های دیگران چندین برابر سرمایه اولیه خود، برای جامعه ثروت و ارزش افزوده بیافرینند.

بانک‌ها به عنوان سازمان‌های مبادی اصول امانتداری و به عنوان مکانی امن و مولد درآمد، از یکسو نگهدارنده ثروت جامعه به صورت انواع سپرده‌های بانکی و از سوی دیگر تامین‌کننده نیازهای مالی سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان وجوه به صورت انواع تسهیلات اعطایی (وام) از محل همان سپرده‌های به ودیعه گذاشته شده نزدشان می‌باشند. به بهای پول وام گرفته شده نرخ بهره اطلاق می‌شود. هرگاه مبلغی پول برای مدت معینی به وام داده شود، مبلغی که در آینده وام گیرنده به وام دهنده می‌پردازد، بیش از مبلغ دریافتی اولیه خواهد بود. این پرداخت اضافی یا نرخ بهره را می‌توان به صورت نسبت مابه‌التفاوت مبلغ دریافتی و مبلغ بازپرداخت در پایان یک دوره معین به کل پول دریافتی بیان کرد.

ایران

اگرچه به جهت نظری، تغییرات نرخ سود تسهیلات باید در سطح سرمایه‌گذاری‌ها مؤثر باشد، اما در اقتصاد ایران از آنجایی که میزان آن به صورت دستوری تعیین شده و تمایلات فعالان بازارهای مالی در آن انعکاسی ندارد و

همچنین، در سطوح فعلی نرخ سود تسهیلات، تقاضای منابع مالی برای سرمایه‌گذاری بیش از منابع فراهم شده توسط نظام بانکی است، کاهش نرخ سود تسهیلات، موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌ها نخواهد شد.

نرخ سود تسهیلات اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در عقود مبادله‌ای طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۰ در جدول ذیل مشخص شده است.

نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران (درصد)

سال	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	کشاورزی	بازرگانی و خدمات	صادرات
۱۳۶۳	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۴	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۵	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۶	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۷	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۸	۶-۱۲	۸-۱۲	۴-۸	۸-۱۲	-
۱۳۶۹	۱۱-۱۳	۱۲-۱۴	۶-۹	۱۷-۱۹	-
۱۳۷۰	۱۱-۱۳	۱۲-۱۶	۶-۹	حداقل ۱۸	-
۱۳۷۱	۱۳	۱۲-۱۶	۹	حداقل ۱۸	۱۸ و بالاتر
۱۳۷۲	۱۶-۱۸	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۳	۱۶-۱۸	۱۵	۱۲-۱۶	۱۸-۲۴	۱۸
۱۳۷۴	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۵	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۶	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۷	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶ و ۱۸ و ۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۸	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶ و ۱۸ و ۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۷۹	۱۷-۱۹	۱۵-۱۶ و ۱۸ و ۱۹	۱۳-۱۶	۲۲-۲۵	۱۸
۱۳۸۰	۱۶-۱۸	۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹	۱۴-۱۵	حداقل ۲۳	۱۸
۱۳۸۱	۱۵-۱۷	۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸	۱۳-۱۴	حداقل ۲۲	۱۷
۱۳۸۲	۱۶	۱۵ و ۱۸ و ۲۱	۱۳/۵	حداقل ۲۱	۱۶ ^Δ
۱۳۸۳	۱۵	۱۵ و ۱۸ و ۲۱	۱۳/۵	حداقل ۲۱	۱۴
۱۳۸۴	۱۶	۱۵-۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۳۸۵	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۳۸۶	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳۸۷	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳۸۸	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳۸۹			۱۲ و ۱۴		
۱۳۹۰			۱۱ و ۱۴		
			۱۴ و ۱۵		

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

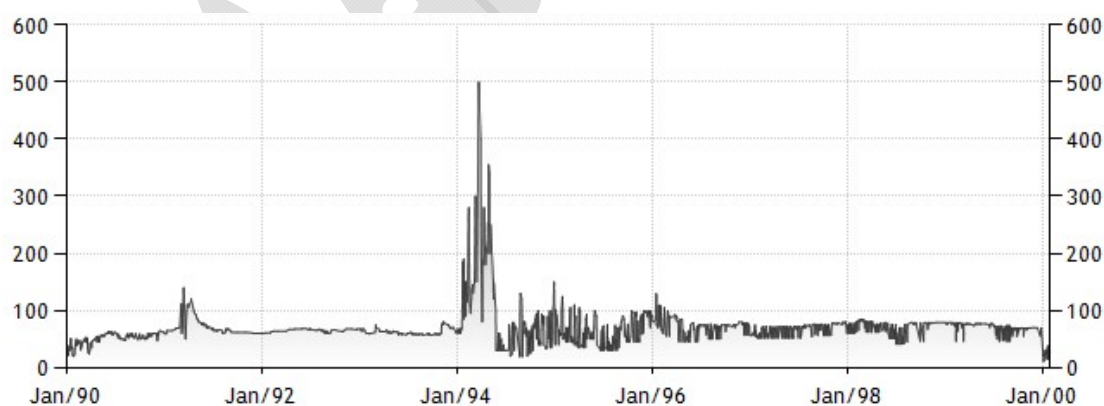
همانگونه که ملاحظه می‌شود، نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران تقریباً همه ساله افزایش یافته است و این نرخ در بخش بازرگانی و خدمات و صنعت و معدن بیشتر از سایر بخش‌ها می‌باشد. این افزایش طی سال‌های ابتدای دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ به میزان چشمگیری بوده است و در سال‌های ۸۸ و ۸۹ به میزان مناسب‌تری کاهش یافته است. متأسفانه این نرخ طی دهه‌های گذشته از یک روند کاهشی مناسب و مداوم برخوردار نبوده تا تولیدکنندگان بتوانند بر مبنای آن تصمیم‌گیری نمایند.

ترکیه

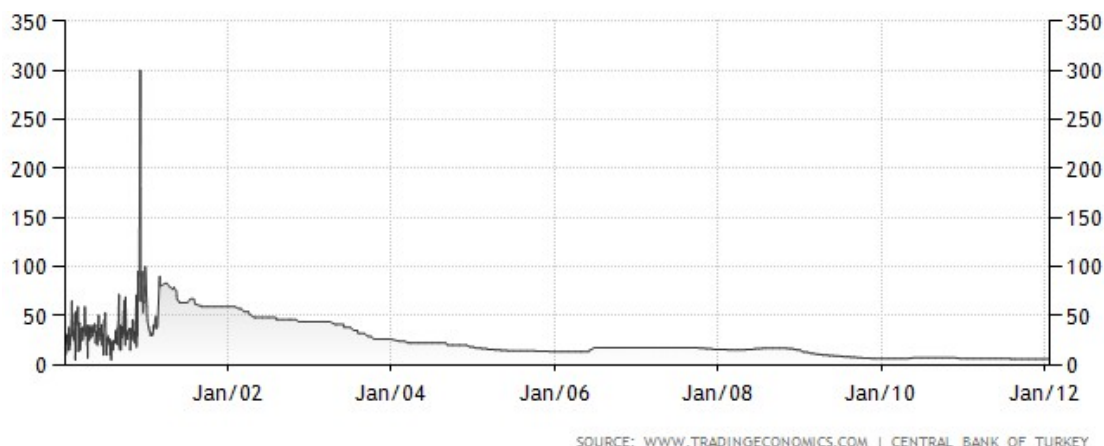
سیستم بانکی در ترکیه بر اساس اصول بازار آزاد مالی فعالیت می‌کند. نرخ‌های بهره توسط بازار تعیین می‌شود و بانک مرکزی در این امر دخالت نمی‌کند ولی نرخ وام به بانک‌های تجاری که توسط بانک مرکزی اعطا می‌شود بر نرخ بازار تاثیرگذار است.

بانک‌های ترکیه همانند سایر بانک‌های خارجی در رقابت با یکدیگر به سر می‌برند و برای اعطای وام به مشتریان خود به رقابت می‌پردازند.

نرخ سود تسهیلات ترکیه طی سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۱ بر اساس اطلاعات بانک مرکزی ترکیه در شکل‌های زیر مشخص شده است.



SOURCE: WWW.TRADINGECONOMICS.COM | CENTRAL BANK OF TURKEY



همانگونه که ملاحظه می‌شود، نرخ سود تسهیلات بانکی این کشور طی دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ با نوسانات شدیدی روبرو بوده و به ویژه در فصل نخست سال ۱۹۹۴ و اوایل سال ۲۰۰۱ که این کشور با بحران مالی روبرو شده نرخ بهره آن به شدت افزایش یافته است. شاید یکی از دلایل عمده این افزایش را بتوان تلاش دولت این کشور در تأمین کسری بودجه از طریق منابع داخلی در این سال‌ها عنوان نمود. ولی از سال ۲۰۰۲ و به دنبال تحولات اقتصادی این کشور، نرخ بهره تسهیلات بانکی آن، در نتیجه کنترل تورم روند کاهشی مناسبی یافته است.

جمع بندی بخش اقتصادی

با توجه به آمار و داده‌های بخش اقتصادی، مشخص می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران به خوبی توانسته تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد. توجه به این نکته ضروری است که بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹، درآمد نفتی در این سال ۲۲/۷ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری و ۸/۸ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حجم بالایی از تولید ناخالص داخلی کشور وابسته به نفت و درآمدهای حاصل از آن می‌باشد. از این رو طی سال‌های اخیر دولت این کشور افزایش صادرات محصولات غیرنفتی را مورد توجه ویژه قرار داده است. از سوی دیگر دولت ترکیه نیز طی دهه اخیر با استفاده از سیاست‌های اقتصادی مناسب، توانسته پیشرفت اقتصادی چشمگیری را تجربه نماید به طوری که تولید ناخالص داخلی آن طی این دهه همواره (به جز سال ۲۰۰۹ که مصادف با بحران اقتصادی جهانی بوده) روند صعودی داشته است. این در حالی است که منابع نفتی این کشور به مراتب کمتر از جمهوری اسلامی ایران بوده و رشد صنعت و خدمات نقش اصلی را در افزایش تولید ناخالص داخلی آن ایفا نموده است.

بررسی روند تغییرات درآمد سرانه دو کشور بر اساس برابری قدرت خرید نیز نشان دهنده روند رشد اقتصادی تقریباً یکسانی میان دو کشور می‌باشد. توجه به این نکته ضروری است که دهه ۱۹۸۰ تقریباً مصادف با سال‌های جنگ تحمیلی علیه ایران بوده که یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی کاهش درآمد سرانه ایران در این دوران به شمار می‌رود. اما در سال‌های پس از انقلاب قدرت خرید مردم مجدداً افزایش یافته است.

مقایسه روند تغییرات تورم دو کشور مشخص می‌سازد که ترکیه با اتخاذ تصمیماتی در راستای اصلاحات اقتصادی و اجرای آن، موفق به مهار تورم گردید به طوری که طی سال‌های اخیر نرخ تورم به میزان قابل توجهی کاهش یافت. در نتیجه این اقدام، ترکیه در سال‌های پایانی دهه ۲۰۰۰ توانسته نرخ بهره تسهیلات بانکی خود را کاهش دهد. اما متأسفانه در ایران برنامه مشخص و بلندمدتی برای کنترل تورم و کاهش آن در نظر گرفته نشده و نرخ تورم همچنان در سطح بالایی در نوسان است که می‌توان با استفاده از تجربیات سایر کشورها همچون ترکیه برای حل این مشکل برنامه‌ریزی نمود.

از سوی دیگر با توجه به اطلاعات مندرج در این بخش، مشخص می‌گردد که بیکاری یکی از معضلات اصلی دو کشور ایران و ترکیه طی سال‌های گذشته بوده است. همان‌گونه که عنوان گردید یکی از مهم‌ترین دلایل بالا بودن نرخ بیکاری در ترکیه، عدم امکان ایجاد شغل متناسب با تعداد افراد واجد شرایط در هر سال می‌باشد که بنا بر اعلام دولت ترکیه، نرخ بیکاری در این کشور تا سال ۲۰۲۳ به میزان چشمگیری کاهش خواهد یافت. این مسأله در حالی است که در ایران یکی از دلایل بالا بودن نرخ بیکاری، از دست رفتن موقعیت‌های شغلی موجود (همانند تعطیلی کارخانه‌ها) می‌باشد. بنا بر آمار مندرج در روزنامه شرق مورخ ۹۰/۱۲/۶، به نقل از مرکز آمار ایران، در فاصله زمانی میان پاییز ۸۹ تا پاییز ۹۰ در حدود ۸۰۰ هزار شاغل، شغل خود را از دست داده‌اند. بر این اساس، نرخ مشارکت در پاییز ۹۰ (۳۵/۷ درصد) نسبت به پاییز ۸۹ (۳۷/۹ درصد) به میزان ۲/۲ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که بنا به گفته تولیدکنندگان صنعتی در صورت ادامه شرایط اقتصادی فعلی امکان ادامه فعالیت بسیاری از آنان از میان خواهد رفت. شاید بتوان گفت چنانچه تمرکز دولت بر روی پیشرفت صنایع غیرنفتی بیشتر شده و به این بخش بهای بیشتری داده شود، نرخ بیکاری به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

اطلاعات تجاری

اقتصاددانان تجارت را به عنوان یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی عنوان می‌کنند. دستیابی کشورها به سهم مناسبی از بازارهای جهانی، می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی شود. رشد و توسعه اقتصادی نیز می‌تواند رفاه اجتماعی را میسر سازد. در این راستا کشورها باید با شناخت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود در یک زیرگروه مناسب صنعتی و یا خدماتی سرمایه‌گذاری نمایند تا بتوانند در تجارت جهانی به جایگاهی مناسب دست یابند. اقتصادی موفق خواهد بود که با شناخت صحیح سلايق بازارهای خارجی دارای ظرفیت مبادلات تجاری، بتواند بیشترین سهم را در صادرات به آن کشور به خود اختصاص دهد و از سوی دیگر تمامی واردات آن کشور در چارچوبی منطقی صورت گیرد.

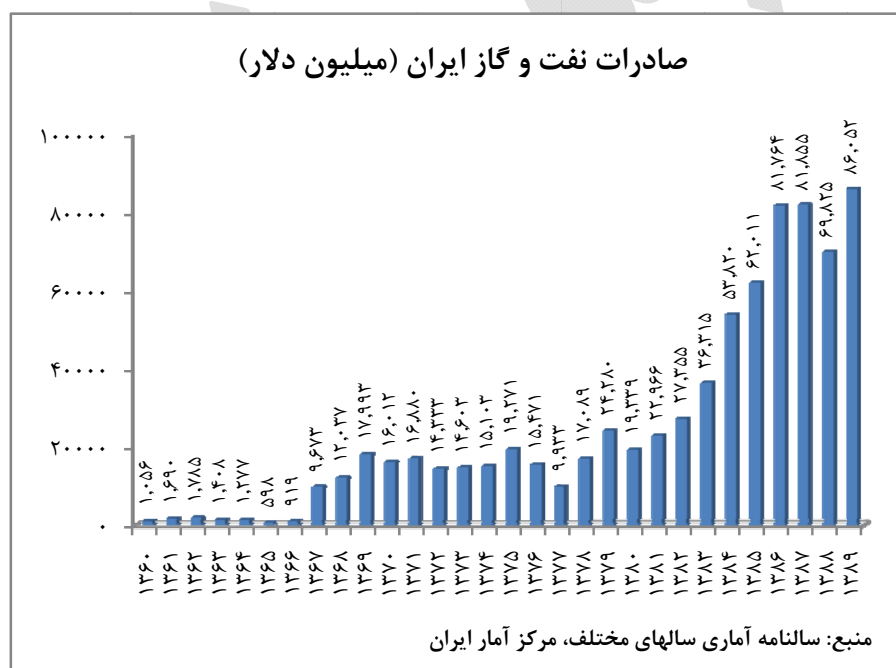
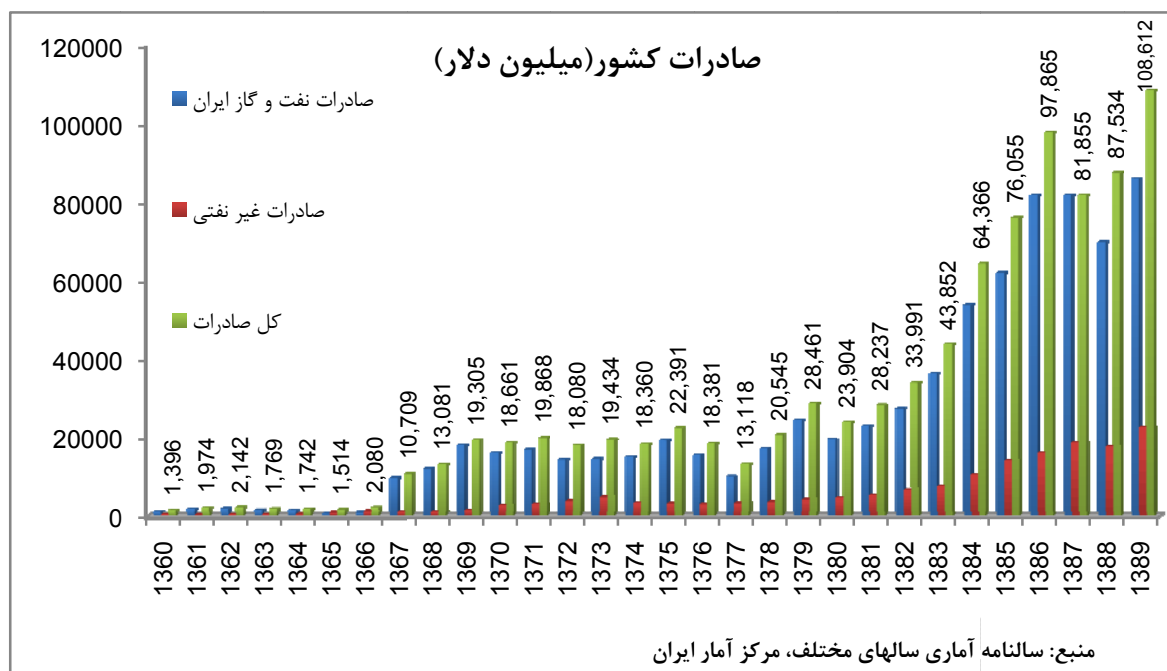
در ادامه به بررسی روند تغییرات تجارت ایران و ترکیه طی سالهای گذشته خواهیم پرداخت.

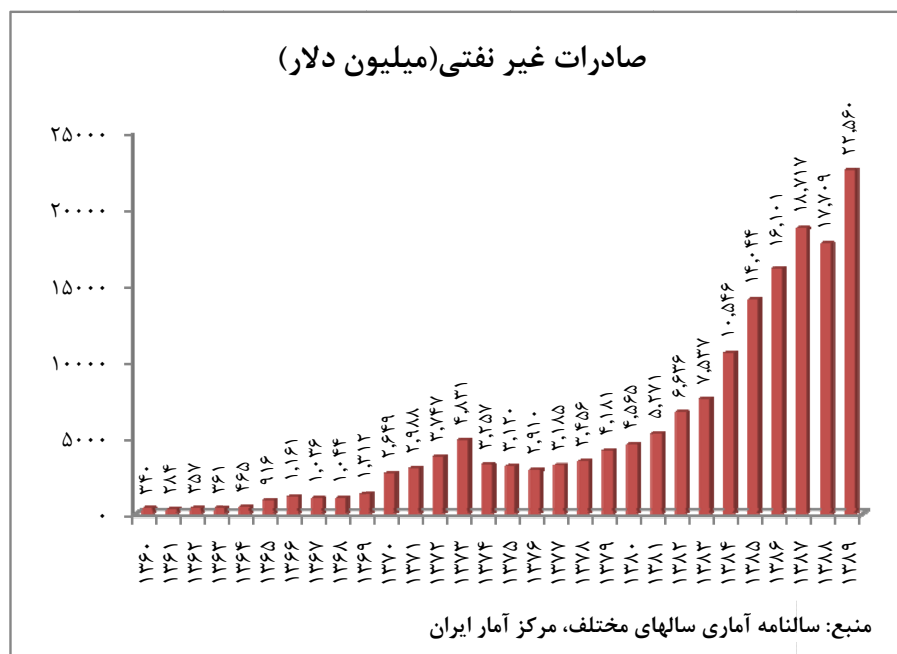
ایران

روند تغییرات صادرات ایران

در ۳۰ سال اخیر مسائل گوناگونی از قبیل رشد جمعیت، دفاع مقدس، تحریم‌های بین‌المللی، قوانین مربوط به صادرات و واردات و غیره هر یک به‌گونه‌ای متفاوت مبادلات تجاری ایران را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. در نمودارهای زیر حجم صادرات کل کشور، صادرات نفتی و صادرات غیرنفتی^۱ در سالهای مختلف نمایش داده شده‌اند.

^۱ سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران، سالهای مختلف؛ به دلیل موجود نبودن آمار صادرات نفتی سالهای ۶۵ و ۶۶، این آمارها از سالنامه economic report، شماره ۶۶ استخراج شده‌اند.





در دهه ۶۰ مسائلی همچون جنگ تحمیلی و عدم ثبات در کشور باعث شده تا ارزش صادرات کشور رقمی ناچیز باشد. در سال ۶۱ طبق قانونی مقرر شد تا به منظور کنترل ارز حاصل از صادرات، پیمان‌نامه‌ای^۱ ارزی، براساس متوسط قیمت‌های بین‌المللی کالاهای صادراتی تعیین و از صادرکننده اخذ گردد. در سال ۶۲ برخی اقدامات تشویقی از سوی دولت برای حمایت از صادرکنندگان صورت گرفت و همین امر افزایش صادرات را به دنبال داشت. در سال ۶۳ برقراری جایزه ریالی جهت تشویق صادرکنندگان، مجدداً افزایش صادرات غیرنفتی را به دنبال داشت. اما با توجه به کاهش صادرات نفتی در سال ۶۳ و ناچیز بودن سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات، کاهش صادرات در این سال را شاهد هستیم. در سال ۶۷ تنزیل نرخ ارز واریزنامه (ارز صادراتی)^۲ که در ادامه سیاستهای جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها صورت گرفت منجر به کاهش صادرات برخی اقلام مهم گردید. در سال ۶۸ با پایان جنگ تحمیلی صادرات کشور افزایش یافت و در سال ۷۰ قوانینی همچون معافیت اقلام صادراتی از سپردن پیمان ارزی و ایجاد تسهیل در امر صدور باعث افزایش صادرات غیرنفتی شده‌است. اما در سال ۷۴ شاهد برقراری مجدد پیمان ارزی و این بار معادل ۱۰۰٪

^۱ بر اساس پیمان ارزی صادرکنندگان کالا مکلفند در ازای صادرات کالا، تعهدنامه‌ای را تنظیم و بر مبنای آن با نرخ مشخصی که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود ارز حاصل از صادرات کالا را به سیستم بانکی تحویل دهند و در مقابل ریال مربوطه را با توجه به نرخ تعیین شده تحویل بگیرند.

^۲ در ایران به ارزی **ارز صادراتی** گفته می‌شود که از صدور کالاهای غیرنفتی عاید صادرکننده شده باشد. صادرکننده صاحب این نوع ارز می‌تواند آن را به ورود کالاهای تعیین شده توسط دولت اختصاص دهد یا به دیگر واردکنندگان کالا بفروشد. نرخ ارز صادراتی بیشتر از نرخ ارز دولتی و کمتر از نرخ آزاد ارز است.

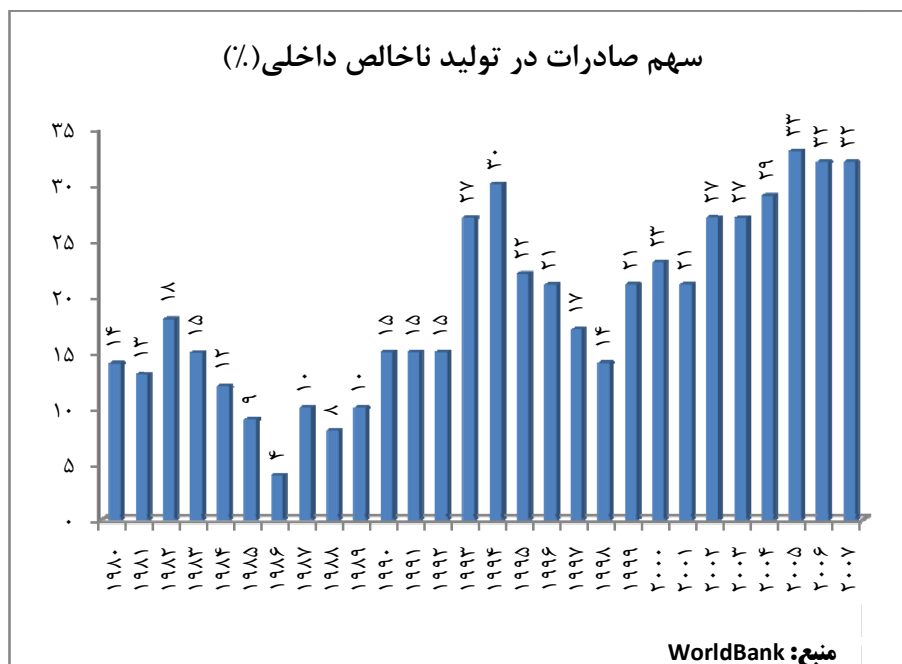
ارزش کالاهای صادراتی بودیم، این در حالی است که از اواخر سال ۷۳ این نرخ معادل ۵۰٪ ارزش کالاهای صادراتی تعیین شده بود. این مسئله کاهش صادرات را به دنبال داشت. هرچند افزایش صادرات نفتی در سال مذکور، کاهش صادرات کل را نامحسوس نمود. ادامه‌ی سیاستهای محدود کننده ارزی باعث کاهش صادرات در سالهای پس از آن شد. در سال ۷۵ ایجاد قوانینی همچون افزایش مهلت ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان به بانکها، اعطای مجوز ورود کالا از محل ارز حاصل از صادرات غیرنفتی و پرداخت جواز ریالی منجر به کندشدن روند کاهش صادرات و در نهایت افزایش صادرات در سالهای بعد گردید. در سال ۷۸ نیز نرخ پیمان‌سازی ارزی برخی کالاها کاهش یافت و افزایش صادرات کشور را به دنبال داشت. ادامه سیاستهای تسهیلی صادرات و نیز مساعد بودن بازار خارجی منجر به افزایش صادرات از سال ۸۵ به بعد شد.

سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی

وابستگی بیش از حد یک کشور به یک بخش اقتصادی، تداوم رشد و رونق آن کشور را با ریسک‌های زیادی روبه‌رو می‌کند. به همین دلیل، ایجاد تعادل در این زمینه ضرورتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر، در تجارت بین‌الملل کشورهایی موفق‌ترند که صادرات آنها تنها به مواد اولیه و خام محدود نمی‌شود و علاوه بر آن کالاهای تولیدی و دارای ارزش افزوده بالا نیز صادر می‌کنند. برای کشوری مانند ایران که بخش اعظم درآمد خود را از طریق صادرات نفت و گاز کسب می‌کند، ریسک کاهش بهای انرژی، تهدید بزرگی به شمار می‌رود. البته طی سال‌های اخیر، سهم صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی کشورمان تا حدی افزایش یافته اما اقتصاد کشور نیازمند رشدی سریع‌تر در این زمینه است.

باتوجه به وجود منابع غنی انرژی و منابع معدنی فراوان، برنامه‌ریزی بلندمدت برای تولید کالاهای با ارزش افزوده و افزایش سهم صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است.

در صورت دستیابی به چنین اهدافی، اقتصاد ایران در برابر هر بحران مالی و رکود اقتصادی به خوبی مقاومت خواهد کرد. در نمودار زیر سهم صادرات از ارزش افزوده کشور را می‌توان مشاهده نمود.



باید توجه داشت در سالهای اخیر در حدود ۸۰٪ از کل صادرات کشور را صادرات نفت و گاز به خود اختصاص می‌دهند، بنابراین هرچند به طور کلی در سالهای اخیر سهم صادرات در ارزش افزوده روندی نسبتاً صعودی داشته‌است، اما این افزایش بیشتر تحت تأثیر افزایش صادرات نفتی بوده است. تحلیل‌گران اقتصادی کشور بر موضوع توسعه صادرات غیرنفتی به عنوان استراتژی موفق برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی بالا تأکید می‌کنند. به‌گونه‌ای که در برنامه‌های توسعه به ایجاد جهش صادراتی به عنوان یکی از اساسی‌ترین هدف‌ها برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی تأکید شده است. اثر مثبت صادرات بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته طی مطالعات تجربی به اثبات رسیده است و عنوان می‌شود کشورهایی که جهت‌گیری صادراتی اتخاذ کرده‌اند از تخصیص بهینه منابع و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر بهره‌مند شده‌اند.

صادرات عمده ایران با توجه به نوع فعالیت اقتصادی

در نمودار زیر میزان صادرات کشور بر حسب نوع فعالیتهای اقتصادی دسته‌بندی شده‌اند. کالاهای سنتی و کشاورزی اقلامی همچون میوه‌های خشک و تازه، زعفران، پسته، حیوانات زنده و غیره را شامل می‌شود. کالاهای صنعتی نیز مواردی همچون فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز، گازهای نفتی و سایر هیدروکربورهای نفتی، چدن و فولاد، مواد پلاستیکی، پوشاک و غیره را داراست.

صادرات کشور در گروه‌های مختلف (میلیون دلار آمریکا)

گروه کالایی	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
کالاهای سنتی و کشاورزی	۱۶۰۳	۱۷۲۴.۲	۲۰۷۵	۱۸۹۲	۲۵۴۴	۳۰۱۲	۳۴۸۲	۳۳۰۴
کلوخه های کانی فلزی	۷۷.۳	۳۲.۲	۴۶	۹۶	۱۷۰	۳۲۱	۲۲۷	۳۱۹
کالاهای صنعتی	۲۵۴۳.۴	۲۸۵۲	۳۸۵۱	۴۸۶۰	۷۷۰۲	۹۵۵۰	۱۱۵۴۸	۱۴۶۶۲

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ نشریه خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال‌های مختلف

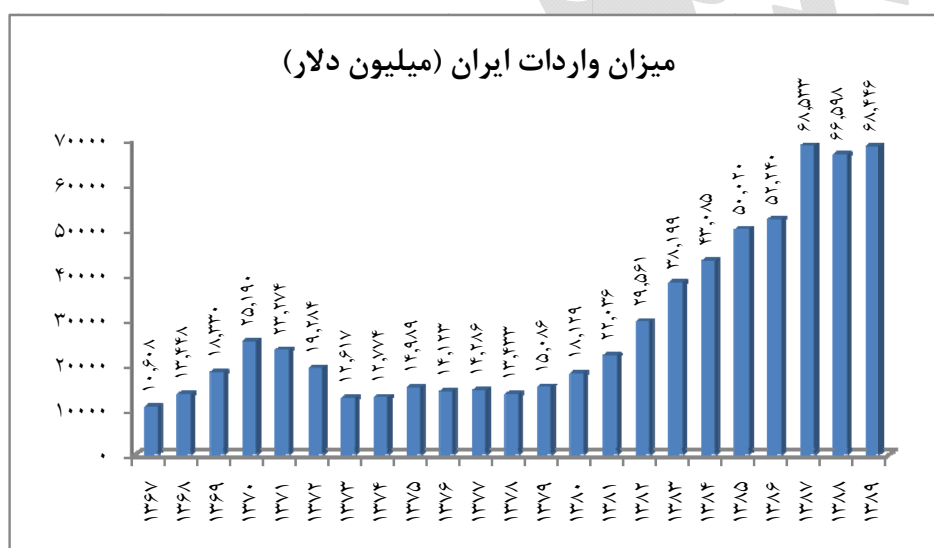
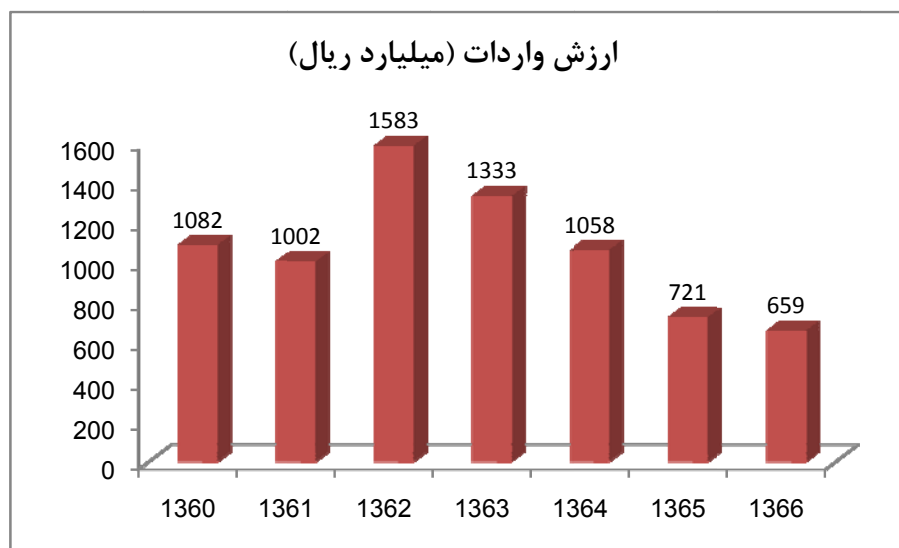
همانگونه که داده‌های جدول نیز نمایش می‌دهند در سالهای اخیر کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در صادرات غیرنفتی کشور به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن کالاهای سنتی و کشاورزی در رده دوم و نیز کلوخه‌های کانی فلزی در رده‌بعدی قرار دارند.

برخی مواد شیمیایی همچون پروپان، متانول، بوتان و نیز گازهای نفتی، قیر نفت، سنگ آهن و محصولات نظیر پسته و در نهایت فرش و دیگر کفپوش‌های نسجی از جمله عمده کالاهای صادراتی ایران به دیگر کشورها محسوب می‌شوند.

روند تغییرات واردات ایران

از آنجا که هیچ کشوری در جهان توانایی تأمین و تولید تمام نیازهای خود در داخل را ندارد و بعضاً نیز تأمین برخی کالاها در داخل مقرون به صرفه نیست، لذا از دیرباز مبادله کالا میان کشورها صورت می‌گرفته است. مواردی همچون رشد جمعیت، افزایش قدرت خرید و یا درآمد سرانه، افزایش حجم سرمایه‌گذاری (در نتیجه نیاز به ورود ماشین‌آلات صنعتی و امثال آنها)، نیاز به تولید بیشتر (به منظور جایگزینی واردات و یا برای صادرات بیشتر)، بحرانهای مقطعی (همچون خشکسالی، مشکلات صنعتی، بلاهای طبیعی و غیره) و نیز افزایش قیمت‌های جهانی (در نتیجه افزایش رقم نهایی واردات)، از جمله عوامل و دلایلی هستند که برای افزایش واردات منطقی به یک کشور ذکر می‌شوند و هرگونه افزایشی که خارج از محورهای فوق باشد واردات بی‌رویه محسوب می‌شود.

در نمودارهای زیر می‌توان ارزش واردات کشور را در سالهای گذشته مشاهده نمود.^۱



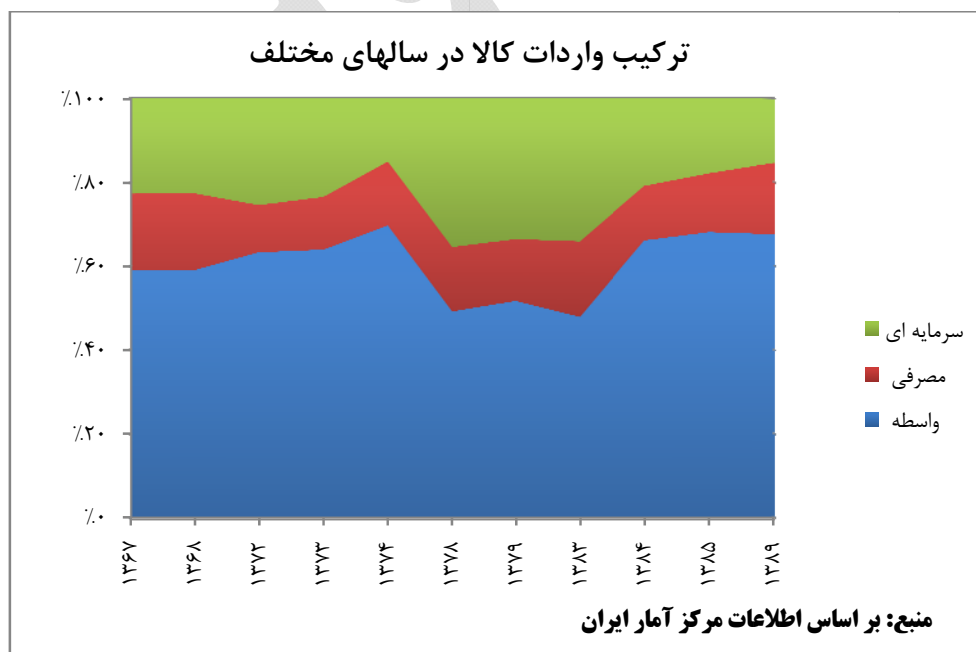
همانطور که داده‌های جدول گویا هستند واردات کالا به کشور در ۳۰ سال گذشته دارای روندی یکسان نبوده و در دوره‌های مختلف، تحت تأثیر عوامل مختلف، سیری صعودی و یا نزولی به خود گرفته‌است. میزان واردات کشور تا سال ۶۲ روندی صعودی دارد و در این سال به اوج خود می‌رسد. پس از سال ۶۲ به علت تحریم‌های ناشی از جنگ تحمیلی روندی نزولی به خود می‌گیرد. اما با پایان یافتن جنگ تحمیلی مجدداً میزان واردات به کشور افزایش می‌یابد. در سالهای پس از آن واردات به کشور با نوسانات بسیاری روبرو می‌شود و نهایتاً از سال ۷۸ به علت افزایش رونق بازار نفت و افزایش قیمت نفت روندی صعودی به خود می‌گیرد و تا سالهای اخیر نیز ادامه دارد.

^۱. آمار ارزش واردات کشور بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران می‌باشد که تا سال ۱۳۶۶ به ریال و پس از آن به دلار گزارش شده است.

ترکیب واردات کالا به ایران در سالهای مختلف

یکی از نکات حائز اهمیت در امر واردات، اتخاذ سیاست‌های مناسب در این زمینه است. در حقیقت هرگونه تغییری در واردات یک کشور می‌تواند بر روند رشد و توسعه اقتصادی آن کشور اثر بگذارد. لذا شناخت نیاز جامعه به واردات به تفکیک گروه‌های کالایی و بر اساس متغیرهای مؤثر بر هریک امری ضروری است. برای واردات عمدتاً سه گروه کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی در نظر گرفته می‌شود. کالاهای سرمایه‌ای، شامل وسایل بادوام و ماشین‌آلات مورد نیاز در بخش‌های تولیدی و صنعتی و نیز وسایل نقلیه برای خدمات اقتصادی می‌باشد. واردات کالاهای واسطه‌ای عمدتاً مربوط به مواد اولیه و لوازم و قطعات ماشین‌آلات و مواد ساختمانی و مواد مورد نیاز بخش دامپروری و کشاورزی می‌باشد. اقلام مصرفی وارداتی نیز به عنوان کالای نهایی وارد کشور شده و عمدتاً توسط مصرف‌کنندگان نهایی (خانوارها) به مصرف می‌رسند. از جمله مهمترین اقلام وارداتی مصرفی می‌توان به مواد غذایی، مواد شیمیایی، محصولات فلزی و غیره اشاره نمود.

هرچه بخش‌های صنعتی و تولیدی کشوری رشد و توسعه بیشتری یابد، آن کشور در جهت تولید کالاها و خدمات بیشتر، نیاز به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشتری خواهد داشت. بنابراین می‌توان یکی از عوامل مؤثر در تقاضای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را شاخص رشد بخش صنعت و معدن کشور در نظر گرفت. در نمودار زیر ترکیب کالاهای وارداتی به کشور را در سال‌های مختلف می‌توان مشاهده نمود.



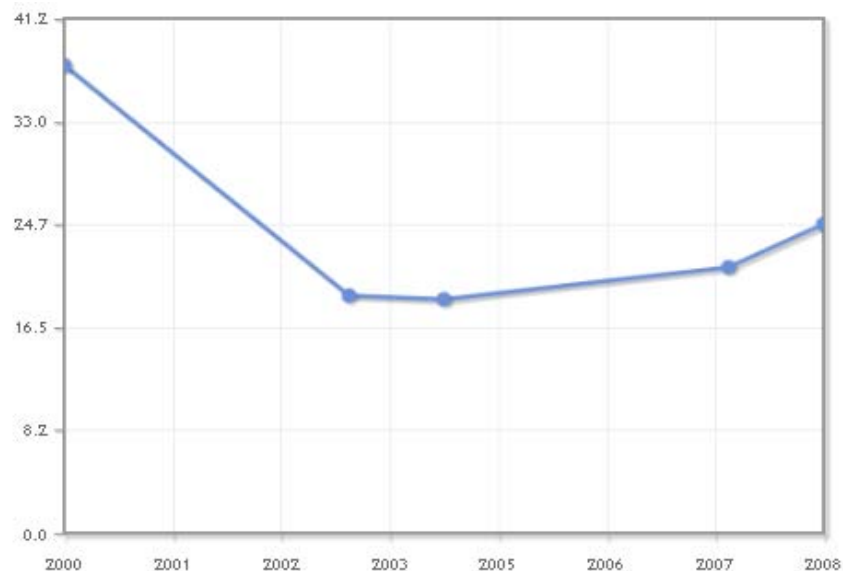
در یک بررسی کلی مشخص است طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۶ واردات کالاهای سرمایه‌ای همواره بیش از واردات کالاهای مصرفی بوده است و فقط در سال ۱۳۷۴ این میزان تقریباً برابر بوده‌اند. علاوه بر این در تمام دوران مورد بررسی سهم و میزان واردات کالاهای واسطه‌ای بیش از واردات مصرفی و سرمایه‌ای بوده و طی چند سال اخیر نیز سهم کالاهای واسطه‌ای در واردات رو به افزایش بوده است. در مورد کالاهای سرمایه‌ای روند کاهشی در سهم از واردات کل را شاهدیم و بالاخره در مورد کالاهای مصرفی می‌توان گفت سهم آنها از واردات کل همواره دچار نوسان بوده است.

در حقیقت پس از سال ۱۳۷۴، ورود کالاهای سرمایه‌ای به کشور تا سال ۱۳۸۳ روندی صعودی داشته اما پس از آن و با وجود افزایش واردات به کشور سهم این دسته از کالاها در کل واردات کشور بسیار کاهش یافته است و پس از آن تقریباً ثابت باقی مانده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که گسترش واردات به کشور کمتر در جهت توسعه ظرفیت‌های تولیدی صورت گرفته است و عمده توسعه واردات به افزایش واردات کالاهای واسطه، که عموماً در مراحل انتهایی زنجیره تولیدی قرار می‌گیرند و لذا ارزش افزوده کمی را ایجاد می‌کنند، بازمی‌گردد.

شایان ذکر است، در سال ۸۹ ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی و اجزاء و قطعات آنها، چدن، آهن و فولاد، سنگها و فلزات گرانبها و اشیاء ساخته‌شده از این مواد، سوختها، روغن‌ها و مومهای معدنی، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزاء و قطعات آنها به ترتیب بیشترین سهم را در واردات به ایران از لحاظ ارزش دارا بوده‌اند.

نرخ تعرفه

برای نرخ تعرفه تعاریف متعددی موجود است. نمودار زیر نرخ تعرفه کشور را مطابق تعریف «میانگین ساده نرخ تعرفه کاربردی کلیه محصولات وارداتی» نشان می‌دهد. این نوع از تعرفه در حقیقت بیانگر میانگین ساده و غیر وزنی نرخ تعرفه اعمال شده برای کلیه محصولات وارد شده به کشور است.



منبع: WorldBank

کمترین نرخ تعرفه مذکور برای ایران در دوره مورد بررسی مربوط به سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) با رقمی معادل ۱۸/۷٪ است. همچنین در نمودار بعد نرخ تعرفه یادشده برای محصولات صنعتی (Manufactured Products) قابل مشاهده است. همانطور که نمودار نیز نمایش می‌دهد، هرچند نرخ تعرفه تا سال ۲۰۰۴ روندی رو به کاهش داشته، اما مجدداً روند افزایشی به خود گرفته‌است.



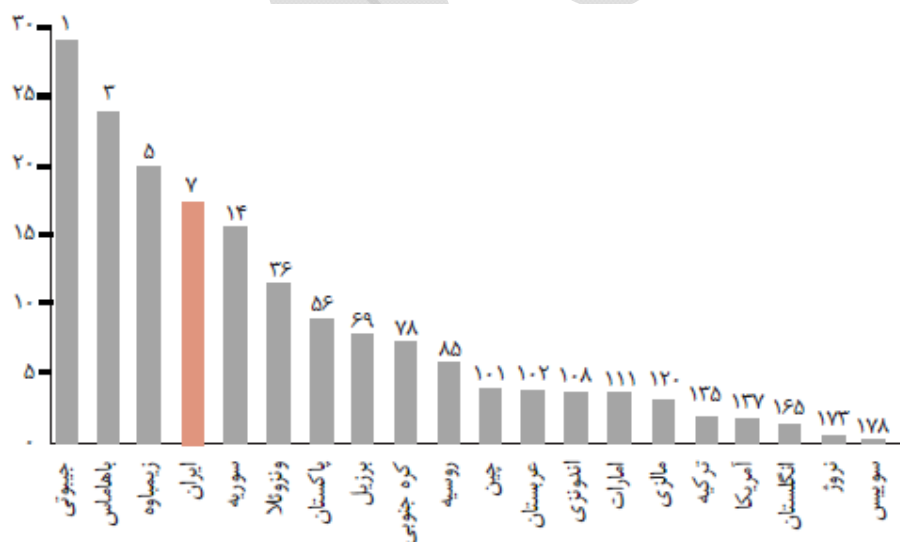
منبع: WorldBank

همانطور که نمودار نشان می‌دهد نرخ تعرفه برای کالاهای صنعتی به طور کلی بیش از نرخ اعمال شده برای کلیه محصولات است. این نرخ با روندی صعودی از ۱۹.۳٪ در سال ۲۰۰۳ به ۲۵.۱٪ در سال ۲۰۰۸ رسیده است.

همانطور که بحث‌های گذشته نشان می‌دهند وضعیت واردات کشور به ویژه در سالهای اخیر تا حدودی نگران‌کننده است. حجم زیاد تقاضا برای کالاهای وارداتی به دلیل ارزانتر بودن کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای تولید داخل است. شاید در ابتدا چنین به نظر برسد که علت قیمت کمتر کالاهای وارداتی، نرخ پایین تعرفه این دسته از کالاهاست، حال آنکه بررسی شاخص نرخ تعرفه کشور خلاف این مطلب را ثابت می‌کند. بررسی شاخص تعرفه و شاخص آزادی تجاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که **ایران در ردیف بالاترین کشورها در وضع محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای قرار دارد.**

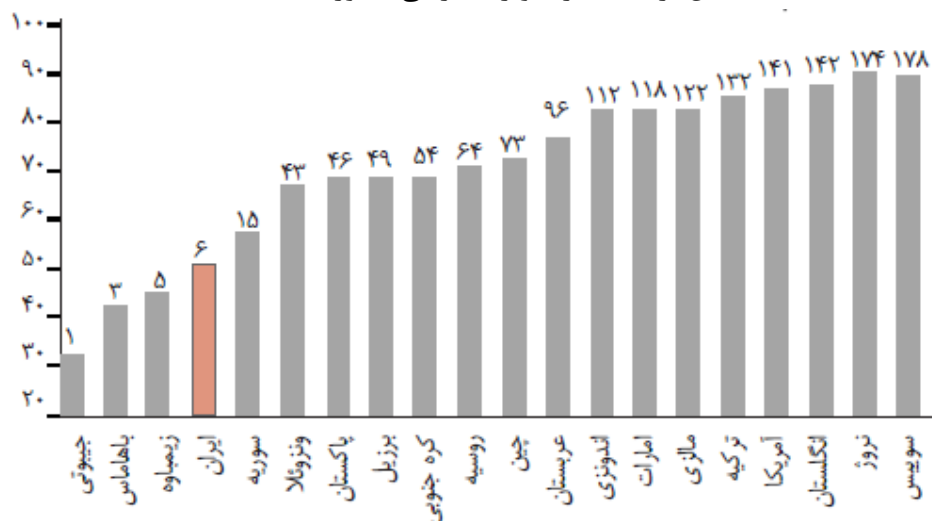
در نمودارهای پیش‌رو می‌توان رتبه کشور را در دو شاخص مهم تجاری که عبارتند از شاخص تعرفه و نیز شاخص آزادی تجاری، مشاهده نمود.

شاخص نرخ تعرفه و رتبه برخی کشورهای منتخب



شاخص تعرفه، میانگین وزنی تعرفه‌های تجاری کشورها را اندازه می‌گیرد. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰، **ایران با میانگین تعرفه ۱۷/۴٪ در ردیف هفتم بالاترین میزان تعرفه در میان ۱۷۸ کشور جهان قرار دارد.** این در حالی است که میانگین تعرفه جهانی برابر ۶/۷۵٪ بوده است.

شاخص آزادی تجاری و رتبه برخی کشورهای منتخب



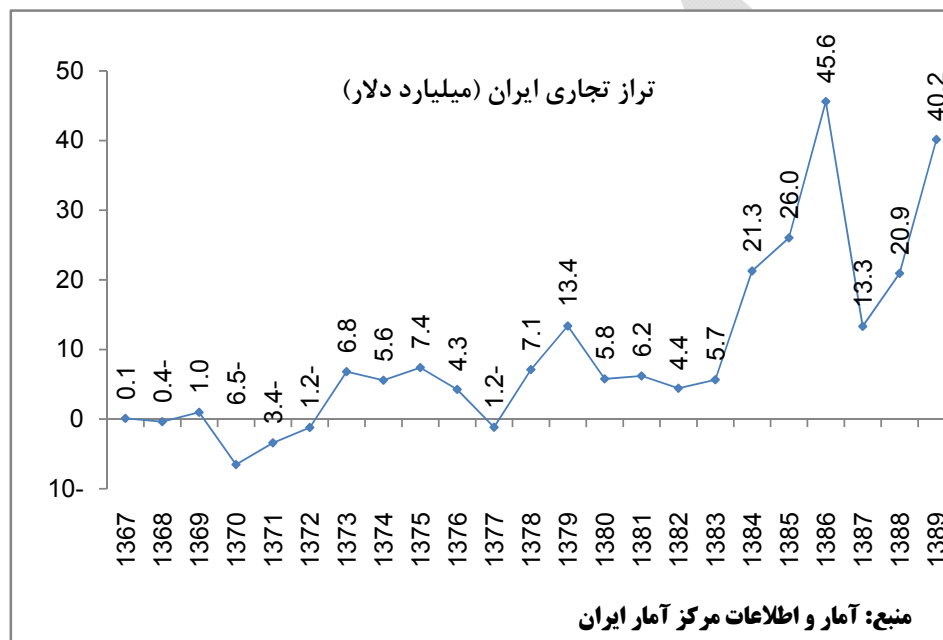
شاخص آزادی تجاری نیز یک شاخص ترکیبی است که میزان محدودیت‌های تعرفه‌ای (میانگین وزنی نرخ تعرفه) و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای (مانند محدودیت‌های مقداری، محدودیت‌های قیمتی و محدودیت‌های قانونی) را در تجارت خارجی اندازه می‌گیرد. در این شاخص، عدد ۱۰۰ بیانگر آزادی کامل در تجارت خارجی است. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰، شاخص آزادی تجاری در ایران برابر ۵۰/۲٪ بوده و **ایران به لحاظ وضع محدودیت‌های تجاری در ردیف ششمین کشور جهان در میان ۱۷۸ کشور جهان قرار دارد.** این در حالی است که میانگین شاخص آزادی تجاری در جهان برابر ۷۴/۶٪ بوده است.^۱

گفته‌های فوق مبین این مطلب هستند که ارزان بودن کالاهای وارداتی و در نتیجه افزایش واردات به کشور ناشی از نرخ پایین تعرفه در کشور نبوده و از مشکلی دیگر سرچشمه می‌گیرد. ریشه‌یابی این معضل ما را به سمت مسئله پایین بودن نرخ واقعی ارز در سالهای اخیر هدایت می‌کند. اگرچه طی دهه گذشته نرخ ارز اسمی افزایش یافته اما نرخ ارز واقعی به قیمت سال ۱۳۸۰، با کاهش مداوم روبرو بوده است که علت اصلی این کاهش، بالا بودن تورم داخلی نسبت به تورم شرکای تجاری ایران می‌باشد. این امر منجر به ارزانتر بودن کالای وارداتی نسبت به کالای مشابه تولید داخل خواهد بود.

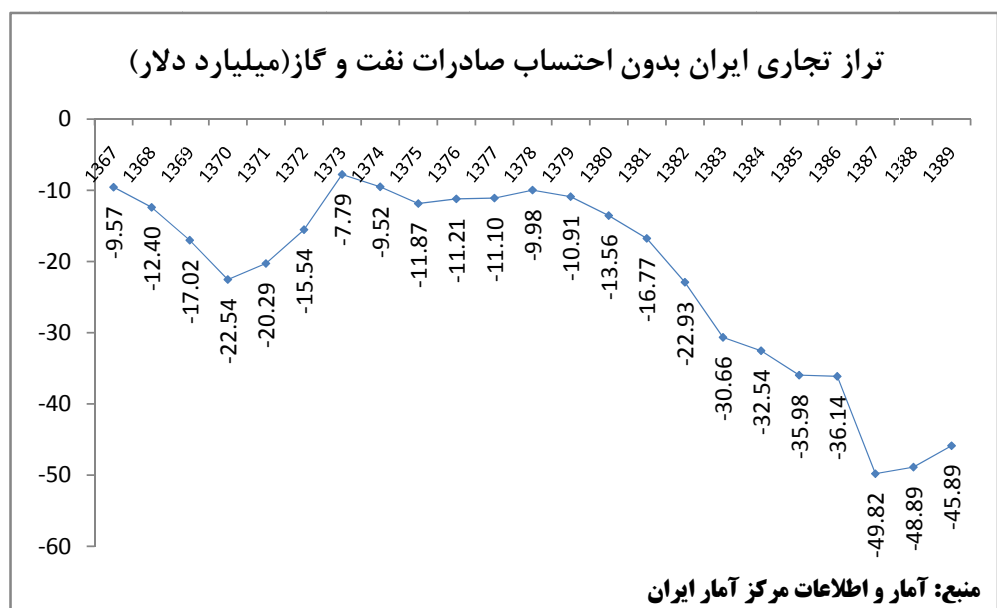
^۱. مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۹

تراز تجاری ایران

یکی از معیارها در ارزیابی بنیه اقتصادی هر کشور، تراز تجاری آن می باشد که صادرات و واردات دو رکن اصلی این تراز هستند. در حقیقت اختلاف ارزش صادرات و واردات یک کشور گویای تراز تجاری آن کشور است. رقم منفی در تراز تجاری یک کشور نشان‌دهنده این است که کشور مذکور عمدتاً واردکننده بوده و صادرات سهم کمتری را در مبادلات تجاری آن کشور داراست. نمودار زیر روند تراز تجاری کشور را در سالهای گذشته نمایش می‌دهد. این ارقام بر اساس ارزش صادرات و واردات ایران طی سال‌های گذشته محاسبه شده است.



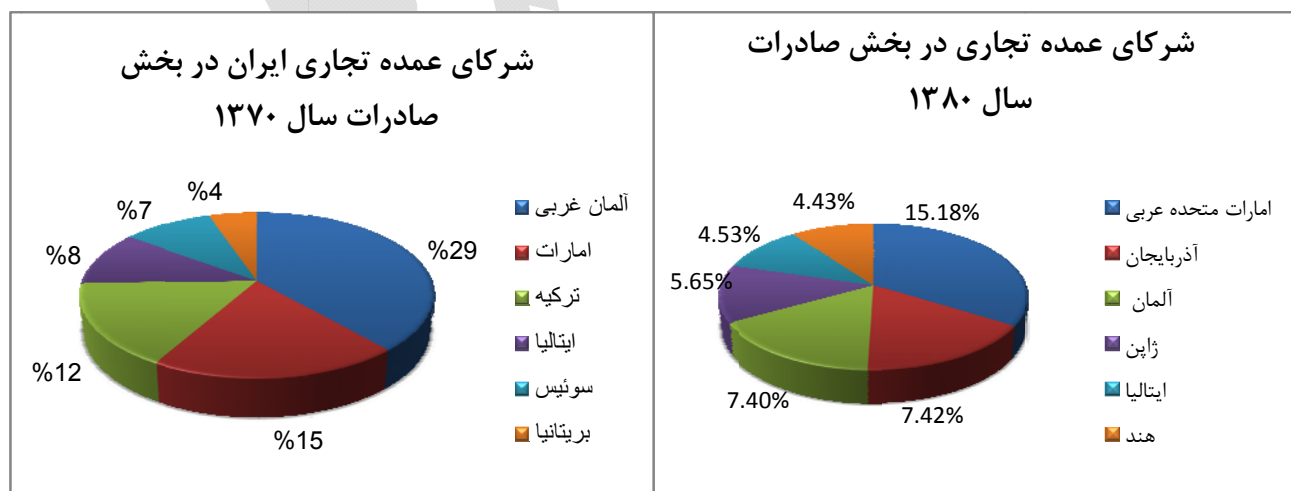
مطابق داده‌های نمودار فوق، بیشترین کسری تجاری کشور، به جز سال‌های پس از جنگ و در دهه اخیر مربوط به سال ۸۷ است. بررسی تراز بازرگانی در دوره مورد بررسی گویای این مطلب است که به موازات افزایش میزان واردات و صادرات کشور، کسری تراز تجاری نیز رو به افزایش است و در حقیقت فاصله میان ارزش مبادلات کالاهای صادراتی و وارداتی بیشتر شده است. بیشترین نرخ رشد ارزش صادرات کشور مربوط به دوره چهارم توسعه اقتصادی است. هرچند یکی از دلایل عمده این افزایش، بالا رفتن ارزش دلاری کالاهای صادراتی است.



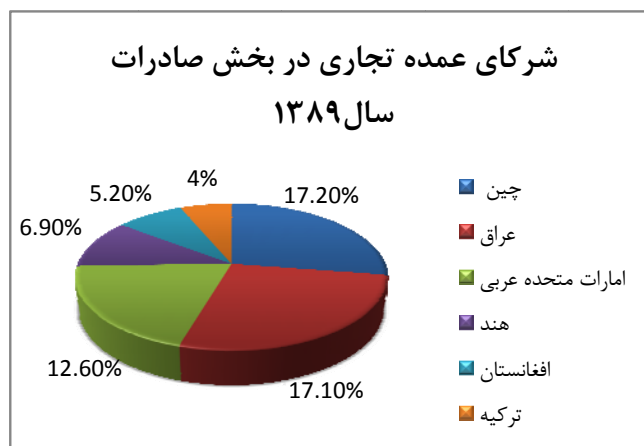
نکته‌ای اساسی که باید به آن توجه نمود این است که صرف نظر از روند صعودی واردات به کشور، منابع ارزی لازم برای تأمین این حجم عظیم از واردات از چه منبعی تأمین می‌شود. در سالهای اخیر روند کسری تراز تجاری بدون نفت کشور، سیری صعودی با شیبی بسیار بیشتر از گذشته دارد. این نکته بیانگر این مسئله است که بخش عظیمی از واردات به کشور از محل منابع ارزی حاصل از فروش نفت تأمین می‌شود و بنابراین واردات ایران وابسته به فروش نفت است.

شرکای عمده تجاری ایران

نمودارهای زیر شرکای عمده تجاری ایران را در بخش صادرات در سالهای مختلف نمایش می‌دهد.^۱

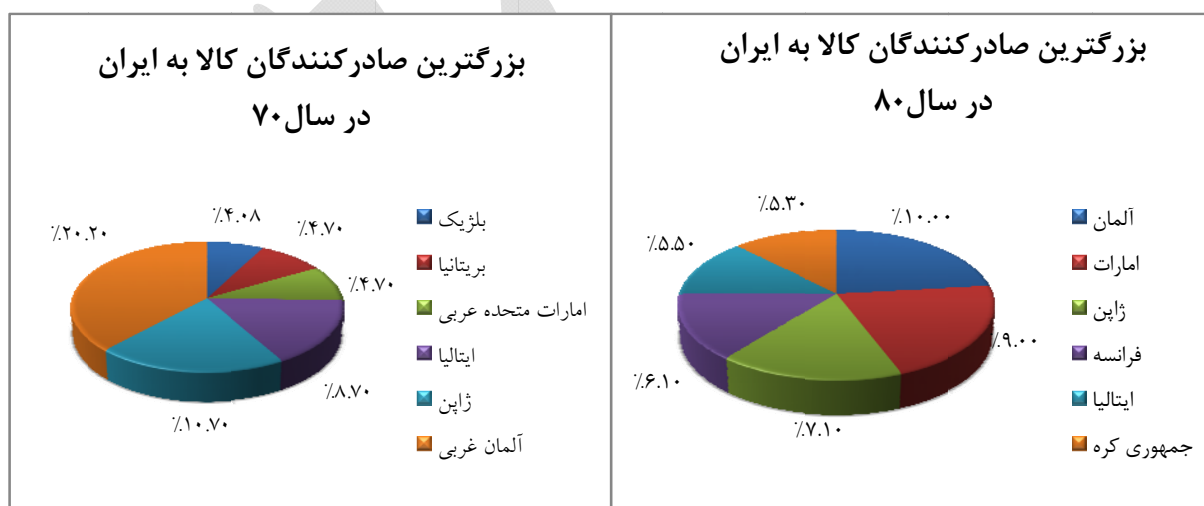


^۱ سالهای ۸۰ و ۸۹ از آمار سالیانه گمرک جمهوری اسلامی ایران و سال ۷۰ از سالنامه آماری کشور



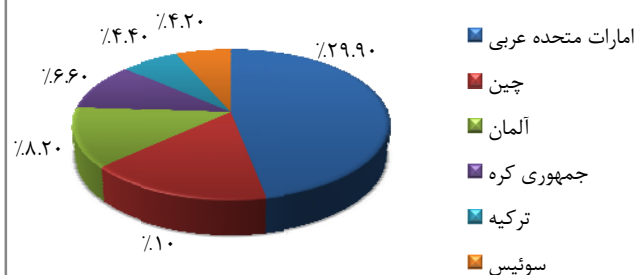
همانطور که نمودارها نیز نمایش می‌دهند در سال ۱۳۷۰ بیشترین صادرات ایران به ترتیب به کشورهای آلمان، امارات متحده عربی و ترکیه صورت می‌گرفت، اما در سال ۸۰ صادرات ایران به آلمان کاهش یافت و آذربایجان پس از امارات به دومین شریک تجاری ایران در بخش صادرات تبدیل شد و آلمان در جایگاه سوم قرار گرفت. نفوذ چین به بازارهای جهانی، بازار ایران را تحت تأثیر خود قرار داد و در حال حاضر بیشترین صادرات ایران به این کشور صورت می‌گیرد.

نمودارهای زیر بزرگترین صادرکنندگان به ایران را در برخی سالهای منتخب و بر اساس ارزش دلاری کالاها نمایش می‌دهند.^۱



^۱ سالهای ۸۰ و ۸۹ از آمار سالیانه گمرک جمهوری اسلامی ایران و آمار سال ۷۰ از سالنامه آماری کشور

بزرگترین صادرکنندگان کالا به ایران در سال ۸۹

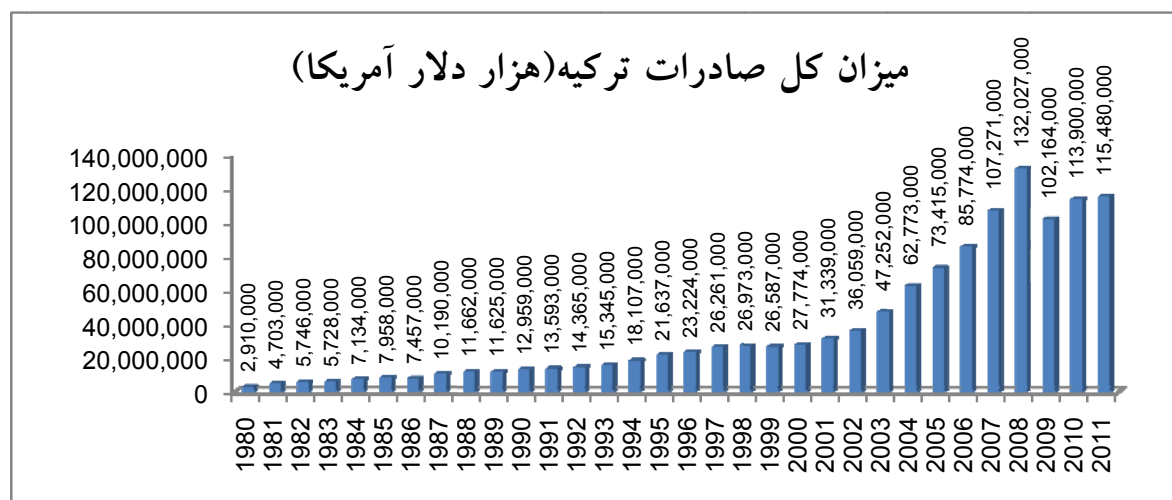


در سال ۷۰ آلمان و ژاپن بزرگترین صادرکنندگان کالا به ایران محسوب می‌شوند. در این سال ایتالیا توانسته سهم خود را در بازار ایران افزایش دهد و به سومین صادرکننده بزرگ کالا به ایران مبدل شود. در سال ۸۰ شاهد نفوذ امارات متحده عربی به بازار ایران هستیم. چنانچه این کشور در سال ۸۰، دومین صادرکننده کالا به ایران است. آلمان همچنان بزرگترین صادرکننده کالا به ایران است و ژاپن نیز در رده سوم قرار دارد. در سال ۸۹ نفوذ امارات به بازار ایران بیش از پیش افزایش یافته و لذا در این سال نخستین صادرکننده کالا به ایران است. نفوذ چین به بازارهای جهانی بازار ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده و این کشور دومین صادرکننده کالا به ایران محسوب می‌شود. آلمان نیز در رده بعدی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است بر اساس آمار یازده ماهه گمرک، امارات متحده عربی، چین و کره جنوبی بزرگترین صادرکنندگان کالا به ایران در سال ۹۰ هستند. لازم به ذکر است که کالاهای صادراتی امارات متحده عربی به ایران عمدتاً محصولات سایر کشورهاست که از امارات به ایران Re-Export می‌شود.

ترکیه

روند تغییرات صادرات ترکیه

نگاهی اجمالی به عملکرد ترکیه بیانگر این مطلب است که این کشور بحران‌های جهانی را نسبتاً خوب مدیریت کرده است. در نمودار زیر روند توسعه صادرات ترکیه طی دهه‌های گذشته را می‌توان مشاهده نمود.^۱

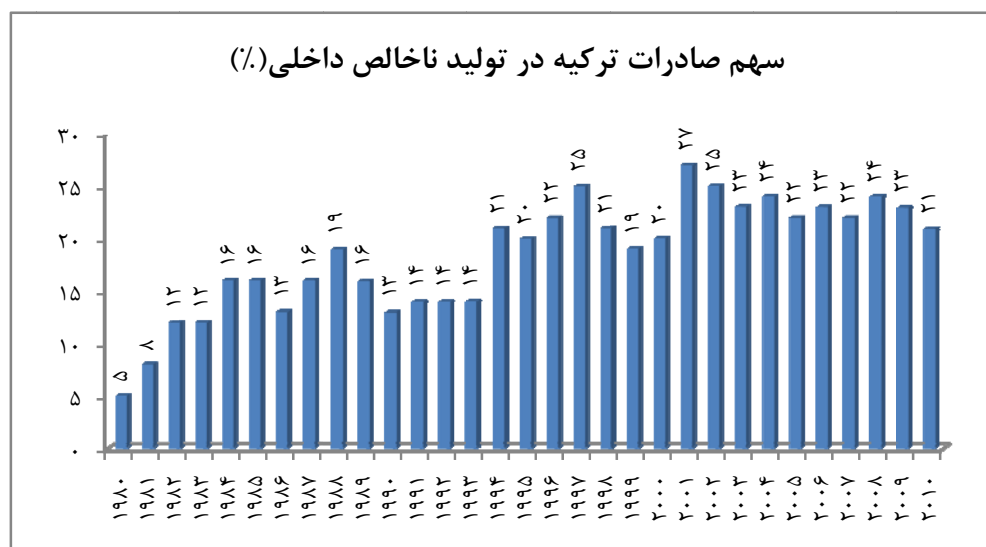


طی سال‌های گذشته، ترکیه بارها با بحران‌های مالی داخلی و خارجی بسیاری مواجه شده است. بحران اقتصادی داخلی سال ۲۰۰۱ ترکیه را با مشکلات زیادی مواجه نمود، اما این کشور با مدیریتی صحیح به‌خوبی بر مشکلات فائق آمد و روند رو به رشد سریعی را در پی گرفت. طی ۳۱ سال اخیر به طور کلی حجم تجارت خارجی این کشور روندی افزایشی داشته است. روند افزایش تجارت خارجی ترکیه پس از پیوستن این کشور به اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۶ سرعتی دوچندان یافته است. اما چنانچه از نمودار نیز قابل مشاهده است در سال ۲۰۰۹ میزان صادرات ترکیه برخلاف گذشته روند افزایشی خود را از دست داده و به یکباره با کاهشی قابل توجه مواجه شده است. علت این امر را می‌توان وقوع بحران اقتصادی در دنیا عنوان کرد که متعاقباً ترکیه را نیز تحت تأثیر خود قرار داد.

^۱ . Overview of the Turkish Textile and Apparel Industry, Harvard Center for Textile & Apparel Research -Turkish Textile Industry, General Secretariat of ITKIB.

سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی

در نمودار زیر می‌توان سهم صادرات کشور ترکیه از GDP آن در یک دوره ۳۰ ساله را مشاهده نمود.



از داده‌های نمودار مشهود است که هرچند به طور کلی سهم صادرات ترکیه از تولید ناخالص داخلی روندی صعودی داشته و از ۵٪ در سال ۱۹۸۰ به ۲۱٪ در سال ۲۰۱۰ رسیده‌است، اما در سال‌های اخیر با نوسانات بسیاری مواجه بوده‌است و از سال ۲۰۰۸ روندی نزولی به خود گرفته و از ۲۴٪ به رقمی معادل ۲۱٪ در سال ۲۰۱۰ رسیده‌است.

صادرات عمده ترکیه با توجه به نوع فعالیت اقتصادی^۱

صادرات ترکیه از لحاظ نوع فعالیت اقتصادی، به طور عمده در گروه‌های تولیدی، کشاورزی و جنگلداری، معدن و شیلات تقسیم می‌شود. در نمودار زیر میزان صادرات ترکیه در هر یک از این گروه‌ها، طی سالهای اخیر نمایش داده شده‌است.

^۱ . www.invest.gov.tr

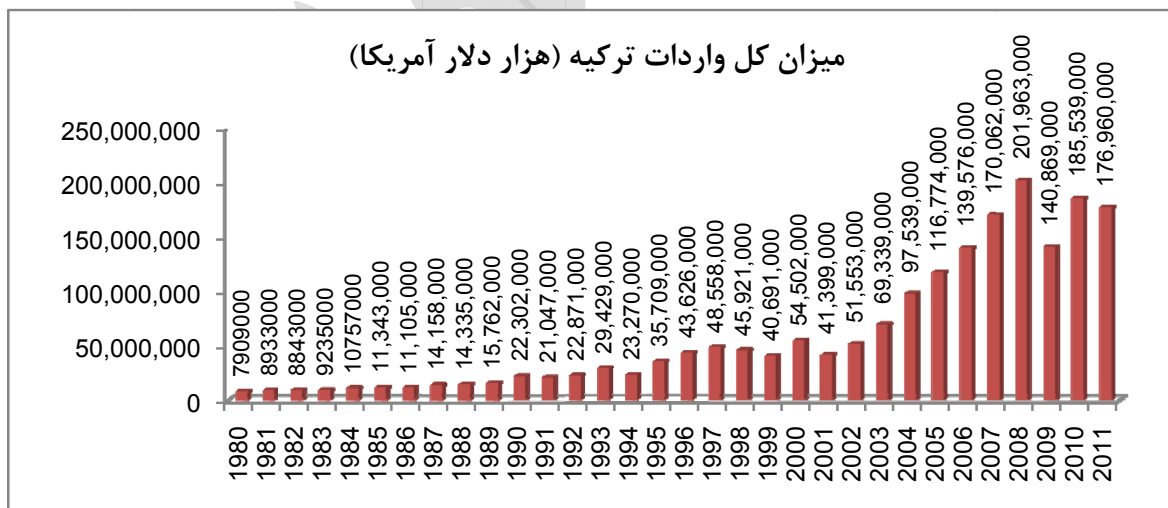
(ارقام بر حسب میلیون دلار)

نوع فعالیت	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
کشاورزی و جنگلداری	۱,۶۵۹	۱,۹۷۶	۱,۷۵۴	۲,۱۲۱	۲,۵۴۲	۳,۳۲۹	۳,۴۸۱	۳,۷۲۵	۳,۹۳۷	۴,۳۴۷	۴,۹۴۱
شیلات	۲۵	۳۰	۵۱	۸۱	۱۰۳	۱۴۰	۱۳۱	۱۵۸	۲۴۰	۱۸۹	۱۵۶
معادن	۴۰۰	۳۴۹	۳۸۷	۴۶۹	۶۴۹	۸۱۰	۱,۱۴۶	۱,۶۶۱	۲,۱۵۵	۱,۶۸۳	۲,۶۷۷
تولیدات صنعتی	۲۵,۵۱۸	۲۸,۸۲۶	۳۳,۷۰۲	۴۴,۳۷۸	۵۹,۵۷۹	۶۸,۸۱۳	۸۰,۲۴۶	۱۰۱,۰۸۲	۱۲۵,۱۸۸	۹۵,۴۴۹	۱۰۵,۵۱۸
سایر موارد	۱۷۳	۱۵۳	۱۶۵	۲۰۴	۲۹۴	۳۸۴	۵۳۱	۶۴۶	۵۰۷	۴۷۴	۶۳
جمع کل	۲۷,۷۷۵	۳۱,۳۳۳	۳۶,۰۵۹	۴۷,۲۵۳	۶۳,۱۶۷	۷۳,۴۷۶	۸۵,۵۳۵	۱۰۷,۲۷۲	۱۳۲,۰۲۷	۱۰۲,۱۴۲	۱۱۳,۹۲۹

همانطور که از داده‌های جدول نیز مشهود است در سالهای اخیر عمده‌ترین کالاهای صادراتی کشور ترکیه در زیرگروه تولید قرار دارند و پس از آن گروه کشاورزی و جنگلداری قرار می‌گیرد.

روند تغییرات واردات ترکیه

واردات یکی از ارکان تجارت خارجی محسوب می‌شود. تغییرات اقتصادی پس از سال ۱۹۸۰ میلادی علاوه بر صادرات، میزان واردات ترکیه را نیز تحت تأثیر قرارداده‌است. در نمودار زیر روند تغییرات واردات ترکیه قابل مشاهده‌است.^۱



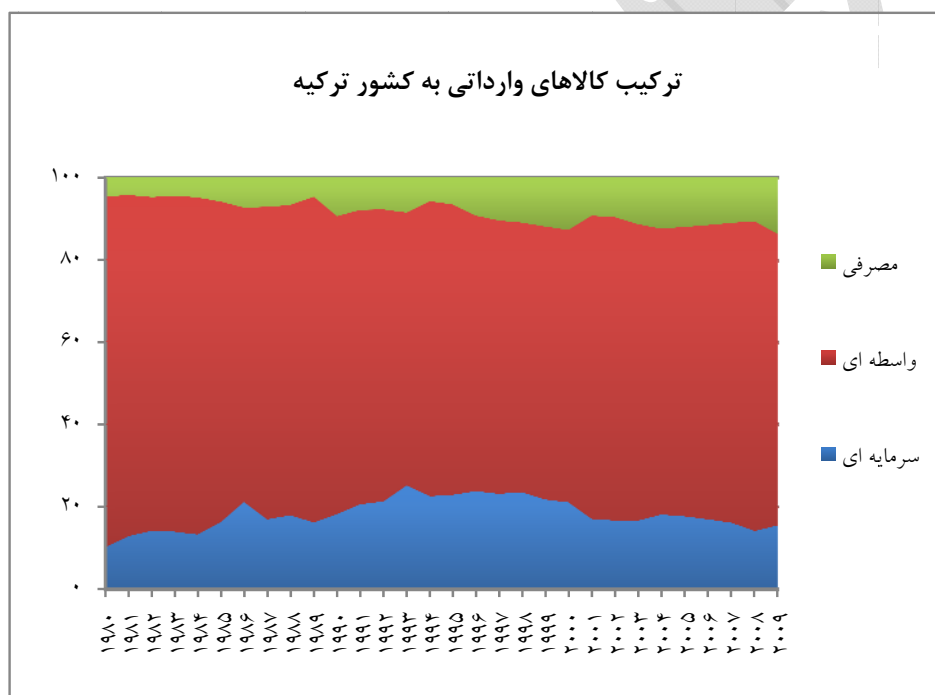
^۱ . Overview of the Turkish Textile and Apparel Industry, Harvard Center for Textile & Apparel Research

-Turkish Textile Industry , General Secretariat of ITKIB

پس از ۱۹۸۰ میلادی حجم تجارت خارجی ترکیه و متعاقباً حجم واردات این کشور افزایش چشمگیری داشته است. این روند افزایشی تقریباً در تمام سالهای اخیر حفظ شده است. هرچند سال ۲۰۰۹ در این میان یک استثناء محسوب می شود، چراکه در این سال به علت وقوع بحران اقتصادی در دنیا مبادلات تجاری ترکیه کاهش یافت.

ترکیب واردات کالا به ترکیه در سالهای مختلف

در نمودار زیر میزان کالاهای سرمایه ای، کالاهای واسطه و کالاهای مصرفی در واردات ترکیه را می توان مشاهده کرد. همانطور که مشاهده می شود میزان واردات کالاهای واسطه همواره عمده ترین سهم را از مجموع واردات ترکیه داراست.^۱



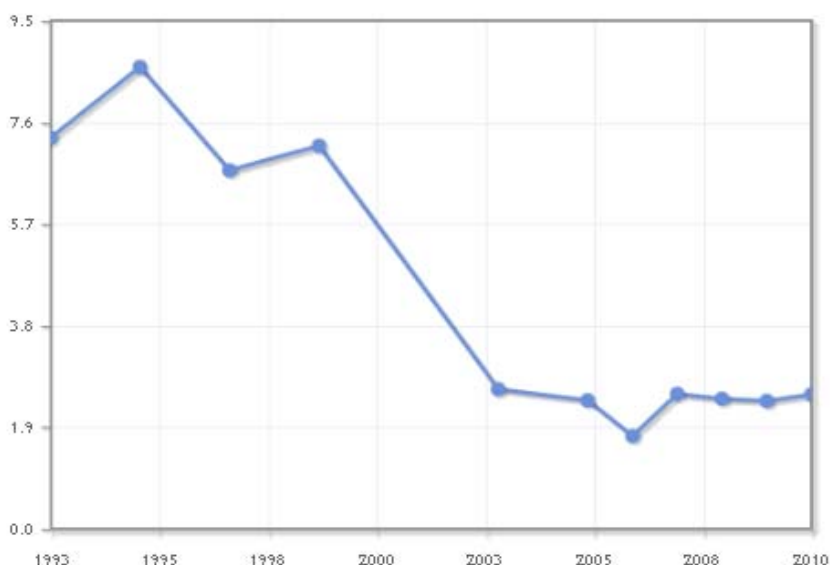
نمودار فوق گویای این مطلب است که علیرغم نوسانهای مختلفی که در سهم هریک از کالاهای سرمایه ای، واسطه و مصرفی از واردات کشور ترکیه طی سالهای گذشته رخ داده است، همچنان واردات کالاهای واسطه ای اساسی ترین بخش واردات این کشور را تشکیل می دهد. همچنین همواره واردات کالاهای سرمایه ای این کشور بیشتر از کالاهای سرمایه مصرفی بوده است.

^۱. An Evaluation on the Planned Development Period of Turkish Import Policy, *International Journal of Humanities and Social Science*, No. ۱۰; August ۲۰۱۱

نرخ تعرفه

کشور ترکیه در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد^۱ و هم‌اکنون یکی از اعضای اصلی این سازمان است. بر مبنای یکی از اصول سازمان تجارت جهانی کشورهای عضو این سازمان موظفند پس از حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌های گمرکی خود را تثبیت نمایند و به تدریج آن را کاهش دهند. بنابراین ترکیه نیز به منظور عمل به تعهدات خود همواره سعی در کاهش نرخ تعرفه داشته‌است.

در نمودار زیر نرخ تعرفه مطابق تعریف «میانگین ساده نرخ تعرفه کاربردی کلیه محصولات وارداتی» برای کشور ترکیه در برخی سالها قابل مشاهده است.



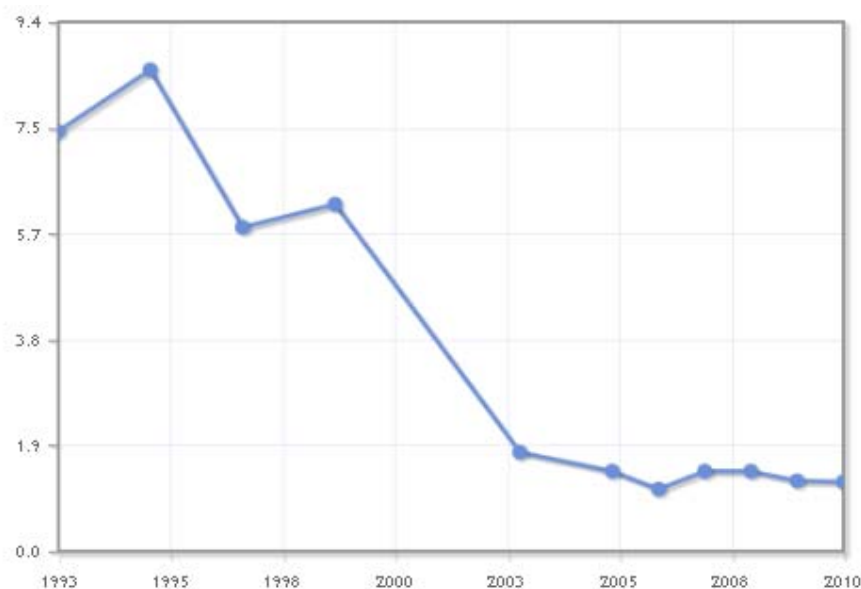
منبع: WorldBank

همانطور که از داده‌های جدول مشهود است، نرخ تعرفه ترکیه در سال ۲۰۱۰، در حدود ۲/۵۳٪ است. در ۱۷ سال اخیر بیشترین نرخ تعرفه ترکیه معادل ۸/۶۸٪ در سال ۱۹۹۵ مشاهده شده‌است. همچنین کمترین نرخ تعرفه را در سال ۲۰۰۶ می‌توان مشاهده کرد که معادل ۱/۷۵٪ است.

^۱ . wto.org

در نمودار زیر تعرفه یادشده برای کالاهای صنعتی (Manufactured Products) را می‌توان

مشاهده نمود.

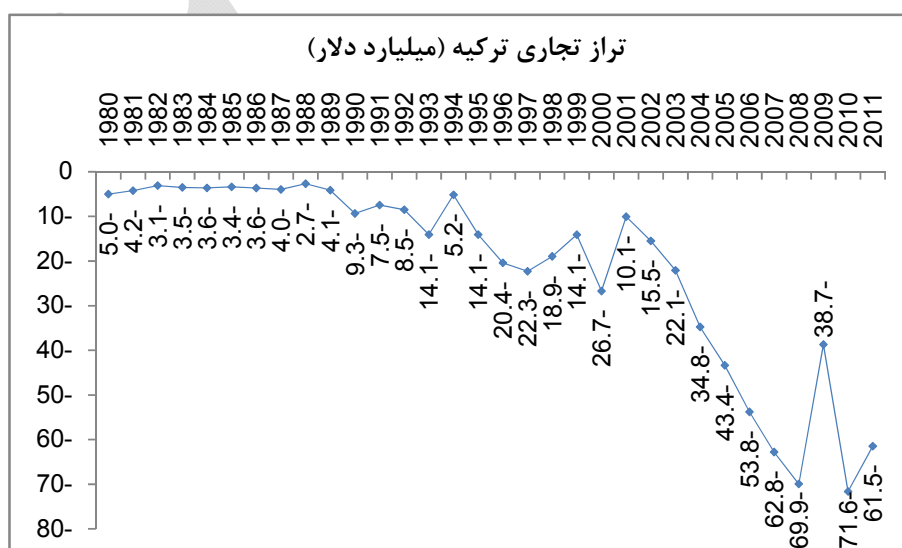


منبع: WorldBank

در سال ۲۰۱۰ نرخ تعرفه کالاهای تولیدی برای ترکیه معادل ۱/۲۱٪ بوده است. روند کاهشی نرخ تعرفه از سال ۱۹۹۵ میلادی در کشور ترکیه به خوبی قابل مشاهده است.

تراز تجاری ترکیه

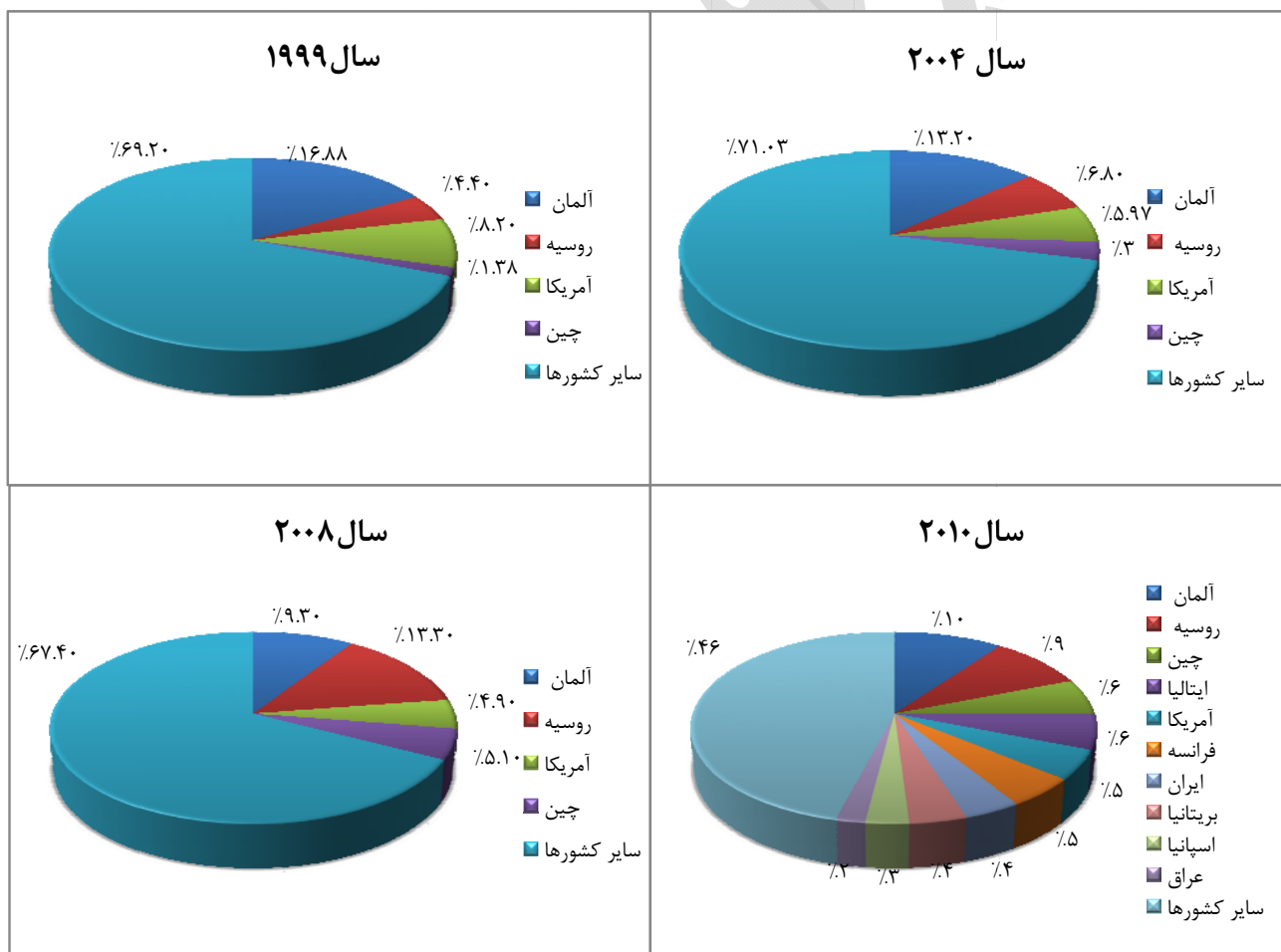
نمودار زیر تراز تجاری کشور ترکیه را طی دهه‌های گذشته مشخص نموده است. اطلاعات این نمودار بر اساس ارزش صادرات و واردات آن برآورد شده است.



همانگونه که مشخص است، علیرغم افزایش صادرات ترکیه طی سالهای گذشته، واردات این کشور همواره با سرعتی بیشتر نسبت به صادرات افزایش یافته و نتیجتاً تراز تجاری آن تاکنون (به جز سال ۲۰۰۹ و در اثر پیامدهای بحران مالی جهانی) روندی نزولی داشته است.

شرکای عمده تجاری ترکیه

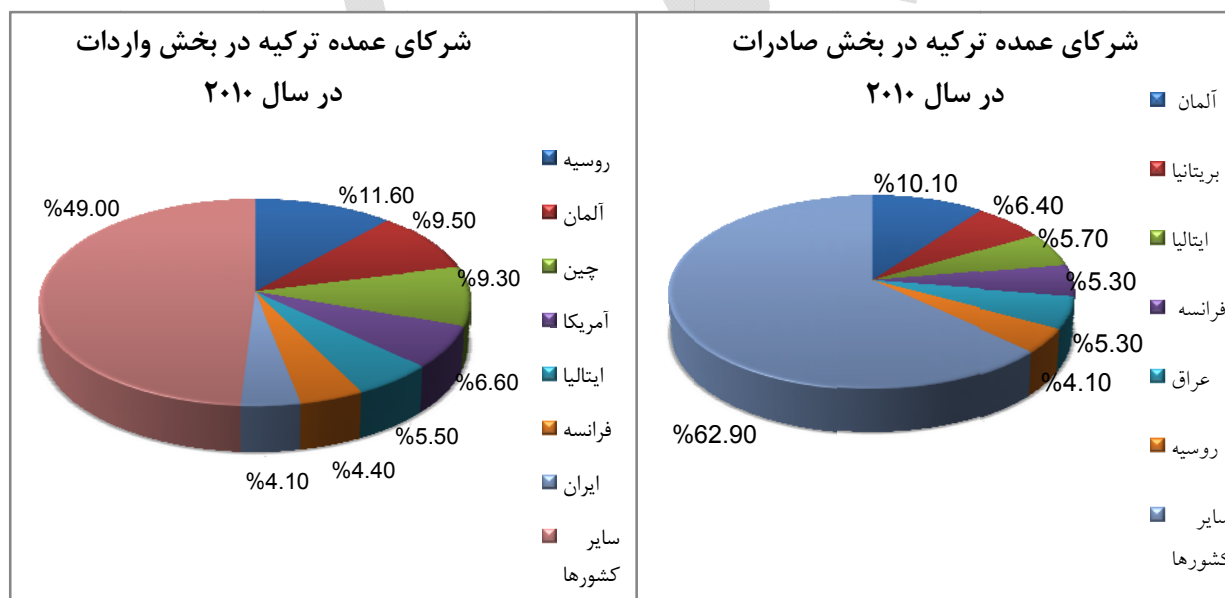
آلمان، روسیه، آمریکا و چین همواره به عنوان یکی از شرکای اصلی تجارت ترکیه طی دهه‌های اخیر به حساب می‌آیند. سهم کشورها در تجارت ترکیه بر مبنای مجموع سهم صادرات و واردات آن کشورها در کل صادرات و واردات کشور ترکیه در سالهای مزبور محاسبه شده است.



طی سالهای اخیر سهم آلمان در تجارت کشور ترکیه کاهش یافته است، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰، ۱۰٪ از کل تجارت ترکیه را به خود اختصاص داده است، اما با این حال کشور آلمان هنوز بزرگترین شریک تجاری ترکیه به حساب می‌آید. برخلاف آلمان، کشور چین توانسته سهم بیشتری از تجارت ترکیه را به خود اختصاص دهد. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۱۹۹۹ بیش از ۴٪ تجارت خود با ترکیه را افزایش داده‌است. سهم ایران از تجارت ترکیه در سال ۲۰۱۰، حدود ۴٪ است.^۱

عمده کالاهایی که از کشور ترکیه صادر می‌شوند عبارتند از پوشاک، مواد غذایی، منسوجات، سازه‌های فلزی و تجهیزات حمل‌ونقل.

از سوی دیگر، ماشین آلات، مواد شیمیایی، کالاهای نیمه تمام، سوخت و تجهیزات حمل و نقل، عمده کالاهایی هستند که به کشور ترکیه وارد می‌شوند. در نمودار زیر می‌توان سهم کشورهای مختلف از صادرات و واردات کشور ترکیه را در سال ۲۰۱۰ میلادی مشاهده نمود.



منبع: WorldBank

^۱ . worldBank

جمع‌بندی بخش تجاری

با توجه به ارقام ارزش صادرات جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته می‌توان نتیجه‌گیری نمود که این کشور بعد از سال‌های جنگ تحمیلی توانسته است صادرات خود را گسترش دهد. البته توجه به این نکته ضروری است که سهم بسیار بالایی از صادرات کشور به نفت و فرآورده‌های نفتی اختصاص دارد که جا دارد در خصوص افزایش صادرات محصولات غیرنفتی کشور تصمیمات و برنامه‌های اجرایی مناسبی اتخاذ گردد. در مقابل، کشور ترکیه با وجود در دست نداشتن منابع عظیم نفتی، توانسته است صادرات خود را به میزان چشمگیری افزایش دهد. لازم به ذکر است که عمده محصولات صادراتی این کشور به محصولات صنعتی اختصاص دارد.

از سوی دیگر، با توجه به مطالب عنوان شده در این بخش به خوبی مشخص گردید که روند واردات کشورهای ایران و ترکیه نیز طی سال‌های گذشته افزایشی بوده است. همچنین سهم عمده‌ای از واردات هر دو کشور به کالاهای واسطه‌ای اختصاص یافته و پس از آن کالاهای سرمایه‌ای قرار دارد. لازم به ذکر است که نرخ تعرفه واردات کشور ترکیه، با توجه به عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی به مراتب پایین‌تر از جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

با مقایسه تراز تجاری دو کشور می‌توان به این نتیجه رسید که علی‌رغم مثبت بودن تراز تجاری ایران، در صورت حذف نفت و گاز از مجموعه محصولات صادراتی کشور، تراز تجاری آن پایین‌تر از تراز تجاری ترکیه قرار خواهد گرفت. توجه به افزایش صادرات محصولات غیرنفتی از جمله مسائلی است که می‌باید در خصوص آن تصمیمات استراتژیک اتخاذ گردد.

بخش صنعت



سهم هریک از بخش‌های اصلی کشاورزی، خدمات و صنعت یک کشور در اشتغال و یا در کل تولید، یکی از شاخص‌هایی است که می‌تواند گویای ساختار اقتصادی آن کشور باشد. ازجمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییر ساختار اقتصادی می‌توان به مواردی همچون، انباشت سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، تغییر در ترکیب تقاضا، تجارت، تولید و بهره‌برداری از عوامل تولید، شهرنشینی، تحولات جمعیت‌شناختی و تغییرهای توزیع درآمد اشاره نمود. هرچند برخی ویژگی‌های خاص یک کشور، همچون اندازه کشور (مساحت و جمعیت)، جایگاه و موقعیت کشور، منابع طبیعی و میراث تاریخی نیز در مسیر رشد و توسعه کشور تأثیر گذارند.

نتایج مطالعات نشان داده که بین ساختار اقتصادی و سطح درآمد رابطه‌ای قوی وجود دارد و تغییر ساختار با رشد اقتصادی همراه بوده و سبب انتقال اقتصاد از یک اقتصاد وابسته به زمین و با درآمد کم به یک اقتصاد شهری صنعتی با درآمد بالا می‌شود و توسعه صنعتی همراه با گسترش صادرات و حضور در بازار رقابتی بین‌المللی است. بر این مبنا اهمیت بخش کشاورزی در تولید به شدت کاهش و در مقابل اهمیت بخش صنعت افزایش می‌یابد. در مورد اهمیت بخش خدمات در اقتصاد، گرچه قاعده و چارچوب معینی ذکر نشده است، اما براساس شواهد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سهم این بخش در اقتصادهای ثروتمند (در مقایسه با اقتصادهای با درآمد کمتر) از اهمیت نسبی بیشتری برخوردار بوده است.

شایان ذکر است، تغییرات ساختاری ناشی از رشد اقتصادی تنها به شاخص‌های تولید محدود نمی‌شود و تحولات در زمینه اشتغال به گونه‌ای است که سهم اشتغال بخش کشاورزی، در افقی درازمدت مانند ساختار تولید آن، به شدت کاهش می‌یابد و تا حدودی نیز سهم بخش صنعت افزایش نشان می‌دهد، اما سهم اشتغال بخش خدمات بیش از سایر بخش‌ها است. در حقیقت نگاهی کلی به اقتصاد جهان بیانگر این مسئله است که در کشورهای با درآمد بالا سهم بخش کشاورزی در GDP بسیار کم است، حال آنکه سهم بخش خدمات بسیار بیشتر از دو بخش دیگر (کشاورزی و صنعت) است.

- تغییرهای ساختاری دیگری که در طول دوره دراز مدت رخ می‌دهند عبارت‌اند از:
- کاهش سهم مصارف خصوصی از تولید ناخالص داخلی همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - افزایش سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - کاهش کسری تجاری همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - افزایش سهم صادرات کالاهای صنعتی در ترکیب کلی صادرات کشور همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - کاهش سهم صادرات مواد اولیه و افزایش سهم صادرات با فناوری بالاتر در کل صادرات همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - افزایش سهم واردات صنعتی و غیرصنعتی از تولید همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - افزایش متوسط بهره‌وری نیروی کار در کل اقتصاد و یا دست کم ثابت ماندن متوسط بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی نسبت به افزایش درآمد سرانه.
 - کاهش سهم مصارف غذایی و افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای همراه با افزایش درآمد سرانه.
 - تغییر تولیدهای جامعه از کالاهای وابسته به منابع، به کالاهای کاربر و سپس سرمایه‌بر و در نهایت به کالاهای مهارت‌بر.
 - در سطوح بالاتر درآمد، به دلیل افزایش قدرت جذب، مازاد کمتری برای صادرات باقی می‌ماند و به نسبت افزایش درآمد صادرات افزایش نمی‌یابد.
- در تعریف مرکز آمار ایران، صنعت به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که با استفاده از منابع موجود (مواد، سرمایه، نیروی انسانی، انرژی، تکنولوژی، اطلاعات، ابزار) کالا یا خدماتی را تولید می‌کند که نیازهای انسان و جوامع انسانی را برطرف می‌کند. به عبارت دیگر صنعت تلاشی مستمر در جهت بهبود کارایی و بهره‌وری است. به این معنا که با استفاده از منابع کمتر، بازده بهتری به دست دهد. از این رو، پویایی، نوسازی و نوجویی یکی از ویژگی‌های صنعت است.

ساختار صنعتی ایران در سی سال اخیر دستخوش تغییرات بسیاری شده است. هرچند در سالهای پیش از انقلاب صنعت نساجی نخستین صنعت کشور بود اما به تدریج این صنعت با ورشکستگی مواجه شد و لذا جایگاه خود را از دست داد. در این دوره شاهد رشد دیگر صنایع از لحاظ میزان اشتغال و ارزش افزوده هستیم. اما باید توجه داشت رشد این صنایع با ظرفیت کشور برای صنعتی شدن هرچه بیشتر هنوز فاصله دارد. ضمن اینکه افزایش میزان اشتغال در صنایع الزاماً به معنای رشد آنها نیست. چراکه گاهی شاهد آن هستیم که برخی واحدهای تولیدی به ناچار اقدام به استخدام نیروی کار مازاد بر ظرفیت مورد نیاز خود می کنند بدون آنکه میزان تولیدات خود را افزایش چندانی دهند. این مسئله نه تنها رشد صنایع مذکور را در پی نخواهد داشت، بلکه باعث تضعیف آنها نیز خواهد شد. (همانند آنچه که برای صنعت نساجی رخ داد)

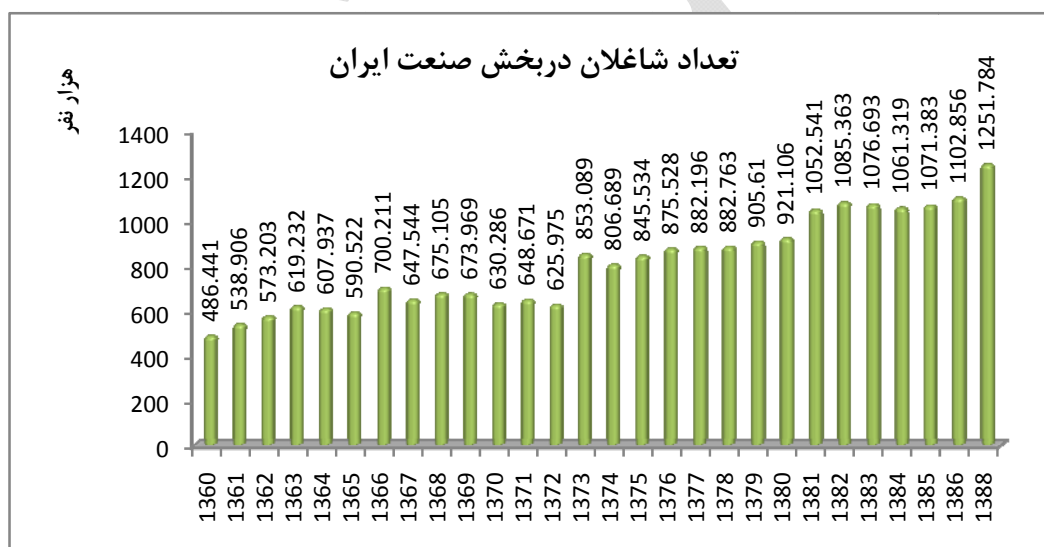
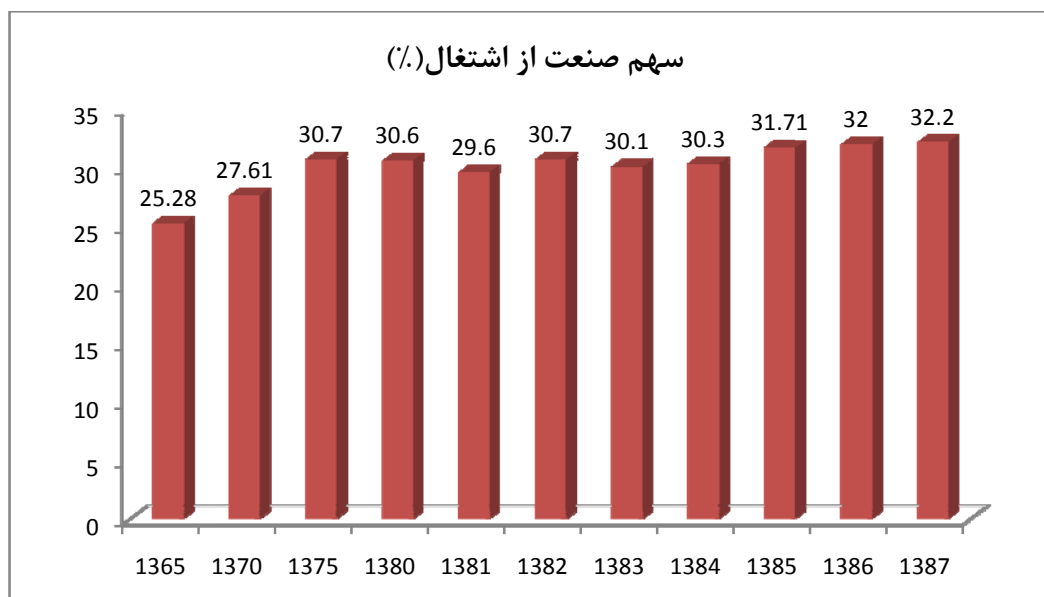
کشور ترکیه از بسیاری جهات ساختار صنعتی مشابه ایران داشت. اما در حال حاضر شاهد رشد بسیار سریع و قابل توجه شمار زیادی از صنایع ترکیه، به ویژه صنعت نساجی و پوشاک این کشور هستیم. به طوری که ترکیه در رده ۱۰ صادرکننده نساجی و پوشاک جهان قرار دارد. رشد صنعتی ترکیه در سالهای اخیر منبعث از سرمایه گذاری ها و سیاست گذاری های صحیح و جامع دولت ترکیه است.

پرداختن به شاخص هایی همچون میزان اشتغال، ارزش افزوده و نیز بهره وری نیروی کار در صنعت از جمله مواردی هستند که می توانند گویای ساختار صنعتی یک کشور باشند. بر این مبنا به بررسی تغییرات ساختار اقتصادی ترکیه و ایران در سالهای اخیر و نیز صنایع مهم این دو کشور خواهیم پرداخت.

صنعت ایران

در فرآیند رشد و توسعه، بخش صنعت به ویژه صنایع کارخانه ای نقش کلیدی ایفا می کند. به طوری که این صنایع برخلاف دیگر بخش های عمده اقتصادی (کشاورزی و خدمات) از فعالیتهای متعددی تشکیل شده است و در نتیجه با گسترش تولید در این بخش، زمینه بیشتری برای افزایش تقسیم کار و تخصص به وجود می آید. بنابراین بالا بودن سهم این بخش از اقتصاد در کشورها در

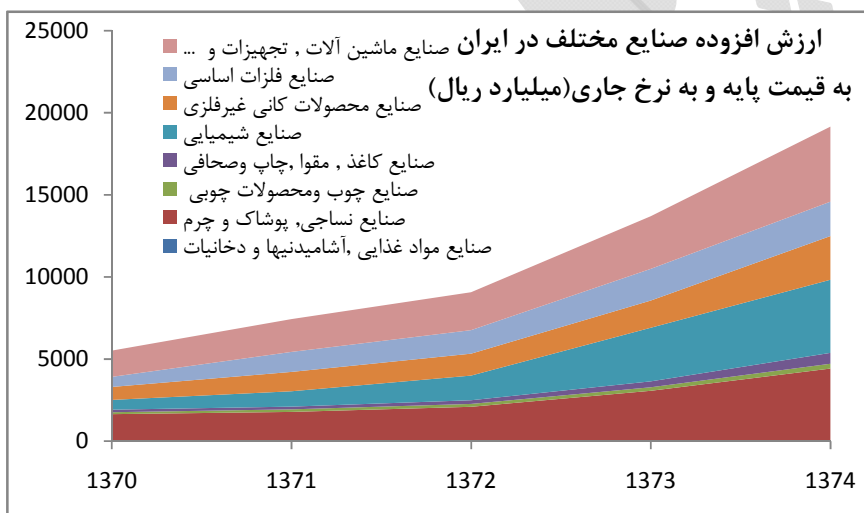
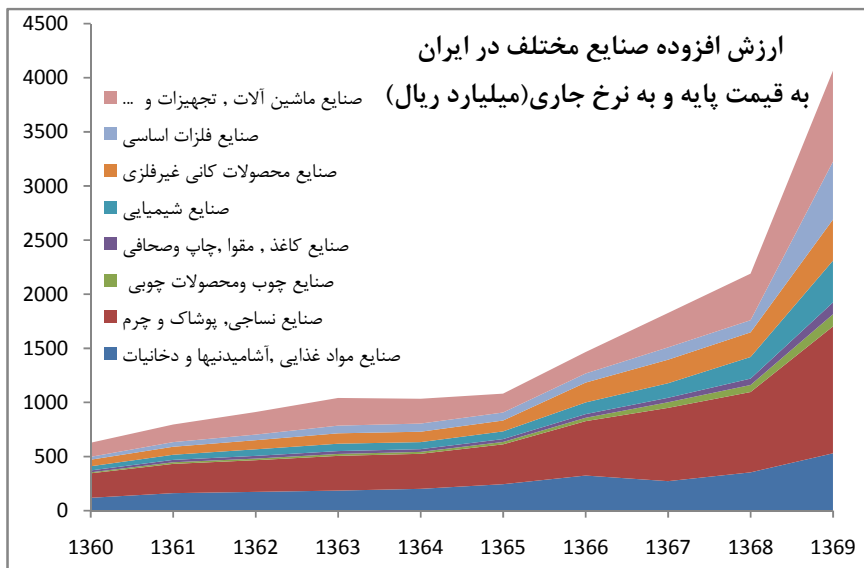
مقایسه با بخش کشاورزی امری طبیعی است. نمودارهای زیر سهم صنعت از اشتغال کل کشور^۱ و نیز میزان اشتغال در بخش صنعت^۲ را در یک دوره زمانی نمایش می‌دهد.



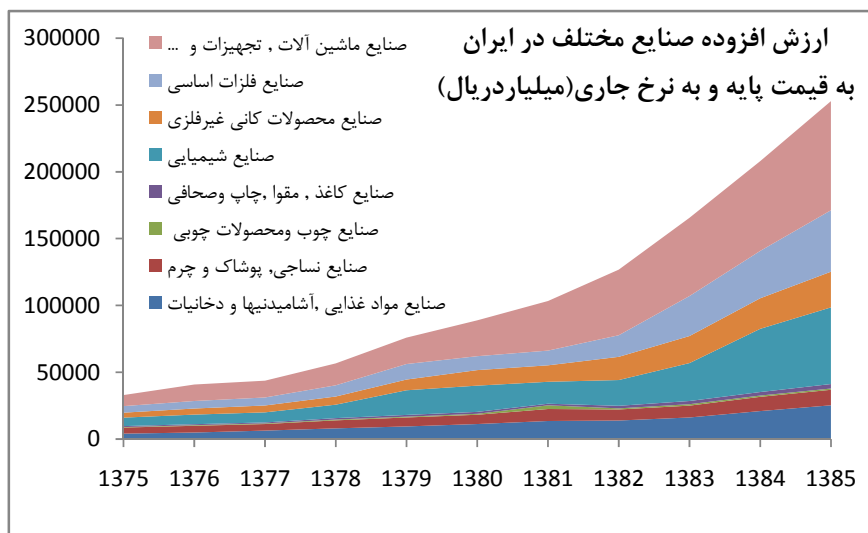
همانگونه که نمودار نمایش می‌دهد طی سالهای گذشته سهم صنعت و خدمات از اشتغال افزایش یافته‌است. در مقابل میزان شاغلان در بخش کشاورزی روندی کاهشی داشته‌است. گرچه این تغییرات ساختار اقتصادی ایران را با دگرگونی فاحشی روبرو نکرده‌است.

در نمودارهای زیر می‌توان میزان ارزش افزوده صنایع عمده ایران در سالهای مختلف را مشاهده نمود^۱.

^۱. مرکز آمار ایران
^۲. سالهای ۸۰ تا ۸۷ بررسی وضعیت بخش صنعت و معدن، وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی، سالهای ۶۵ تا ۷۵ مرکز آمار ایران



^۱. بانک مرکزی ایران

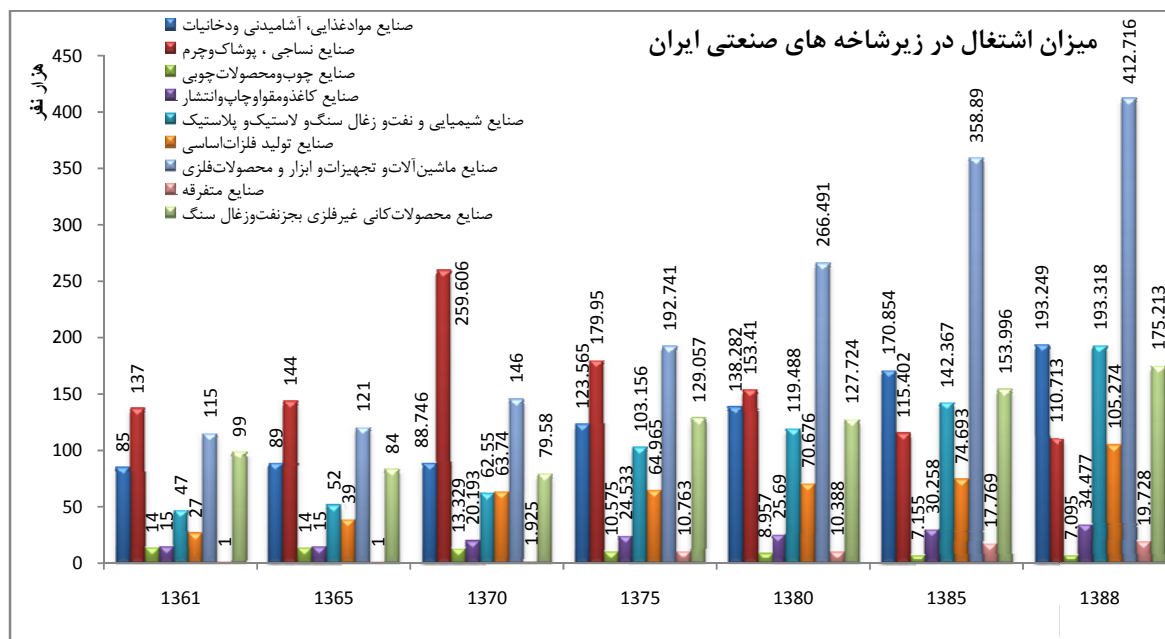


همانگونه که از نمودارها می‌توان دریافت تا اوایل دهه هفتاد، صنعت نساجی، پوشاک و چرم بیشترین ارزش افزوده را در میان تمامی صنایع داشت. اما به تدریج همزمان با رشد صنعتی همچون، صنایع شیمیایی و صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات این صنعت در سال ۱۳۷۳ از نظر میزان ارزش افزوده در رده سوم و پس از صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و صنایع شیمیایی قرار گرفت. در سالهای بعد هرچند شاهد رشد ارزش افزوده صنعت نساجی و پوشاک و چرم هستیم، اما در حقیقت سهم این صنعت در ارزش افزوده کل صنایع روبه کاهش است به طوری که در پایان سال ۸۵ جایگاه این صنعت از لحاظ میزان ارزش افزوده در میان صنایع مذکور به رده ششم تنزل پیدا کرده- است.

سهم صنایع از اشتغال ایران

در نمودار زیر می‌توان میزان اشتغال هر یک از زیرشاخه‌های صنعتی کشور در برخی سالهای منتخب مشاهده نمود^۱.

^۱. مرکز آمار ایران



همانطور که داده‌های نمودار نمایش می‌دهند در سال ۶۱ صنعت نساجی پوشاک و چرم بیشترین افراد شاغل در بخش صنعت را به خود اختصاص داده‌است و پس از آن صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و ابزار و محصولات فلزی در رده دوم قرار می‌گیرند. صنعت نساجی و پوشاک تا مدت‌ها جایگاه خود را حفظ می‌کند اما به تدریج شاهد تضعیف این صنعت و در نتیجه کاهش میزان اشتغال در این بخش هستیم. به گونه‌ای که در سال ۸۸ تعداد افراد شاغل در کارگاه‌های صنعتی بزرگ این بخش تنها معادل ۱۱۰ هزار و ۷۱۳ نفر است و این صنعت از لحاظ میزان افراد شاغل به رده پنجم نزول کرده‌است.

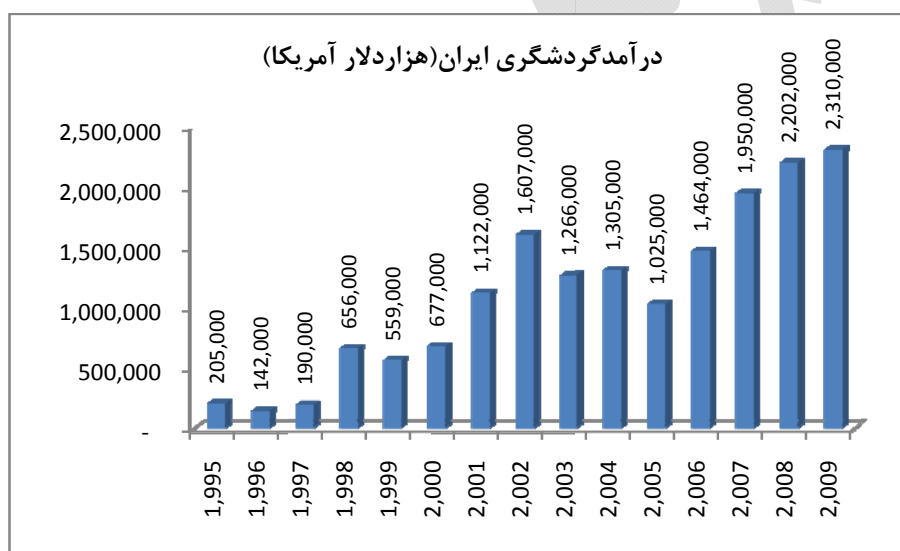
صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و ابزار و محصولات فلزی که در سال ۶۱ از لحاظ میزان افراد شاغل پس از صنعت نساجی، پوشاک و چرم قرار می‌گرفت در سال ۸۸ با رشدی چشمگیر به صنعت نخست کشور تبدیل شده‌است.

به طور کلی از بررسی نمودار فوق چنین می‌توان برداشت کرد که به طور کلی میزان اشتغال در تمام صنایع در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۶۱ افزایش یافته‌است هرچند صنعت نساجی، پوشاک و چرم در این میان یک استثناء است.

صنعت توریسم ایران

علی‌رغم ظرفیتهای گوناگون ایران برای جذب گردشگر اما وضعیت کشور در مقایسه با دیگر کشورها چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. به گونه ای که بر اساس آخرین گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری پیش بینی می شود که در طول دهه آینده صنعت گردشگری ایران از نظر شاخص‌های رشد ارزش افزوده، سهم از تولید ناخالص داخلی، نسبت اشتغال، نسبت سرمایه گذاری و نسبت صادرات با کاهش مواجه گردد. این در حالی است که پیش بینی می شود در همین فاصله زمانی شاخص‌های مذکور در منطقه خاورمیانه رو به بهبود باشند. با این وصف مشاهده می شود که رقابت بین‌المللی برای جذب گردشگران خارجی در طول دهه آینده بسیار بیشتر از گذشته خواهد بود و فقدان یک راهبرد عملی در این زمینه چیزی جز تضعیف صنعت گردشگری و عدم استفاده از فرصت‌های بالقوه ای که در این صنعت وجود دارد، در پی نخواهد داشت.

در نمودار زیر می‌توان درآمد گردشگری ایران را طی سالهای اخیر مشاهده نمود^۱.



در گزارش سالانه رقابت پذیری در صنعت سفر و توریسم که هر سال از سوی مجمع جهانی اقتصادی ارائه می‌شود، ایران از میان ۱۳۹ کشور جهان در ردیف ۱۱۴ قرار گرفت^۲. نمودار مذکور گویای این حقیقت است که گردشگری ایران نقش مهمی را در اقتصاد کشور بازی نمی‌کند. این در حالی است که ایران مهد تمدنی کهن است و ظرفیت بالایی برای جذب گردشگران خارجی دارد و به منظور توسعه تنها نیازمند سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری صحیح است.

^۱ . WorldBank

^۲ . www.ittic.com

بهره‌وری کل عوامل تولید در زیربخش‌های صنایع



اندازه بهره‌وری در تولید صنعتی، یکی از معیارهای مهمی است که از طریق آن می‌توان به قدرت یک فعالیت صنعتی برای دستیابی به مزیت‌های نسبی در سطح داخلی و خارجی پی برد. به عبارت دیگر، رشد بهره‌وری یکی از پیش شرط‌های اساسی ارتقاء سطح رقابت‌پذیری بخش صنعت و موفقیت آن در شرایط رقابت فزاینده جهانی به شمار می‌رود، زیرا این امر سبب کاهش بهای تمام شده کالای تولیدی از طریق کاهش هزینه متوسط تولید و منجر به افزایش میزان سودآوری محصولات نهایی در واحدهای تولیدی آن صنعت خواهد شد. در ایران به دلیل نقصان در اطلاعات مربوط به صنایع بزرگ و کوچک کشور، هیچ‌گونه پژوهشی که به طور کامل بهره‌وری کل عوامل تولید را در بر داشته باشد صورت نگرفته است. در ادامه به نمونه‌ای از بررسی‌های صورت گرفته از سوی برخی پژوهشگران اشاره می‌شود.

برای اندازه‌گیری بهره‌وری کل عوامل تولید از شاخص‌های مختلفی همچون، ابتدایی، سولو، کندریک و دیویژیا و غیره استفاده می‌شود که در هر یک از آنها از توابع متفاوتی به منظور بررسی بهره‌وری استفاده می‌شود. بدیهی است که نتایج حاصل از هر یک از این روشها به دلیل به کارگیری عوامل مختلف مؤثر در بهره‌وری، ممکن است قدری با هم متفاوت باشند. جدول زیر میانگین شاخص بهره‌وری نیروی کار را طی سالهای مختلف نمایش می‌دهد^۱.

کد	نام صنعت
۳۱	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات
۳۲	صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۳۳	صنایع چوبی و محصولات چوبی
۳۴	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
۳۵	صنایع شیمیایی
۳۶	صنایع کانی‌های غیر فلزی
۳۷	صنایع تولید فلزات اساسی
۳۸	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی

^۱. تحلیل مقایسه‌ای بهره‌وری عوامل تولید در زیر بخش‌های صنایع بزرگ ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۲، بهار ۸۷

*راهنمای جدول

	۱۳۵۸-۱۳۶۷		۱۳۶۸-۱۳۷۲		۱۳۷۳-۱۳۷۸		۱۳۷۹-۱۳۸۳	
	دوران جنگ تحمیلی		برنامه اول توسعه		برنامه دوم توسعه		برنامه سوم توسعه	
	میانگین شاخص (میلیون ریال)	میانگین نرخ رشد (%)	میانگین شاخص (میلیون ریال)	میانگین نرخ رشد (%)	میانگین شاخص (میلیون ریال)	میانگین نرخ رشد (%)	میانگین شاخص (میلیون ریال)	میانگین نرخ رشد (%)
کد ۳۱	0.309824	2.3	0.366655	2.9	0.431476	1.3	0.360265	-1.2
کد ۳۲	0.271052	3.0	0.213915	-3.7	0.166544	3.4	0.177002	1.5
کد ۳۳	0.188638	6.3	0.221620	-1.5	0.219491	6.3	0.219448	-6.3
کد ۳۴	0.385745	7.9	0.338916	-15.6	0.336559	7.4	0.340813	-0.4
کد ۳۵	0.536014	8.1	0.391409	5.3	0.852604	12.8	1.291219	12.2
کد ۳۶	0.257364	6.5	0.278887	3.3	0.279882	2.1	0.356908	4.6
کد ۳۷	0.326614	0.9	0.535885	16.6	0.742807	2.8	0.847010	6.2
کد ۳۸	0.339533	17.6	0.403663	-0.5	0.380111	4.2	0.399531	3.8

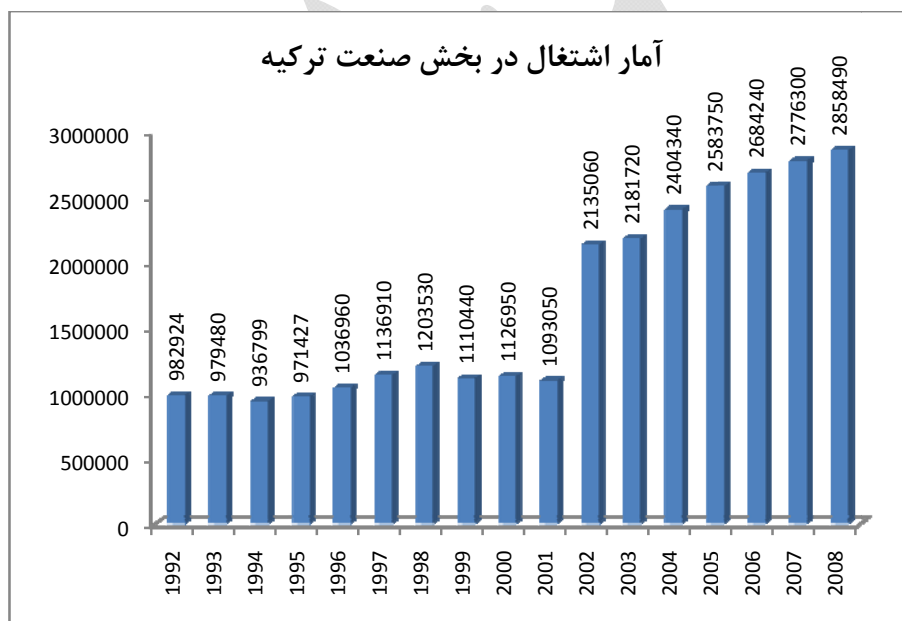
از بررسی جدول فوق می‌توان دریافت در سالهای میان ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ که همزمان با پایان جنگ تحمیلی است بیشترین شاخص بهره‌وری متوسط نیروی کار مربوط به صنایع تولیدات شیمیایی است و کمترین مقدار مربوط به صنایع نساجی، پوشاک و چرم است. طی برنامه اول توسعه (دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) زیر بخش صنایع تولید فلزات توانست بیشترین میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار و همچنین بیشترین مقدار میانگین نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار را در میان سایر زیر بخش‌های صنعت به خود اختصاص دهد. طی این دوره، زیر بخش‌های صنایع نساجی، پوشاک و چرم و صنایع چوبی و محصولات چوبی، کمترین میزان میانگین نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار را داشته‌اند. بدترین وضعیت نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار مربوط به صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی بوده است. ضمن این که علاوه بر این زیر بخش، زیر بخش‌های صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع چوبی و محصولات چوبی، و زیر بخش صنایع ماشین‌آلات تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی، رشد منفی در بهره‌وری نیروی کار را تجربه کرده‌اند. در طول برنامه دوم توسعه (بین سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸)، وضعیت نسبتاً مناسب‌تری برای شاخص میانگین بهره‌وری نیروی کار و همچنین نرخ رشد آن در زیر بخش‌های صنعت، حاصل شد، به گونه‌ای که میانگین این شاخص برای چهار زیر بخش، نسبت به دوره قبل رو به بهبود گذاشت. طی این دوره، زیربخش‌های صنایع شیمیایی و صنایع تولید فلزات، به ترتیب بیشترین مقدار میانگین شاخص بهره‌وری نیروی کار را دارا بوده‌اند. کمترین مقدار میانگین نرخ رشد طی این دوره نیز هم چنان از آن زیر بخش صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده

است. بالاترین میزان میانگین نرخ رشد را صنایع تولید فلزات اساسی و پایین‌ترین آن را صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات داشته‌اند.

طی برنامه سوم توسعه نیز همانند برنامه دوم، زیر بخش‌های صنایع شیمیایی و صنایع تولید فلزات اساسی، به ترتیب بیشترین مقدار میانگین شاخص بهره‌وری نیروی کار را دارا بوده‌اند. همچنین بیشترین میزان میانگین نرخ رشد بهره‌وری نیز مربوط به این دو زیر بخش بوده است. پایین‌ترین میزان میانگین نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار نیز به صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع چوبی و محصولات چوبی اختصاص داشته است.

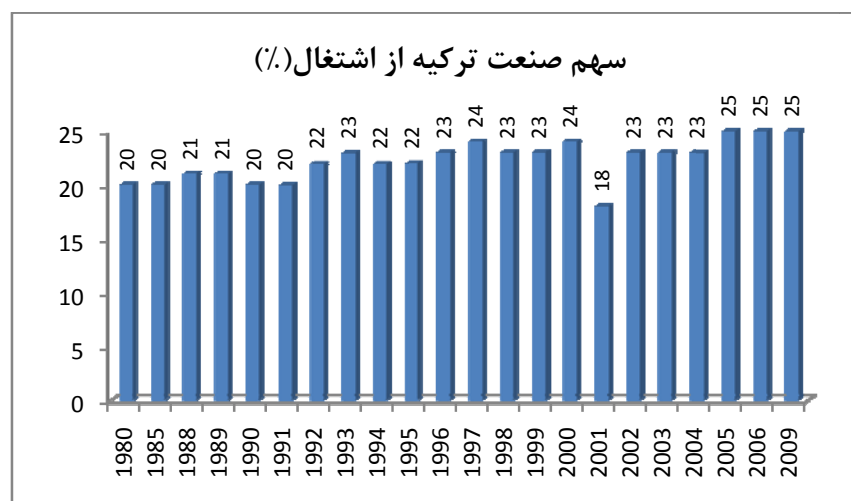
صنعت ترکیه

بررسی ساختار اقتصادی ترکیه در سه بخش اصلی کشاورزی، صنعت و خدمات نشان می‌دهد سهم صنعت در کل اقتصاد ترکیه در ۳۰ سال گذشته همواره کمتر از دو بخش دیگر بوده است. نمودارهای زیر میزان اشتغال در بخش صنعت^۱ و نیز سهم صنعت کشور ترکیه در اشتغال^۲ را می‌توان مشاهده کرد.

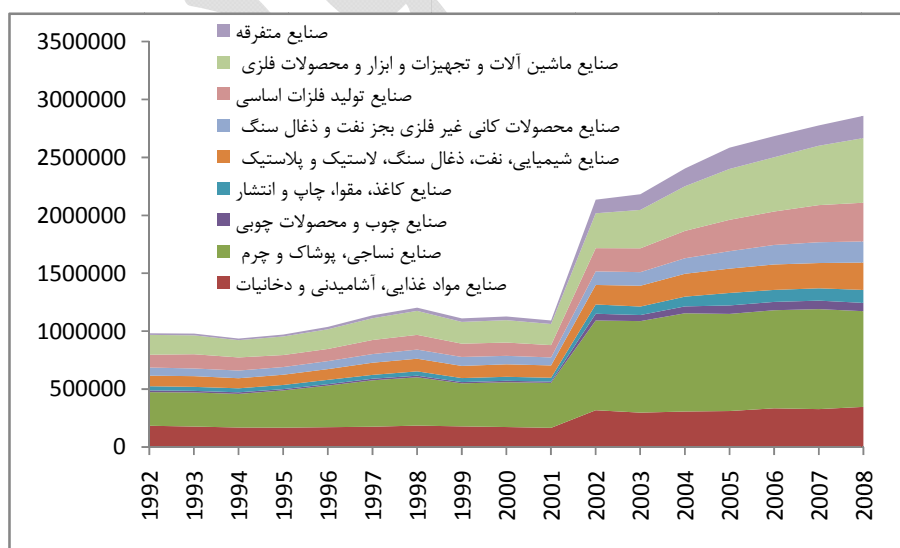


^۱.OECD.StatExtracts

^۲.WorldBank



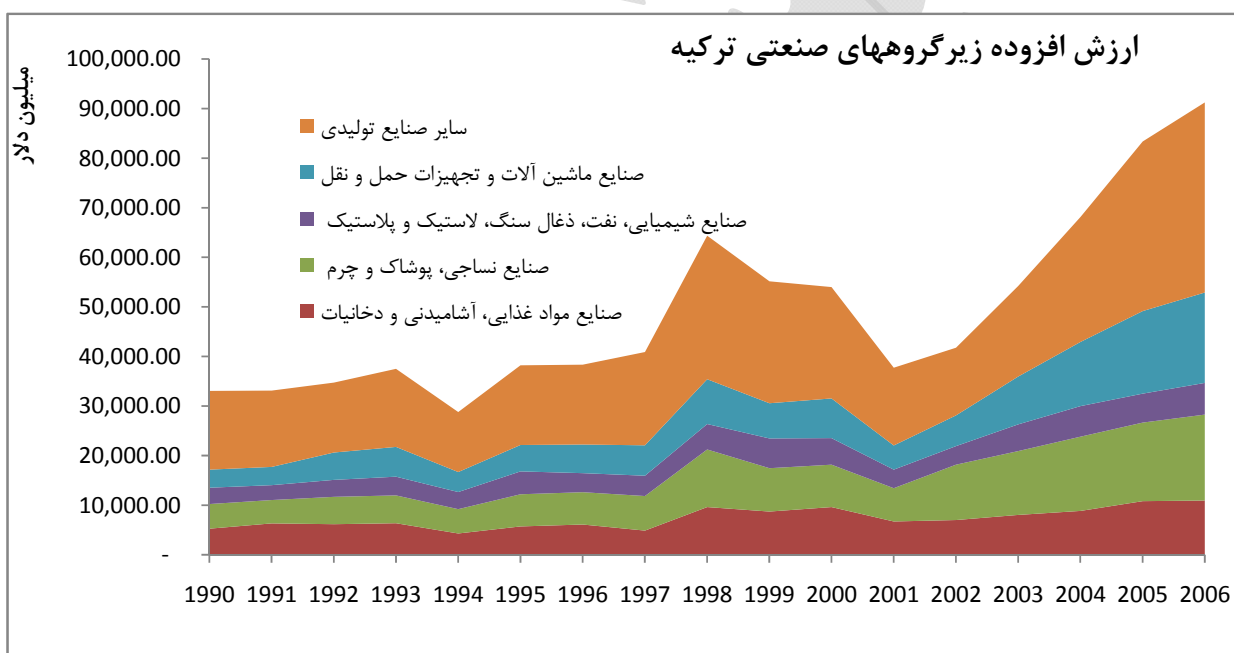
تغییرات اقتصادی صورت گرفته در سالهای گذشته باعث پدید آمدن تغییرات بسیار در زیربخش‌های مختلف صنعت ترکیه شده است. نمودار زیر تغییر در تعداد افراد شاغل در هریک از زیربخش‌های صنعت ترکیه بر مبنای دسته‌بندی استاندارد بین‌المللی صنایع با توجه به نوع فعالیت اقتصادی را در سالهای مختلف نمایش می‌دهد^۱. (شایان ذکر است آمار اشتغال منتشره از سوی منابع مختلف بر مبنای تعاریف مختلف است و لذا این مسئله امکان به وجود آمدن اختلاف میان ارقام اعلام شده از سوی این منابع را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد شکست پدید آمده در نمودار زیر تنها ناشی از تفاوت در تعریف ارائه شده برای نیروی کار باشد).



^۱ . OECD Structural Statistics for Industry and Services database

همانطور که داده‌های نمودار نیز نمایش می‌دهند صنایع نساجی، چرم و پوشاک طی دوره مورد بررسی همواره بیشترین سهم را در اشتغال ترکیه دارا بوده‌است. هرچند این صنعت طی سالهای مذکور با تغییرات اندکی مواجه بوده، اما همزمان با توسعه دیگر بخش‌های صنعتی ترکیه از رشد خوبی برخوردار بوده‌است، تا جایی که طی سالهای اخیر نیز به عنوان صنعت اول ترکیه از لحاظ میزان اشتغال شناخته می‌شود.

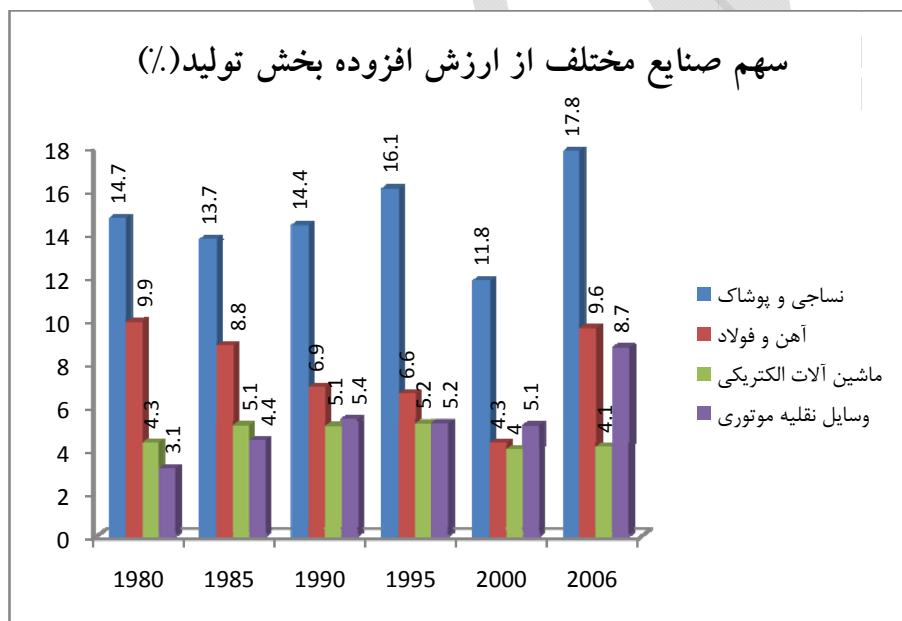
نمودار زیر ارزش افزوده هریک از زیربخش‌های صنعتی کشور ترکیه را نمایش می‌دهد^۱. روند مشهود در نمودار گویای افزایش میزان ارزش افزوده هر یک از یان زیربخش‌ها به ویژه در سالهای اخیر است. نکته قابل توجه این است که در تمامی این سالها صنعت نساجی، پوشاک و چرم در مجموع دارای بیشترین ارزش افزوده نسبت به دیگر صنایع ذکر شده می‌باشد.



با دقتی تر شدن به زیرشاخه‌های صنایع مهم ترکیه به خوبی می‌توان دریافت، پوشاک و منسوجات، وسایل نقلیه موتوری و لوازم یدکی آنها، ماشین آلات الکتریکی، آهن و فولاد، صنایع غذایی، محصولات شیمیایی و رزینی، مصنوعات پلاستیکی، طلا و جواهرات، سرامیک، بلور و مبلمان ازجمله مهمترین صنایع ترکیه به شمار می‌روند. از لحاظ عملکرد در بخش صادرات، صنایع نساجی و پوشاک، آهن و فولاد، ماشین‌آلات الکتریکی و وسایل نقلیه موتوری، چهار صنعت مهم ترکیه

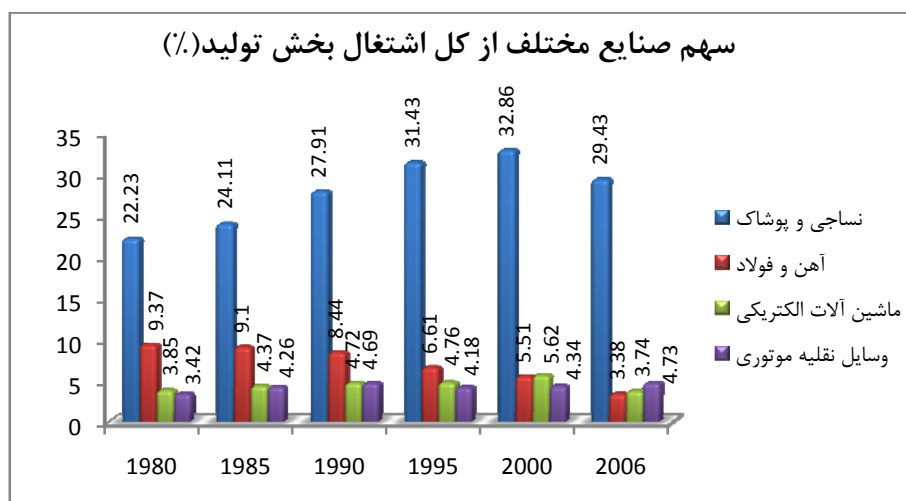
^۱. WorldBank

معرفی می‌شوند. هرچند این صنایع را از جنبه‌هایی دیگر همچون سهم آنها در ارزش افزوده و یا میزان اثربخشی نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. صنایع مذکور سهم زیادی در ارزش افزوده کشور ترکیه دارا هستند و در مجموع حدود ۴۰.۲٪ از ارزش افزوده کل تولید را به خود اختصاص داده‌اند. در میان این صنایع، صنعت نساجی و پوشاک این کشور بیشترین سهم را در ارزش افزوده به خود اختصاص داده‌است. صنعت نساجی و پوشاک حدود ۳۰٪ از کل نیروی کار را شامل می‌شود. پس از نساجی و پوشاک، صنعت آهن و فولاد به دلیل وجود منابع زیرزمینی غنی در رده دوم قرار دارد و پس از آنها صنایع ماشین‌آلات الکتریکی و وسایل نقلیه موتوری قرار می‌گیرند. در نمودار زیر سهم صنایع مهم ترکیه در ارزش افزوده تولید را در سالهای مختلف می‌توان مشاهده نمود.



همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود طی سالهای مذکور سهم صنعت نساجی و پوشاک از ارزش افزوده تولید همواره بیش از سایر صنایع ترکیه است.

بررسی رده‌بندی، صنایع نساجی و پوشاک، آهن و فولاد، ماشین‌آلات الکتریکی و وسایل نقلیه موتوری در زمینه میزان اشتغال نیز دارای نتیجه‌ای مشابه قبل است و صنعت کهن نساجی و پوشاک دارای بیشترین مقادیر متغیر ذکر شده‌است که در نمودار زیر قابل مشاهده است.



ترکیه به عنوان یکی از مهمترین تولیدکنندگان منسوجات و پوشاک جهان محسوب می‌شود. این کشور با داشتن سهمی معادل ۴٪ از مجموع ۲۳۴.۵۵ میلیارد دلار صادرات نساجی و پوشاک در جهان در سال ۲۰۱۰، به عنوان یکی از ۱۰ کشور بزرگ تأمین‌کننده نساجی و پوشاک در دنیا محسوب می‌شود.

در جدول زیر می‌توان صادرات تأمین‌کنندگان اصلی نساجی و پوشاک را در سالهای اخیر مشاهده نمود.^۱

تأمین‌کنندگان اصلی منسوجات و پوشاک در جهان							
	ارزش صادرات (میلیارد دلار آمریکا)			میزان رشد (%)		سهم در کل صادرات جهان (%)	
	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹/۲۰۰۸	۲۰۱۰/۲۰۰۹	۲۰۰۹	۲۰۱۰
تأمین‌کننده کل جهان	۶۱۲	۵۲۳	۵۸۴	-۱۴.۵۴	۱۱.۶۶	۱۰۰	۱۰۰
چین	۱۷۹	۱۶۱.۳۷	۱۹۹.۵۶	-۹.۹۹	۲۳.۶۶	۳۰.۸۶	۳۴.۱۷
گروه ۲۷ (EU)	۵۳.۴۵	۴۲.۵	۴۵.۲۷	-۲۰.۴۹	۶.۵۲	۸.۱۳	۷.۷۵
هنگ‌کنگ	۳۸.۸۵	۳۱.۸۸	۳۴.۳۱	-۱۷.۹۴	۷.۶۳	۶.۱۰	۵.۸۸
آلمان	۳۵.۰۳	۲۹.۹۸	۳۲.۵۲	-۱۴.۴۰	۸.۴۵	۵.۷۳	۵.۵۷
ایتالیا	۴۰.۴۵	۳۰.۶۸	۳۱.۸۲	-۲۴.۱۶	۳.۷۱	۵.۸۷	۵.۴۵
هند	۲۳.۰۶	۲۱.۷۹	۲۷.۲۰	-۵.۵۴	۲۴.۸۴	۴.۱۷	۴.۶۶
آمریکا	۲۲.۵۸	۱۸.۳۰	۲۳.۵۹	-۱۸.۹۵	۲۸.۹۶	۳.۵۰	۴.۰۴
ترکیه	۲۳.۰۵	۱۹.۳۲	۲۱.۶۵	-۱۶.۱۷	۱۲.۰۶	۳.۶۹	۳.۷۱

^۱. THE COTTON TEXTILES EXPORT PROMOTION COUNCIL OF INDIA, ۵۷th, Annual report, ۲۰۱۰-۲۰۱۱

^۲. گروه ۲۷ EU (یورو ۲۷) شامل بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، سوئد، فنلاند و غیره است.

همانطور که داده‌های جدول نمایش می‌دهند در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۸ در پی وقوع بحران مالی جهانی، صادرات منسوجات و پوشاک در تمامی کشورها از جمله ترکیه با کاهش روبرو شده‌است. اما در سال ۲۰۱۰ باردیگر صادرات منسوجات و پوشاک در جهان و نیز ترکیه افزایش یافته‌است. بنابر داده‌های جدول ترکیه در سال ۲۰۱۰ هفتمین تأمین‌کننده نساجی و پوشاک در جهان به حساب می‌آید.

بسیاری از کارخانه‌های کشور ترکیه در حال حاضر خودرو سواری، اتوبوس، مینی بوس، یدک کش و کامیون تولید می‌کنند. تولیدات خودرو ترکیه عمدتاً به کشورهای ایتالیا، فرانسه، انگلستان، آلمان، اسپانیا، رومانی، روسیه، اسلونی و هلند صادر می‌شود. در کنار صنعت خودروسازی صنایع قطعات یدکی نیز رشد چشمگیری داشته‌است. این دسته از کالاها به کشورهایی همچون آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلستان و نیز ایران، مصر و عراق صادر می‌شود.

صنعت فولاد ترکیه در سال ۲۰۱۰ دارای ۱۹ کوره قوس الکتریکی و ۳ مجتمع بزرگ صنعتی یکپارچه (KARDEMIR, ERDEMIR, ISDEMIR) با ظرفیت تولید فولاد خام در حدود ۴۲.۷ میلیون تن در سال بوده‌است. در پایان سال ۲۰۱۰ ترکیه توانست به دهمین کشور تولیدکننده فولاد در جهان بدل شود. این بخش سهم به سزایی را در توسعه کشور ترکیه بر عهده داشته‌است و هرچند در ابتدا در حوزه بخش دولتی قرار داشت اما در حال حاضر به بخش خصوصی واگذار شده‌است. در جدول زیر میزان تولید فولاد خام ترکیه در برخی سالهای منتخب ذکر شده‌اند.^۱

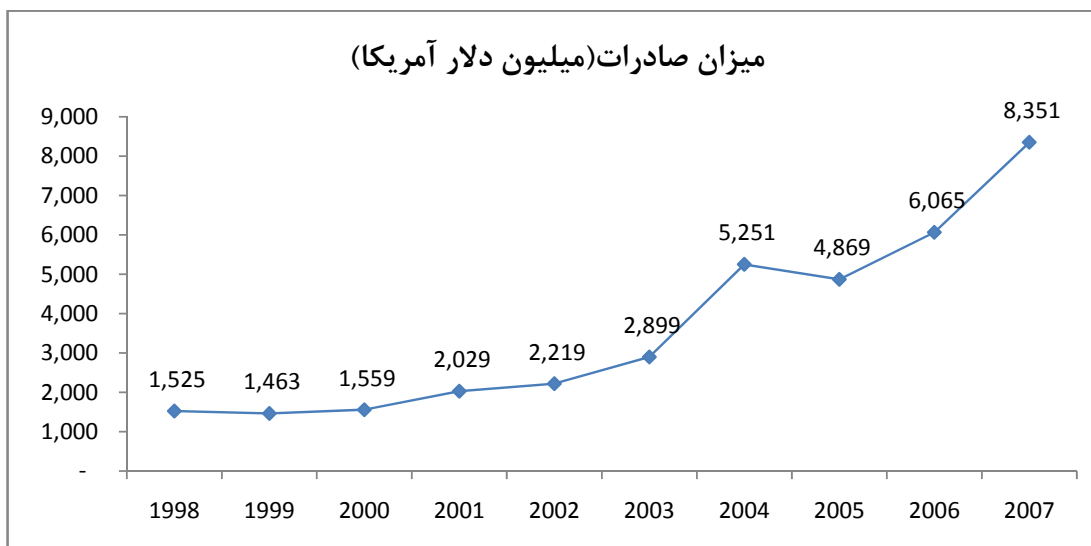
۲۰۱۰ نسبت به ۲۰۰۹ درصد تغییر سال	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	
۱۵.۲٪	۲۹۱۴۳	۲۵۳۰۳	۲۶۸۰۶	۲۵۷۵۴	۲۳۴۳۷	۲۰۹۶۴	تولید فولاد خام (هزار تن)

همانطور که داده‌های نمودار نمایش می‌دهند میزان تولیدات فولاد ترکیه از رشد بسیار بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۹ ترکیه با رشدی معادل ۱۵.۲٪ برخوردار بوده‌است.

در نمودار زیر میزان صادرات آهن و فولاد ترکیه در برخی سالها قابل مشاهده است.^۲

^۱. www.tcp.gov.tr, Export Promotion Center Of Turkey, ۲۰۱۱

^۲. www.turkey-now.org,



همانطور که داده‌های این نمودار نشان می‌دهند با گسترش صنعت فولاد و آهن میزان صادرات ترکیه در این بخش نیز افزایش چشمگیری داشته‌است.

صنعت ماشین‌آلات ترکیه از دیگر صنایع مهم این کشور محسوب می‌شود. طی سالهای ۱۹۹۰ میلادی صنعت ماشین‌آلات الکترونیکی ترکیه به واسطه به کارگیری تکنولوژی‌های جدید در طراحی و نیز در فرایند تولید توانست خود را احیا کند. تولیدات ترکیه در این زمینه شامل موارد گوناگونی همچون کابل‌ها و سیم‌های عایق، وسایل الکتریکی خانگی، موتورهای کوچک برای لوازم الکتریکی خانگی، موتورهای AC، مبدل‌های توزیع، مبدل‌های اندازه‌گیری، پنل‌ها، سل‌ها و بسیاری موارد دیگر می‌شود. این بخش از صنعت ترکیه شامل بیش از ۵۰۰۰ واحد صنعتی بزرگ و کوچک است که بخش زیادی از مشاغل ترکیه را دارا است. در نمودار زیر می‌توان مشاهده نمود که صادرات ماشین‌آلات ترکیه در سالهای اخیر روندی صعودی داشته‌است.^۱

۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	صادرات ماشین‌آلات ترکیه (هزار دلار)
۱۵۴۷۱۰۳	۳۲۵۲۲۱۱	۲۳۰۱۵۴۶	۱۹۲۷۱۲۹	۱۵۲۲۰۹۵	۱۲۹۰۷۸۵	

^۱ . www.emacon.ir

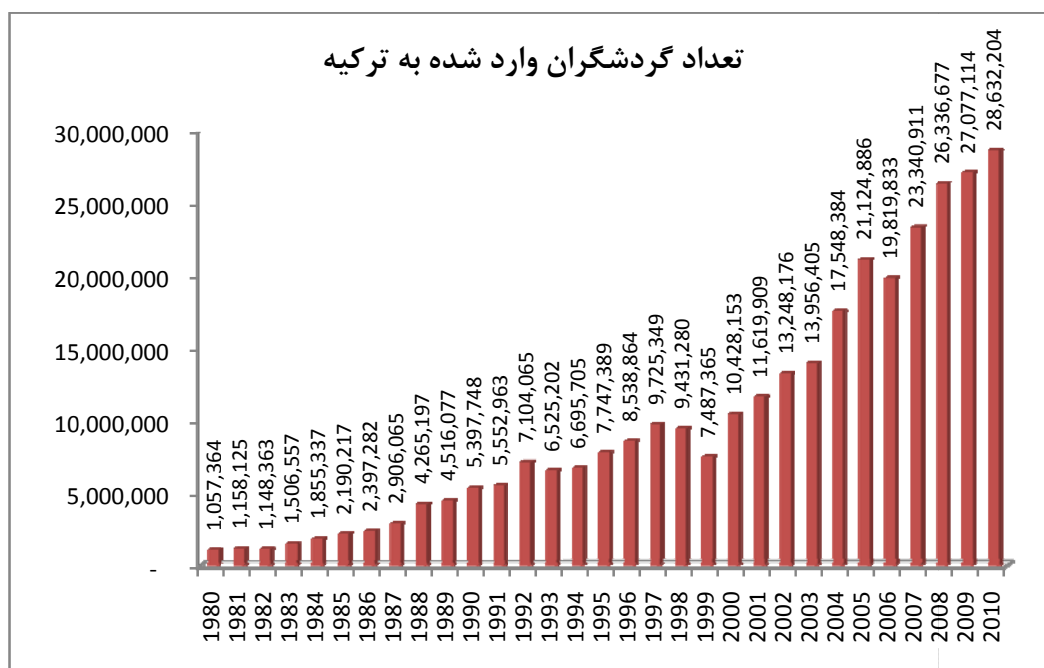
صنعت توریسم

صنعت گردشگری در آغاز هزاره سوم به یکی از پردرآمدترین صنایع جهان تبدیل شده است. منافع مستقیم و غیرمستقیم توسعه این صنعت توانسته است موجبات رشد اقتصادی و همچنین اشتغال میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان فراهم آورد. منافع اقتصادی تنها بخشی از پیامدهای مثبت گسترش این صنعت محسوب می‌شود. به عنوان مثال در بعد فرهنگی کمترین تاثیر توسعه گردشگری کمک به درک متقابل و آگاهی از توانمندی‌ها و دستاوردهای ملل دیگر به منظور کسب بهترین خصایص انسانی و تمدنی بشر امروز است.

صنعت توریسم از جمله صنایع مهم ترکیه است که در سالهای اخیر همواره رو به گسترش بوده است. این کشور دارای ظرفیتهای منحصر به فردی برای توسعه صنعت گردشگری است. ماهیت پویای صنعت گردشگری در ترکیه، حمایت دولت، انگیزه‌های فراوان برای سرمایه‌گذاری و نیز بازاریابی بسیار فعال در این بخش، از جمله مواردی هستند که در رونق صنعت گردشگری ترکیه از دهه ۸۰ میلادی مؤثر بوده‌اند. قرار گرفتن ترکیه در مسیر اتصال قاره آسیا، اروپا و آفریقا و برخورداری از گنجینه‌های طبیعی و فرهنگی بسیار توانسته گردشگران بسیاری را از کلیه نقاط جهان به سوی خود جلب کند.

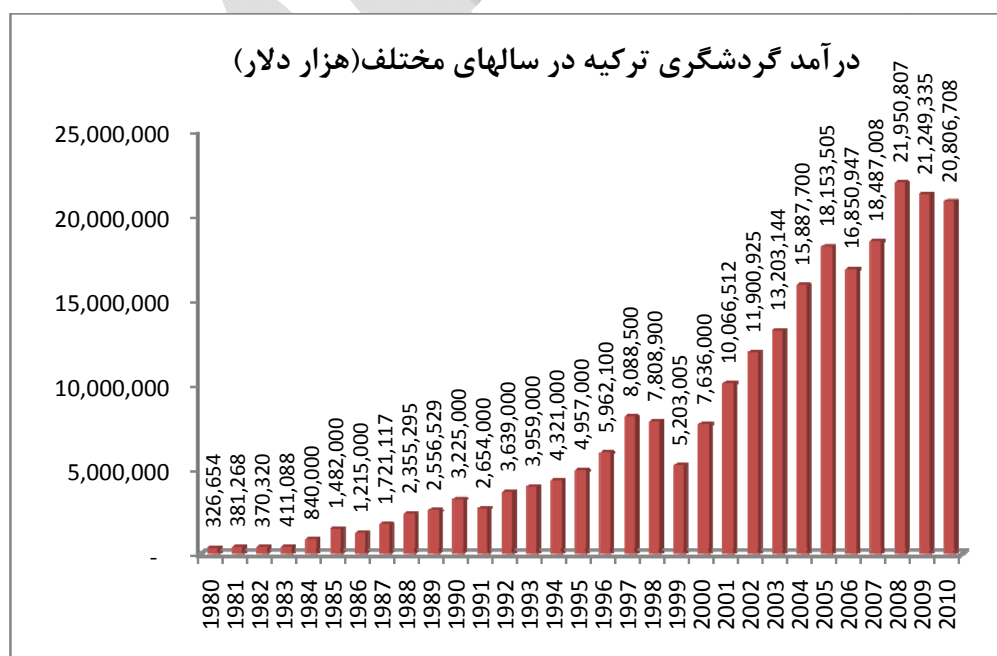
علاوه بر داشتن گنجینه‌های تاریخی و فرهنگی، این کشور از تنوع آب و هوایی و طبیعی متعددی برخوردار است و این امر یکی از جذابیت‌های منحصر به فرد ترکیه به حساب می‌آید. زیبایی‌های طبیعت، جنگلهای وسیع و دریاچه‌های زیبا، ابنیه و بناهای تاریخی بجا مانده از تمدنهای گوناگون، از جاذبه‌های گردشگری بیشمار این کشور هستند. از دهه ۱۹۷۰ دولت توجه خاصی به صنعت گردشگری معطوف داشت و با انجام برنامه‌های زیر بنایی توانسته درآمد خود را در این بخش افزایش دهد. در نمودار زیر تعداد بازدیدکنندگان از کشور ترکیه در سالهای اخیر را می‌توان مشاهده نمود.^۱

^۱ .TurkStat



همانطور که داده‌های جدول نیز نمایش می‌دهند، در سالهای اخیر تعداد گردشگرانی که به کشور ترکیه وارد شده‌اند روبه افزایش است.

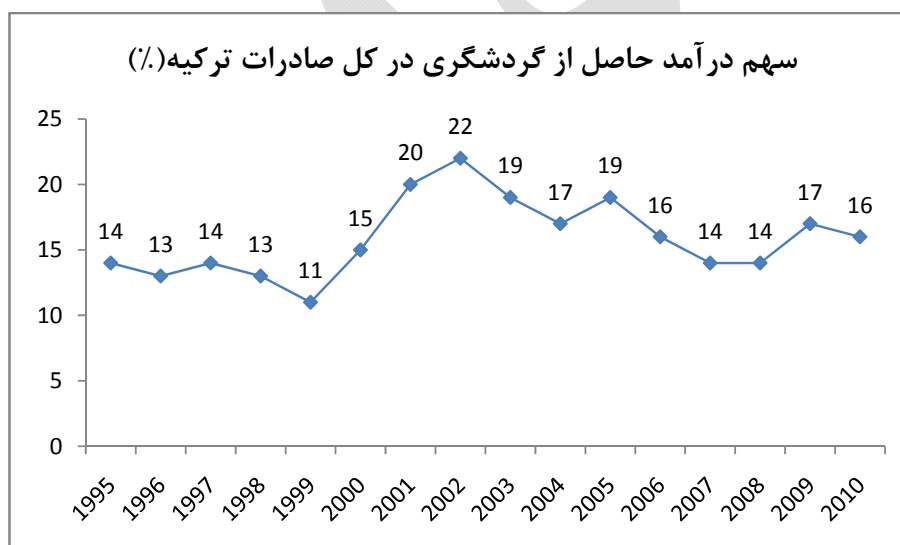
نمودار زیر میزان درآمد کشور ترکیه از صنعت گردشگری را در سالهای مختلف نمایش می‌دهد^۱.



^۱ . TurkStat

همانطور که داده‌های نمودارهای ذکر شده گویا هستند به طور کلی صنعت گردشگری ترکیه در ۳۰ سال اخیر با روندی رو به رشد مواجه بوده‌است. سرمایه‌گذاری‌های کلان و ارائه تسهیلات ویژه در این بخش از جمله عوامل مؤثر در رشد صنعت ترکیه هستند. هر چند در برخی سالها شاهد کاهش ورود گردشگران به این کشور و در نتیجه کاهش درآمد گردشگری ترکیه هستیم. یکی از مشهودترین کاهش‌ها در این زمینه را می‌توان در سال ۱۹۹۹ مشاهده نمود. شاید بتوان علت اصلی این کاهش را وقوع زلزله و نیز تنش‌های سیاسی در این کشور عنوان نمود. نمونه دیگر از افت صنعت گردشگری در ترکیه به سال ۲۰۰۶ باز می‌گردد. شیوع ویروس آنفولانزای پرنده‌گان و وقوع چندین انفجار تروریستی و بروز نا آرامی‌های مربوط به انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به پیامبر اسلام (ص) در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ می‌توانست صنعت گردشگری ترکیه را در بدترین شرایط ممکن قرار دهد، اما سیاست‌گذاری‌ها و بسترسازی‌های مناسب دولت ترکیه میزان سقوط این صنعت را در سال ۲۰۰۶ به حداقل رساند.

نمودار زیر بیانگر سهم درآمد حاصل از گردشگری ترکیه در کل صادرات این کشور است.^۱



همانطور که مشاهده می‌شود سهم صنعت گردشگری ترکیه از کل صادرات این کشور همواره با نوسانات بسیاری روبرو بوده‌است. اما نکته قابل توجه در این رابطه این است که طی سالهای اخیر این صنعت سهم بزرگی از صادرات ترکیه به خود اختصاص داده‌است و به طور کلی روندی افزایشی

^۱ . WorlbBank

دارد. در گزارش سالانه رقابت پذیری در صنعت سفر و توریسم که هر سال از سوی مجمع جهانی اقتصادی ارائه می شود، ترکیه از میان ۱۳۹ کشور جهان در ردیف ۵۰ قرار گرفت.^۱

بهره‌وری کل عوامل تولید^۲ در زیربخش‌های صنایع

نمودار زیر میزان متوسط بهره‌وری نیروی کار در صنایع مختلف را در دو دوره زمان نمایش می‌دهد.^۳

متوسط بهره‌وری نیروی کار در زیر بخش‌های صنعت ترکیه

گروه صنعتی	۱۹۹۴-۱۹۸۵	۲۰۰۱-۱۹۹۵
صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۱/۰۰۵	۱/۰۲۱
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱/۰۱۹	۰/۹۷۳
صنایع چوبی و محصولات چوبی	۰/۹۹۳	۱/۰۲۲
صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۱/۰۰۲	۰/۹۵۵
صنایع شیمیایی	۱/۰۰۸	۰/۹۷۹
صنایع کانی‌های غیر فلزی	۱/۰۳۴	۰/۹۷۷
صنایع تولید فلزات اساسی	۱/۰۳۶	۰/۹۶۴
صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۱/۰۳۳	۱/۰۰۶

همانطور که از داده‌های نمودار نیز می‌توان دریافت در دوره نخست (۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴) بیشترین میزان متوسط بهره‌وری نیروی کار مربوط به صنایع تولید فلزات اساسی است و صنایع چوب و محصولات چوبی دارای کمترین میزان متوسط بهره‌وری نیروی کار هستند.

در دوره دوم (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱) صنایع چوبی و محصولات چوبی دارای بیشترین میزان متوسط بهره‌وری نیروی کار و صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی دارای کمترین میزان متوسط بهره‌وری نیروی کار هستند.

^۱ . www.ittic.com

^۲ . Total Factor Productivity(TFP)

^۳ . Total Factor Productivity Growth in Turkish Manufacturing Industries: A Malmquist Productivity Index Approach, Master of Science Thesis Stockholm, Sweden ۲۰۱۰

جمع‌بندی بخش صنعت

همانگونه که بحث حاضر نشان داده شده است، در سالهای نخست دوره ۳۰ ساله مورد بررسی، صنعت نساجی و پوشاک و چرم در کنار صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات و همچنین صنایع غذایی از لحاظ میزان ارزش افزوده نخستین صنایع کشور محسوب می‌شدند. اما در کشور ترکیه طی این دوره صنایع غذایی، نساجی و پوشاک و همچنین صنایع شیمیایی برترین صنایع ترکیه هستند. اما به تدریج با تغییر ساختار صنعتی ایران، در کنار صنایع ماشین‌آلات، صنایع شیمیایی و فلزات اساسی به جایگاه نخست صنایع برتر کشور صعود کرده‌اند و صنعت نساجی و پوشاک جایگاه گذشته خود را از دست داده‌است. این در حالی است که در کشور ترکیه شاهد رشد هرچه بیشتر صنعت نساجی و پوشاک ترکیه در کنار صنایع غذایی و ماشین‌آلات این کشور هستیم.

نکته قابل توجه دیگر در مورد کشور ترکیه رشد و توسعه قابل توجه صنعت گردشگری است. دولت ترکیه با جذب سرمایه در این بخش و برنامه‌ریزی و حمایت صحیح به منظور استفاده از تمام ظرفیتهای موجود در ترکیه برای جذب گردشگران خارجی توانسته بخش زیادی از درآمد سالانه خود را از این راه تأمین نماید. این در حالی است که صنعت گردشگری در کشورمان ایران علی‌رغم ظرفیتهای بالقوه موجود جایگاه قابل توجهی را در کسب درآمد ملی ندارد.

حمایت و بازسازی واحدهای تولیدی آسیب‌دیده و نیز ایجاد واحدهایی جدید تولیدی با توجه به ظرفیتهای موجود نه تنها می‌تواند از مشکل بیکاری در جامعه بکاهد، بلکه رشد و توسعه اقتصادی را نیز برای کشور فراهم خواهد کرد.

در کنار صنایع مذکور توجه ویژه به صنعت گردشگری نیز می‌تواند به عنوان یک منبع غنی از اشتغال‌زایی و درآمدزایی در کشور به حساب آید. تمامی این موارد منوط به یک برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع از سوی دولت است تا بتواند از تمامی قابلیتهای موجود در کشور به بهترین شکل سود جست.

صنعت نساجی و پوشاک



در بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعت نساجی و پوشاک نقش به سزایی را در رشد اقتصادی این کشورها بازی می کند. توسعه این صنعت می تواند زمینه شکوفایی بسیاری صنایع دیگر همچون، صنایع ماشین آلات، صنایع شیمیایی، صنایع الکترونیک و غیره را به وجود آورد.

از این دیدگاه می توان به میزان اهمیت این صنعت پی برد.

در گذشته کلیه فرآیندهای ریسندگی انواع نخ و تولید پارچه به عنوان صنعت نساجی معرفی می شد. اما تشکیل جلسات میان برخی نهادهای بین المللی منجر به ایجاد نظامی هماهنگ درباره انواع فعالیتهای اقتصادی در سراسر جهان شد. طبق طبقه بندی بین المللی کالا و خدمات، صنایع تولید منسوجات، تولید پوشاک و عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، دباغی و عمل آوردن چرم، ساخت کیف، چمدان و غیره همگی در گروه صنایع نساجی، پوشاک و چرم قرار می گیرند. گستردگی دامنه تولیدات نساجی می تواند امکان تعدد واحدهای تولیدی نساجی و متعاقباً ظرفیت بیشتر برای اشتغال افراد را فراهم آورد. هرچند این امر نیازمند سرمایه گذاری، سیاست گذاری و نیز برنامه ای صحیح است.

در حال حاضر چین، هنگ کنگ، آلمان، ایتالیا، هند، آمریکا، ترکیه و نیز کشورهای عضو گروه یورو ۲۷ بزرگترین صادرکنندگان محصولات نساجی و پوشاک در جهان به شمار می روند.

تا پیش از وقوع انقلاب، صنعت نساجی و پوشاک ایران نخستین صنعت کشور به شمار می رفت اما پس از آن به دلایل متعددی که در بخشهای بعدی به تفصیل به آن خواهیم پرداخت، صنعت نساجی و پوشاک کشور رو به افول گذاشت. این در حالی است که حمایت صحیح دولت از این بخش می تواند رشد بیش از پیش این صنعت را سبب شود، به طوری که ایران نیز در کنار قدرتهای بزرگ صنعت نساجی و پوشاک جهان قرار گیرد.

چنانچه به پیشینه صنعت نساجی و پوشاک در دو کشور ایران و ترکیه بازگردیم، در ابتدا این صنعت در هر دو کشور شرایطی یکسان داشت و چه بسا در برخی مقاطع صنعت نساجی و پوشاک ایران نسبت به ترکیه پیشرو بود. اما به تدریج و در دوره های بعدی شاهد رشد هرچه بیشتر این

صنعت در ترکیه و افول آن در ایران هستیم. این مسئله منبعت از موارد متعددی است که نیازمند بررسی دقیق پیرامون صنعت نساجی و پوشاک دو کشور است.

به این منظور پس از معرفی صنعت نساجی، پوشاک و چرم، از جنبه‌های گوناگون اقتصادی همچون تعداد کارگاه‌های صنعتی، میزان اشتغال در این بخش از صنعت، میزان سرمایه‌گذاری، ارزش‌افزوده و غیره، صنعت نساجی و پوشاک دو کشور و نیز نقاط ضعف و قوت هر یک را مورد بازبینی قرار خواهیم داد.

معرفی صنعت نساجی، پوشاک و چرم



در باور عمومی صنعت نساجی شامل تبدیل الیاف به نخ و سپس پارچه است. در حالی که در تعریف بین‌المللی صنعت نساجی دارای مفهومی بسیار گسترده‌تر است. به طور کلی صنایع نساجی، پوشاک و چرم شامل سه زیر شاخه اصلی است که هریک گروه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند. این گروه‌ها به شرح زیر می‌باشند.

۱. تولید منسوجات: این گروه از صنایع شامل زیرگروه‌های زیر است.

ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات

تولید محصولات نساجی ساخته‌شده غیر از پوشاک

کشیافی و جوراب‌بافی

تولید قالی و قالیچه

تولید طناب و ریسمان

تولید منسوجات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر

۲. تولید پوشاک غیر از کفش

۳. تولید چرم و محصولات چرمی و خز: این گروه از صنایع زیرشاخه‌های زیر را در بر می‌گیرد.

دباغی و تولید چرم

عمل آوردن و رنگ کردن پوست و خز

تولید محصولات چرمی و چرم مصنوعی غیر از کفش و پوشاک

تولید کفش غیر از کفش‌های لاستیکی و پلاستیکی

باید توجه داشت توسعه روز افزون صنایع مختلف، از جمله صنعت نساجی، پوشاک و چرم در دنیا سبب به وجود آمدن زیرمجموعه‌های جدیدتر در هریک از این زیربخش‌ها شده‌است. لذا به دلیل گستردگی هریک از زیرگروه‌های صنعت نساجی، پوشاک و چرم در ویرایش سوم طبقه‌بندی بین‌المللی صنایع هریک از سه زیرگروه تولید منسوجات، تولید پوشاک غیر از کفش و نیز تولید چرم و محصولات چرمی و خز، به عنوان یک صنعت مجزا در نظر گرفته می‌شوند.

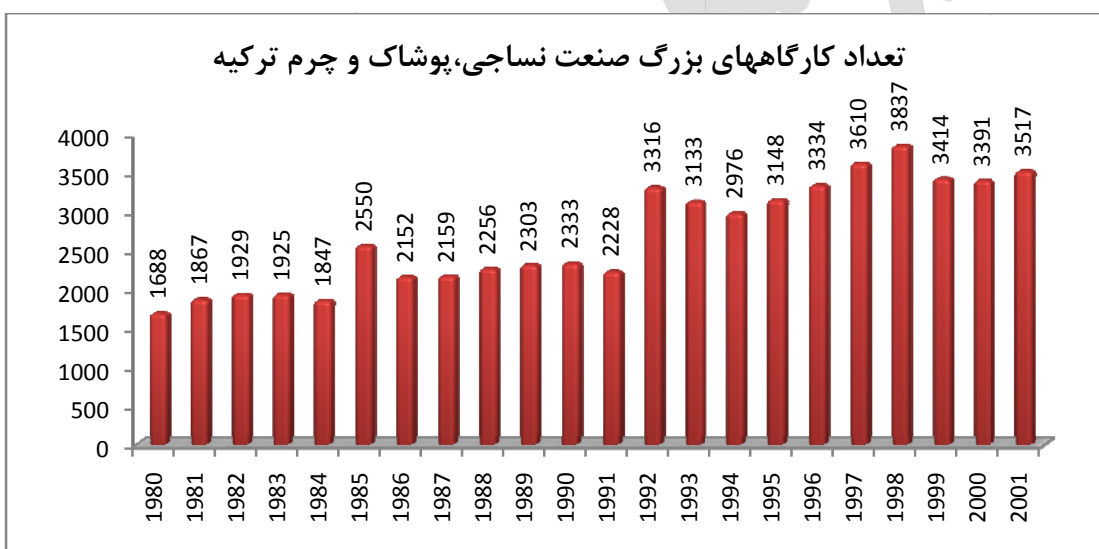
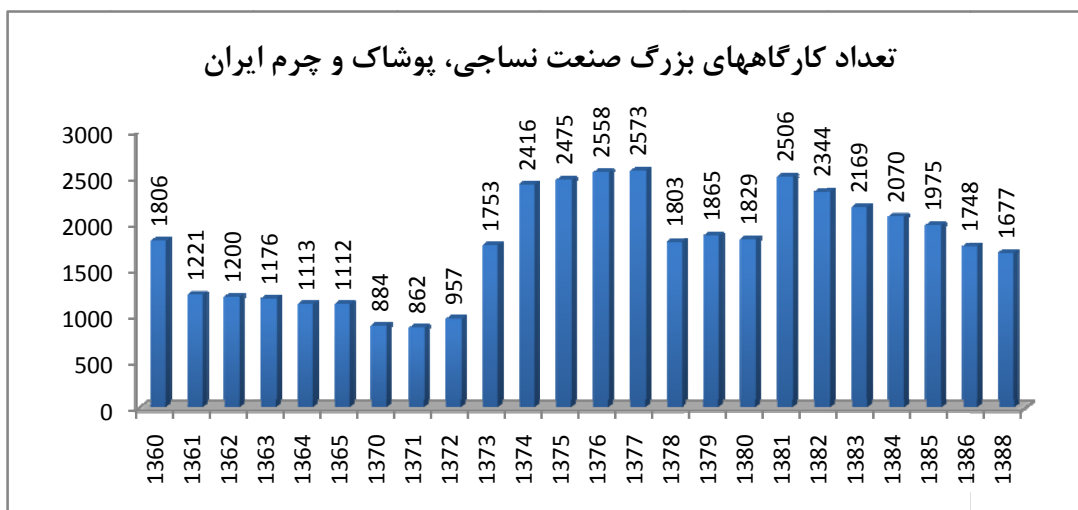
تعداد کارگاه‌های صنعتی بزرگ



طبق تعریف مرکز آمار ایران کارگاه صنعتی مکان مشخص و ثابتی است که در آن، مجموعه‌ای از سرمایه و نیروی کار زیر نظر یک مدیریت و حسابداری واحد برای تولید یک یا گروهی از کالاها و خدمات مشابه صنعتی فعالیت می‌کند. همچنین کارگاه صنعتی بزرگ به آن دسته از کارگاه‌ها گفته می‌شود که در

دوره مورد بررسی دارای حداقل ده نفر کارکن و یا بیشتر باشند. از آنجا که این دسته از کارگاه‌ها سهم بزرگی در میزان تولیدات صنعتی و نیز میزان اشتغال بخش صنعت دارند لذا تنها به آمار این دسته از واحدهای صنعتی پرداخته می‌شود. ضمن این که میزان توسعه واحدهای صنعتی بزرگ به خوبی می‌تواند گویای رشد صنعت مورد بررسی باشد. البته باید توجه نمود در ایران بسیاری از صنایع تولید پوشاک شامل کارگاه‌های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن هستند. در حقیقت هر چند در کشور تعدادی صنایع بزرگ تولید پوشاک وجود دارند که محصول خود را با نام تجاری ویژه خود تولید می‌کنند و حتی در برخی موارد این محصولات را به دیگر کشورها صادر می‌کنند، اما این صنایع در اقلیت هستند و عمده تولیدات پوشاک کشور توسط کارگاه‌های صنعتی کوچک صورت

می‌گیرد. نمودار زیر روند تغییر تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی ایران^۱ و ترکیه^۲ را در یک دوره زمانی نمایش می‌دهد.



همانطور که پیش از این نیز ذکر شد، صنعت نساجی و پوشاک پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، در رده نخست صنایع کشور به شمار می‌آمد. اما در پی وقوع جنگ میان ایران و عراق و متعاقباً رکود صنعت کشور، صنعت نساجی و پوشاک کشور نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شاهد کاهش تعداد کارگاه‌های صنعتی در دوره مذکور هستیم. با پایان یافتن جنگ به تدریج شاهد رشد واحدهای نساجی در کشور هستیم. به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۳ تعداد واحدهای نساجی و پوشاک در کشور رشد چشمگیری یافته‌است.

^۱. مرکز آمار ایران

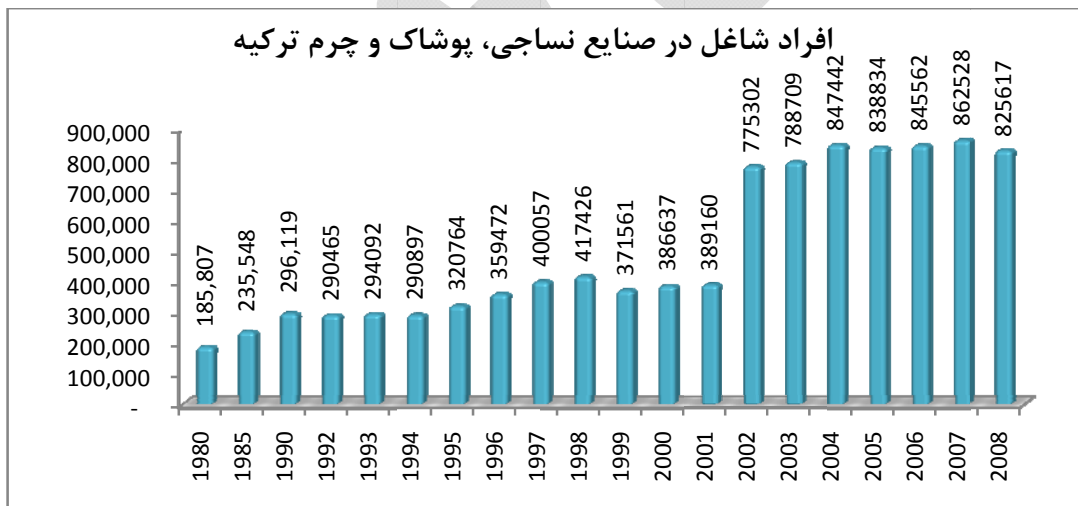
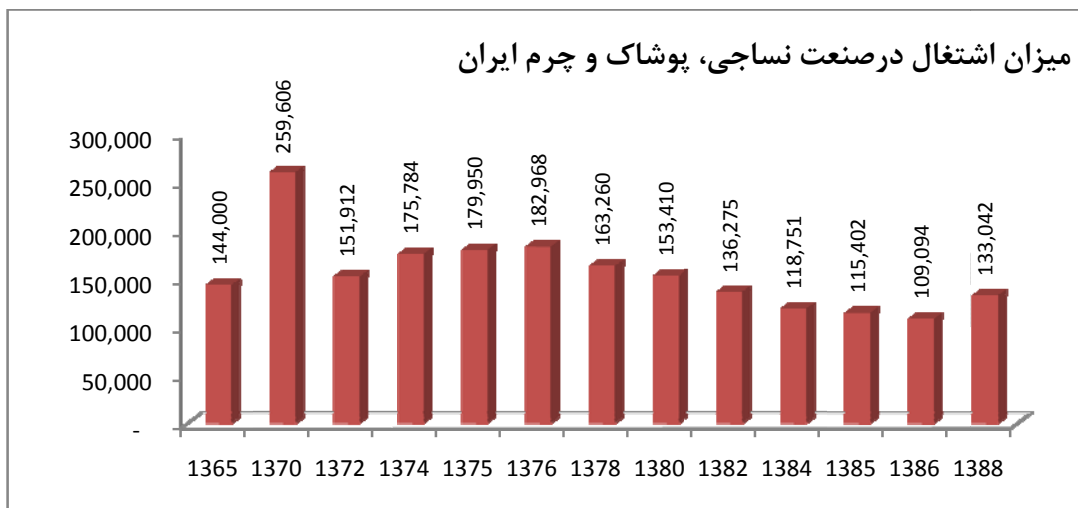
^۲. turkstat

برخی کارشناسان علاوه بر مسئله جنگ تغییر نوع مدیریت واحدهای تولیدی از مدیریت خصوصی به مدیریت دولتی را یکی از علل اصلی رکود صنعت نساجی در کشور عنوان می‌کنند. در سالهای پیش از انقلاب اکثریت قریب به اتفاق کارگاههای تولیدی نساجی توسط بخش خصوصی اداره می‌شدند، اما پس از آن بسیاری از این واحدها به بخش دولتی واگذار شد و نتیجه آن چیزی جز وقوع رکود در صنعت نساجی کشور نبود. هرچند در جریان برنامه‌های اول و دوم توسعه دولت سعی کرد با اجرای سیاست خصوصی‌سازی، مجدداً رونق گذشته را به این صنعت باز گرداند، اما متأسفانه هرگز این صنعت به شکوه گذشته بازنگشت. گرچه اجرای این سیاست روند سقوط صنعت نساجی را در کشور کند نمود.

با بررسی تعداد کارگاههای بزرگ صنعت نساجی، پوشاک و چرم ترکیه می‌توان دریافت علی‌رغم کاهش تعداد کارگاهها در برخی سالها به طور کلی طی دوره مورد بررسی این صنعت در کشور ترکیه با رشد مواجه بوده‌است. در سال ۱۹۸۰ و در ادامه سیاستهای دولت ترکیه برای آزاد سازی تجارت خارجی سیاست‌گذاری‌های این کشور بر مبنای پیشبرد صنعت نساجی و پوشاک به عنوان یک صنعت دارای قابلیت رقابت در عرصه جهانی پایه‌ریزی شد. رشد اقتصادی ترکیه در سال ۱۹۹۲ صنعت نساجی و پوشاک این کشور را تحت تأثیر خود قرار داد و همانطور که مشاهده می‌شود تعداد کارگاههای صنعتی در این سال افزایش یافته‌است. اما در سال ۱۹۹۳ برخی بحرانهای اقتصادی ترکیه سبب آسیب به صنعت این کشور از جمله صنعت نساجی و پوشاک کشور ترکیه گردید. متعاقباً برخی تمهیدات مؤثر دولت ترکیه برای رفع موانع و مشکلات اقتصادی مجدداً رشد اقتصاد این کشور و نیز شکوفایی مجدد صنعت نساجی، پوشاک و چرم ترکیه را به همراه داشت. رشد واردات در سال ۱۹۹۴ مجدداً این صنعت را با بحران مواجه نمود، اما پس از آن بار دیگر صنعت نساجی سیری صعودی به خود گرفت تا اینکه در سال ۱۹۹۸ ترکیه با کاهش تعداد کارگاههای صنعتی در بخش نساجی روبرو شده‌است. شاید دلایلی همچون کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری در ترکیه را بتوان از جمله دلایل افت صنعت نساجی ترکیه در این سال عنوان نمود. پس از سال ۱۹۹۸ صنعت نساجی، پوشاک و چرم ترکیه شاهد شکوفایی و توسعه مجدد است.

میزان اشتغال

صنایع را از جنبه‌های گوناگونی مانند میزان اشتغال، میزان ارزش افزوده و یا میزان بهره‌وری می‌توان بررسی نمود. از این‌رو میزان اشتغال در صنعت نساجی و پوشاک را در یک دوره زمانی مورد بررسی قرار خواهیم داد. نمودارهای زیر میزان اشتغال در صنعت نساجی، پوشاک و چرم ایران^۱ و ترکیه^۲ را در برخی سالهای منتخب نمایش می‌دهد.



* شایان ذکر است از آنجا که برای شکست ایجاد شده در نمودار هیچگونه توضیح منطقی وجود ندارد، لذا به نظر می‌رسد این مسئله تنها ناشی از تغییر در تعریف شاغلان در کشور ترکیه باشد.

^۱. مرکز آمار ایران

^۲. UNIDO

صرف نظر از شکست موجود در نمودار اشتغال ترکیه، می‌توان مشاهده نمود هرچند میزان اشتغال در صنعت نساجی، پوشاک و چرم ترکیه در سالهای مختلف دستخوش نوسانات متعددی شده است، اما به طور کلی میزان اشتغال در این صنعت روندی صعودی داشته‌است. کاهش اشتغال در برخی سالها بدون شک متأثر از کاهش تعداد واحدهای صنعتی در آن سالهاست. این در حالی است که بررسی این عامل در کشور ایران نتیجه‌ای کاملاً متفاوت دارد و علی‌رغم افزایش اشتغال در برخی سالها، مشاهده می‌شود که میزان اشتغال این صنعت در کشورمان دچار کاهش شده‌است. ذکر این نکته ضروری است که افزایش اشتغال در یک صنعت صرفاً به معنای رشد و توسعه آن نیست. چراکه گاهی تولیدکنندگان به دلیل افزایش نیروی کار در جامعه مجبور به استخدام افراد در واحدهای تولیدی خود می‌شوند بدون آنکه میزان تولیدات خود را افزایش دهند. از این رو نه تنها این صنایع رشد نمی‌یابند، بلکه به دلیل هزینه اضافی نیروی کار تحمیلی با رکود نیز مواجه می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در صنعت نساجی، پوشاک و چرم ایران و در سالهای پس از جنگ مشاهده نمود. بنابراین بررسی عامل اشتغال تنها در کنار ارزیابی دیگر عوامل، همچون ارزش افزوده می‌تواند رشد مؤثر در یک صنعت را مورد تأیید قرار دهد.

ارزش افزوده صنعت نساجی، پوشاک و چرم



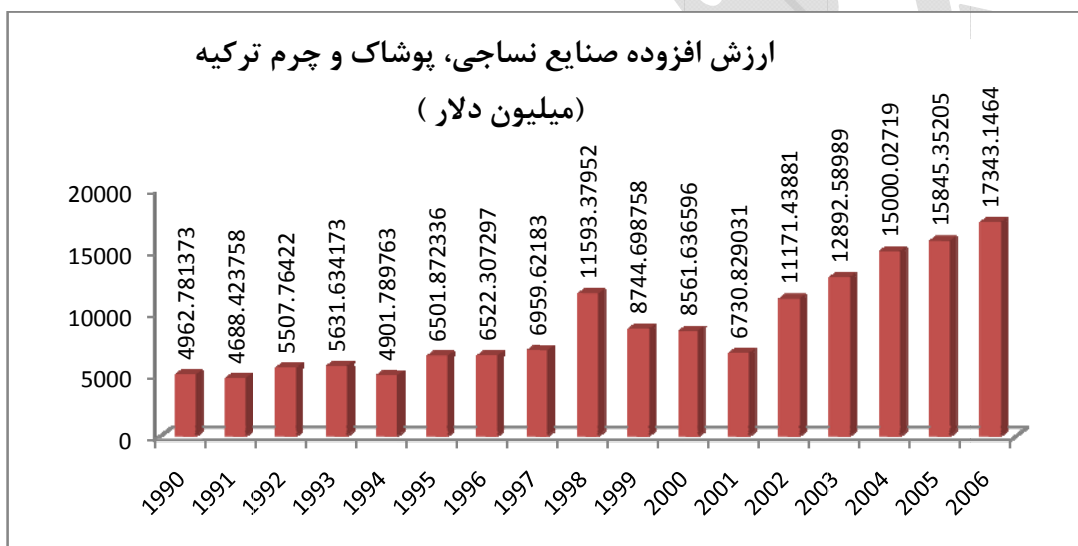
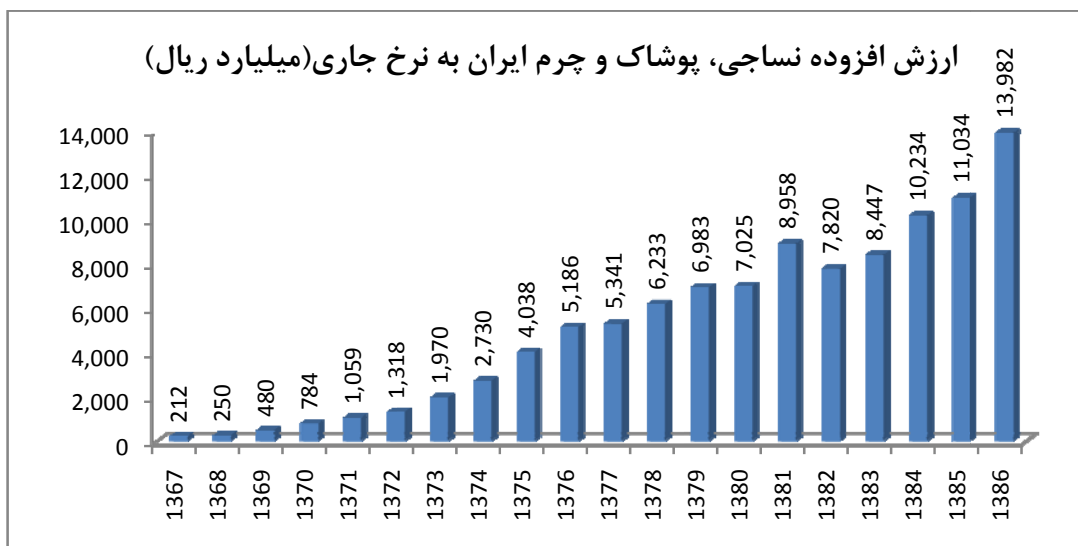
ارزش افزوده یکی از مهمترین معیارهایی است که ارزش و اهمیت یک صنعت را نمایش می‌دهد. هرچه ارزش افزوده در یک صنعت بیشتر باشد نشان‌دهنده اهمیت بیشتر آن صنعت در کل اقتصاد یک کشور خواهد بود. بدیهی است رشد مثبت ارزش افزوده در یک صنعت تمایل تولیدکنندگان برای سرمایه‌گذاری

در آن بخش را افزایش می‌دهد. با توجه به موارد مذکور بررسی ارزش افزوده در صنعت نساجی ایران و ترکیه می‌تواند از زاویه‌ای دیگر این صنعت را در دو کشور مورد ارزیابی قرار دهد.

نمودارهای زیر میزان ارزش افزوده صنعت نساجی، پوشاک و چرم را به ترتیب در کشور ایران^۱ و ترکیه^۲ نمایش می‌دهند.

^۱. مرکز آمار ایران

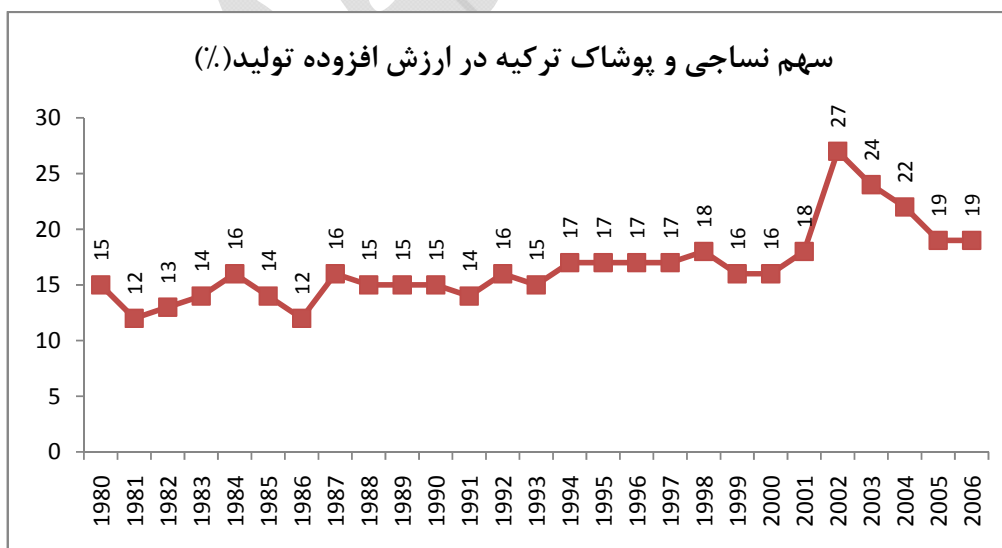
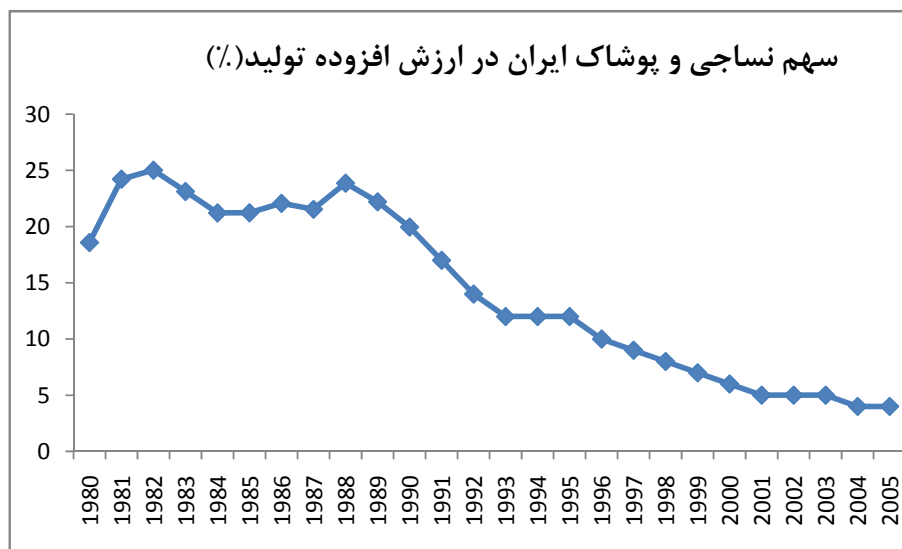
^۲. WorldBank



همانطور که دو نمودار اخیر نمایش می‌دهند میزان ارزش افزوده در صنعت نساجی و پوشاک طی دوره مورد بررسی به طور کلی روندی افزایشی داشته‌است. اما قدری تأمل در آمارها به خوبی بیانگر این مسئله هستند که به ویژه در سالهای اخیر میزان ارزش افزوده در صنعت نساجی و پوشاک ترکیه به طور چشمگیری بیش از ایران است. هرچند وقوع تنش‌های سیاسی و نیز زلزله در سال ۱۹۹۹ و نیز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۰، تا حدودی سیر صعودی رشد این صنعت در کشور ترکیه را تحت تأثیر خود قرار داده است، اما در سالهای اخیر صنعت نساجی و پوشاک این کشور توانسته به جایگاهی درخور توجه دست یابد.

سهم صنعت نساجی، پوشاک و چرم در ارزش افزوده ساخت

عامل دیگری که می‌تواند گویای اهمیت یک صنعت باشد، سهم آن صنعت در ارزش افزوده بخش ساخت است. بدیهی است هرچه میزان این سهم بیشتر باشد، لذا اهمیت آن صنعت در بخش ساخت و تولید آن کشور نیز بیشتر خواهد بود. نمودارهای زیر سهم صنایع نساجی و پوشاک ایران و ترکیه را در ارزش افزوده ساخت نمایش می‌دهند^۱.



همانطور که نمودارها نشان می‌دهند، سهم صنعت نساجی و پوشاک ایران در ارزش افزوده ساخت همواره سیری نزولی دارد، به گونه‌ای که در سالهای آخر این سهم به ۴ درصد نزول یافته‌است. در

^۱. World Bank & www.nationsmaster.com

مقابل در کشور ترکیه، رشد و شکوفایی صنعت نساجی و پوشاک سهم این صنعت را در ارزش افزوده ساخت، در سالهای آخر به ۱۹ درصد افزایش داده است. این در حالی است که به عنوان مثال در سال ۱۳۶۷)، سهم صنعت نساجی و پوشاک ایران در ارزش افزوده ساخت معادل ۲۰ درصد و برای ترکیه ۱۵ درصد بوده است. در حقیقت کشور ترکیه با حمایت از صنعت نساجی و پوشاک روزه روز بر رشد و توسعه این صنعت افزوده است، به گونه ای که هم اکنون نه تنها کشوری چون ایران را پشت سر گذاشته است، بلکه به یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان در زمینه صنعت نساجی و پوشاک بدل شده است.

اقدام عمده تولیدی در صنعت نساجی، پوشاک و چرم

جدول زیر گویای اقدام عمده تولیدی در صنعت نساجی و پوشاک ایران با ذکر حجم تولیدات آنها در برخی سالهای منتخب است.^۱

کالای منتخب	واحد	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۸۸
انواع نخ	تن	۱۷۳۷۷۹	۲۷۰۳۳۹	۲۴۵۹۸۲	۲۲۷۵۹۹	۲۸۳۱۱۸	۳۸۸۷۹۰	۵۵۲۰۹۰	۳۲۳۹۲۵
پارچه تکمیل شده	میلیون متر	۴۴۲	۴۰۶	۴۲۷	۳۸۵	۳۷۳	۵۵۱	۳۴۴	۲۹۳
فرش ماشینی	هزار متر مربع	۲۰۲۱۸	۲۵۱۹۹	۳۸۶۷۵	۳۳۹۳۳	۴۹۲۵۹	۵۱۸۷۵	۴۱۴۷۲	۷۵۶۴۲
موکت	هزار متر مربع	۲۹۹۹۴	۴۶۰۴۸	۴۶۴۴۲	۴۱۶۷۶	۴۱۲۶۷	۴۳۰۱۴	۵۴۵۰۸	۷۱۹۹۵
پتو	هزار تخته	۴۴۳۰	۵۰۵۱	۵۶۹۷	۵۶۹۶	۶۸۲۲	۸۱۶۶	۷۵۲۳	۶۵۶۵

در ایران تولید پنبه رونق چندانی ندارد. چراکه پنبه مرغوب باید دارای طول ظرافت و نیز تمیزی مناسبی باشد، اما به دلیل کاربرد روشهای سنتی در تولید این دسته از الیاف معمولاً الیاف مرغوبی در کشور تولید نمی شود و عمده نیاز صنعتگران از طریق واردات تأمین می شود.

الیاف پشم نیز از دیگر الیاف نساجی هستند که در ایران تهیه می شوند اما معمولاً دارای ظرافت و طول مناسبی نیستند. گرچه این دسته از الیاف برای مصرف در صنعت کفپوش قابل کاربرد هستند.

^۱. مرکز آمار ایران

نوع دیگری از تولیدات الیاف در ایران الیاف مصنوعی هستند که تولید آنها روزبه‌روز در کشور رو به افزایش است. گرچه این روند افزایشی در ایران کاملاً برخلاف دیگر کشورهای صاحب صنعت نساجی است. در بسیاری از کشورها تولید الیاف به سمت توسعه صنایع تولیدی الیاف کوتاه و متعاقباً کاهش تولید الیاف مصنوعی بلند پیش می‌رود.

به دلیل واردات بی‌رویه و نیز واردات غیرقانونی پارچه به کشور که عمده‌تأ دارای کیفیت و نیز قیمتی پایین‌تر از تولیدات داخلی هستند سبب شده‌است تا صنعت تولید پارچه رونق چندانی پیدا نکند. هرچند تولیدات داخلی بخشی از نیاز کشور به پارچه را تأمین می‌کنند.

تولید انواع کفپوش‌های ماشینی، فرش ماشینی و نیز فرش دستباف یکی از قدرتمندترین بخشها در صنعت نساجی و پوشاک کشور به شمار می‌رود. خوشبختانه میزان تولیدات این بخش از صنعت نساجی و پوشاک روندی نسبتاً افزایش داشته‌است و کشور ایران یکی از صادرکنندگان در دنیا محسوب می‌شود.

در سالهای اخیر ورود کالاهای خارجی به ویژه محصولات چینی به کشور صنعت تولید پتو را به مخاطره انداخته‌است. لذا شاهد ورشکستگی صنایع تولید پتو و یا کاهش میزان تولیدات آنها در کشور هستیم.

به طور کلی بررسی جدول اخیر گویای این حقیقت است که صنعت نساجی کشور در سالهای اخیر با افت قابل توجهی مواجه شده و روند رو به رشدی را نداشته‌است. چنانچه این روند ادامه داشته- باشد چشم‌انداز روشنی را نمی‌توان برای این بخش از صنعت کشور انتظار داشت.

جدول زیر محصولات عمده تولیدی در بخش نساجی و پوشاک ترکیه و حجم تولیدات آنها در سالهای اخیر را نمایش می‌دهد.^۱

	2006	2007	2008	2009	2010*
نخ (تن)					
پنبه	753 766	863 216	677 063	619 056	711 446
پشم	35 346	41 109	41 387	32 521	34 844
مصنوعی	824 108	901 289	744 633	671 279	938 141
منسوجات (هزار متر)					
پنبه ای	783 117	933 842	784 571	679 205	843 725
پشمی	36 438	37 348	32 225	25 760	30 830
مصنوعی	567 775	590 294	536 598	434 695	522 368
فرش و دیگر کفپوشها (متر مربع)	88 967 207	97 319 803	101 832 200	108 028 304	127 717 767

^۱ . Turkstat



ترکیه در هر دو بخش نساجی و پوشاک یکی از بزرگترین صنایع را در دنیا داراست. شایان ذکر است در صنعت نساجی ترکیه معمولاً از تکنولوژی‌های بسیار مدرن استفاده می‌شود و در این صنعت در مقایسه با صنعت پوشاک سرمایه‌گذاری بیشتری صورت می‌گیرد. ترکیه هفتمین تولید کننده فتیله پنبه در جهان است و

ظرفیت تولید سالانه آن در حدود ۹۰۰،۰۰۰ تن بوده‌است. همچنین ترکیه با ظرفیت تولید ۲.۵ میلیون تن پنبه خام در سال یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنبه دنیا محسوب می‌شود.^۱ هرچند در سالهای اخیر سیاست ترکیه در صنعت نساجی و پوشاک به سمت کاهش تولید مواد خام همچون پنبه و در عوض افزایش تولید نخ و نیز الیاف برای استفاده در محصولات نهایی پیش رفته است. انتظار می‌رود این سیاست در سالهای آینده نیز در کشور ترکیه ادامه داشته باشد.

انجام تکمیل‌های بسیار مناسب بر روی پوشاک و منسوجات سبب شده تا محصولات نهایی تولید شده ارزش افزوده بالایی را نتیجه دهند.



به موازات رشد و توسعه صنعت منسوجات و پوشاک در ترکیه، صنعت نخ و الیاف نیز در ترکیه نیز همواره رو به توسعه است. در حقیقت به دلیل اینکه در سالهای اخیر تقاضای داخلی و نیز صادرات محصولات نساجی و پوشاک ترکیه افزایش یافته است در نتیجه میزان تولیدات نخ و الیاف نیز در این کشور

سیری صعودی داشته‌است. از سوی دیگر حجم سرمایه‌گذاری و نیز صادرات در بخش الیاف و نخ نیز در سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته است. همانطور که می‌دانیم پنبه یکی از مواد خام اساسی در صنایع نخ و الیاف است و از آنجا که نوعی از پنبه کاملاً استاندارد در آنکارا می‌روید بنابراین بدیهی است کشور ترکیه با حمایت از این بخش سهم بزرگی را در وادرات پنبه به بسیاری از کشورهای اروپایی و نیز آسیایی به خود اختصاص دهد.

^۱. THE WEST MEDITERRANEAN REGION OF TURKEY, MANUFACTURING INDUSTRIES, SECTORAL GUIDEBOOK 2010

الیاف مصنوعی از جمله اقلام عمده تولیدی ترکیه است. این کشور در رده ده کشور بزرگ تولیدکننده الیاف مصنوعی جهان به شمار می‌رود. در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای حمایت از این بخش از صنعت نساجی و پوشاک ترکیه صورت گرفته و لذا پیش‌بینی می‌شود حجم تولیدات این قسمت افزایشی دوجندان را در سالهای آتی تجربه کند.^۱

منسوجات خانگی نیز یکی از عمده محصولات تولیدی در صنعت نساجی و پوشاک کشور ترکیه هستند. به دلیل افزایش تقاضای داخلی و خارجی رد این بخش در سالهای اخیر حجم تولیدات منسوجات خانگی در ترکیه افزایش یافته است. ترکیه در جایگاه ۴امین صادرکننده منسوجات خانگی در جهان قرار دارد.



از دیگر محصولات عمده تولیدی در کشور ترکیه می‌توان به انواع فرش و سایر کفپوش‌ها اشاره نمود. ترکیه هر دو گونه فرش دستباف و ماشینی را تولید می‌نماید. اسپار تا یکی از شهرهای ترکیه است که به دلیل تولیدات فرش و قالیچه خود شناخته شده است. ترکیه با سهم ۸.۵ درصدی در صادرات فرش دستباف در جهان به عنوان پنجمین تأمین کننده فرش ماشینی در جهان شناخته می‌شود.^۲

حجم سرمایه‌گذاری در بخش نساجی و پوشاک ایران و ترکیه

با توجه به عواملی که پیش از این مورد بررسی قرار دادیم روند توسعه صنعت نساجی و پوشاک دو کشور در سالهای اخیر مورد کنکاش قرار گرفت. اما یکی از عوامل تأثیرگذار در توسعه صنعت نساجی و پوشاک ترکیه توجه ویژه دولت به این صنعت و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش است. فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ترکیه به علت روند گسترده خصوصی‌سازی، بسیار مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته و در این زمینه مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی را نیز افزایش داده است. بخش‌های اصلی اقتصادی ترکیه جهت جذب سرمایه‌های خارجی، شامل کشاورزی، صنعت (نساجی و پوشاک، خودرو و قطعات، آهن و فولاد، ماشین‌آلات، چرم، سرامیک، صنعت شیشه)، بخش معدن و خدمات (پیمانکاری، گردشگری) است. دولت ترکیه با تسهیل فضای رقابتی، هم از تولیدکنندگان خرد و هم از صاحبان سرمایه خرد حمایت می‌کند. هرچند در این کشور می‌توان صاحبان سرمایه‌های کلان را یافت، ولی این به معنای عدم فعالیت سرمایه‌گذاران خرد نیست و این

^۱. www.designer.com

^۲. www.investinwmr.org.tr

سرمایه‌گذاران نیز با همه‌ی توان خود با هولدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگ رقابت می‌کنند. در این راستا، در ترکیه سازمانی به نام سازمان رقابت وجود دارد، که هدف اصلی آن افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای اقتصادی ترکیه و جلوگیری از انحصارها است.

جدول زیر میزان سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم انجام شده در کشور ترکیه و در برخی سالهای منتخب را نمایش می‌دهد.^۱

سال	2006	2007	2008
میزان سرمایه‌گذاری خارجی (میلیارد دلار)	20.185	22.046	18.198

میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده در ایران نیز در جدول زیر آمده‌است.^۲

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
میزان سرمایه‌گذاری خارجی (میلیارد دلار)	۱.۶۰۰	۱.۶۷۰	۱.۶۱۵

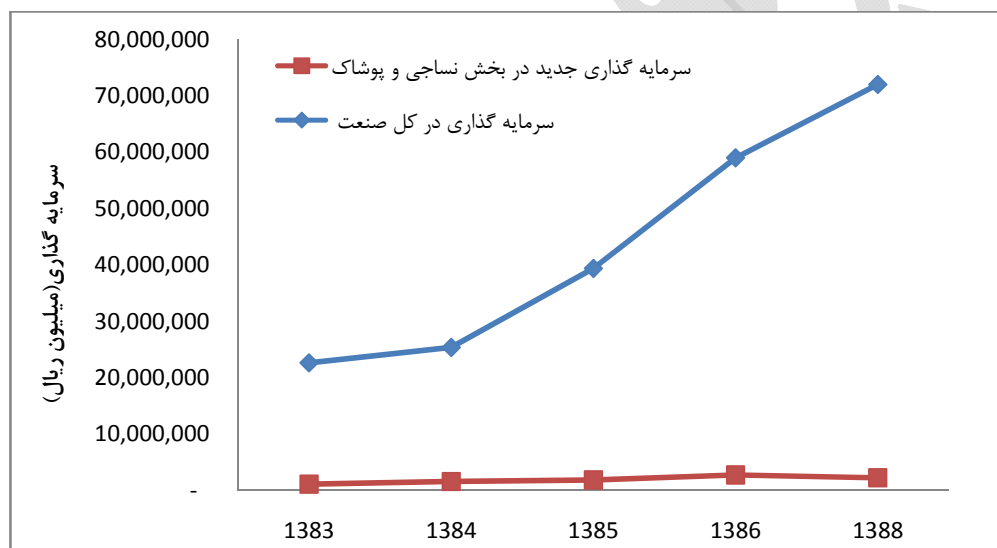
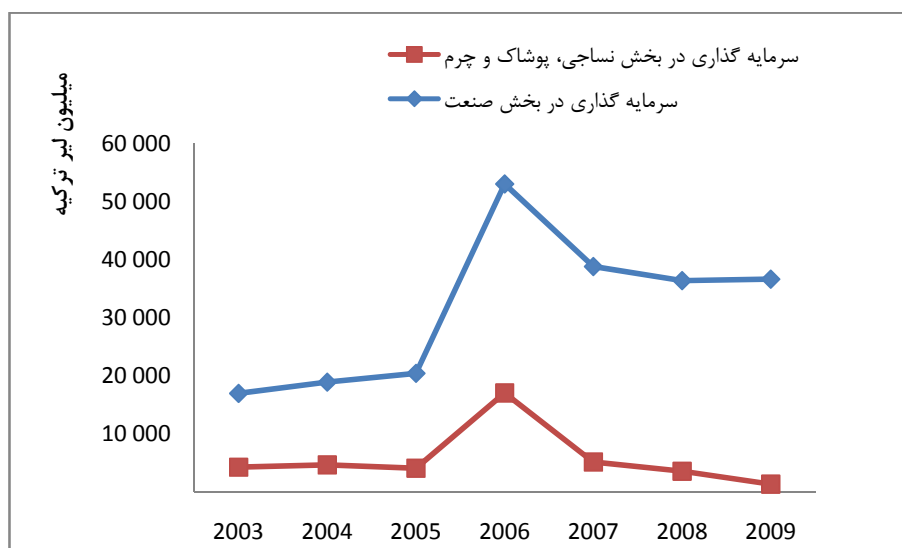
همانطور که این دو جدول نشان می‌دهند به طور کلی حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در ترکیه بسیار بیش از ایران است و این مسئله گواهی بر توانمندی ترکیه در جذب سرمایه خارجی است. حجم عظیمی از این سرمایه در بخش صنعت و معدن از جمله صنایع نساجی و پوشاک صرف می‌شود. بنابراین توسعه روزافزون صنایع نساجی و پوشاک ترکیه دور از انتظار نیست. حجم سرمایه‌گذاری ترکیه^۳ و ایران^۴ در بخش نساجی و پوشاک در نمودار زیر نمایش داده شده‌اند.

^۱. www.tehranitc.com

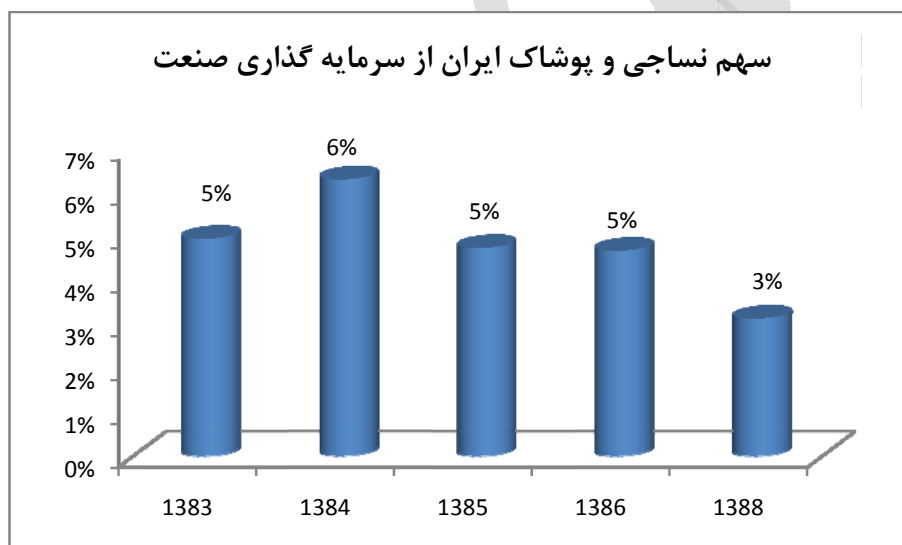
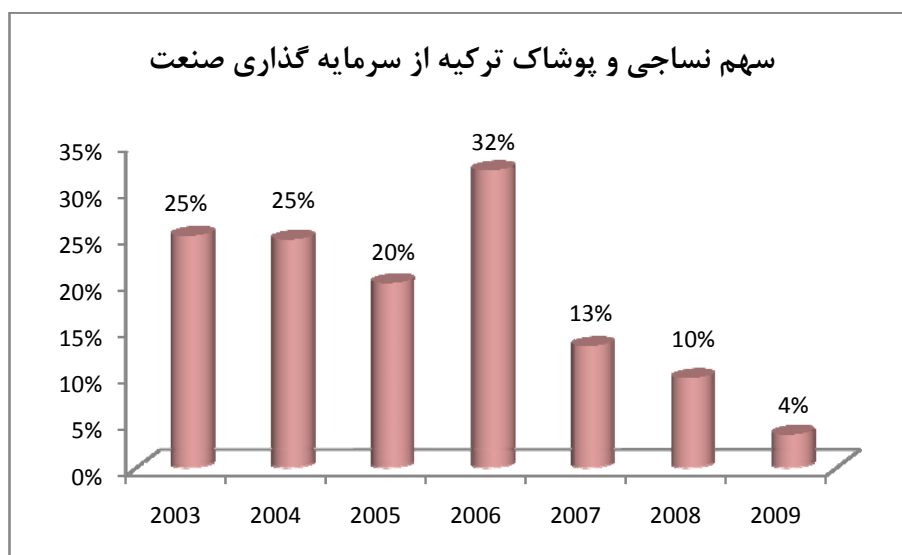
^۲. سایت سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی

^۳. turkstat

^۴. مرکز آمار ایران



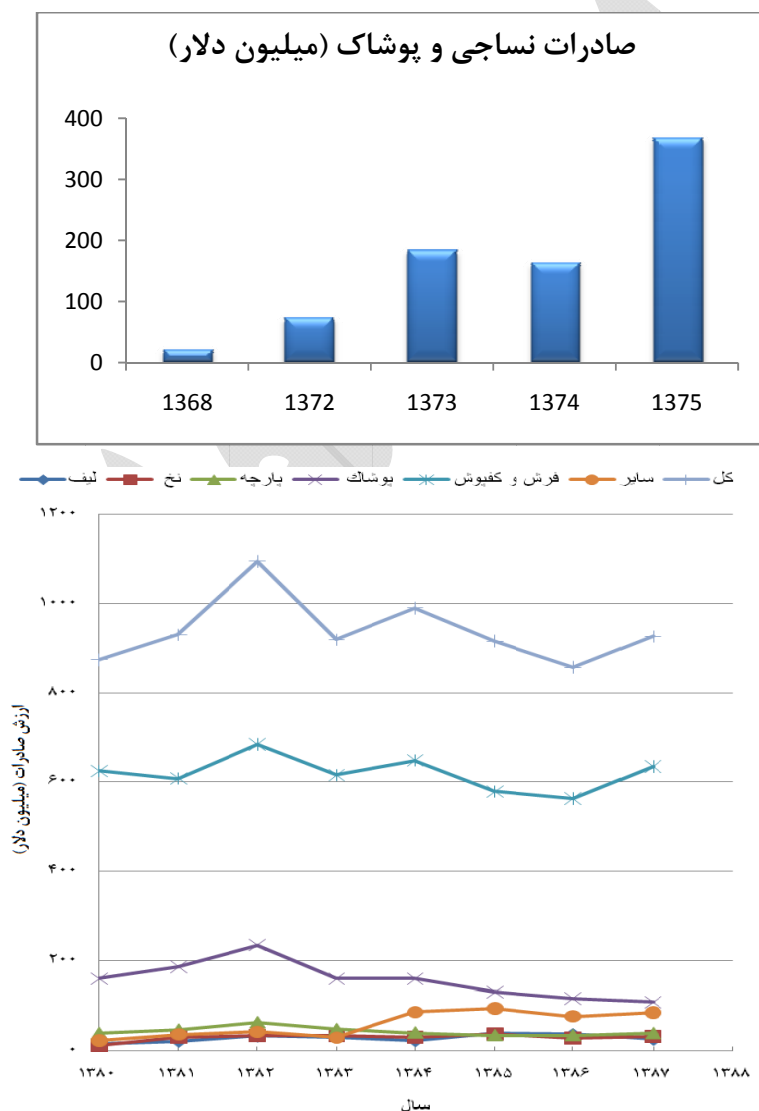
به منظور اینکه میزان سرمایه گذاری ایران و ترکیه در بخش نساجی و پوشاک در سالهای اخیر قابل قیاس باشد، لذا سهم سرمایه گذاری این بخش در کل سرمایه گذاری صنعت را محاسبه در نمودارهای زیر نمایش داده ایم.



همانطور که دو نمودار اخیر نمایش می‌دهند سهم صنعت نساجی و پوشاک ایران از سرمایه‌گذاری بخش صنعت در سالهای اخیر از ۶ درصد تجاوز نکرده‌است، ضمن اینکه میزان سرمایه‌گذاری در این بخش روندی نزولی داشته‌است. در کشور ترکیه میزان سرمایه‌گذاری در بخش نساجی و پوشاک در سال ۲۰۰۶ به رقمی معادل ۳۲ درصد رسیده‌است هرچند میزان سرمایه‌گذاری در این بخش از صنعت روندی شدیداً نزولی داشته‌است. گرچه بررسی سایر پارامترهای اقتصادی مربوط به صنعت نساجی و پوشاک ترکیه حاکی از رشد این صنعت است.

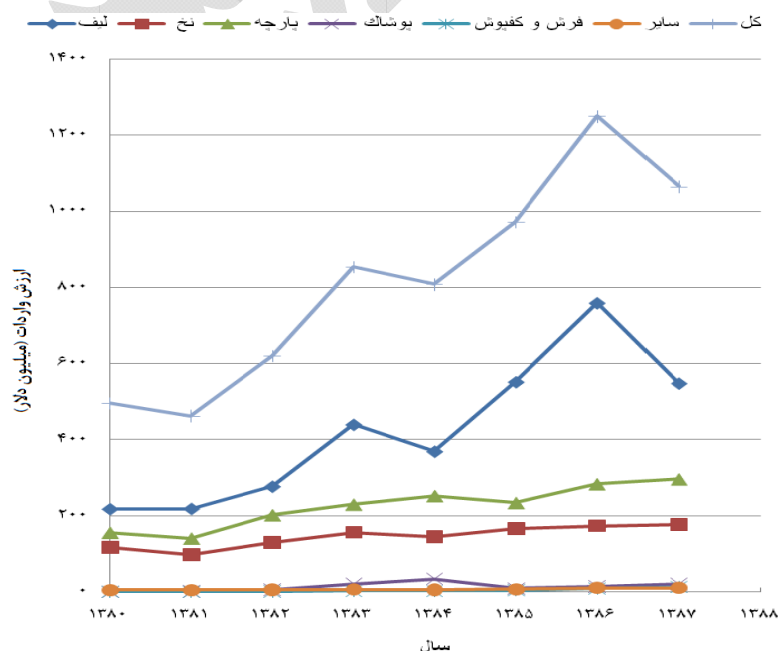
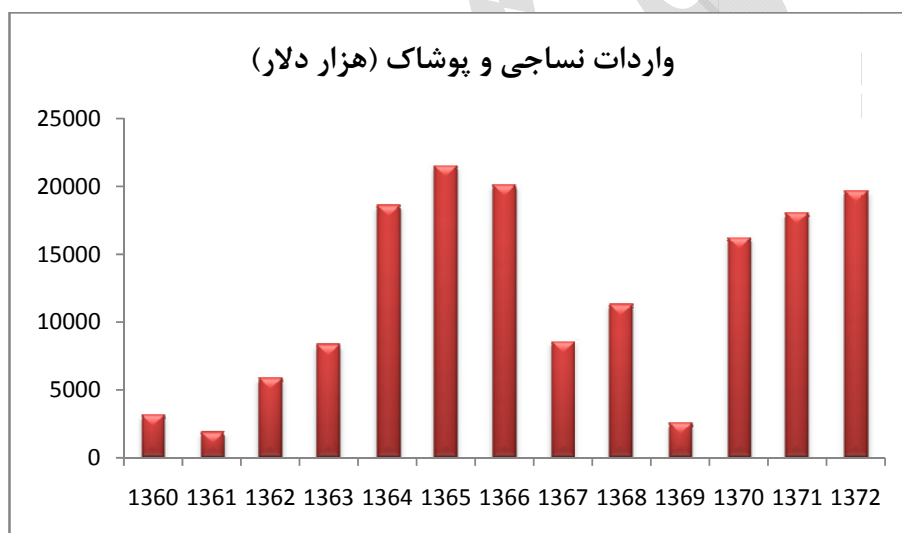
حجم صادرات و واردات در صنایع نساجی و پوشاک

به عقیده بسیاری از کارشناسان صنعتی موفق و پایدار خواهد بود که صادرات محور باشد. در حقیقت صادرات محور بودن یک صنعت علاوه بر اینکه نشان‌دهنده حجم تولید انبوه در آن صنعت است، بیانگر برابری کیفیت محصولات تولید آن صنعت با نمونه‌های خارجی و در نتیجه قدرت رقابت‌پذیری آن خواهد بود. از این‌رو بررسی حجم صادرات در صنعت نساجی و پوشاک می‌تواند در ارزیابی این صنعت در کشورهای ایران و ترکیه مؤثر باشد. در نمودارهای زیر حجم صادرات و واردات نساجی و پوشاک ایران^۱ را طی یک دوره مورد بررسی قرار خواهیم داد.

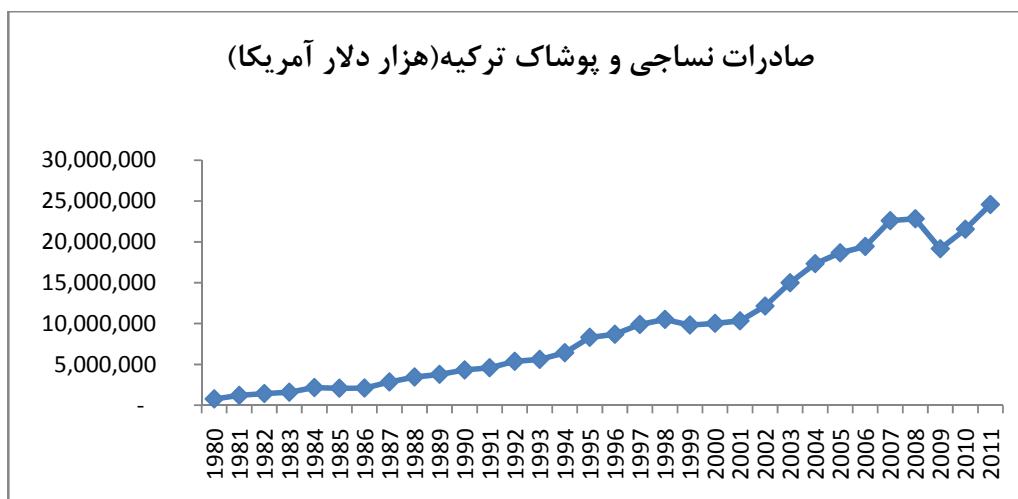


^۱. آمار وزارت صنایع (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵)، کانون هماهنگی دانشگاه و صنعت، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، روند تجارت خارجی منسوجات (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸)

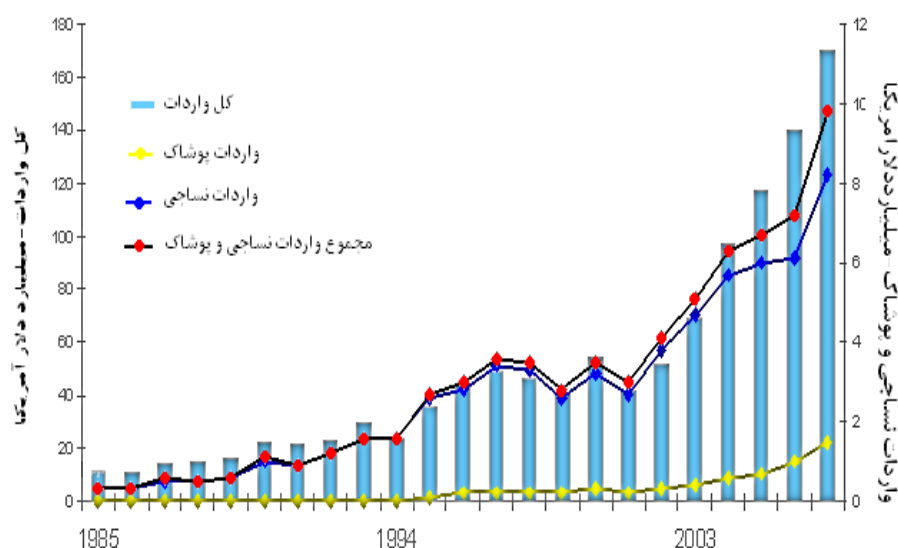
همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، صنعت نساجی و پوشاک ایران پیش از انقلاب اسلامی یکی از بزرگترین صنایع کشور محسوب می‌شد. اما پس از آن این صنعت به تدریج رو به افول گذاشت و متعاقباً صادرات صنعت نساجی و پوشاک دارای رشدی منفی بود و در سال ۱۳۶۰ به ۱۲.۶ میلیارد دلار رسید. در دوره جنگ متوسط صادرات نساجی و پوشاک کشور نسبت به متوسط سالهای پیش از جنگ بسیار کم است. پس از دوره جنگ صادرات صنعتی و در نتیجه صادرات نساجی و پوشاک قدری روند صعودی یافته و در سال ۱۳۷۳ به بیشترین مقدار خود رسیده‌است، اما مجدداً پس از آن روندی نزولی می‌یابد. در سالهای بعد میزان صادرات کالاهای نساجی با نوسانات بسیار زیاد مواجه شده و پس از یک دوره صعود از سال ۱۳۸۳ به بعد با افت بسیار شدیدی مواجه شده که تا سالهای اخیر نیز این روند نزولی ادامه یافته است.



همانطور که نمودارها نمایش می‌دهند میزان واردات نساجی و پوشاک در دوره‌های گوناگون به طور کلی روندی صعودی داشته‌است هرچند در برخی سالها همچون سالهای جنگ روندی کاهشی داشته‌است. اما نکته قابل توجه این است که از سیر صعودی واردات به کشور از سال ۱۳۸۱ بسیار شدیدتر شده‌است و تا سالهای اخیر نیز ادامه یافته‌است.



چنانچه مشاهده می‌شود میزان صادرات در صنعت نساجی و پوشاک ترکیه به ویژه در سالهای اخیر رشدی فزاینده و چشمگیر داشته‌است. هرچند بحران داخلی اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۰۱ منجر به کاهش صادرات و در نتیجه صادرات نساجی این کشور گردید. همچنین وقوع بحران اقتصادی در دنیا در سال ۲۰۰۹ نیز نتیجه‌ای مشابه را بر روی میزان صادرات نساجی و پوشاک این کشور داشته‌است.

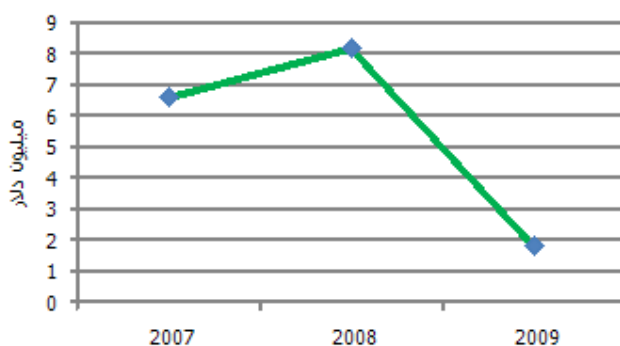


از نمودار می‌توان دریافت واردات کالاهای نساجی به کشور ترکیه به طور کلی دارای روندی صعودی است. در سال ۲۰۰۱ میزان واردات به ترکیه با شیب تندی روبه افزایش است و این افزایش تا سالهای اخیر نیز ادامه دارد. علت کاهش سال ۲۰۰۱ را می‌توان وقوع بحران داخلی در کشور ترکیه دانست که به طور کلی اقتصاد و نیز تجارت این کشور را تحت تأثیر خود قرار داد.

تجارت میان ایران و ترکیه

در سال ۲۰۱۱ کشور ترکیه در مجموع ۳،۵۹۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است و ۱۲،۴۶۱ میلیون دلار مجموع واردات به کشور ترکیه از ایران بوده است^۱. با وجود آنکه ایران و ترکیه از جمله کشورهای قدرتمند منطقه به حساب می‌آیند اما به طور حجم مبادلات بازرگانی این دو کشور رقم چشمگیری نیست. در سالهای اخیر روابط تجاری ایران و ترکیه روندی صعودی داشته و ایران یکی از مقاصد ترکیه برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. در مقابل ایران نیز در تلاش برای افزایش سهم خود در بازار ترکیه است.

نمودار زیر میزان صادرات ایران به ترکیه را در سالهای ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نمایش می‌دهد^۲.



از جمله صادرات صورت گرفته به ترکیه در گروه کالایی نساجی می‌توان به موارد ذکر شده در جدول زیر اشاره نمود^۳.

^۱. Turkstat

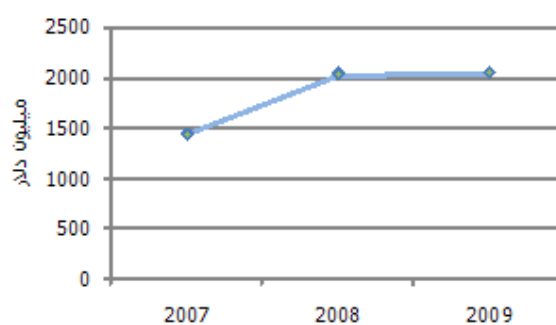
^۲. www.tehranitc.com

^۳. www.tehranitc.com

صادرات ایران به ترکیه (میلیون دلار)

گروه کالایی	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
نمد و پارچه‌های نبافته، نخهای ویژه، ریسمان و طناب	۸	۹	۶
رشته‌های سنتتیک یا مصنوعی	۲	۲	۳
پارچه کشباف و یا قلاب‌باف	۰/۲۰	۰/۰۶	۳
سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا	۵	۴	۳
فرش و دیگر کفپوش‌ها از مواد نسجی	۵	۴	۲
الیاف سنتتیک و یا مصنوعی غیر یکسره	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۶۶
پشم و موی نرم (کرک)	۱	۰/۸۲	۰/۶۱
پنبه	۰/۵۸	۰/۶۵	۰/۵۵
لباس و متفرعات لباس، غیر کشباف و یا غیر قلاب باف	۰/۲۱	۰/۴۸	۰/۴۰
لباس و متفرعات لباس، کشباف و قلاب باف	۰/۰۵	۰	۰/۰۲
پارچه‌های تاروپود باف مخصوص، پارچه‌های نسجی منگوله‌باف	۰/۳۰	۰/۵۲	۰/۳۱
پارچه‌های نسجی آغشته، اندوده، پوشانده و یا مطبق شده	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۷

در مقابل نمودار زیر میزان واردات ایران از ترکیه را در برخی سالهای منتخب نمایش می‌دهد^۱.



^۱. www.tehranitc.com

همچنین جدول زیر گویای واردات برخی زیرگروه‌های نساجی از کشور ترکیه به ایران است.^۱

(میلیون دلار)

گروه کالایی	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
رشته‌های سنتتیک یا مصنوعی	۳۵	۶۱	۷۹
الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیریکسره	۴۹	۶۲	۶۶
پارچه‌های تاروپودباف مخصوص و پارچه‌های نسجی منگوله باف	۴۶	۴۸	۳۰
سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا	۱۵	۱۲	۲۰
لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف و غیرقلاب باف	۳	۷	۱۷
فرش و دیگر کفپوش‌ها از مواد نسجی	۱۲	۱۸	۱۶
پارچه‌های نساجی اغشته، اندوده، پوشانده و یا مطبق شده	۱۲	۱۱	۱۰
لباس و متفرعات لباس، کشاف و قلاب‌باف	۰/۳	۳	۹
نمد و پارچه‌های نبافته، نخهای ویژه، ریسمان و طناب	۵	۵	۷
پشم و موی نرم (کرک)	۳	۸	۵
ابریشم	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۲
سایر الیاف نسجی نباتی، نخ کاغذی و پارچه‌های تاروپودباف از نخ کاغذی	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۰۷

همانگونه که داده‌های نمودارهای اخیر نشان می‌دهند واردات ترکیه از ایران در مقابل صادرات ترکیه به ایران رقمی ناچیز است. بنابراین تراز تجاری روابط بازرگانی ایران و ترکیه بیشتر به سود ترکیه است.

همچنین از بررسی جداول که نمایانگر صادرات و واردات گروه نساجی، میان دو کشور ایران و ترکیه هستند می‌توان دریافت که تجارت و روابط بازرگانی ایران و ترکیه در این بخش نیز بیشتر به سود کشور ترکیه بوده است. در حقیقت ایران تنها در برخی زیرشاخه‌های تعرفه‌ای همچون سوخت‌های معدنی و نفت خام جزو تأمین‌کنندگان اصلی کشور ترکیه به شمار می‌رود و علی‌رغم ظرفیت‌های

^۱. www.tehranitc.com

فراوان در دیگر زیرشاخه‌ها از جمله زیرشاخه‌های وابسته به صنعت نساجی، پوشاک و چرم نتوانسته جایگاه مناسبی را در بازار ترکیه بیابد.

ایران با شناخت مشکلات و موانع موجود در گسترش روابط تجاری با ترکیه و نیز شناخت نقاط ضعف و قوت دو کشور می‌تواند طی برنامه‌ای بلندمدت سهم خود را در بازار ترکیه افزایش دهد. از جمله مشکلاتی که بر سر راه گسترش روابط بازرگانی با ترکیه وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

- وجود مشکلات مالی در سیستم بانکی ایران
- عدم حمایت دولت ترکیه از بازرگانان ایرانی
- عدم تنوع در مبادلات تجاری دو کشور
- عدم وجود مرکز تجاری ایران در ترکیه جهت راهنمایی و ارائه خدمات اطلاعاتی و بازرگانی به تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی
- عدم شناخت سلیق و نیازهای بازار ترکیه
- کیفیت پایین جاده‌ها و کمبود راههای ترانزیتی بین دو کشور
- کمبود شعب بانکهای ایرانی در ترکیه

در مقابل موارد زیر را می‌توان از جمله نقاط قوت موجود برای گسترش روابط بازرگانی دو کشور توصیف نمود.

- نزدیکی دو کشور و در نتیجه امکان ترانزیت زمینی
- ارزان بودن ترانزیت زمینی میان دو کشور
- وجود بازارچه‌های مرزی
- وجود خطوط ریلی به هم پیوسته میان دو کشور
- وجود مناطق آزاد و ویژه تجاری در هر دو کشور

با توجه به موارد ذکر شده، با پرداختن به حل مشکلات موجود و نیز تکیه بر نقاط قوت روابط بازرگانی ایران و ترکیه، توسعه صادرات ایران به ترکیه امری دور از دسترس نخواهد بود.

جمع‌بندی بخش صنایع نساجی و پوشاک

از مقایسه مطالب موجود می‌توان دریافت، صنعت نساجی و پوشاک ایران دارای ظرفیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یکی از نخستین صنایع برتر کشور دارد. چنانچه پیش از این ذکر شد درحالی

که در حدود سه دهه پیش جایگاه صنعت نساجی و پوشاک در ایران و ترکیه تقریباً در یک رده بود و حتی در برخی مواقع صنعت نساجی و پوشاک ایران از ترکیه پیشی می‌گرفت در حال حاضر این صنعت جایگاه خود را در ایران از دست داده و برعکس در کشور ترکیه با رشدی فزاینده روبرو بوده است. برخی علت رشد این صنعت در کشور ترکیه را قیمتهای مناسب، هزینه تولید نسبتاً کم در مقایسه با بسیاری از کشورها به دلیل منابع فراوان مواد خام و همچنین کیفیت بالای محصولات عنوان می‌کنند. در سالهای اخیر رویکرد ترکیه در بخش نساجی و پوشاک به سمت افزایش تولید محصولات تمام‌شده بوده است. در حقیقت کشور ترکیه سعی داشته تا با انجام مراحل تکمیلی مناسب بر روی منسوجات و پوشاک میزان ارزش افزوده این تولیدات را افزایش دهند. همچنین ترکیه سعی دارد تا با انتخاب طراحی مناسب برای محصولات هم‌چون انواع فرش و کفپوشها و نیز انواع گوناگون پوشاک نظر بازار داخلی و نیز خارجی را به سوی خود جلب نماید.

یکی از دیگر مسائل مهمی که در کشور ترکیه به چشم می‌خورد تلاش این کشور برای هماهنگی با بازارهای بین‌المللی و جهانی است. عضویت ترکیه در پیمان‌نامه‌های بین‌المللی و اقتصادی گواهی بر این مدعاست. از جمله مهمترین پیمان‌نامه‌های بین‌المللی که ترکیه به آنها پیوسته است می‌توان به مواردی همچون سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل (عضویردایم)، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی گمرک، آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه، سازمان جهانی مالکیت فکری، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان همکاری‌های اقتصادی و بسیاری موارد دیگر اشاره نمود. موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد ترکیه با برخی کشورهای اروپایی و آسیایی و نیز بعضی موافقت‌نامه‌های ترجیحات تعرفه‌ای از جمله پیمان‌نامه‌های اقتصادی هستند که ترکیه به عضویت آنها درآمده است. بدون شک پیوستن به پیمان‌نامه‌های بین‌المللی نظیر آنچه ذکر شد می‌تواند به بهبود روابط تجاری ترکیه با دیگر کشورها و در نتیجه رشد صادرات و متعاقباً توسعه صنایع این کشور از جمله صنعت نساجی و پوشاک منجر شود.

در کشور ایران در کنار مزیت‌هایی همچون نیروی کار ماهر، هزینه انرژی کمتر و همچنین مواد خام با قیمتهای مناسب نسبت به بسیاری از کشورها، صنعت نساجی و پوشاک ایران با مشکلاتی اساسی روبرو است که در ادامه به بیان اجمالی آن خواهیم پرداخت.

مشکلات صنعت نساجی ایران

شاید بتوان نقطه اوج رونق صنایع کشور منجمله صنعت نساجی را دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس دانست. دوره‌ای که به دلیل بسته بودن مرزها تجارت کشور بسیار محدود شده بود و مردم

مجبور به استفاده از کالاهای داخلی بودند. در چنین شرایطی که هیچ رقیبی برای محصولات داخلی وجود نداشت و بازار در اختیار تولیدکنندگان داخلی بود، و همچنین از آنجا که عرضه کالاهای داخلی کفاف نیاز مردم را نمی‌داد، قیمت محصولات بسیار بالا بوده و حتی در مورد برخی کالاها بازار سیاه به وجود می‌آمد. در این دوره که صنعت نساجی کشور بطور کاذب پروتق جلو می‌نمود مدیران این صنعت را از اصلاح ساختارهایی همچون ساختار مالی غافل نمود.

در این دوران، باتوجه به بازار سیاهی که برای کالاهای مختلف در کشور به وجود آمده بود، دولت اقدام به تثبیت دستوری قیمت کالاهای درجه یک نمود. به همین دلیل تولیدکنندگان کالاهای خود را با کیفیت پایین‌تر درجه‌بندی می‌کردند تا مشمول قیمت‌گذاری دولتی نگردد و بتوانند با قیمتی بالاتر و از طریق مزایده آن را به فروش برسانند. این مسئله باعث شد تا دیگر تولید کالای با کیفیت جایی در برنامه‌های مدیریتی نداشته و تولید کالاهای بی‌کیفیت خود نوعی هدف تولید گردد.

از طرف دیگر از دوران جنگ تحمیلی تا پایان سال ۱۳۸۰، ارز در کشور به صورت دو یا چند نرخ وجود داشت. ارز دولتی با نرخ بسیار پایین‌تر از نرخ بازار در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گرفت بطوریکه این اختلاف گاهی تا ۱۰۰ درصد هم پیش می‌رفت. آن گروه از تولیدکنندگان و مدیران دولتی که رابطه مناسب‌تری با مسئولین مربوطه در وزارت صنایع و معادن یا دیگر مراکز تخصیص ارز دولتی را داشتند، از این ارزها بیشتر بهره‌مند می‌شدند و صد البته بیشتر سود نشان می‌دادند و موفق‌تر بودند. متأسفانه بخش اعظم این ارزها به افزایش تولید در کشور منجر نمی‌گردید و مستقیم یا غیرمستقیم در بازار و با نرخ بسیار بالاتر به فروش می‌رسیدند و سودهای کلانی را نصیب مدیران صنعتی می‌کردند. همین مدیران به دلیل سودهای بدست آورده، که مطلقاً به دلیل تولید صنعتی نبود، به خود می‌بالیدند و به مسائلی همچون کنترل کیفیت، کنترل ضایعات تولید، بهبود ساختارهای مالی، بهره‌وری کارخانه، استفاده بهینه از منابع موجود و مواردی از این قبیل توجه نداشتند و بدین ترتیب کارخانه‌هایی که به شدت بیمار و معیوب بودند به شدت سودده جلوه می‌نمودند.

از اواخر سال ۱۳۸۰ و به دنبال سیاست تک نرخ شدن ارز در کشور، چنین سودهای بادآورده‌ای از میان رفته و مشکلات صنعت بخصوص صنعت نساجی نمایان گردید. مدیران دولتی کارخانه‌های متضرر از این صنعت رخت بر بسته و این کارخانجات را با مشکلات خود رها کردند. سیاست واگذاری واحدهای صنعتی در حوزه نساجی به بخش خصوصی نیز از همین ایام و به همین دلیل اتخاذ گردید و از پیش هم معلوم بود که به شکست و تعطیلی واحدها منجر خواهد شد. حال این

کارخانجات می‌باید از محل تولیدات خود اداره شوند و سود دهند اما از آنجا که در طول سال‌های گذشته مطلقاً بر روی بهره‌وری، کیفیت تولیدات، تولید بهینه، اصلاح ساختارهای مالی و نیروی انسانی و نوسازی ماشین‌آلات و ... کار نشده بود، لذا بحران و مشکل بروز نمود و در واقع دوران طلایی صنایع نساجی خاتمه یافت و صنعت در بحران فرو رفت. البته در همان ایام نیز کارخانجاتی در بخش خصوصی وجود داشتند که از اصول مدیریتی و کیفیتی خود عدول ننموده و با استفاده از همین اصول توانستند به تولید خود تاکنون ادامه دهند.

نقاط قوت و ضعف در صنعت نساجی کشور

صنعت نساجی در طی سالهای اخیر دچار مشکلات و مسائل بسیاری بوده و روزهای سختی را می‌گذراند که البته عمده این ضعف متوجه کارخانجات دولتی می‌باشد، کارخانجاتی که به سبب داشتن تکنولوژی قدیمی و مستهلک، مدیران غیرصنعتی و انباشت نیروی کار ساختارهای بیمار مالی و تورم نیروی انسانی، بهره‌وری پایین و عدم توجه به بازار و کیفیت کالا با قیمت تمام شده بالا با مشکلات عمده‌ای مواجه شدند و در نهایت بسیاری از آنها تعطیل شده و از آنجا که در اذهان عمومی کاملاً شناخته شده بودند این ضعف به کل صنعت تسری پیدا کرد. تا حدی که اصطلاح بحران برای این مشکلات رایج شده و در اذهان عمومی و حتی اذهان مدیران و مسئولین تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز جا افتاده است. اطلاق کلمه بحران به وضعیت موجود به طور اتوماتیک اذهان را از انجام تلاش‌ها باز می‌دارد. مشکلاتی که در حال حاضر گریبانگیر این صنعت می‌باشند از دیدگاه های مختلف قابل طبقه‌بندی و بررسی می‌باشند.

با عنایت به این موضوع که بحران نیز در هر صنعتی جزء مسائل عادی مدیریتی به شمار می‌آید، گذر از بحران نیز از وظایف مدیران است و به هیچ وجه رسیدن به نقطه بحران، نقطه اتمام وظایف و تدابیر مدیریتی نیست بلکه دقیقاً برعکس نقطه شروع و شدت گرفتن تدابیر مدیریتی است. اساساً صنایعی در دنیا پایدارتر و قابلیت اطمینان بالایی دارند که از بحرانی که به هر دلیلی برایشان پیش آمده است عبور کرده و در کوره مشکلات آبدیده و روئین تن گشته‌اند. با تجزیه و تحلیل درست و منطقی از مشکلات گریبانگیر صنعت نساجی قسمت اعظمی از آنها به عنوان مشکلات عادی و مسائل روزمره مدیریتی پذیرفته می‌شوند و در مورد آن بخش از مشکلات نیز که واقعاً بتوان بحران نامید، میدان عمل برای هنرنمایی یک مدیر باز شده است. سکنداری یک صنعت در شرایط ایستا و ثابت و یا پارامترهای معین و مشخص در مورد مواد اولیه، فرآیند تولید، بازار و ... هنر نیست و اوج هنر مدیریت آنجاست که صنعتی را از میان امواج متلاطم تغییرات که منبع گریبان هر صنعتی را خواهد گرفت نجات داد.

نقاط قوت و ضعف صنعت نساجی و پوشاک کشور را می‌توان بطور خلاصه در سرفصل‌های زیر مرور کرد.

الف) نقاط قوت و مزیت‌های نسبی صنعت نساجی و پوشاک کشور

- سابقه چند هزارساله این صنعت در کشور
- مرغوبیت زمین و شرایط جوی برای تولید پنبه و وجود دانش کاشت این محصول استراتژیک در کشور
- ارزش افزوده بالا در بسیاری از تولیدات نهایی صنعت نساجی در مقابل صادرات مواد اولیه
- وجود منابع غنی نفت و گاز و تولید مواد اولیه الیاف و نخ مصنوعی مورد نیاز صنعت که با سیاست‌گذاری صحیح مزیت ویژه‌ای برای صنایع نساجی دربر خواهد داشت.
- ارزآوری صنعت نساجی
- تنوع محصول به ویژه برای صادرات علی‌الخصوص در زمینه کفپوش و فرش ماشینی
- اشتغالزایی بالا بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم و کاربر بودن صنایع پسین و پیشین همچون کشاورزی، دامپروری، پوشاک، پوست و چرم، کیف و کفش، فرش و موکت، پتو و منسوجات بی‌بافت
- پایین‌تر بودن هزینه سرمایه‌گذاری بمنظور ایجاد اشتغال برای هر نفر در صنعت نساجی در مقایسه با برخی دیگر از صنایع مانند صنایع خودروسازی و صنایع سنگین
- وجود بازارهای مصرف محلی، منطقه‌ای، اسلامی و بین‌المللی
- دسترسی به جمعیت ۴۰۰ میلیونی منطقه و بیش از یک میلیاردی کشورهای مسلمان
- وجود پتانسیل مناسب نیروی متخصص در کشور بالغ بر ۱۲ هزار فارغ التحصیل دانشگاهی، مواد اولیه، انرژی مناسب
- وجود اداره کل تخصصی در وزارت صنعت، معدن و تجارت
- وجود دانشگاه‌های معتبر برای تربیت مدیران، متخصصان و تکنسین‌های مورد نیاز این صنعت
- وجود تشکل‌های خصوصی و حرفه‌ای در این صنعت
- وجود نشریات علمی و تخصصی
- فرهنگ غنی و ذوق و سلیقه ایرانی در طراحی محصول برای کسب بازار

- مرغوبیت پوست گوسفندی ایران جهت فراوری و تولید محصولات چرمی
- (ب) نقاط ضعف و تهدیدهای صنعت نساجی و پوشاک کشور
- عدم ارتباط با بازارهای جهانی و وجود تحریم‌های بین‌المللی
- ضعف در قوانین و مقررات و اجرای ناقص آن‌ها (قوانین کار و تأمین اجتماعی، بخشنامه هیأت‌وزیران درخصوص اجبار به عرضه محصولات پتروشیمی در بورس کالا، قیمت‌گذاری تکلیفی محصولات پتروشیمی، قانون رفع موانع تولید و ...)
- عدم ثبات و هماهنگی بین سیاستهای اقتصادی کشور (تثبیت نرخ ارز و عدم پرداخت جوایز صادراتی، اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت تمام اجزای قیمت تمام شده محصولات و سیاست دولت مبنی بر عدم افزایش قیمت فروش واحدهای تولیدی و ...)
- سیستم ناکارآمد تأمین مالی و بانکداری
- عدم امکان گشایش اعتبار اسنادی و مشکلات نقل و انتقال ارز از طریق سیستم بانکی
- عدم وجود سیاست‌های پایدار و برنامه‌ریزی شده در خصوص مسائل ارزی
- نبود برنامه مدون برای توسعه صادرات صنایع نساجی
- بالا بودن نرخ بهره بانکی
- عدم شفافیت در قوانین و فقدان امنیت سرمایه گذاری
- ناکافی بودن حجم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در پروژه‌های صنعتی در حوزه صنایع نساجی
- پایین بودن بهره‌وری عوامل کلی و جزئی به خصوص در بنگاههای دولتی و وابسته به دولت
- وجود تعدادی از بنگاههای بزرگ قدیمی که زیانده هستند
- ضعف در مدیریت و عدم توجه به بازارهای رقابتی
- کیفیت پایین محصول و بالا بودن هزینه تمام شده محصولات
- رقابتی نبودن محصولات ایرانی با محصولات مشابه خارجی
- عدم وجود برند در بسیاری از کالاهای نساجی داخلی و عدم حمایت دولت از برندهای موجود
- ضعف در ساختار نیروی انسانی بنگاه‌ها
- ضعف در بازاریابی و فروش

- عدم توجه به مزیت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور
- وجود رقاباتی چون چین، هند، تایلند و... و از دست دادن بازارهای مصرف خارجی
- قاچاق و واردات بی‌رویه محصولات نساجی و پوشاک و همچنین کم‌اظهاری در بخش گمرک هنگام ورود کالا به داخل کشور و نبود گمرکات تخصصی نساجی
- صادرات پوست و چرم و محصولات نساجی قبل از تکمیل زنجیره ارزش
- وجود تعطیلات زیاد سالیانه و عدم استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده
- عدم توجه به مد و طراحی در تولید پوشاک
- نبود فرهنگ استفاده از کالاهای ایرانی با کیفیت

ارائه راهکارهای پیشنهادی اجرایی برای بهبود صنعت نساجی کشور

- با توجه به نقاط قوت و مزیت‌های نسبی و همچنین نقاط ضعف و تهدیدهای موجود برای صنایع نساجی و پوشاک کشور، راهکارهای زیر جهت خروج این صنعت از وضعیت فعلی و ایجاد جهش تولیدی و صادراتی برای آن پیشنهاد می‌گردد:
- تلاش برای لغو تحریم‌های اقتصادی و تنش زدایی بین‌المللی
 - واقعی کردن تدریجی و مدیریت شده نرخ ارز
 - الحاق به سازمان تجارت جهانی که برای این کار راهی به جز رقابت‌پذیر کردن محصولات وجود ندارد و با کاهش قیمت تمام شده و افزایش کیفیت محصولات می‌توان در این راستا حرکت نمود. هرچند که صنعت نساجی کشور در سال‌های اخیر بصورت یکجانبه و از طریق واردکنندگان غیررسمی کالا به کشور، به عضویت این سازمان درآمده است، لیکن فقط مضرات آن متوجه صنعت شده و تاکنون منافی از این بابت به صنعت نرسیده است.
 - تولید یا فراهم ساختن تسهیلات لازم برای دستیابی صنعت نساجی به مواد اولیه مرغوب با قیمت مناسب به منظور تولید محصولات با کیفیت مطلوب، از طریق حذف تعرفه‌های گمرکی بر سر راه واردات مواد خام و پنبه و ...
 - شفاف‌سازی اقتصادی و تأمین عدالت اطلاعاتی
 - جذب سرمایه‌گذاران خارجی به منظور توسعه و نوآوری در این صنعت و تسهیل ورود به بازارهای جهانی

- تامین امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاران و سهامداران واحدهای نساجی و سرمایه‌گذاری خارجی. در حال حاضر عمده سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی توسط بخش خصوصی انجام گرفته است و دولت تمایلی به انجام سرمایه‌گذاری در این صنعت ندارد که این خود نشان از جذابیت بالای صنعت برای بخش خصوصی دارد.

- جلوگیری جدی و همه جانبه از ورود کالای قاچاق به کشور، کم‌اظهاری در گمرکات و اعمال تعرفه‌های ضد دامپینگ.

- اعمال حق اصلاح ساختار نیروی انسانی برای مدیریت واحدها

- پرداخت تسهیلات بانکی بمنظور تامین سرمایه در گردش مورد نیاز

- توجه به مد، تنوع و نوگرایی در تولید پوشاک

- تدوین استراتژی صنعت نساجی در دفتر نساجی و پوشاک وزارت صنعت، معدن و تجارت و تسهیل زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

- واقعی نمودن جواز صادراتی به جبران سیاست تثبیت نرخ ارز برای واحدهای صنایع نساجی

- استفاده از منابع صندوق توسعه ملی جهت انجام سرمایه‌گذاری در بخش‌های مورد نیاز

جمع بندی

منسوجات و پوشاک پس از مواد غذایی در درجه دوم اولویت برای هر خانواده می‌باشد. با وجود اینکه صنعت نساجی از نظر اشتغال‌زایی پس از صنعت نفت قرار دارد ولی همچنان با مشکلاتی نظیر بهره بانکی، قاچاق کالا، عوارض سنگین، واردات بی‌رویه، کمبود نقدینگی و نحوه اجرای قانون نوسازی صنایع مواجه است با رشد جمعیت در کشور و نیاز انسان به پوشاک و برای جلوگیری از واردات غیر قانونی و در نتیجه خارج شدن ارز از کشور لازم است که در کشور به واحدهای نساجی بیشتر توجه شود.

در حال حاضر صنعت نساجی و پوشاک در جهان از موقعیت ممتازی برخوردار است. بهره‌مندی از فن‌آوری، طراحی، تنوع در تولید، تنوع‌طلبی مصرف‌کنندگان، تبلیغات، فرهنگسازی و فروش وسیع با ارزش‌افزوده قابل توجه، از مزایای صنایع نساجی است. آنچه مسلم است با توجه به ارزش‌افزوده این صنعت، اشتغال‌زایی و ارزآوری آن، ضرورت دارد که در ایران نسبت به افزایش توان رقابت در بازار جهانی محصولات نساجی، اقدامات ویژه‌ای صورت پذیرد. چرا که با وجود قدمت دیرینه صنعت نساجی ایران، سهم کشور در تجارت جهانی منسوجات و در صادرات جهانی ناچیز بوده است.

با وجود مزیت‌های نسبی فراوان در صنعت نساجی که می‌تواند به عنوان نقطه مثبتی در تأمین نیاز داخلی به منسوجات و پوشاک و دستیابی به بازارهای صادراتی و ارز آوری مناسب تلقی شود، اما متأسفانه درصد بسیار زیادی از نیاز کشور به محصولات نساجی از طریق قاچاق و واردات تأمین می‌شود که این موضوع هر سال میلیاردها دلار به اقتصاد ملی ضرر می‌زند. در حال حاضر حجم بالای محصولات نساجی قاچاق، عاملی برای عدم رقابت‌پذیری صنایع نساجی کشور محسوب می‌شود. کارشناسان و نمایندگان مجلس از واردات بی‌رویه کالا به کشور انتقاد کرده‌اند و آن را مانعی اساسی در جهت رشد تولید ملی دانسته‌اند. آنان در تحلیل‌های خود واردات اجناسی که هم اکنون مشابه آن در سطح کشور تولید می‌شود را یکی از موانع «کار مضاعف» در حوزه صنعت و تولید ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که واردات بی‌رویه از چالش‌های جدی برای کارآفرینی، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و توسعه صنعت در کشورمان به شمار می‌آید.

نساجی در ایران پیشینه‌ای چهار هزار ساله دارد و بیش از ۱۰۰ سال پیش، صنعتی شده است. در ایران مواد اولیه مورد نیاز این صنعت با کیفیت و به قیمت مناسب قابل تأمین می‌باشد و این یکی از مزیت‌های بزرگ برای این صنعت به شمار می‌رود. همچنین مهارت و تجربه تولید محصولات نساجی در کشور وجود دارد و صنعتگران آن نیز متخصص و ماهر هستند. در ایران تمام مزایای وجود صنعت نساجی موفق وجود دارد، **مشکل این صنعت بالا بودن قیمت تمام شده محصولات است** که با افزایش بهره‌وری در کشور بخشی از آن برطرف خواهد شد. البته لازم به ذکر است که افزایش بهره‌وری به تنهایی راه‌حل کاهش قیمت تمام‌شده محصولات صنایع نساجی کشور نبوده و موانع و مشکلات فراروی صنعت نساجی کشور بسیارند که می‌توان به عوارض متعدد دریافتی، تعطیلات زیاد سالیانه، تعرفه واردات مواد اولیه، بهره‌های بانکی، عملکرد ضعیف سازمان تأمین اجتماعی، بالا بودن سهم بیمه کارفرما و ده‌ها مورد دیگر نیز اشاره نمود.

هم اکنون ایران در صناعی سرمایه‌گذاری می‌کند که اقتصادی نیست، در صورتی که بهتر است صناعی در کشور حمایت شوند که دارای مزیت نسبی باشند، مانند صنایع پتروشیمی، صنایع غذایی، کاشی و سرامیک، مواد معدنی، برخی از رشته‌های نساجی و در این صورت شاهد افزایش اشتغالزایی و سودآوری در کشور خواهیم بود. در دو سال اخیر صنعت نساجی جهان متأثر از رکود اقتصادی بوده که این امر مشکلات عدیده‌ای از جمله کمبود فروش را برای واحدهای تولیدکننده به وجود آورده است. در این برهه زمانی کشور ما از تحریم‌های بین‌المللی نیز بی‌نصیب نبوده، علاوه بر آن قیمت تمام شده بالای محصولات و کمبود نقدینگی با شرایط جهانی در هم آمیخته و وضع نامطلوبی را برای صنایع نساجی کشور رقم زده است. در کنار این مسائل، بدهی صنعتکاران به بانکها

و غیر قابل رقابت بودن محصولات ایرانی با کالاهای خارجی نیز مزید بر علت شده که وضع این صنعت رو به افول بگذارد. چنانچه به طور جدی برای مشکلات این صنعت چاره اندیشی نشود، شرایط کنونی ادامه دار خواهد بود و چشم انداز مناسبی در آینده برای این صنعت تصور نمی‌شود.

با وجود حجم واردات به کشور از مبادی رسمی و غیر رسمی، صنایع نساجی هنوز به تولید ادامه می‌دهند و اگر اندکی مورد توجه قرار گیرند، به طور قطع می‌توانند رشد بالایی داشته باشند. مهم‌ترین مشکل صادرکنندگان محصولات صنایع نساجی کشور ثابت بودن نرخ ارز و بی‌توجهی به مابه‌التفاوت نرخ ارز و تورم است. لذا مسئولان باید به واحدهای صنعتی توجه کنند، زیرا این واحدها مشکل مدیریتی و تولید ندارند، مشکل آنها کمبود نقدینگی است که باید سرعت به واحدها تزریق شود. **تلاش در جهت کاهش قیمت تمام شده محصولات از جمله اقدام‌هایی است که باید به منظور**

ترویج خرید تولیدات داخلی صورت گیرد.

برخی از کارشناسان بر این باورند هنوز در زمینه مدسازی پوشاک و لباس عقب افتادگی‌های زیادی در کشور وجود دارد که اگر این عقب افتادگی‌ها جبران شود، سرانه مصرف محصولات نساجی و پوشاک نیز در کشور افزایش یافته و در نهایت به رونق بازار نساجان منجر خواهد شد. در این راستا به نظر می‌رسد صنایع نساجی و پوشاک حتی می‌توانند با استفاده از تجربیات طراحان موفق در عرصه بین‌الملل وضعیت خود را در زمینه مدسازی و نوآوری در تولید بهبود بخشیده و از این طریق ضمن ارتقای سهم خود در بازار داخلی در بازارهای صادراتی نیز موفق عمل کنند.

از سوی دیگر مصرف محصولات نساجی و پوشاک رابطه مستقیمی با درآمد سرانه مردم یک کشور و قدرت خرید آنها دارد. در این راستا پس از غذا، پوشاک نیاز اساسی مردم بوده و به همین دلیل بروز هرگونه تغییر در قدرت خرید مردم تأثیر زیادی روی بازار محصولات نساجی و پوشاک دارد. از این رو به نظر می‌رسد تولیدکنندگان با اتخاذ تمهیدات مناسب و البته زیر چتر حمایت‌های دولتی باید با ارزان‌سازی تولیدات خود زمینه ترغیب شهروندان را به مصرف کالای ایرانی که از کیفیت مناسبی نسبت به اجناس خارجی بویژه چینی برخوردارند، فراهم سازند. در این راستا جلوگیری از واردات بی‌رویه منسوجات در کنار نوسازی و حمایت از این صنعت پرآوازه و قدیمی می‌تواند به صنعت نساجی جانی دوباره ببخشد.

و در آخر ...

با وجود تمام مشکلات و محدودیت‌هایی که در راه تولید صنعت نساجی کشور وجود دارد، شاید بتوان عمده‌ترین آن‌ها را در قالب چند عنوان ذکر نمود. **مشکلاتی که شاید بتوان گفت با از میان رفتن آن‌ها، بیش از نیمی از مسائل این صنعت کهن در کشورمان برطرف خواهد شد.**

۱- **تأمین مواد اولیه مورد نیاز این صنعت از منابع داخلی و یا خارجی تسهیل گردد.** در این خصوص چنانچه امکان تولید این مواد از منابع داخلی وجود دارد، همچون گرانول پلی پروپیلن و چیپس پلی استر مورد نیاز جهت تولید الیاف مصنوعی، عرضه آنها به گونه‌ای صورت پذیرد که واحدهای مصرف‌کننده بتوانند به راحتی و در قالب قراردادهای دراز مدت و به دور از بازارهای سیاه آن را تأمین کنند؛ و چنانچه امکان تولید این مواد از منابع داخلی وجود نداشته و یا منابع داخلی جوابگوی تمامی نیاز کشور نمی‌باشند، همچون الیاف پنبه، امکان ورود این مواد به کشور با کمترین هزینه و محدودیت به وجود آید.

۲- **سرمایه در گردش صنایع مختلف به نحوی تأمین گردد** که این صنایع بتوانند از ظرفیت‌های خالی موجود و نصب شده خود استفاده نمایند. در این راستا، باتوجه به آنکه سرمایه‌گذاری ارزی قبلاً صورت گرفته است، تنها کافی است این واحدها شناسایی شده و با تخصیص منابع ریالی مربوطه جهت سرمایه در گردش، این ظرفیت‌ها به صورت کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرند. در این صورت با بالا رفتن حجم تولیدات داخلی، علاوه بر کاهش قیمت تمام شده، تولید ناخالص داخلی کشور نیز افزایش خواهد یافت. در این راستا، هرچه تولیدات کشور را به ظرفیت‌های اسمی نصب شده نزدیک‌تر کنیم، می‌توانیم از واردات بی‌رویه و غیر الزامی به کشور و خروج ارز از کشور جلوگیری نموده و در جهت خودکفایی هرچه بیشتر این صنعت گام برداریم.

۳- **مبارزه جدی و بی‌امان با حجم گسترده قاچاق و واردات بی‌رویه محصولات نساجی** شامل انواع پارچه و پوشاک که بالاترین سهم در قاچاق کشور را دارا می‌باشد. قاچاقچیان که با فرار از پرداخت هرگونه مالیات (مالیات بر ارزش افزوده و درآمد) و با بهره‌گیری از ارز ارزان قیمت همواره رقابت‌پذیری صنایع نساجی را به چالش کشیده و به تدریج به سهم خود از بازار محصولات نساجی افزوده و سهم بازار تولیدکنندگان نساجی را تصاحب نموده‌اند.

منابع

- ۱- سایت اینترنتی www.cia.gov
- ۲- World Bank
- ۳- وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، تیرماه ۱۳۸۸
- ۴- پنج دهه عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران، حمید زمان‌دار، دنیای اقتصاد، خرداد ۹۰
- ۵- سایت اینترنتی www.tradingeconomics.com
- ۶- سایت اینترنتی www.economywatch.com
- ۷- روزنامه دنیای اقتصاد- شماره ۹۳۲- بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۸۵
- ۸- روزنامه ایران- شماره ۳۷۷۳- هفتم آبان ماه ۱۳۸۶
- ۹- سازمان توسعه تجارت- گزارش کشوری ترکیه- تیرماه ۱۳۸۸
- ۱۰- تابناک، دی ماه ۱۳۹۰
- ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲- پارس آتی‌نگر، دی ماه ۱۳۹۰
- ۱۳- روزنامه دنیای اقتصاد- ششم اردیبهشت ماه ۱۳۸۶
- ۱۴- بازار خبر، دی ماه ۹۰
- ۱۵- گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی ایران
- ۱۶- Tax Composition and Growth in Turkey: An Empirical Analysis,
International Research Journal of Finance and Economics, ISSN ۱۴۵۰-۲۸۸۷
Issue ۵۹ (۲۰۱۰)
- ۱۷- روزنامه دنیای اقتصاد- شماره ۱۸۰۳- ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
- ۱۸- مهر پرس، دی ماه ۱۳۹۰
- ۱۹- جام‌جم آن‌لاین، دی ماه ۱۳۹۰
- ۲۰- تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۲۷ (www.sid.ir)
- ۲۱- اطلاعات مرکز آمار ایران
- ۲۲- اطلاعات گمرک جمهوری اسلامی ایران
- ۲۳- اطلاعات World Bank
- ۲۴- مجله تازه‌های اقتصاد شماره ۱۲۹

۲۶- Overview of the Turkish Textile and Apparel Industry, Harvard Center for Textile & Apparel Research -Turkish Textile Industry, General Secretariat of ITKIB

۲۷- www.invest.gov.tr

۲۸- An Evaluation on the Planned Development Period of Turkish Import Policy, International Journal of Humanities and Social Science, No. ۱۰; August ۲۰۱۱

۲۹- wto.org

۳۰- www.ittic.com

۳۱- تحلیل مقایسه ای بهره‌وری عوامل تولید در زیر بخشهای صنایع بزرگ ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۲، بهار ۸۷

۳۲- www.tcp.gov.tr, Export Promotion Center Of Turkey, ۲۰۱۱

۳۳- www.turkey-now.org

۳۴- www.emacon.ir

۳۵- www.nationsmaster.com

۳۶- THE WEST MEDITERRANEAN REGION OF TURKEY, MANUFACTURING INDUSTRIES, SECTORAL GUIDEBOOK 2010

۳۷- www.kisi.deu.edu.tr

۳۸- Turkstat

۳۹- www.designer.com

۴۰- www.investinwmr.org.tr